



## فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و سوم، دفتر دوم، تابستان ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۱۳۰

شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره  
و مطالعات آرشیمیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب‌امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد  
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیزی [greazizi@gmail.com](mailto:greazizi@gmail.com)

سردبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی [srezaei@alzahra.ac.ir](mailto:srezaei@alzahra.ac.ir)

### هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف‌آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، استاد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

مترجم: دکتر ساناز باغستانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

صفحه‌آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: [ganjineh.nlai.ir](http://ganjineh.nlai.ir)

پیام‌نگار: [ganjinehasnad@gmail.com](mailto:ganjinehasnad@gmail.com)

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

[www.ISC.gov.ir](http://www.ISC.gov.ir) | [www.sid.ir](http://www.sid.ir) | [www.ricest.ac.ir](http://www.ricest.ac.ir) | [www.researchgate.net](http://www.researchgate.net) | [Scholar.google.com](http://Scholar.google.com)



## فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۱۳۰

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸۰



### تحقیقات تاریخی

- عملکرد بلدیۀ تهران در حوزه ساخت و ساز شهری در بستر اقتدارگرایی و نظم مبتنی بر استبداد منور در دوره پهلوی اول / جعفر آقازاده، محسن پرویش
- ۶-۳۳(۲۸)
- قرنطینه و بیماری‌های مسری در کرمانشاهان (از زمان ناصرالدین شاه تا پایان دوره قاجار) / فریبرز منصوری، نظامعلی دهنوی
- ۳۴-۵۸(۲۵)
- نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تجار سلطان آباد از مشروطه تا پایان پهلوی اول / عبدالله متولی، مهدی جیریائی، محمد حسن بیگی
- ۶۰-۸۷(۲۸)
- ویژگی‌ها و مصارف موقوفات زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار / جمشید نوروزی، فرشید نوروزی، عباس عابدی
- ۸۸-۱۲۹(۴۲)

### مطالعات آرشیوی

- بررسی میزان اهمیت عناصر فراداده‌ای استاندارد ای‌بی‌یوکور برای سازمان‌دهی منابع و محتوا در آرشیوهای دیداری شنیداری / سیده سارا موسوی، علیرضا نوروزی، سپیده سیروس کبیری
- ۱۳۰-۱۵۷(۲۸)
- نشانه‌شناسی تم‌های ایرانی روز جهانی کودک ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ (با رویکرد نشانه‌شناسی پیرس) / شایسته کریمی ناصری مفرد، سید ابوتراب احمدپناه
- ۱۵۸-۱۸۷(۳۰)

## ترباط بببببب مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

## ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

## ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون‌متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- کمام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- استادوخ (estāduḫ): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- مُمّما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مُمّم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

## کوتنوشت‌ها



# The performance of Tehran municipality in the field of urban construction in the context of authoritarianism and order based on enlightened despotism

Jafar Aghazadeh<sup>1</sup> | Mohsen Parvish<sup>2</sup>

## Abstract:

**Purpose:** The purpose is to investigate the position of Tehran Municipality in the first Pahlavi period and identify the tools of urban construction expansion in light of authoritarianism.

**Method and Research Design:** Archival records and government reports were studied, analyzed and described using historical method.

**Findings and conclusions:** The results show that Reza Shah, aimed to expand urban construction, along with other elements, in light of modernism. Therefore, the implementation of the urban construction projects in light of the rules and regulations specified the necessity of the municipality even more. Reza Shah appointed a military person, Colonel Karim Bouzarjomehri, as the head of Tehran municipality, and he managed the urban affairs with his dictatorial attitude and policy. In this period, Tehran municipality started the process of assimilation based on the policy of centralization and attempted to modernize Tehran with authoritarian policies, omitting the old concepts and clearing up the Qajar's past. Consequently, Tehran was changed and its urban construction and streets were renewed and expanded. Naturally, some ancient monuments and cultural heritage were demolished while widening streets and sidewalks.

**Keywords:** Municipality/ Baladieh; Tehran; Urban Construction; Enlightened Despotism; The First Pahlavi.

**Citation:** Aghazadeh, J., & Parvish, M. (2023). The performance of Tehran municipality in the field of urban construction in the context of authoritarianism and order based on enlightened despotism (1300 to 1320). *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 6-33 | doi: 10.30484/ganj.2023.3062

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor of the History, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2. Assistant Professor, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, (Corresponding author)

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«130»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3062

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.2, Summer 2023 | pp: 6 - 33 (28) | Received: 1, Jul. 2022 | Accepted: 18, Dec. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

# عملکرد بلدیۀ تهران در حوزه ساخت و ساز شهری در بستر اقتدارگرایی و نظم مبتنی بر استبداد منور در دوره پهلوی اول

جعفر آقازاده<sup>۱</sup> | محسن پرویش<sup>۲</sup>

چکیده:

**هدف:** بررسی جایگاه بلدیۀ تهران در دوره پهلوی اول و شناسایی ابزارهای این حکومت برای گسترش ساخت و ساز شهری در پرتو اقتدارگرایی.

**روش / رویکرد پژوهش:** روش این پژوهش تحلیل تاریخی با رویکرد توصیفی و تحلیلی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و گزارش‌های دولتی است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** رضاشاه در راستای تجددگرایی جامعه، درصدد بود تا شهرسازی هم در کنار دیگر ارکان، به پیشرفت برسد و اجرای طرح‌های نوسازی شهری در پرتو قوانین و مقررات، وجود بلدیۀ را بیش از پیش ضروری می‌کرد. با انتصاب شخصی نظامی یعنی سرهنگ کریم بوزرجمهری به ریاست بلدیۀ تهران امور شهری با سیاستی آهنین و دیکتاتورمانانه اجرا شد. بلدیۀ تهران در این دوره براساس سیاست تمرکزگرایی به فرایند یکسان‌سازی اقدام کرد و به کمک سیاست‌های آمرانه، با حذف مفاهیم کهن و پاک‌سازی گذشته قاجاری، درصدد بود تا به تهران چهره‌ای نو و مدرن بدهد. از این رو در این دوره، شهر تهران به شکل عمده‌ای در عرصه نوسازی شهری و احداث خیابان دست‌خوش تغییر و تحول شد. البته با توسعه معابر و تعریض خیابان‌ها گاهی اوقات آثار باستانی و میراث فرهنگی هم تخریب می‌شدند.

**کلیدواژه‌ها:** بلدیۀ تهران؛ ساخت و ساز شهری؛ استبداد منور؛ پهلوی اول.

**استناد:** آقازاده، جعفر و پرویش، محسن. (۱۴۰۲). عملکرد بلدیۀ تهران در حوزه ساخت و ساز شهری

در بستر اقتدارگرایی و نظم مبتنی بر استبداد منور در دوره پهلوی اول. *گنجینه اسناد*، ۳۳ (۲)، ۶-۳۳

doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۶۲

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه محقق

اردبیل، اردبیل، ایران

aghazadeh@uma.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه محقق

اردبیل، اردبیل، ایران، (نویسنده مسئول)

mohsen.parvish@yahoo.com



## گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۶۲

نمایه در Google Scholar, Reserachgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۶-۳۳ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

استبداد منور یکی از اندیشه‌هایی بود که از سوی متفکران دوره رضاخان برجسته شد. این موضوع حاصل سرخوردگی‌ها و ناامنی‌هایی بود که از هم‌گسیختگی اجتماعی و سیاسی پس از مشروطه و به‌خصوص جنگ اول جهانی برای جامعه ایرانی به‌ارمغان آورده بود. در واقع ترویج این اندیشه از سوی منورالفکرها اشاره به ظهور قهرمانی برای عبور جامعه ایران از گذرگاه سخت بحران‌های اجتماعی و سیاسی بوده است. به همین دلیل است که برای حکومت رضاشاه از عباراتی همچون دولت مدرن و دیکتاتوری مصلح استفاده شده است. البته بین صاحب‌نظران تاریخ دوره پهلوی اطلاق حکومت مطلقه مدرن و دیکتاتوری مدرن به حکومت رضاشاه محل اختلاف است و برخی از محققان ویژگی استبداد منور را برای دوره صدارت امیرکبیر به کار برده‌اند؛ چنان‌که رابرت واتسون ماهیت حاکمیت امیرکبیر را «استبداد منور» تعبیر می‌کند (واتسن، ۱۳۵۶، ص ۳۵۷). این ویژگی بر حفظ سلطنت، اقتدار حکومت مرکزی و ضرورت تبدیل ساخت قدرت به ساختی در خدمت امنیت اجتماعی و رفاه عمومی تأکید دارد. به عقیده برخی از صاحب‌نظران، ساخت اقتدارگرایانه دولت پهلوی اول، با نوسازی شهری در مسیر رفاه عمومی و امنیت اجتماعی پیش رفته است. از نظر این روشن‌فکران نهادها و سازمان‌هایی برای انجام این انقلاب اجتماعی لازم بود که یکی از این نهادها بلدییه بود. به همین دلیل است که در عصر پهلوی اول تأکید فراوانی بر بلدییه شد و برای انجام اقدامات عمرانی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی افراد مقتدری همچون سرهنگ بوزرجمهری بر رأس این نهاد قرار گرفتند. اگرچه قانون بلدییه در سال ۱۲۸۶ ش در راستای تأمین منافع شهرها و رفع نیازهای شهرنشینان تصویب شده بود و توانسته بود یکسری اقدامات را در زمینه امور شهری انجام دهد، ولی این اقدامات با اهداف تأسیس انجمن بلدییه متناسب نبود؛ چراکه بحران مشروطه و چالش‌های آن در کنار کمبود بودجه و درآمدهای مالی بلدییه و ضعف عملکرد اعضای انجمن‌های بلدی فرصت را از اقدامات مؤثر و سازنده در امور شهرها گرفته بود. با تأسیس سلطنت پهلوی، دولت در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ قانون جدیدی را برای تشکیلات بلدییه تصویب کرد؛ بنابراین برای اولین بار تهران دارای شهردار شد و سرلشکر کریم‌آقاخان بوزرجمهری به سمت شهردار تهران انتخاب شد. در این دوره، شهر تهران به شکل عمده‌ای در عرصه نوسازی شهری و احداث خیابان دست‌خوش تغییر و تحول شد و با تعریض معابر و همچنین احداث خیابان‌های جدید -البته گاهی همراه با تخریب آثار باستانی و میراث فرهنگی- چارچوب جدیدی برای شهر تهران ایجاد شد. علاوه بر این بلدییه تهران، به امور دیگری نظیر بازسازی خطوط روشنایی برق خیابان‌ها، و رسیدگی به تظلمات





شهری و امور بهداشتی شهر نیز می‌پرداخت.

مقاله حاضر درصدد است تا به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد:

۱- علت تأکید بر بلدیۀ در دورۀ پهلوی اول چه بوده‌است؟

۲- اقدامات بوزرجمهری در بلدیۀ تهران چه نسبتی با نظریۀ استبداد منور داشته‌است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که تاکنون درباره بلدیۀ انجام شده‌است، می‌توان به مقاله حجت فلاح توت‌کار و محمد بی‌طرفان با عنوان «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیۀ تهران در دورۀ اول مجلس ملی» اشاره کرد (فلاح توت‌کار و بی‌طرفان، ۱۳۹۰). همان‌طور که از عنوان این مقاله برمی‌آید این پژوهش به دورۀ مشروطه اختصاص دارد. شهرام یوسفی فر و زهره شیرین‌بخش هم در مقاله‌ای با عنوان «بلدیۀ و اصناف: چالش‌های مدیریت شهری نوین در دورۀ پهلوی اول» با تمرکز بر اسناد کمیسیون عرایض مجلس به دنبال آن بوده‌اند تا علل مشکلات اصناف با بلدیۀ‌های عصر پهلوی اول را نشان دهند (یوسفی فر و شیرین‌بخش، ۱۳۹۸). مهدی وزینی افضل هم در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های نوگرایانۀ دولت پهلوی در ساختار شهری و تأثیر آن بر بافت تاریخی بین سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۴۰ ش (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)» اقدامات دولت پهلوی در توسعه فیزیکی بافت تاریخی شهر یزد را با استفاده از اسناد تاریخی بررسی کرده‌است (وزینی افضل، ۱۳۹۸). حسین آبادیان در مقاله «نظریه‌پردازان استبداد منور...» ضمن تأملی در دیدگاه‌های سیاسی علی دشتی و مرتضی مشفق کاظمی موضوع استبداد منور و شاخصه‌های آن در دورۀ تاریخ معاصر ایران را به‌خوبی به‌تصویر کشیده‌است. ولی تاکنون پژوهشی منسجم و مستقل مبتنی بر عملکرد بلدیۀ تهران در زمینۀ ساخت‌وساز و فضاهای شهری در عصر پهلوی اول انجام نشده‌است.

## ۳. ایده سلطنت مطلقه یا تأسیس دولت مقتدر مدرن

انقلاب مشروطیت ایران اهدافی متفاوت و گوناگون را دنبال می‌کرد که بخشی از این اهداف در قالب حکومت قانون، آزادی و ازبین‌بردن قدرت مطلقۀ نظام فئودالی تداعی پیدا می‌کرد و بخشی دیگر از این اهداف و خواسته‌ها استقلال سیاسی درمقابل بیگانگانی همچون روسیه و انگلیس بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۸۶). بعد از بحران‌هایی که جامعه ایران پس از مشروطیت و جنگ جهانی اول با آن روبه‌رو شده بود، مشارکت مدنی - که به‌عنوان اصلی در انقلاب مشروطه مطرح بود - اکنون محلی از اعراب نداشت و متغیرها و



الویت‌های جامعه هم تغییر کرده بود و اکنون استبداد منور به‌عنوان نظریه‌ای جای خود را در ادبیات سیاسی این عصر باز کرده بود. روشن‌فکران ایرانی راه جبران عقب‌ماندگی و مقابله با بحران‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از دخالت کشورهای بیگانه و شورش‌های داخلی و ناآرامی‌های ایالات و ولایات (کسروی، ۱۳۵۷، ص ۱۴۸) و بی‌ثباتی سیاسی کشور به‌دلیل تغییر سریع کابینه‌های متعدد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۸۲) را در روی کارآمدن دولتی مقتدر یا همان استبداد منور می‌دانستند تا بار دیگر عظمت و شکوه باستانی ایرانی را بازیابد. از سوی دیگر دولت مقتدر می‌توانست فضا و بستر را برای پیشرفت و نوسازی و به‌عبارتی تجدد آماده کند. از اولین نظریه‌پردازان این حکومت می‌توان به سیدحسین تقی‌زاده، میرزا ابوطالب شیروانی و علی دشتی اشاره کرد. سیدحسین تقی‌زاده در مجله‌کاوّه انتقادات فراوانی به دولت‌مردان ایرانی داشت و از آن‌ها به‌عنوان ریشه‌ معضلات کشور یاد می‌کرد. تقی‌زاده عامل اصلی توسعه‌نیافتگی و ریشه‌ نابه‌سامانی کشور در همه ابعاد را دولت‌مردان قاجار می‌دانست. تقی‌زاده تنها راه‌حل ایران برای خروج از بن‌بست موجود را قدم گذاشتن در تمدن جدید عنوان می‌کرد؛ آن‌هم به‌گونه‌ای که «ایران باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود» (کاوّه، ۱۹۲۱، ص ۴). اگرچه تقی‌زاده به تمدن غربی اعتقاد فراوانی داشت، ولی نجات حقیقی کشور را به اصلاحات داخلی منوط می‌دانست. از نظر تقی‌زاده تعلیم عمومی اولین اساس «بنای کشتی نجات» بود (کاوّه، ۱۲۹۰، ص ۲). تقی‌زاده ضمن اینکه انقلاب مشروطه را انقلابی ناقص می‌نامید، معتقد بود برای تغییرات زیربنایی و اصلاحات، کشور «نیازمند اداره استبدادی خوب ترقی‌طلب و تمدن‌دوست است که فرنگی‌ها آن را «استبداد منور» می‌گویند»؛ همانند پتر کبیر در روسیه یا میکادو<sup>۱</sup> در ژاپن و یا بیسمارک<sup>۲</sup> در آلمان (کاوّه، ۱۲۹۶، ص ۳). استبداد منور در منظومه فکری سیدحسین تقی‌زاده اهمیت زیادی داشت؛ به‌طوری‌که تقی‌زاده عنوان می‌کرد که «اخلاق ملی ایرانیان به‌حدی فاسد شده [است] که یا چنگیز باید ظهور کند تا مردم ایران را قتل‌عام سازد یا کوه دماوند آتش‌فشان کند و این مردم را نابود سازد» (کاوّه، ۱۳۳۸، ص ۶). علی دشتی هم همانند تقی‌زاده به تمدن اروپایی توجه خاصی داشت. دشتی می‌گفت که ایرانیان برای رسیدن به تمدن‌های دیگر باید خود را هم‌رنگ محیط اجتماعی دنیا کنند؛ یعنی مقتضیات آینده دنیا را دریابند و خود را به آن مجهز کنند (شفق‌سرخ، س ۲، ش ۷۱، سه‌شنبه ۴ صفر ۱۳۴۱، ص ۲). علی دشتی راه رسیدن به جنبه‌های روحی را فقط در انقلاب معارف می‌دانست (شفق‌سرخ، ش ۲۷۳، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳، ص ۳)؛ انقلابی که بتواند سبب اصلاحی اساسی در روحیه و طرز زندگانی ایرانیان در عرصه‌های علمی و ادبی شود. دشتی ضمن اعتقاد به ازبین‌بردن علوم سنتی می‌گفت که «یک تندباد انقلاب باید بر پیکره

1. Mikado

2. Leopold von Bismarck



این بنای لرزان حمله کند و آن را از پای درآورده و بر روی آن بنای مشید<sup>۱</sup> جدیدی مطابق حوایج عصریة ایران بنا نماید» (شفق سرخ، س ۳، ش ۲۷۴، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳، ص ۳). با این اوصاف اگر انقلاب معارف مدنظر دشتی را بتوان معادل انقلاب فرهنگی گرفت، چگونه دشتی و هم‌فکرانش رضاخان را برای اجرای این انقلاب فردی مناسب می‌دانستند؟! در پاسخ به این پرسش باید گفت که آنان فقط می‌خواستند بستر و زمینه به‌قدرت‌رسیدن رضاخان را فراهم کنند؛ در واقع «می‌خواستند تیغ تیز دیگری در دست قزاق مست قرار دهند تا هرکه را مخالف منویات خود تشخیص داد، از حیز انتفاع ساقط کند. گرایش غالب نخبگان این زمان که در وجود قزاق، احیاگری مثل بیسمارک و میجی<sup>۲</sup> می‌دیدند این را به‌خوبی نشان می‌داد» (آبادیان، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). البته علی دشتی در مقاله‌های ابتدایی شفق سرخ و به‌ویژه در مقاله ۱۶ فروردین ۱۳۰۱ش به‌شدت از رویه‌های غیرقانونی سردار سپه انتقاد می‌کند (شفق سرخ، ش ۱۰، چهارشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۴۰، ص ۱). ولی بعد از مدت کوتاهی رویه‌اش را تغییر می‌دهد و حکومت مقتدر مرکزی را نیاز فوری جامعه ایران می‌داند. شفق سرخ در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۰۳ش به‌قلم عبدالرحمن فرامرزی مقاله‌ای با عنوان «راه اصلاح» می‌نویسد که از نظر او، برای رسیدن به پیشرفت و اصلاح جامعه باید تمامی عوامل داخلی همانند مجلس شورای ملی، دوایر دولتی و مجامع سیاسی را از وجود اشخاص خائن پاک کرد؛ چراکه این‌ها کسانی هستند که بازیچه دست عوامل خارجی و پشتیبان ملوک‌الطوایفی هستند و اجازه نمی‌دهند تا اصلاحات در جامعه انجام شود. از این رو شفق سرخ دو راه حل ارائه می‌دهد که ابتدا باید «موریانه‌های اجتماعی» را که به هر نحوی از سیاست کنار نمی‌روند و بر گردن مردم سوار شده‌اند و اصلاح مملکت را مَنافی زندگانی خود می‌دانند پاک کنند و دومی درهم‌شکستن رژیم و حکومت ملوک‌الطوایفی و «تمرکز دادن به قوای دولت» به‌طوری‌که در برابر دولت مرکزی هیچ سرجنابانی موجود نباشد (شفق سرخ، ش ۲۹۹، ۹ بهمن ۱۳۰۳ش، ص ۳)؛ مسئله‌ای که پیشتر ابوطالب شیروانی هم به آن پرداخته بود (میهن، س ۲، ش ۴۸-۴۹، جمعه ۲۰ فروردین ۱۲۹۹ش، ص ۳). در این بین نامه فرنگستان از همه نشریات دیگر افراطی‌تر بود. این مجله در شماره نخست خود مقاله‌ای تحت عنوان «انقلاب اجتماعی» با عنوان‌های فرعی «عدم امکان انقلاب با اوضاع فعلی»، «لزوم ظهور دیکتاتور»، «دیکتاتور عالم جدی» چاپ کرد که تنها راه خروج ایران از بحران را «حکومت مطلقه دیکتاتوری» می‌دانست. از دیدگاه نامه فرنگستان این فرد نمی‌توانست آخوند، کاسب و بازاری باشد؛ بلکه باید فردی باشد که جدیت و علم داشته باشد و در این راه موسولینی را مثال می‌زند که ظاهراً به پارلمان اعتقاد دارد، ولی در موقع لزوم با تهدید کردن اکثریت، لوائح پیشنهادی خود را تهیه می‌کند و

۱. مشید masid: استوار؛ مرتفع؛ محکم.

2. Meiji



به تصویب می‌رساند. از نظر این نشریه ایران به این چنین دیکتاتوری نیاز دارد. از نظر نامه فرنگستان انقلاب مشروطیت انقلابی ناقص بود که مردم بدون این که بفهمند قدم در آن میدان گذاشته بودند. این نشریه صریحاً اعلام می‌کند باید به دنبال «دیکتاتور عالم» بود. او معتقد بود اگر می‌خواهید انقلاب کنید و طعم آزادی را بچشید، باید دیکتاتور عالم تولید کنید؛ دیکتاتور عالم، دیکتاتور ایدئال‌دار است که با هر قدم خود چندین سال سیر تکامل را به جلو ببرد؛ بنابراین از نظر این مجله فقط در تحت عنوان حکومت مطلقه دیکتاتوری می‌توان همه چیز را تحمل کرد (نامه فرنگستان، ش ۱، پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۳ ش، صص ۸-۱۱). از نظر نامه فرنگستان برای انقلاب ادبی و خارج کردن ایران از انحطاط سریع باید به دیکتاتور صاحب آرمان و استبداد منور روی آورد تا مردم را به پذیرش فرهنگ جدید مجبور کند (آبادیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). در بستر چنین فضایی انگیزه‌های قوی برای ایجاد دولت مقتدر ایجاد می‌شود و دشتی و تمامی هم‌فکرانش، از حکومت مقتدر مرکزی به‌عنوان راه نجات کشور یاد می‌کنند. این تمرکزگرایی، در نوسازی شهری و معماری دوره رضاشاه هم تأثیر می‌گذارد و رابطه زیادی بین استبداد منور و نوسازی شهری در این دوره وجود دارد. در واقع رضاشاه در کنار تجددگرایی جامعه در صدد بود تا شهرسازی هم در کنار دیگر ارکان به پیشرفت برسد و اجرای طرح‌های نوسازی شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری وجود بلدیة را بیش از پیش ضروری می‌کرد. به همین دلیل اهتمام و تلاش حکومت پهلوی اول در عرصه‌های مختلف به‌ویژه نوسازی شهری و تغییرات اجتماعی شهر تهران از همان ابتدای این حکومت هویدا بود. با انتصاب شخصی نظامی یعنی سرهنگ کریم بوزرجمهری به ریاست بلدیة تهران، امور شهری با سیاستی آهنین و دیکتاتورمآبانه اجرا می‌شد. چنان‌که در سال‌های بین ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۶ ش بسیاری از دروازه‌های قدیمی با هدف حذف نشانه‌های دوران سلطنت قاجار و پیاده‌سازی الگوی شهرسازی غربی از بین رفتند و به‌جای آن دروازه‌ها و زمین‌های اطراف آن‌ها محلات جدید ایجاد شد. ایجاد خیابان‌های جدید و توسعه خیابان‌های قدیم از نظر بسیاری از نویسندگان این دوره جز با دیکتاتوری دوره رضاشاه امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین بین شهرسازی و معماری با ساخت و ماهیت سیاسی دوره رضاشاه کاملاً ارتباط مستقیمی وجود دارد. گسترش خیابان‌ها ممکن بود خانه‌های اعیان، خانه‌های بی‌سرپرستان، مساجد یا مدارس را تخریب کند و «همین که [بنایی] داخل خط فرضی خیابان واقع می‌شد به خرابی مبتلا می‌گردید و به هر کیفیتی که بود مقصود که گشایش خیابان تازه، یا وسعت دادن خیابان سابق باشد حاصل می‌گشت» (مستوفی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲). خانه‌هایی که از این‌به‌بعد ساخته می‌شد حتماً باید با اسلوب و نقشه بلدیة اجرا می‌شد. حتی اگر در محله‌های پایین شهر تهران هم

خانه‌ای خراب و ساختمانی جدید جایگزین آن می‌شد، باید اسلوب جدید را رعایت می‌کرد. در این دوره حداقل مصالح ساختمان‌ها آجر و گچ بود و کمتر بنای تازه‌ای دیده می‌شد که بام آن کاه‌گلی باشد. در داخل ابنیه هم لوله‌کشی آب و برق از ضروریات زندگی بود و تمام این بهبودی‌ها در زندگانی شخصی مرهون همین اقدامات رضاشاه پهلوی بود (مستوفی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲). از سوی دیگر برطبق اعلان بلدیة هر ساختمانی باید زیر نظر مهندس رسمی بلدیة ساخته می‌شد و از سال ۱۳۰۷ به بعد دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌ای از سوی بلدیة اعمال شد (مجله بلدیة، س ۳، ش ۲، آبان ۱۳۰۷، ص ۱۶).

#### ۴. پایه‌های شکل‌گیری شهرسازی نوین

برای فهم بهتر عملکرد بلدیة درزمینة ساخت‌وساز شهری در بستر اقتدارگرایی و نظم مبتنی بر استبداد منور، ابتدا بایستی روشن شود که بافت شهری و نوسازی‌های دوره قاجار چگونه با نظم سیاسی پراکنده و غیرمرتبط عصر قاجار پیوند داشت و ثانیاً نظم سیاسی دموکراتیک دولت‌های مدرن چه ویژگی‌هایی در حوزه بافت شهری و ساخت‌وسازهای مدرن شهری ایجاد می‌کند تا بتوان ویژگی خاص اقتدارگرایی پهلوی را در این حوزه دریافت. ایران در دوران قاجار به دلیل درگیری با سیاست‌های استعماری، خواه‌ناخواه به پهنه بازی‌های سیاست جهانی گام گذاشت و همین موضوع زمینه‌ای را برای تغییر و تحول تدریجی در ابعاد مختلف به وجود آورد. همین عامل سبب شد تا نخبگان ایرانی به فکر دولتی مدرن به عنوان پیش شرط توسعه بیفتند. نظام سیاسی ایران در عصر قاجار بر مبنای تکتک و پراکندگی قدرت استوار شده بود. در واقع گروه‌های قدرت بی‌شماری از جمله ایلات، علما، تیول‌داران و ... وجود داشتند و حکومت مرکزی قادر نبود به صورت یک‌جانبه قدرت‌ش را اعمال کند (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۴۳). این گروه‌های قدرت خودشان را از حکومت مرکزی بی‌نیاز می‌دانستند (فلور، ۱۳۶۶، صص ۲۷۶-۲۷۷). از این رو دولت قاجار چاره‌ای نداشت جز اینکه این قدرت‌های خودمختار و نظام نامتمرکز را بپذیرد. این نبود تمرکز، در شهرسازی دوره قاجار هم تأثیر گذاشته بود؛ به طوری که اگر میان دوره صفوی به عنوان دولتی متمرکز و اقتدارگرا با دوره قاجار با نظمی پراکنده مقایسه‌ای شود مشاهده می‌شود که در دوره قاجار از آن شهرسازی حکومتی از جمله ساخت میدان‌ها همانند میدان نقش جهان، باغ‌ها و مساجد بزرگ خبری نیست؛ بلکه شهرسازی در این دوره بر مبنای محله و نقش نهادهای مردمی قرار دارد و در همه نقشه‌های شهرها در دوره قاجار این موضوع دیده می‌شود (کیانی، ۱۳۶۶، ص ۷۴). این خصیصه حتی در دوره آقامحمدخان قاجار هم که به دنبال نظم سیاسی و ایجاد تمرکز بود وجود داشت. شهرهای



ایران در دوره قاجار از قالبی هماهنگ و متحدالشکل برخوردار نبود و به صورت نامنظم ساخته می شد (هالینگبری، ۱۳۶۳، ص ۷۹). نظم سیاسی دموکراتیک دولت های مدرن سبب ویژگی هایی در حوزه بافت شهری و ساخت و سازهای مدرن شهری می شود که می توان آن را در شهرسازی دوره پهلوی هم مشاهده کرد. نمود عینی این موضوع را می توان در خیابان سازی گسترده به عنوان مظهر تجدد مشاهده کرد. رضاشاه بلافاصله بعد از رسیدن به سلطنت تصمیم گرفت تجدد و نوسازی را با وجود واکنش های مخالفان، به هر قیمتی و با سرعت زیاد طی کند. مسئولیت این تجدد و نوسازی در حوزه ساخت و ساز شهری برعهده بلدیۀ تهران بود. از زمانی که قانون بلدیۀ در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ ش در مجلس شورای ملی به تصویب رسید، زمینه برای مداخله در بافت های کهن شهری هم فراهم شد. با اجرای این قانون، شالوده کهن ارتباطات ازبین می رود، سازمان محله ای به آسیب جدی دچار می شود و بازار به عنوان ستون فقرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی شهر در مقابل حضور قوی خیابان و انتقال بخش عمده ای از فعالیت های اقتصادی به کناره های آن، برای همیشه رنگ می بازد. اگر در گذشته تقسیمات شهری را لبه های اجتماعی-فرهنگی و ذهنی سازمان می دانستند، از این پس تقسیمات شهری با لبه های اقتصادی-سیاسی و عینی شکل می یابند (حبیبی، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۳۰). حکومت رضاشاه در راستای سیاست تمرکزگرایی و تلاش برای جامعه ای مدرن اقداماتی را در شهرسازی و فضاهای شهری تهران انجام داد. در واقع نوسازی شهری در دوره رضاشاه به عنوان ضرورت و اولویت مطرح شد. به همین دلیل با انتخاب افرادی با صبغه نظامی در رأس بلدیۀ همانند کریم بوزرجمهری اقداماتی در جهت روشنایی خیابان ها، توسعه معابر، توسعه و ایجاد خیابان های جدید و هم چنین وضع قوانینی در راستای به سازی شهری انجام شد. از آنجاکه در دوره قاجار وضع خیابان ها و کوچه ها تعریف چندانی نداشت، سازمان دهی این امر در دوره پهلوی ضرورت بیشتری پیدا کرده بود؛ ولی آنچه این نیاز را دوچندان می کرد ساخت قدرت حکومت پهلوی بود. در واقع ساخت قدرت پهلوی مبتنی بر دولتی مطلقه یا دولتی مقتدر بود که نوسازی شهری آن هم شکل و ساختار جدیدی از شهر را طلب می کرد.

در دوره رضاشاه، تغییرات زیادی در ساختار شهری تهران ایجاد شد. رضاشاه با تأکید بر تغییر ظاهر شهرها، به ویژه تهران، برنامه هایی برای تمرکزگرایی، نوسازی شهری و باستان گرایی داشت. ایجاد نظامی یکدست، متمرکز و کارآمد نیز در دستور کار او بود. یکی از نمودهای اصلی تمرکزگرایی در شهرسازی این دوره، سروسامان دهی تهران با الگوی خطوط راست بود. خیابان های فرعی و اصلی، دامنه شهر را به سمت شمال کشید و ساختن میدان ها که بخش های مهم شهر را از هم مشخص می کرد، یکی از ویژگی های اساسی

توسعه شهر در ایران شد. این کار به ایجاد شهری گشاده با هسته‌ای مرکزی منجر شد که نمایانگر نظام متمرکز و واحد بود. هسته مرکزی شهر تهران نیز با شیوه شهرهای اروپایی ساخته شد (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۷۴). پیاده‌کردن این اسلوب شهری به تخصص و امکانات لازم و همچنین قدرت اجرایی لازم نیاز داشت که کریم‌آقا بوزرجمهری این خصیصه را دارا بود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی شهر تهران در دوره سلطنت رضاشاه می‌توان به جریان بین‌المللی جنبش مدرن شهرسازی به‌ویژه در فرانسه و آلمان و معماران خارجی و معماران ایرانی تحصیل‌کرده در خارج از کشور اشاره کرد.

## ۵. فعالیت‌ها و خدمات بلدیة تهران در حوزه ساخت‌وسازهای شهری

### ۵.۱. ایجاد خیابان‌های جدید و توسعه خیابان‌های قدیم

کوچه و خیابان‌های شهر تهران در دوره قاجار بسیار تنگ و کم‌عرض و درعین حال کثیف بود (سرنا، ۱۳۶۲، ص ۶۳). این مکان‌های تنگ و کثیف بستری مناسب برای آلودگی و انتقال بیماری بود. البته در دوره ناصری یکسری تلاش‌هایی برای تمیزی خیابان‌ها و میدان‌ها انجام شده بود که کافی نبود و نتیجه‌ای را هم دربر نداشت (فلور، ۱۳۶۶، ص ۸۱). خیابان‌های شهر تهران در عصر قاجار و اوضاع نابه‌سامان آن از لحاظ بهداشتی، نوسازی شهری را ایجاب می‌کرد. در این دوره از بهداشت به مفهوم واقعی خبری نبود. مردم خاکروبه‌های خودشان را در آب مصرفی شهر می‌ریختند. برخی از مردم لباس‌های خودشان را هم در این آب شرب می‌شستند؛ در نتیجه شرایط خیابان‌های تهران در عصر قاجار بسیار بد و همراه با کثافات و ترشح آب و گل و لجن بود (روزنامه مجلس، ش ۳۰، چهارشنبه ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۲۵). خیابان‌های پایتخت در اوایل دوره پهلوی هم وضعیتی بهتر از دوره قاجار نداشت و این مسئله دغدغه نمایندگان مجلس هم بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۱۴۷، یکشنبه ۲ مهرماه ۱۳۰۶). در کنار کوچه‌ها و خیابان‌ها، سیمای ظاهری شهر تهران هم وضعیت نابه‌سامانی داشت. چنان‌که روشنایی کافی وجود نداشت و دروازه‌ها و حصارهای فراوانی در اطراف شهر نمایان بود (شهری، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۲۰-۲۵). بافت شهری تهران هم نسبت به سایر پایتخت‌های بزرگ دنیا سیمای مناسبی نداشت. به‌همین دلیل با رسیدن بوزرجمهری به رأس بلدیة تهران، او زمینه و بستر را برای نوسازی شهری و برهم‌زدن شکل بیرونی شهر تهران فراهم کرد. رضاشاه در ابتدای سلطنت خود بلدیة را به تغییر روند دگرگونی شهرها مأمور کرد. از این‌پس‌بعد دیگر خیابان شاخصه اصلی شهرسازی مدرن محسوب می‌شد؛ درحالی‌که در گذشته چهارباغ، راسته‌بازار و سایر مفاهیم مورد توجه بود. مهم‌ترین ویژگی شهرسازی مدرن

هم، خیابان‌های بزرگ و پردرختی معروف به خیابان‌های پهلوی بودند که به داخل شهر کشیده می‌شدند که در انتهای آن باغ ملی قرار داشت (آوری، ۱۳۷۷، ص ۸۱). خیابان‌های جدید تهران در دوره سلطنت رضاشاه با اسلوب غربی و به سبک خیابان‌های فرانسه ساخته شده بودند و دو کارکرد اساسی داشتند. ابتدا مرکزی برای تفریح و گردش مردم به‌شمار می‌رفتند؛ همانند نقشی که خیابان علاءالدوله داشت. دوم مکانی برای تجارت و کسب‌وکار بودند. از این رو این خیابان‌های جدید به‌عنوان رقیبی جدی برای بازار به‌عنوان رکن اصلی اقتصاد شهری مطرح شدند. خیابان‌ها در دل خود انواع مؤسسات تمدنی از قبیل تراموا، سینما، باغ ملی، بانک و سایر بناهای دولتی را جای داده بودند. تقابل خیابان‌های جدید با بازار، تقابل مدرنیته با سنت بود (حبیبی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۴-۱۳۵). اقدامات توسعه‌ای حکومت‌نهاد، همراه با ساخت الگوی «میدان-معبّر» که مهم‌ترین ویژگی آن تخریب بافت قدیم بود فقط با ویژگی اقتدارگرایانه دوره پهلوی ممکن بود. چنان‌که عبدالله مستوفی در این باره می‌گوید: «وسیع کردن خیابان‌های سابق و ایجاد خیابان‌های جدید، جز [با] قدرت دیکتاتوری پهلوی با هیچ زور و زری ممکن نبود این توسعه و ایجاد صورت بگیرد» (مستوفی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲). این توسعه معابر اگرچه مزیت‌های زیادی داشت، ولی گاهی هم به بساط کردن در پیاده‌رو، تکدی‌گری و مسائلی از این قبیل منجر می‌شد که استفاده از معبر برای امور غیررفاهی مردم بود (ساکما، ۲۹۷/۸۰۴۰۰). البته این مسائل باعث نشده تا بلدیة از گسترش پیاده‌روسازی منصرف شود؛ چنان‌که در سال ۱۳۰۸ بلدیة تهران عنوان کرد که تمامی پیاده‌روی‌های شهر سنگ‌فرش شده است (کمام، ۷۸۲۵۸۰). پیاده‌روها گاهی هم از سوی خود مالکان درست می‌شد؛ بدین نحو که بلدیة آن‌ها را وادار می‌کرد تا جلوی ملک خود را سنگ‌فرش کنند (کمام، ۷۴۹۴۸۵). یکی از ویژگی‌های خیابان‌کشی در دوره پهلوی، اقتباس از شهرهای اروپایی بوده است. این اقتباس شامل خیابان‌های عمود بر هم در محل میدان‌ها (خیابان‌های صلیبی) بود که در کنار میدان‌ها در محل تقاطع، خیابان شکل گرفته بود. این شیوة خیابان‌کشی به‌نوعی از بین بردن ساختار کهن شهر بوده است (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲). یکی دیگر از ویژگی‌های خیابان‌سازی دوره رضاشاه، ایجاد خیابان بر روی حصارهای تاریخی شهر بود (مستوفی، ۱۳۸۴، صص ۲۳۰-۲۵۰). از مهم‌ترین ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در دوره سلطنت رضاشاه ساخت میدان‌های هندسی شکل در محل برخورد معابر و هم‌چنین ایجاد نظام خطی اقتدارگرایانه در خیابان بود. از نتایج توسعه معابر جدید و احداث ساختمان‌های نو در حاشیة این خیابان‌ها، افزایش قیمت زمین و ارزش افزوده کاذب آن بود که در مدت کوتاهی ایجاد می‌شد. ترقی قیمت زمین مخصوصاً در اطراف کاخ‌های شاهی و خیابان کاخ بیشتر از





بقیه مناطق بود (بهبودی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۰). بودجه‌ای که بلدیة در عصر رضاشاه برای نوسازی و زیباسازی شهر تهران و سایر شهرها اختصاص داده بود نمونه‌ای از اصلاحات موردتأکید شخص رضاشاه و روشن‌فکران همراه او بود. اگرچه ساختن خیابان‌های عریض و آسفالت و سنگ‌فرش کردن معابر و ... به شدت موردنیاز بود، ولی آن چه انجام این اصلاحات را موردنقد قرار می‌داد نحوه انجام این اصلاحات بود. چراکه به عقیده کاتوزیان این اصلاحات «سطحی، بی‌قاعده و نامنظم و به‌راستی ویرانگر بود؛ چنان‌که دیوارها و دروازه‌های کهن شهر تهران به کلی تخریب شد و در ساختن خیابان‌های جدید یا توسعه و تعریض خیابان‌های قدیم، همه ساختمان‌های در مسیر را خراب کردند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۵۵). از زمانی که سرهنگ کریم آقاخان با حفظ سمت نظامی (فرماندهی تیپ اول پیاده تهران)، کفالت بلدیة تهران را در سال ۱۳۰۳ عهده‌دار شد (ساکما، ۳۴۰/۶۰۸۰)، وظیفه داشت تا نوسازی تهران و پروژه شبیه‌کردن شهر تهران به شهرهای اروپایی را عملی کند. بوزرجمهری دستور داد تا کف خیابان‌های تهران و بازارها را سنگ‌فرش کنند و در دو سوی خیابان‌ها جدول‌گذاری کنند. بلدیة تهران اصلاح سنگ‌فرش پیاده‌روها، جمع‌آوری زباله‌ها، تعمیر پل‌ها و ... را هم در دستور کار خودش قرار داده بود. از این رو ابلاغ قانون اجازه پرداخت یک‌صد و بیست و پنج هزار تومان به منظور آب تهران و عریض کردن خیابان‌ها از محل اضافه‌عایدات سال ۱۳۰۶ در همین راستا انجام شد (ساکما، ۳۱۰/۵۰۱۹۵). اولین خیابانی که در این دوره آسفالت شد قسمتی از خیابان کاخ از ابتدا تا چهارراه پاستور بود. بلدیة تهران برآن بود تا خیابان‌به‌خیابان را آسفالت کند و برای هر خیابانی قراردادی جدا تنظیم شود؛ ولی «شرکت شرق» که پیمانکار روسی آسفالت خیابان‌های تهران بود تمام تهران را مدنظر داشت؛ به همین دلیل بلدیة این مسئله را قبول نکرد (بهبودی ۱۳۷۲، صص ۳۱۸-۳۱۹). مجلس شورای ملی در اردیبهشت ۱۳۰۸ اجازه پرداخت دویست و چهل هزار تومان در وجه بلدیة تهران برای خیابان‌سازی را مصوب کرد. از آن‌جاکه خیابان‌های تهران در اوایل سلطنت پهلوی هم چنان خاکی بودند، همه‌ساله به تعمیرات اساسی احتیاج داشتند و مبلغی از بودجه بلدیة صرف این‌گونه تعمیرات می‌شد. از این رو بلدیة تهران در سال ۱۳۰۹ش درنظر داشت تا با استفاده از ماسه‌وسیمان از مشکلات موجود بکاهد. چراکه مخارج تسطیح خیابان‌ها با ماسه‌وسیمان از سایر اقلام ارزان‌تر تمام می‌شد. به همین دلیل بلدیة تهران درنظر داشت تا کارخانه سیمان‌سازی را وارد و در تهران دایر کند (اطلاعات، س ۴، ش ۸۱۶، یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۰۸، ص ۲).

آن‌چه در این نوسازی شهری مبرهن است شتاب‌زدگی همراه با تمرکزگرایی است. چارلز کامر هارت<sup>۱</sup>، وزیرمختار آمریکا در ایران بین سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳، از سیاست

1. Charles Calmer Hart



شهرسازی رضاشاه انتقاد می‌کند: «شهرداری با فشارهای بی‌امان شاه کوشش می‌کند که پایتخت ایران را مدرن کند؛ آن‌هم با چنان شتابی که مالکان تهرانی اصلاً نمی‌توانند خود را با سرعت پیشرفت آن تطبیق دهند. مدرن کردن شهرها بخش عظیمی از املاک آن‌ها را می‌بلعد و اگر گرامتی بابت آن پرداخت شود بسیار ناچیز است» (مجدد، ۱۳۸۹، ص ۹۴)؛ این درحالی است که مردم بهای پرداختی از سوی بلدیة را متناسب با قیمت واقعی ملک نمی‌دانستند (ساکما، ۲۱۰/۹۱۵۴). همین موضوع موجب اعتراض و ناراحتی مردم شده بود (ساکما، ۹۹۹/۳۱۷۹۰). درواقع یکی از اعتراضات مردم به این نوسازی و تغییرات شهری شیوۀ آمرانه شهرداری تهران بود (ساکما، ۳۴۰/۶۰۸۰). البته بلدیة مدعی بود که ملک را با رضایت مالک تخریب می‌کند (ساکما، ۳۴۰/۶۱۲۳).

در دورۀ پهلوی، بلدیة به‌عنوان مجری اوامر دولت، شکل و حیات شهری را دگرگون کرد. توسعه فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی به‌عنوان اهمی تعیین‌کننده در ساخت قدرت نقش ایفا می‌کرد. حکومت در تلاش برای نوحواهی و نشان‌دادن شهری کارآمد، به ساختار کهن شهر حمله‌ور شده و دروازه‌های تاریخی قاجاری را خراب کرده بود. این اقدامات به دلیل اینکه بافت و ساختار کهن شهر نمی‌توانست آیینۀ اندیشه‌های قدرت جدید باشد، انجام می‌شد. با این تغییرات، شکل و حیات شهری به شکل قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفت. ساختمان‌های جدید و مدرن ساخته شدند و فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و توسعه استفاده شدند. درعین حال، این تغییرات باعث خرابی و ازبین‌رفتن بخش‌هایی از ساختار کهن شهر شدند؛ به‌ویژه دروازه‌های تاریخی قاجاری که نمادهای تاریخی و فرهنگی شهر شناخته می‌شدند (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴). به‌گفته حسین مکی، خراب‌کردن دروازه‌های تاریخی در تعریض خیابان‌ها تأثیری نداشته است. این نکته می‌تواند به‌معنای این باشد که خراب‌کردن دروازه‌های تاریخی تنها یکی از اقداماتی بوده که در تغییر شکل شهر و توسعه فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی در دورۀ پهلوی نقش داشته است (مکی، ۱۳۶۲، ج ۴، صص ۴۵۱-۴۵۲).

بنابراین می‌توان گفت که دلیل اصلی این اقدامات، عدم تطابق ساختار کهن شهر با آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های جدید قدرت بود. حکومت به‌دنبال ایجاد شهری کارآمد و مدرن بود که بافت و ساختار کهن شهر نمی‌توانست این آرمان را به‌خوبی منعکس کند؛ بنابراین، با تمرکز بر ساختمان‌های جدید و مدرن، سعی شد تا شهری با ساختاری مناسب برای نمایش قدرت و توسعه ایجاد شود. با این حال، برخی از این تغییرات و خرابی‌ها موردانتقاد قرار گرفته‌اند؛ زیرا باعث ازبین‌رفتن بخش‌هایی از تاریخ و فرهنگ شهر شدند. هم‌چنین، برخی از این تغییرات ممکن است به‌نظر برخی افراد به‌شکلی غیرقابل قبول



و ناهنجار به نظر برسند، زیرا بافت و ساختار کهن شهر را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دادند. به‌رحال اقدامات بلدیة تهران به‌نوعی اقتباس‌شده از فعالیت‌های اوژن هوسمان بود. هوسمان، شهردار مقتدر ناپلئون سوم بود. او معتقد بود که می‌بایست پاریس را از نو فتح کرد و به آن چهره‌ای کاملاً جدید و برمبنای خواست صاحبان ثروت و سرمایه بخشید. با چنین تفکری او با قدرت کامل پاریس قرون وسطایی را به‌وسیله خیابان‌های متعدد و عریض به‌هم ریخت و شهری جدید - پاریس امروزی - را بنا نهاد (حبیبی، ۱۳۳۸، ص ۲۱). اگرچه روش هوسمان، شهرسازی اقتدارگرایانه بود و با هدف سرکوب اعتراضات شهری انجام شد، ولی او به‌دنبال نقشه‌ای بود که هم سنت تاریخی پاریس را حفظ کند و هم پاریس را به‌عنوان شهر صنعتی بزرگ به جهانیان بشناساند (پاکزاد، ۱۳۹۴، ص ۹۴). ولی در ایران دولت پهلوی به‌شکل ناقص به طرح‌های هوسمان توجه کرد و برای اجرای طرح‌های شهری، نظامیان را در رأس امور بلدیة منصوب کرد. همان‌طور که هوسمان برمبنای اقتدارگرایی بیش از ۴۰۰ کیلومتر خیابان در شهر پاریس ایجاد کرد، رضاشاه هم تکیه اصلی نوسازی شهری خود را بر خیابان و خیابان‌سازی استوار ساخت که در هر دو اسلوب شهرسازی، با ایجاد ساختمان‌های مدرن، میراث معماری و فرهنگی هم تخریب شد. مثلاً هوسمان به بناهای تاریخی عصر لوئی شانزدهم توجهی نکرد (گیدیون، ۱۳۹۱، ص ۷۱۵) و رضاشاه هم به دروازه‌ها، باروها، مساجد، قبرستان‌ها و درختان کهن سال و تنومند تهران توجهی نکرد.

در دوره رضاشاه، الگوی شبکه‌ای (شطرنجی) برای خیابان‌های تهران در نظر گرفته شد. این الگو، با ساخت خیابان‌های تهران به‌شکل شبکه‌ای مرتب و منظم برآن بود تا مبنای ساختمان‌های اداری و انتظامی شود. این ساختمان‌ها با استفاده از عناصر معماری ایران باستان، به‌ویژه در نماسازی، طراحی می‌شدند. این اقدام به‌منظور نمایش قدرت و اقتدار بود و ساختمان‌های اداری و انتظامی به‌عنوان نمادهای قدرت و اقتدار در شهر تهران شناخته می‌شدند. در این دوره، عمارات سلطنتی و ساختمان‌های دولتی متعددی ساخته شدند. برخی از این ساختمان‌ها عبارت بودند از: کاخ دادگستری، کاخ مالیه، عمارات وزارت داخله، صحیه و اداره ارزاق و ثبت اسناد، شهربانی و ابنیه وزارت جنگ، باشگاه افسران، بانک ملی، وزارت کشاورزی، اپرا و عمارت وزارت خارجه (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۴۲). در راستای نوسازی معابر و تعریض خیابان‌ها و ساخت بناهای نظامی در کنار هم، بناهای تاریخی، دکان‌ها و ساختمان‌های زیادی از مردم تخریب می‌شدند (اطلاعات، س ۲، ش ۳۱۴، یکم مهر ۱۳۰۶، ص ۳). سرعت این تخریب‌ها به‌گونه‌ای بود که برخی رضاشاه را به‌عنوان حامی بزرگ نوسازی شهری نام می‌برند که «برای پاک‌سازی

I. Georges Eugene Haussmann



گذشته قاجاری شهر تهران حدود دو هزار تصویر از مناظر شهری را به بهانه تحقیرآمیز بودن آنان، از بین برد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). از سوی دیگر بسیاری از ساخت‌ها و تعریض خیابان‌ها مغازه‌داران را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرد و از آنجاکه بیشتر این مغازه‌ها اجاره‌ای بودند بلدیة فکر و تدبیری برای این کاسبان نیندیشیده بود (ساکما، ۲۳۰/۲۲۳۴۴). بسیاری از این کاسبان مجبور شدند که محل کسبشان را به خیابان‌های دیگر منتقل کنند (اطلاعات، س ۲، ش ۳۱۴، یکم مهر ۱۳۰۶، ص ۴). تخریب بناهای تاریخی و برج و باروهای تاریخی انتقاد بسیاری از مورخان و نویسندگان این دوره را در پی داشت. به طوری که مخبرالسلطنه هدایت درباره خرابی بقعه تاریخی سید نصرالدین می‌گوید: «من نمی‌دانم عدل مظفر<sup>۱</sup> را به امر شاه از بالای درب مجلس برداشتند یا برای ملق<sup>۲</sup>؟! در خرابی سید نصرالدین استقامت خیابان دلیل بود و آن دلیل علیل بر خرابی دروازه‌ها. بعضی اروپائیان افسوس خوردند آثار بود از طرز معماری و خوش‌تناسب افتاده بود» (هدایت، ۱۳۸۵، ص ۴۱۰)؛ البته برخی این رویکرد رضاشاه را توجیه کرده‌اند (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۴۲). بلدیة تهران به‌عنوان مجری سیاست‌های دولت پهلوی اول با هدف ایجاد پایتختی مدرن و امروزی بسیاری از دروازه‌های قدیمی تهران از جمله دوازده دروازه، پنج محله و تکایا و کوچه‌های پیچ‌درپیچ را تخریب کرد و برای خیابان‌های جدید نام‌هایی در راستای ایدئولوژی حکومت پهلوی انتخاب کرد؛ مانند: شاه، شاه‌رضا، پهلوی، داریوش، فردوسی، حافظ، سپه (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸) در عصر رضاشاه، سازمان‌دهی بلدیة به دلیل مرام و شیوه‌های ذاتی‌اش، آثار کهن و ارزشمند تاریخی را به‌عنوان مانعی برای نوسازی و فعالیت‌های عمرانی خود می‌دید. به‌همین دلیل، برای نوشدن و مدرن‌سازی پایتخت، ساختار کهن شهر، به‌خصوص دروازه‌ها و باروهای قاجاری، تخریب شد. این اقدام به‌منظور از بین بردن موانع و ایجاد فضایی مدرن‌تر و هماهنگ با آرمان‌های جدید بود. علاوه بر این، ساختمان‌های دو طرف خیابان‌های اصلی نیز باید حداقل دو طبقه می‌بودند تا به شهر زیبایی و ابهت بیشتری بدهند. این تغییرات در ساختار ساختمان‌ها به‌منظور ایجاد تناسب و هماهنگی بیشتر با الگوی شهرسازی و طرح‌های جدید صورت گرفت. (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴). بلدیة تهران در این دوره صرفاً دستورهای رضاشاه را اجرا می‌کرد و روش‌های آمرانه بلدیة ممکن بود زحمتی برای مردم ایجاد کند. این ممکن است به دلیل اجرای سریع و قاطعانه اقدامات عمرانی و تغییرات در شهرسازی باشد که ممکن است نیازمند تخریب و تغییر در ساختارهای موجود باشد. بلدیة در این دوره به اهالی هر محله اعلام می‌کرد که یک طبقه بر طبقات ساختمان خود بیفزایند. اگر مالک اعلام می‌کرد که پول لازم برای انجام این کار را ندارد، بلدیة به او وام پیشنهاد می‌کرد. در صورتی که

۱. لوح عدل مظفر تابلویی در سردر کاخ بهارستان (ساختمان مجلس شورای ملی) بود که بر روی آن نوشته شده بود: «عدل مظفر»؛ حروف ابجد این عبارت برابر می‌شود با ۱۳۲۴ که تاریخ قمری صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه است.  
۲. ملق: پاک کردن؛ حذف کردن.

مالک توان بازپرداخت وام را نداشت، بلدیۀ خود برای خانۀ او خریدار پیدا می‌کرد. ولی در صورتی که مالک امتناع می‌کرد، مأموران بلدیۀ به‌زور ساختمان را تخلیه می‌کردند (اطلاعات، س ۱، ش ۱۹۲، ۲۸ فروردین ۱۳۰۶، ص ۲) و برای شروع توسعۀ خیابان، آن را تخریب می‌کردند (مجد، ۱۳۸۹، ص ۹۷). چنان‌که مخبرالسلطنۀ هدایت بر نقش تسهیلات بانکی در تخریب یا ایجاد محله‌های جدید تأکید دارد (هدایت، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹). گاهی اوقات برای تعریض خیابان، املاک وقفی هم تخریب می‌شد (ساکما، ۲۵۰/۵۹۸۹).



### تصویر ۱

تخریب خانه‌ها توسط مأموران بلدیۀ  
در دورۀ سلطنت رضاشاه

تخریب‌های صورت گرفته توسط بلدیۀ تهران به‌حدی بود که صدای سفیر بریتانیا را هم درآورد. او اشاره می‌کند که مقامات بلدیۀ تهران بی‌رحمانه در حال تخریب خانه‌ها هستند و برای این کار خسارات اندکی می‌پردازند و از این فرصت برای پرکردن جیب‌هایشان بهره می‌گیرند. او اضافه می‌کند که «امیال تخریب‌گرایانۀ بلدیۀ کلیۀ مرزهای عقلانی را پشت سر گذاشته» است (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). سفیر ایتالیا هم از عملیات تخریبی بلدیۀ تهران که شامل ساختمان‌های اتباع این کشور هم شده بود، به وزارت امور خارجه ایران شکایت کرد؛ ولی این اعتراض‌ها و وقفه‌ای در سیاست تخریب و نوسازی شهری تهران که با حمایت قاطعانه رضاشاه انجام می‌شد، ایجاد نکرد (بهبودی، ۱۳۷۲، صص ۱۹۰-۱۹۱). ولی در مقابل مجله بلدیۀ به دفاع از این سیاست پرداخت: با تلاش‌های بلدیۀ و حمایت‌های رضاشاه دیگر خبری از آن کوچه‌های کج و معوج و اغلب بی‌درخت و پراز گل و شُل دورۀ قاجار باقی نمانده‌است و به‌جای آن خیابان‌های گشاد و تمیز ایجاد شده‌است. آن‌چه بلدیۀ بر آن تأکید می‌کرد اصلاح شهرهای کهنه و ساختن شهرهای جدید بود. به‌همین دلیل برای

ساخت و ساز نقشه شهر تهران را تهیه کردند. از نظر بلدیة این مؤسسه برای ساختن شهری فقط به معماران و مهندسان ایرانی اکتفا نکرده بود؛ بلکه نقشه‌کشی آن را بین تمام مهندسان و معماران دنیا به مسابقه گذاشته بود (بلدیة، ش ۴-۵، سال ۱۳۱۳، ص ۱۲۳). در راستای سیاست مدرن‌سازی و ترسیم چهره متجدد از شهر تهران، دولت ایران طی فراخوانی از تمامی معماران مدرنیست دعوت به همکاری کرد تا تمامی ادارات دولتی، بیمارستان‌ها و بانک‌ها طبق نقشه‌های ساختمانی جدید بنا شوند (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

بلدیة ادعا می‌کرد که به درخواست مردم مبنی بر جبران خسارات وارده به املاک آنان در پی احداث خیابان، رسیدگی می‌کند (ساکما، ۳۱۰/۶۱۲۹۴؛ ساکما، ۳۱۰/۷۰۸۲۴)؛ ولی شهروندانی که پیگیری‌های آنان در بلدیة برای رسیدن به حق و حقوقشان به نتیجه نرسیده بود به نمایندگان مجلس شورای ملی رجوع می‌کردند (ساکما، ۳۱۰/۶۱۲۹۴) هم‌چنین اغلب مردم معتقد بودند که بلدیة با افراد طبقه ثروتمند همراهی بیشتری دارد؛ در حالی که بیشترین خسران به طبقه ضعیف جامعه وارد می‌شود (کمام، ۸/۱۹۸/۱۶۷۲). آن‌ها گاهی نیز از رشوه‌دادن ثروتمندان به مأموران بلدیة گلایه داشتند (کمام، ۷/۹۴/۱۲/۱۳۲۸). از سوی دیگر منشأ برخی از این اعتراض‌ها تداخل و موازی‌کاری میان وظایف بلدیة، آژان‌ها و نظمیة بود؛ در نتیجه «شلم شوربای» آشفته‌ای به وجود آمده بود که همه امر و حاکم بودند (شهری، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۵۱). بلدیة تهران در جواب این اعتراض‌ها معتقد بود که بعضی از دلالتان برای استفاده غیر مشروع، اذهان مالکان عمارات و دکاکین را همه‌روزه با شایعات پر می‌کنند که بلدیة در صدد است فلان خیابان را توسعه دهد یا فلان کوچه و معبر را تخریب کند؛ در صورتی که بلدیة تهران بدون اطلاع و استحضار مالکان مجاور و طراحی نقشه اقدامی به عمل نمی‌آورد. به همین دلیل بلدیة تصمیمات خود را راجع به خیابان‌ها و معابری که قرار بود توسعه دهد به مردم اعلام می‌کرد (اطلاعات، س ۳، ش ۷۲۹، دهم فروردین ۱۳۰۸، ص ۴). نقشه‌برداری بلدیة تهران در سال‌های بعد در همین راستا انجام شد. برای نمونه هنگامی که بلدیة تهران اقدام کرد به توسعه خیابان ناصریه ابتدا نقشه‌برداری و نقشه‌کشی آن را شروع کرد و [در این راستا] چند نفر مهندس برای این کار استخدام کرد (اطلاعات، س ۵، ش ۱۲۴۹، پنجم بهمن ۱۳۰۹، ص ۳)..

به‌طور کلی، نوسازی شهری در عصر پهلوی اول اگرچه با واکنش‌هایی روبه‌رو بود و گاهی ایجاد خیابان‌های جدید و توسعه خیابان‌های قدیم همراه با تخریب املاک و خانه‌ها و آثار تاریخی همراه بود، ولی دگرگونی شهر، آسفالت خیابان‌ها، چراغانی و تزئین میدان‌ها همگی از تلاش بلدیة تهران برای عمران شهری در عصر پهلوی اول حکایت دارد. مستوفی هم به نکته مزبور اشاره دارد (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، صص ۲۴۹-۲۵۰). از طرفی



به‌علت سرعت زیاد نوسازی، بلدیۀ تهران قادر نبود به‌موقع خدماتی همانند روشنایی برق، آسفالت و دیگر تسهیلات شهری را تأمین کند (هدایت، ۱۳۶۳، ص ۲۳۹).

## ۵.۲. وضع قوانین و طرح‌های شهرسازی

بدون شک یکی از وظایفی که بلدیۀ می‌توانست در راستای مدرن‌سازی شهری ایفا کند وضع قوانین، مصوبه‌ها و دستورالعمل‌های معماری و شهرسازی بود. اولین دستور بلدیۀ تهران در این زمینه به سال ۱۳۰۳ برمی‌گردد. در این سال ازسوی شهردار تهران، قواعد ساخت اماکن عمومی ابلاغ شد تا مردم خانه‌هایشان را طبق دستورالعمل بلدیۀ و با نظر مهندسان این نهاد بنا کنند. ازسوی دیگر بلدیۀ مغازه‌هایی را که درب آن‌ها به‌سمت خیابان باز می‌شد مجاب کرده بود که حتماً درب مغازه به داخل آن باز شود (ساکما، ۱۳۰۴/۲۹۳)؛ بنابراین می‌توان گفت اولین دستورالعمل بلدیۀ تهران مالکان را مقید می‌کرد که قوانین و ضوابطی را که برای طراحی، معماری و برنامه‌ریزی شهری ازسوی بلدیۀ در نظر گرفته شده بود رعایت کنند. در سال ۱۳۰۷ بلدیۀ تهران نامه‌ای به ریاست وزرا فرستاد مبنی بر لزوم استخدام مهندس شهرسازی از فرانسه برای احداث معابر و خیابان‌های شهر (ساکما، ۱۳۰۳/۷۰۳۱۰). در همین سال بلدیۀ تهران قانونی وضع کرد که تمامی مغازه‌ها باید از درب و پنجره شیشه‌ای استفاده کنند. بلدیۀ تهران در راستای سیاست مدرن‌سازی و نوسازی شهری، توسعه معابر را در دستور کار خود قرار داد؛ چنان‌که ماده ۲۹ نظام‌نامه بلدیۀ یکی از وظایف بلدیۀ را توسعه معابر عمومی و ساختمان خیابان‌ها عنوان می‌کند. در همین راستا قانون توسعه معابر بعدها در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید و اصلاح این قانون بار دیگر در سال ۱۳۲۰ مورد توجه مجلس شورای ملی قرار گرفت. تفاوت این دو قانون در این است که در قانون سال ۱۳۱۲ تنها به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها اشاره شده‌است (مصوبات مجلس شورای ملی، ۱۳۱۲، ص ۲۸۷)، ولی قانون ۱۳۲۰ لفظ اصلاح را هم در خود دارد (مصوبات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۰، ص ۱۹۹). بیشترین سهم بلدیۀ در جهت دگرگونی شهری را بوزر جمهوری برعهده داشت (تکمیل همایون، ۱۳۸۱، ص ۴۹). او طبق نقشه راهی که برای این نوسازی و دگرگونی ارائه داد اولویت خود را در عریض کردن خیابان‌ها و وارد کردن واگن‌های برقی و متروی زیرزمینی و لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب معرفی کرد (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۸۷). یکی دیگر از سیاست‌هایی که بلدیۀ تهران در راستای نوسازی و مدرن‌سازی شهری انجام داد تصویب آیین‌نامه پیش‌آمدگی‌های ساختمانی در گذرگاه‌ها مصوب سال ۱۳۱۸ بود. این آیین‌نامه در جهت حقوق عابران پیاده وضع شده بود؛ چراکه طبق آن ورود هرگونه شیء اضافی به پیاده‌رو اعم از لوله بخاری یا ناودان ممنوع شد (ساکما، ۱۳۰۳/۳۵۵۲۳).



در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی، نقشه تهران با عنوان نقشه خیابان‌ها اجرا شد و براساس آن، برخی از خیابان‌های جدید در تهران شکل گرفتند. این تغییرات نشان می‌دهد که مبنای تمام خیابان‌کشی‌ها و استخوان‌بندی و نظام فضایی تهران در نقشه مشخص شده بود و مقررات ناماسازی شهری براساس آن تدوین شد. علاوه بر این در سال ۱۳۱۱ نیز بلدیۀ تهران مقرراتی راجع به ناماسازی ساختمان‌ها در مجله بلدیۀ منتشر کرد که مالکان موظف بودند به وسیله معمار نقشه‌کش در دو ورقه ترسیم و به قید امضای مالک و رسام برسانند و به بلدیۀ تسلیم نمایند؛ تا پس از مطالعات لازم و تطبیق آن با نقشه مصوبه جواز صادر شود. در سال ۱۳۱۶ هم طرح جامعی برای شهر تهران آماده و اجرایی شد. این طرح به شدت تحت تأثیر جنبش شهرسازی غربی مثل بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری بنابر منطقۀ بندی صرف بود (پوراحمد، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

### ۵.۳. صدور جواز و تأکید بر مقاوم‌سازی

یکی از ابتکارات بلدیۀ تهران در حوزه شهرسازی دستوراتی در زمینه استحکام‌بخشی ساختمان‌ها (نظام‌مهندسی) بود. به طوری که مستوفی اشاره دارد که بعد از قوانین سفت و سخت بلدیۀ مردم‌خانه جدید را با خشت و گل نمی‌ساختند و حداقل مصالح ساختمان‌های آن روز آجر و گچ بود (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۴۳). در واقع جوازدهی برای ساختمان‌های شهری دولتی و مسکونی شخصی در تهران همراه با تهیه نقشه‌های مهندسی یکی از اقداماتی بود که بلدیۀ تهران در حوزه ساخت و ساز شهری انجام داد. در واقع هر اداره موظف بود برای ایجاد ساختمان‌های جدید نقشه مهندسی تهیه کند و از بلدیۀ مجوز ساخت و ساز دریافت کند؛ و گرنه ساخت و ساز او قانونی نبود و حتی ممکن بود به تخریب هم منجر بشود. ناگفته نماند که اولین نقشه‌های مهندسی در تهران به سال ۱۳۰۷ برمی‌گردد. بلدیۀ در زمینه منع ساختمان‌سازی در معابر و خیابان‌ها بدون اجازه بلدیۀ و منع هرگونه اقدام و عملیات در شهر بدون اجازه بلدیۀ، اطلاعیه‌های زیادی را برای اطلاع عموم صادر می‌کرد (ساکما، ۲۹۳/۲۹۸۴۵). براساس این دستورات، هرگونه اقدام و عملیات در معابر شهر [بدون اطلاع بلدیۀ] تجاوز به حقوق عامه محسوب می‌شد. برطبق قوانینی که بلدیۀ وضع کرده بود دخالت در معابر و یا شروع ساختمان‌هایی که یک طرف آن در معبر بود از قبیل ساختن دیوار و ساختن عمارت در حاشیۀ خیابان‌ها و کوچه‌ها و حفر چاه و حتی ریختن خاک برای کاه‌گل ممنوع اعلام شده بود؛ بنابراین بلدیۀ مجاز بود که از ایجاد ساختمان‌های بدون مجوز ممانعت به عمل آورد و در صورت لزوم می‌توانست آن را تخریب کند و با متخلفان مطابق مقررات خلافی اقدام کند (ساکما، ۲۹۳/۲۹۸۴۵).







## کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. (محمدابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نی.
- آوری، پیتر. (۱۳۷۷). *تاریخ معاصر ایران: از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: عطایی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- بهبودی، سلیمان. (۱۳۷۲). *رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی*. (غلامحسین میرزاصالح، کوشش گر). تهران: طرح نو.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۴). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۱). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران جلد یکم: از آغاز تا دارالخلافه ناصری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۲). *از شار تا شهر*. (ج ۴). تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۵). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. (ج ۳). تهران: فردوس.
- سرن، کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آئین‌ها در ایران: سفرنامه مادام کارلا سرن*. تهران: زوار.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. (ج ۱، ج ۵). تهران: رسا و اسماعیلیان.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. (ج ۲). (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: مرکز.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۷). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۶). *شهرهای ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- گیدیون، زیگفرد. (۱۳۹۱). *فضا، زمان و معماری: فرارویش سنتی نو در معماری*. (محمدتقی فرامرزی، مترجم). تهران: کاوش پرداز.
- مجد، محمدقلی. (۱۳۸۹). *رضاشاه و بریتانیا: براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*. (ج ۳). تهران: زوار.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. (۱۳۰۶). دوره ۶، جلسه ۱۴۷، یکشنبه ۲ مهرماه.



- مصوبات مجلس شورای ملی. (۱۳۱۲). *قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها*. دوره ۹، ص ۲، ج ۱، ص ۲۸۷.
- مصوبات مجلس شورای ملی. (۱۳۲۰). *قانون اصلاح قانون توسعه معابر*. دوره ۱۲، ص ۲، ج ۱، ص ۱۹۹. مکی، حسین. (۱۳۶۲). *تاریخ بیست‌ساله ایران*. (ج ۴). تهران: انتشارات ناشر.
- واتسن، رابرت گرت. (۱۳۵۶). *تاریخ ایران: دوره قاجاریه*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: چاپ‌خانه سپهر.
- هالینگبری، ویلیام. (۱۳۳۳). *روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم به دربار ایران*. (امیر هوشنگ امیری، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.
- هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.

## مقاله

- آبادیان، حسین. (۱۳۸۴). «نظریه‌پردازان استبداد منور: تأملی در دیدگاه‌های سیاسی علی دشتی و مرتضی مشفق کاظمی». *مطالعات تاریخی*، شماره ۶، صص ۱۲۰ تا ۱۵۷.
- پوراحمد، احمد و همکاران. (۱۳۹۰). «تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه موردی تهران)». *مجله مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، دوره ۲، ش ۶، صص ۴۷-۶۲.
- حبیبی، محسن و دیگران. (۱۳۸۹). «از فروریختن باروها تا اندیشه شاه‌راه‌ها (پیشینه طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵)». *نشریه صفا*، دوره ۲۰، ش ۵۰، بهمن، صص ۸۵-۱۰۲.
- حبیبی، محسن. (۱۳۳۸). «دولت و توسعه تهران ۱۳۰۴-۱۳۲۰». *مجله محیط‌شناسی*، شماره ۱۵، صص ۱۱-۲۲.
- فلاح توتکار، حجت؛ بی‌طرفان، محمد. (۱۳۹۰). «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیة تهران در دوره اول مجلس شورای ملی». *فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران*، سال ۲۱، شماره ۱۲، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- وزینی‌افضل، مهدی. (۱۳۹۸). «سیاست‌های نوگرایانه دولت پهلوی در ساختار شهری و تأثیر آن بر بافت تاریخی بین سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۴۰ شمسی (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)». *فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران*، دوره جدید، شماره ۴۲، (پیاپی ۱۳۲)، صص ۱۷۳-۱۹۷.
- یوسفی‌فر، شهرام؛ شیرین‌بخش، زهره. (۱۳۹۸). «بلدیه و اصناف: چالش‌های مدیریت شهری نوین در دوره پهلوی اول». *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۳۹-۲۶۱.

## نشریات

- اطلاعات* (۱۳۰۶)، ص ۱، ش ۱۹۲، ۲۸ فروردین ۱۳۰۶ ش، ص ۲.
- اطلاعات* (۱۳۰۶)، ص ۲، ش ۳۱۴، ۱ مهر ۱۳۰۶ ش، ص ۳.



- اطلاعات (۱۳۰۸)، س ۳، ش ۷۲۹، ۱۰ فروردین ۱۳۰۸ ش، ص ۴.  
اطلاعات (۱۳۰۸)، س ۴، ش ۸۱۶، یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۰۸ ش، ص ۲.  
اطلاعات (۱۳۰۹)، س ۵، ش ۱۲۴۹، ۵ بهمن ۱۳۰۹ ش، ص ۳.  
بلدیہ (۱۳۰۷)، س ۳، ش ۲، آبان ۱۳۰۷، ص ۱۶.  
بلدیہ (۱۳۱۳)، ش ۴-۵، سال ۱۳۱۳، ص ۱۲۳.  
شفق سرخ (۱۳۰۳)، ش ۹، ۲۹۹ بهمن ۱۳۰۳ ش، ص ۳.  
شفق سرخ (۱۳۴۰)، ش ۱۰، چهارشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۴۰ ق، ص ۱.  
شفق سرخ (۱۳۴۱)، س ۲، ش ۷۱، سه شنبه ۴ صفر ۱۳۴۱، ص ۲.  
شفق سرخ (۱۳۴۳)، س ۳، ش ۲۷۳، ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق، ص ۳.  
شفق سرخ (۱۳۴۳)، س ۳، ش ۲۷۴، ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق، ص ۳.  
کاوه (۱۲۹۰)، س ۲، ش ۷، ۲۷ بهمن ۱۲۹۰، ص ۲.  
کاوه (۱۲۹۶)، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۳.  
کاوه (۱۳۳۸ ش)، دوره جدید کاوه، سال ۵، شماره یک.  
کاوه (۱۹۲۱)، شماره ۳۶، ۲۲ ژانویه، ص ۳.  
مجلس (۱۳۲۵ ق)، ش ۳۰، چهارشنبه ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۵ ق، ص ۱.  
میمن (۱۲۹۹)، س ۲، ش ۴۸-۴۹، ۲۰ فروردین، ص ۳.  
نامه فرنگستان (۱۳۰۳)، ش ۱، پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۳ ش، صص ۸-۱۱.

## English Translation of References

### Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šōrā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

7/94/12/1/328; 8/198/16/72; 749485; 782580. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

210/9154; 230/22344; 230/35523; 250/5989; 293/29845; 293/81004; 297/80400; 310/50195; 310/61294; 310/70303; 310/70824; 340/6080; 340/6123; 999/31790. [Persian]

### Books

Abrahamian, Ervand. (1389/2010). *“Tārix-e Irān-e modern”* (A history of modern Iran). Translated by Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]



- Avery, Peter, et al. (1393/2014). "*Tārix-e moāser-e Irān: Az ta'sis-e selsele-ye Pahlavi tā kudetā-ye 28 Mordād 1332*" (The Cambridge history of Iran). Translated by Mohammad Rafei Mehrabadi. Tehran: 'Atāyi. [Persian]
- Bashiriye, Hossein. (1380/2001). "*Mavāne'-e towse'-e-ye siyāsi dar Irān*" (Obstacles to political development in Iran). Tehran: Gām-e No. [Persian]
- Behboudi, Soleiman. (1372/1993). "*Rezā Šāh: Xāterāt-e Soleymān-e Behbudi, Šams-e Pahlavi, 'Ali Izadi*" (Memoirs of Suleiman Behboudi, Shams Pahlavi, Ali Izadi). Edited by Gholamhossein Mirza Saleh. Tehran: Tarh-e No. [Persian]
- Dolatabadi, Yahya. (1362/1983). "*Hayāt-e Yahyā*" (Yahya's life) (vol. 3). Tehran: Ferdows. [Persian]
- Floor, Willem. (1366/1987). "*Jostār-hā-yi az tārix-e ejtemā'ee-ye Irān dar 'asr-e Qājār*" (Essays on the social history of Iran in the Qajar era) (vol. 2). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- Giedion, Sigfried. (1391/2012). "*Fazā, zaman va me'māri: Farā-ruyeš-e sonnati-ye no dar me'māri*" (Space, time and architecture: The growth of a new tradition). Translated by Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Kāvošpardāz. [Persian]
- Habibi, Mohsen. (1382/2003). "*Az šār tā šahr*" (Dela cite a la ville) [Beyond town to city]. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press). [Persian]
- Habibi, Mohsen. (1385/2006). "*Šarh-e jariyān-hā-ye fekri-ye me'māri va šahr-sāzi dar Irān-e mo'āser*" (Description of currents of architecture and urban planning in contemporary Iran) (4<sup>th</sup> ed.). Tehran: Dafter-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (Iran Cultural Studies). [Persian]
- Hedayat, Mehdi Gholi. (1385/2006). "*Xāterāt o xatarāt*" (Memries and dangers). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Hollingbery, William. (1363/1984). "*Ruznāme-ye safar-e hey'at-e Ser Jān Malkom be darbār-e Irān*" (A Journal of observation made during the British Embassy to the Court of Persia). Translated by Amir Houshang Amiri. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1357/1978). "*Tārix-e mašrute-ye Irān*" (History of the Iranian constitutional revolution). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali. (1374/1995). "*Eqtesād-e siāsi-ye Irān; Az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi*" (Political economics in Iran; From constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi & Kambiz Azizi. Tehran: Markaz. [Persian]



- Kiani, Mohammad Yousof. (1366/1987). *“Šahr-hā-ye Irān”* (Cities of Iran). Tehran: Jahād Dānešgāhi. [Persian]
- Kiani, Mostafa. (1383/2004). *“Me’māri-ye dowre-ye Pahlavi-ye avval”* (Architecture of the first Pahlavi period). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHS). [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1389/2010). *“Rezā Šāh va Beritāniyā: Bar asās-e asnād-e vezārat-e xāreje-ye Āmrikā”* (Great Britain Reza Shah: The plunder of Iran, 1921-1941). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Makki, Hossein. (1362/1983). *“Tārix-e bist-sāle-ye Irān”* (The twenty-year history of Iran) (vol. 4). Tehran: Enteshārāt-e Nāšer. [Persian]
- “Mašruh-e mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Mellī”* (Explanation of the negotiations of the National Consultative Assembly). (1306/1927). Term 6, session 147, Sunday 2 Mehr / 25 September. [Persian]
- “Mosavvabāt-e Majles-e Šorā-ye Mellī”* (The enactments of the National Consultative Assembly). (1312/1933). *“Qānun-e rāje’ be ehdās va towse’e-ye ma’āber va xiyābān-hā”* (Law on the construction and development of roads and streets). Term 9, session 2, vol. 1, p. 287. [Persian]
- “Mosavvabāt-e Majles-e Šorā-ye Mellī”* (The enactments of the National Consultative Assembly). (1320/1941). *“Qānun-e eslāh-e qānun-e towse’e-ye ma’āber”* (Amendment of road development law). Term 12, session 2, vol. 1, p. 199. [Persian]
- Mostowfi, Abdollah. (1384/2005). *“Šarh-e zendegāni-ye man”* (The story of my life). (vol. 3). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Pakzad, Jahanshah. (1394/2015). *“Seir-e andiše-hā dar šahr-sāzi (1): Az ārmān tā vāqe’eeyat”* (An intellectual history of urbanism). Tehran: Dānešgāh-e Šahid Beheshti (Shahid Beheshti University). [Persian]
- Serena, Carla. (1362/1983). *“Ādam-hā va āeen-hā dar Irān: Safarnāme-ye Mādām Kārlā Serenā”* (Hommes et choses en Perse) [Men and things in Persia]. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Shahri, Jafar. (1367/1988). *“Tārix-e ejetmā’ee-ye Tehrān dar qarn-e sizdahom”* (Social history of Tehran in the 13th century) (vols. 1 & 5). Tehran: Rasā & Esmāeeliān. [Persian]
- Takmil Homayoun, Naser. (1381/2002). *“Tārix-e ejetmā’ee va farhangi-ye Tehrān jeld-e yekom: Az āqāz tā dār-ol-xelāfe-ye Nāseri”* (Social and cultural history of Tehran). Tehran: Dafter-e Pažuheš-hā-ye Farhangi. [Persian]



Watson, Robert Grant. (1356/1977). “*Tārix-e Irān: Dowre-ye Qājāriyeh*” (The history of Qajar). Translated by Gholamali Vahid Mazandarani. Tehran: Čāpxāne-ye Sepehr. [Persian]

#### Articles

Abadian, Hossein. (1384/2005). “Nazarie-pardāzān-e estebdād-e monavvar: Ta’ammoli dar didgāh-hā-ye siāsi-ye Ali Dašti va Mortezā Mošfeq-e Kāzemi” (Theorists of the tyranny of the enlightened: A reflection on the political perspectives of Ali Dashti and Morteza Moshfeq Kazemi). *Motāle’āt-e Tārixī*, 6, pp. 120-157. [Persian]

Fallah Tootkar, Hojjat; & Bitarafan, Mohammad. (1390/2011). “Šeklgiri va ‘amalkard-e anjoman-e baladiye-ye Tehrān dar dowre-ye avval-e Majles-e Šorā-ye Melli” (Formation and function of Tehran Municipality Association). *Faslnāme-ye Tārix-e Eslām va Irān* (History of Islam and Iran), 21(12), pp. 143-162. [Persian]

Habibi, Mohsen. (1368/1989). “Dowlat va towse’e-ye Tehrān 1304 – 1320” (Government and development of Tehran 1304-1320 SH / 1925 – 1941 AD). *Majalle-ye Mohit-šenāsi* (Journal of Environmental Studies) (JES), 15, pp. 11-22. [Persian]

Habibi, Mohsen, et al. (1389/2011). “Az foru-rixtan-e bāru-hā tā andiše-ye šāh rāh-hā (Pišine-ye tarh-hā-ye šahri va engāre-hā-ye šahr-e Tehrān az 1309 tā 1345)” (From the collapse of fortifications to the idea of highways: The background of urban planning and designing in Tehran 1930-1968). *Našriye -ye Soffeh* (Soffeh), 20(5), Bahman / February, pp. 85-102. [Persian]

Pourahmad, Ahmad et al. (1390/2011). “Ta’sir-e modernism bar towse’e-ye fazāyikālbodi-ye šahr-hā-ye Irāni-Eslāmi (Nemune-ye moredi-ye Tehrān)” (The influence of modernism on the physical-spatial development of Iranian-Islamic cities (The case of Tehran)). *Majalle-ye Motāle’āt-e Šahr-e Irāni-Eslāmi* (Iranian Islamic City Studies), 2(6), pp. 47-62. [Persian]

Vazini Afzal, Mahdi. (1398/2019). “Siyāsāt-hā-ye no-garāyāne-ye dowlat-e Pahlavi dar sāxtār-e šahri va ta’sir-e ān bar bāft-e tārixī bein-e sāl-hā-ye 1304-1340 Šamsi (Motāle’e-ye moredi: Bāft-e tārixī-ye šahr-e Yazd)” (Pahlavi’s modernist policies in urban structure and its impact on historical urban fabric (Case study: Yazd City, 1310 - 1332 Ah)). *Faslnāme-ye Tārix-e Eslām va Irān* (History of Islam and Iran), new volumes, 42, (series no. 132), pp. 173-197. [Persian]

Yousefifar, Shahram; & Shirinbakhsh, Zohreh. (1398/2019). “Baladiyeh va asnāf: Čleāš-



hā-ye modiriyat-e šahri-ye novin dar dowre-ye Pahlavi-ye avval” (Baladiéh and asnaf: new civil management’s challenges at Pahlavi the first era). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-e Ejtemā’ee va Eqtesādi* (Socio Economic History Studies), 8(1), pp. 239-261. [Persian]

#### Press

*Ettelā’āt* (1306/1927), year 1, issue 192, 28 Farvardin 1306 / 18 April 1927, p. 2. [Persian]

*Ettelā’āt* (1306/1927), year 2, issue 314, 1 Mehr 1306 / 24 September 1927, p. 3. [Persian]

*Ettelā’āt* (1308/1929), year 3, issue 729, 10 Farvardin 1308 / 30 March 1929, p. 4. [Persian]

*Ettelā’āt* (1308/1929), year 4, issue 816, Sunday 30 Tir 1308 / 21 July 1929, p. 2. [Persian]

*Ettelā’āt* (1309/1931), year 5, issue 1249, 5 Bahman 1309 / 25 January 1929, p. 3. [Persian]

*Baladiyeh* (1307/1928), year 3, issue 2, Ābān 1307 / 27 October 1928, p. 16. [Persian]

*Baladiyeh* (1313/1934), issues 4-5, year 1313 / 1934, p. 123. [Persian]

*Šafaq-e Sorx* (1303 SH/1925), issue 299, 9 Bahman 1303 SH / 29 January 1925 AD, p. 3. [Persian]

*Šafaq-e Sorx* (1340 AH/1922), issue 10, Wednesday 11 Ša’bān 1340 AH / 9 April 1922 AD, p. 1. [Persian]

*Šafaq-e Sorx* (1341 AH/1922), year 2, issue 71, Tuesday 4 Safar 1341 AH / 26 September 1922 AD, p. 2. [Persian]

*Šafaq-e Sorx* (1343 AH/1924), year 3, issue 273, 24 Rabi’ Al-Thāni 1343 AH / 22 November 1924 AD, p. 3. [Persian]

*Šafaq-e Sorx* (1343 AH/1924), year 3, issue 274, 26 Rabi’ Al-Thāni 1343 AH / 24 November 1924 AD, p. 3. [Persian]

*Kāveh* (1290 SH/1912), year 2, issue 7, 27 Bahman 1290 SH / 17 February 1912 AD, p. 2. [Persian]

*Kāveh* (1296 SH/1917), year 3, issue 12, p. 3. [Persian]

*Kāveh* (1338 SH/1959), Kaveh new series, year 5, issue 1. [Persian]





*Kāveh* (1921), issue 36, 22 January, p. 3. [Persian]

*Majles* (1325 AH/1908), issue 30, Wednesday 17 Dhu al-Hijja 1325 AH / 21 January  
1908 AD, p. 1. [Persian]

*Mihan* (1399 SH/1920), year 2, issues 48-49, 20 Farvardin / 9 April, p. 3. [Persian]

*Nāme-ye Farhangestān* (1303 SH/1924), issue 1, Thursday 11 Ordibehešt 1303 / 1 May  
1924, p. 8-11. [Persian]



# Quarantine and infectious diseases in Kermanshahan from Naserelddin to the end of Qajar

Fariborz Mansori<sup>1</sup> | Nezamali Dehnavi<sup>2</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** Quarantine was an important and modern way of preventing the spread of the diseases, that formed a new paradigm in healthcare of Iran in the Qajar dynasty. Due to the pilgrimages and the trades between Iran and Arab Iraq in the Ottoman Empire, a large number of people such as Pilgrims, merchants, and travelers traversed the roads of Kermanshah and played a major role in spreading out infectious diseases/epidemic in the region. In order to prevent epidemic, Iran and Iraq tried to keep the region in quarantine. The purpose of this research is to identify the importance of Kermanshan Quarantine in preventing epidemic.

**Method and Research Design:** Archival records and library resources were studied and analyzed using historical method in a descriptive and analytical way.

**Results and conclusion:** The results show that keeping the roads of Kermanshah in quarantine did not play a significant role in preventing of epidemic due to the following reasons: the ranking officials and influential people broke the quarantine; failure to allocate sufficient budget funds for quarantine; profiteer officials that received bribe from merchants; pilgrims and the caravans that were carrying the corpses.

**Keywords:** Quarantine; Kermanshahan; Ottoman Empire; Infectious Diseases/Epidemic.

**Citation:** Mansouri, F., & Dehnavi, N. A. (2023). Quarantine and infectious diseases in Kermanshahan from Naserelddin to the end of Qajar. *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 34-58.

doi: 10.30484/ganj.2023.3063

1. PhD in History of Iran after Islam, Payam Noor University, Kermanshah, Iran, (Corresponding author)  
fmansouri1970@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of History, Payam Noor University, Kermanshah, Iran  
.Nezamdehnavi@yahoo.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«130»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3063

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.2, Summer 2023 | pp: 34 - 58 (25) | Received: 1, Jul. 2022 | Accepted: 18, Dec. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

## قرنطینه و بیماری‌های مسری در کرمانشاهان (از زمان ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار)

فریبرز منصوری<sup>۱</sup> | نظامعلی دهنوی<sup>۲</sup>

چکیده:

قرنطینه به‌عنوان یکی از راه‌های مهم پیشگیری از شیوع بیماری‌ها پدیده‌ای مدرن است که همراه با گسترش پزشکی مدرن، پارادایمی نو را در حوزه بهداشت و درمان در ایران دوره قاجار شکل داد. موضوع زیارت و تجارت ایران با عراق عرب در قلمرو عثمانی، همواره باعث ترغیب تعداد زیادی از افراد با عناوین زائر، تاجر، و سیاح برای حرکت در مسیر کرمانشاهان می‌شد که نقشی عمده در اشاعه بیماری‌های مسری در این منطقه و دیگر مناطق ایران داشت. ضرورت پیشگیری از شیوع بیماری‌ها باعث شد تا دولت‌های ایران و عثمانی در مواقع بحرانی در مناطق کرمانشاهان و عراق عرب قرنطینه ایجاد کنند.

**هدف:** شناخت اهمیت قرنطینه‌های کرمانشاهان در پیشگیری از شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار در ایران.

**روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش با تکیه بر روش تحقیق تاریخی و با استفاده از اسناد و مدارک منتشرنشده آرشیوی و منابع معتبر کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** دستاورد پژوهش نشان داد که ایجاد قرنطینه‌هایی در مسیر کرمانشاهان می‌توانست مانعی مهم و جدی در برابر شیوع سریع و گسترده بیماری‌های واگیردار از درون مرزهای عثمانی به ایران باشد؛ ولی این قرنطینه‌ها به‌دلایلی چون رعایت نشدن مقررات قرنطینه‌ای توسط افراد بانفوذ و صاحب‌منصب، اختصاص نیافتن بودجه کافی از سوی دولت برای اداره این قرنطینه‌ها، نگاه منفعت‌جویانه مأموران قرنطینه و دریافت رشوه از تاجر، زوار و کاروان‌های حمل‌جنازه، در پیشگیری از شیوع بیماری‌ها و سرایت‌نکردن آن به دیگر نقاط کشور چندان مؤثر نبود.

**کلیدواژه‌ها:** قرنطینه؛ کرمانشاهان؛ عثمانی؛ زوار؛ حمل‌جنازه؛ بیماری‌های مسری؛ وبا؛ طاعون.

**استناد:** منصوری، فریبرز و دهنوی، نظام‌علی. (۱۴۰۲). قرنطینه و بیماری‌های مسری در کرمانشاهان (از زمان ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار). *گنجینه اسناد*، ۳۳ (۲)، ۳۴-۵۸.

doi: 10.30484/ganj.2023.3063

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه پیام

نور، کرمانشاه، ایران

Fmansouri1970@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور،

کرمانشاه، ایران

Nezamdehnavi@yahoo.com



### گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکس): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2023.3063

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۳۴ - ۵۸ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

شیوع مداوم بیماری‌های همه‌گیری همچون وبا و طاعون همواره یکی از مشکلات اساسی جوامع انسانی در روزگار گذشته بوده‌است. با گسترش ارتباطات در جوامع بشری و افزایش تبادلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بر دامنه شیوع بیماری‌های مسری هم افزوده شد و پیامدهای زیان‌بار آن عمومی‌تر شد. ایران در دوره قاجار با گسترش راه‌ها و رشد تجارت با دیگر کشورها و ادغام اقتصادش با اقتصاد جهانی و تسهیل رفت‌وآمد در درون و برون از مرزها، بیش‌تر در معرض شیوع بیماری‌های واگیردار قرار گرفت. عواملی چون نبود امکانات لازم در حوزه بهداشت و درمان، عدم اقبال حکومت در پذیرش جدی مسئولیت در حوزه بهداشت و سلامت عمومی جامعه، و نیز ناآگاهی عموم مردم از حوزه بهداشت و درمان، به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی زیانباری در این دوره منجر شد.

کرمانشاهان در غرب ایران به‌عنوان مهم‌ترین گذرگاه زوار عتبات‌عالیات، نقشی برجسته در رفت‌وآمد کاروان‌های زیارتی ایفا می‌کرد. تردد مداوم زوار از این منطقه و ارتباط این زوار با زوار دیگر کشورها، در پراکندگی و اشاعه بیماری‌های مسری نقشی عمده داشت. غیر از رفت‌وآمد زوار، حمل اجساد از مناطق مختلف ایران به عتبات‌عالیات نیز تأثیری فزاینده در اشاعه و گسترش بیماری‌های مسری ایفا می‌کرد. جدال مداوم دو حکومت ایران و عثمانی بر سر این موضوع از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار، یکی از مباحث پر حاشیه و کلیدی در روابط دو کشور محسوب می‌شد. فشارهای فزاینده حکومت عثمانی بر ایران برای تأسیس قرنطینه در مسیر زوار عتبات‌عالیات و ممانعت مداوم از ورود اجساد و به‌ویژه اجساد تازه، بر تغییر نگرش ایرانیان در دو حوزه مذکور تأثیر گذاشت. در پی این شرایط و به‌دستور امیرکبیر نخستین قرنطینه در قصر شیرین بر پا شد. قرنطینه مرزی مذکور در ابتدای فعالیت، فاقد امکانات بهداشتی، درمانی و مکان مناسب برای اسکان بود؛ ولی به تدریج از امکانات درمانی و رفاهی بیش‌تری برخوردار شد. به‌هر روی، پژوهش حاضر در صدد است با روش تاریخی و با تکیه بر اسناد منتشر نشده آرشیوی و منابع کتاب‌خانه‌ای معتبر به این پرسش پاسخ دهد که قرنطینه‌های کرمانشاهان چه نقشی در پیشگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر و کنترل آن داشته‌اند؟ محدوده مکانی پژوهش حاضر مناطقی است مابین کنگاور و قصر شیرین در مسیر شاه‌راه ایران-بین‌النهرین و دوره مورد مطالعه نیز روزگار ناصری تا انقراض سلسله قاجار را شامل می‌شود. این دوره به‌لحاظ تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید. در این دوره، موضوعاتی چون گسترش فزاینده علم و دانش در سطح جهان و تأثیر آن بر ایران، حضور دولت‌مردان مقتداری چون امیرکبیر و میرزا حسین خان سپه‌سالار در



بطن قدرت اجرایی کشور، و اهتمام دولت عثمانی به گسترش قرنطینه در درون خاکش و نیز فشار بر ایران برای اجرای مقررات آن، و نیز بنیان‌نهادن این نهاد توسط ایران در مرزهای دو کشور از مباحث مهم کشور بود.

## ۲. پیشینه پژوهش

تحولات پزشکی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی موضوعی است که پژوهشگران خارجی و داخلی به آن توجه داشته‌اند. یکی از آثار برجسته در این حوزه، کتاب ارزشمند سیریل الگود (۱۳۷۱) با عنوان «تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی» است که شاید بتوان گفت تنها اثری است که طب ایرانی را از روزگاران نخست تا قرن حاضر به تفصیل و پیوسته معرفی کرده‌است. مؤلف حدود ده سال (۱۳۰۴-۱۳۱۴ق/ ۱۸۸۷-۱۸۹۷م) با سمت پزشک سفارت انگلیس در ایران خدمت می‌کرده و از نزدیک شاهد اوضاع پزشکی ایران در آن زمان بوده‌است. او با بهره‌گیری از منابع آرشیوی وزارت خارجه انگلیس و یادداشت‌های روزانه کمپانی هند شرقی در خلیج فارس مطالبی ارزشمند را در زمینه تشکیلات بهداشتی و سازمان قرنطینه ارائه کرده‌است. پژوهش مذکور بیش‌تر به تشکیلات قرنطینه‌ای در بندرهای جنوبی پرداخته‌است و به مناطق غربی ایران و به‌ویژه نواحی سرحدی ایران و عثمانی کم‌تر توجه کرده‌است. اثر دیگری با عنوان «سلامت مردم در ایران قاجار» به قلم ویلم فلور (۱۳۸۶)، ایران‌شناس برجسته هلندی، به رشته تحریر درآمده‌است. مؤلف در این کتاب ارزشمند به مقولات مرتبط با حوزه سلامت عمومی و موضوعات پزشکی حرفه‌ای نظر داشته‌است و درباب قرنطینه و نقش پزشکان اروپایی در ایجاد آن و تشکیل مجالس حفظ‌الصحه به‌اجمال سخن رانده‌است. مرتضی دهقان‌نژاد و مسعود کثیری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر تاریخچه مشکلات ایجاد قرنطینه در ایران در دوره ناصرالدین‌شاه»، با تکیه بر اسناد و منابع، تاریخچه قرنطینه و اقدامات ایران و انگلیس در راستای ایجاد قرنطینه در بندرهای جنوبی و نیز مشکلات موجود بر سر راه اجرای آن را بررسی کرده‌اند. مهناز قنبری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه پیام نور مرکز کرمانشاه با عنوان «وضعیت بهداشت مردم کرمانشاه در دوره قاجار» درباب قرنطینه کرمانشاهان اشاره‌ای مختصر داشته‌است. تحقیقات جدیدی نیز درباره بیماری‌های همه‌گیر، نعش‌کشی و جایگاه عتبات‌عالیات در روابط ایران و عثمانی نگاشته شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله ارزشمند صبری آتش (۲۰۱۰) با عنوان «نعش‌کشی به عتبات» و مقاله «جایگاه عتبات‌عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار (مطالعه موردی: زوار و حمل‌جناز)» به قلم داریوش رحمانیان و ثریا شهسواری (۱۳۹۱) و مقالات متعدد دیگری



اشاره کرد که به‌صورت کلی و اجمالی به موضوع قرنطینه در ایران پرداخته‌اند. بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی مستقل در باب قرنطینه‌های کرمانشاهان در دوره مدنظر، به رشته تحریر درنیامده‌است. به‌هرحال، نوآوری پژوهش حاضر در این است که به‌طور خاص و موردی به موضوع قرنطینه‌ها در کرمانشاهان می‌پردازد و تلاش می‌کند با تکیه بر اسناد منتشرنشده سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی و اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجه و دیگر منابع معتبر به توصیف و تبیین موضوع بپردازد.

### ۳. تاریخچه قرنطینه در کرمانشاهان

قرنطینه در ایران تا پیش از دوره ناصری به‌شیوه‌ای غیراصولی و ناکارآمد و بیش‌تر در داخل کشور و در محدوده شهرها اجرا می‌شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که دولت مرکزی و حکمرانان محلی در این دوره به قرنطینه‌های مرزی توجه جدی نشان نمی‌دادند. برای نمونه، در سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م ناخوشی طاعون در بغداد شیوع یافت که جمعیت زیادی از ساکنان آن دیار را به کام مرگ فرستاد. این بیماری مهلک را زوار و تجاری که بدون محدودیت‌های قرنطینه‌ای وارد «دارالدوله کرمانشاهان» می‌شدند به ایران سرایت دادند (رساله در قضیه هائله طاعون بغداد و کرمانشاه ۱۲۴۶ق، نسخه خطی، شماره ۰۲/۰۴۸۳۲، ص ۱). بررسی دقیق محتوای رساله مذکور نشان می‌دهد که دولت ایران در راستای تأسیس قرنطینه در مرز کرمانشاه با عثمانی - که یکی از پرترددترین مرزهای ایران بود - تا آن روزگار اقدامی نکرده بوده‌است و این موضوع از دوره ناصرالدین شاه و با حضور پررنگ‌تر پزشکان خارجی در ایران و نیز پزشکان ایرانی تحصیل کرده در اروپا و به‌ویژه فشار دولت‌های عثمانی و ... انجام شده‌است. شیوع بیماری ویا در خاک عثمانی و نگرانی از سرایت آن به داخل ایران باعث شد که امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۰م با ارسال نامه‌ای به اسکندرخان، حاکم کرمانشاهان، دستور اجرای قرنطینه در مرز ایران و عثمانی را صادر کند. او در نامه خود با اشاره به شیوع بیماری ویا در عراق عرب و ضرورت ایجاد قرنطینه در مرز با عثمانی، مأموران دولتی را از سوءاستفاده و ظلم به مردم نهی کرد. او خطاب به مأموران دولتی بیان کرد که اجرای قرنطینه را به محلی برای دریافت باج و منبع درآمد شخصی تبدیل نکنند و آن را مستمسک «اذیت و آزار» قرار ندهند که «مترددین را به زحمت بیندازند»؛ «بلکه» این مهم را به عاملی برای ایجاد «نظم» (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۳۳۴) تبدیل کنند.

دولت ایران پس از امیرکبیر چندان به بهداشت عمومی و امور مربوط به حوزه سلامت همگانی توجه نداشت. این قضیه باعث شد که «کمیسیون به‌سازی بین‌المللی» در استانبول (۱۲۸۳ق/۱۸۶۶م) و در وین (۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م) به ایران فشار بیاورند تا شورای سلامت را



در تهران تشکیل دهد و خدمات مربوط به حوزه سلامت عمومی در سایر ولایات را نیز سامان‌دهی کند؛ ولی با وجود موافقت ایران، اقدامی عملی در این زمینه انجام نشد. دکتر کاستالدی (Castaldi)، نماینده دولت عثمانی که از طرف کمیسیون بین‌المللی مذکور برای بررسی پایبندی ایرانیان به امر سلامت به تهران فرستاده شده بود، دولت ایران را برای اجرای تعهداتش تحت فشار قرار داد. سرانجام ناصرالدین‌شاه در ربیع‌الثانی ۱۲۹۳ / مه ۱۸۷۶ دستور تشکیل «مجلس حفظ‌الصحه» را صادر کرد. از مهم‌ترین وظایف این مجلس جلب توجه حکام تمام ولایات ایران برای تأمین سلامت عمومی و نیز ایجاد قرنطینه برای پیشگیری از شیوع بیماری‌ها بود. یکی از برجسته‌ترین مصوبات اولین نشست مجلس حفظ‌الصحه، ایجاد قرنطینه در قصرشیرین بود. قرنطینه قصرشیرین در اوایل تأسیس، فاقد امکانات اولیه از جمله پزشک، دارو، مواد ضدعفونی‌کننده و چادر برای اسکان بود. تردد هزاران نفر از تجار و زوار عتبات عالیات، به‌ویژه در ایام محرم، مشکلات مأموران قرنطینه را فزون‌تر می‌کرد (ساکما، ۲۹۵/۳۵۲۱، برگ ۳). اغلب زائران، ۱۰ روز در مرز قرنطینه می‌شدند. گاهی اوقات کارگزاران دولت عثمانی از ایران توقع داشتند که زوار را به‌مدت ۱۰ الی ۲۰ روز دیگر هم در قرنطینه نگه دارند؛ ولی عواملی چون اتمام ذخیره غذایی و نبود قانون و مقررات بازدارنده باعث می‌شد که مأموران توان اجرای این توقعات را نداشته باشند. در یکی از این موارد، قرنطینه قصرشیرین در صدد اجرای دستورات مذکور برآمد، ولی حدود ۱۵۰۰۰ زائر که مدتی در محل مذکور حضور داشتند، با هجوم به سربازان قرنطینه و کشتن تعدادی از آن‌ها، وارد خاک عثمانی شدند (فلور، ۱۳۸۶، صص ۲۶۶-۲۶۷). هرچند وضعیت قرنطینه‌های مرزی در اوایل چندان مطلوب نبود، ولی با اجرای تدابیر بهتر از سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م به‌بعد، وبای فراگیر بغداد در سال ۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م مهار شد و به داخل ایران گسترش پیدا نکرد (فلور، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

#### ۴. بیماری‌های مسری در کرمانشاهان و عملکرد قرنطینه‌ها

ایالت کرمانشاهان به‌علت هم‌جواری با خاک عثمانی و واقع‌بودن بر مسیر اصلی جاده عتبات، همه‌ساله پذیرای جمعیت زیادی از زائران بود. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که هر سال شمار قابل توجهی از ایرانیان به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند. براساس گزارش بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۱۹ق/۱۹۰۱م، سالانه ۲۵ هزار نفر با گذرنامه و تعداد بسیار زیادی قاچاقی به عراق مسافرت می‌کرده‌اند که شاید درکل جمعیتی در حدود ۷۵ هزار نفر را شامل می‌شده‌است (اتحادیه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۹). به‌نوشته چارلز عیسوی (Charles Issawi)، هر سال حدود یک‌صد هزار نفر از ایران برای زیارت به عتبات می‌رفتند



(عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۷). اوژن اوبن (Eugene Oben) تعداد زائران ایرانی و غیرایرانی عتبات را سالانه ۴۰۰ هزار نفر برآورد کرده‌است (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۸۶). البته تعداد زائران ایرانی عتبات به تناسب روابط سیاسی دوستانه یا خصمانه بین دو کشور ایران و عثمانی تغییر می‌کرد. پس از انعقاد عهدنامه‌ی ارزروم دوم در سال ۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م و برقراری صلح بین دو کشور، تردد کاروان‌های زیارتی ایران به عتبات عالیات چندبرابر شد؛ ولی با شروع اختلاف بین دولت‌های ایران و عثمانی بر سر تحدید مرزها و موضوع قطور، و بدرفتاری مأموران عثمانی با زوار ایرانی، دولت ایران چهار سال رفت‌وآمد کاروان‌های زیارتی به عتبات عالیات را ممنوع اعلام کرد (رحمانیان و شهبوساری، ۱۳۹۱، ص ۴).

غیر از تردد زائران، هر ساله تعداد فراوانی جنازه نیز برای دفن در اماکن مقدس، وارد عراق می‌شد. تردد کاروان‌های زیارتی به همراه اجساد که به صورت غیربهداشتی حمل می‌شدند، کرمانشاه را به کانونی برای انتشار بیماری‌های مسری در ایران تبدیل کرده بود. عبور کاروان‌های تجارتی و زیارتی هرچند موجب رونق اقتصادی منطقه می‌شد، ولی سلامت مردم را هم به خطر می‌انداخت.

یکی از بیماری‌های بسیار خطرناک و به شدت مسری، بیماری وبا است که در ایران به «مرض موت» یا «مرگامرگی» (ناطق، ۱۳۵۶، ص ۲۳) و در کرمانشاهان به «مرگی» یا «مرگیه‌گه» (دهنوی، ۱۴۰۰/۰۵/۱۷، مصاحبه) معروف بوده‌است. در دوره قاجاریه و در سال ۱۲۳۷ق/۱۸۲۱م این بیماری از طریق بغداد - که در آن زمان در محاصره سپاهیان ایران قرار داشت - وارد ایران شد (بورل، ۱۳۹۲، ص ۳). هم‌چنین براساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، بیماری وبا در محرم ۱۲۶۷/نوامبر ۱۸۵۰ در کرمانشاهان شیوع یافت و باعث ایجاد مشکلات بسیاری برای اهالی شد. حاکم وقت برای جلوگیری از سرایت بیماری به مناطق مسکونی در مرزها، مأمورانی را موظف کرد که از رفت‌وآمد کاروان‌ها جلوگیری کنند (وقایع اتفاقیه، شماره ۴۲، محرم الحرام ۱۲۶۷، ص ۱). با شیوع وبا در بغداد در محرم ۱۳۰۷/اگوست ۱۸۸۹ و سرایت آن به کرمانشاهان، دولت‌های ایران و عثمانی در دو سوی مرز با قرنطینه، مانع از ورود زوار به خاک خود شدند. قوام‌الدوله به حکام ولایات اعلام کرد از عزیمت زوار و حمل جنازه به عراق جلوگیری شود و درمقابل، دولت عثمانی نیز با ایجاد قرنطینه در خانقین از ورود زوار به عتبات جلوگیری کرد (ساکما، ۲۹۵/۶۰۸۶، برگ ۳). طولانی شدن مدت قرنطینه به جدال و نزاع زوار با مأموران عثمانی منجر شد. در این شرایط آشفته و درگیری، هفتاد نفر از زوار مجروح و دو نفر نیز کشته شدند (ساکما، ۲۹۵/۲۱۹۱، برگ ۳؛ اختر، سال ۱۶، شماره ۱۳، ربیع‌الاول ۱۳۰۷).





یکی از راه‌های شایع عبور و مرور زوار و دیگر افراد در دو سوی مرز، پرداخت رشوه به مأموران قرنطینه بود. رواج رشوه بین حکام و مأموران قرنطینه یکی از دلایل برجسته شیوع بیماری‌ها در کرمانشاهان و دیگر مناطق ایران به‌شمار می‌رفت. برای نمونه، در گزارشی به تاریخ ۱۵ صفر ۱۳۰۷ ق/ ۱۱ اکتبر ۱۸۸۹ م آمده است که «علت بروز ناخوشی در کرمانشاهان این شد که جمعی از یهودیان بغداد فرار کرده، به طرف ایران می‌آمدند. در خانقین، گماشتگان حسام‌الملک، [حکمران وقت کرمانشاهان] مانع شدند. هریک بیست عدد لیره تعارف دادند و به اذن حسام‌الملک به کرمانشاهان آمدند و با ورود آن‌ها، ناخوشی بروز کرد» (کثیری و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۵۳). با انتشار خبر سرایت و با در کرمانشاهان، اهالی تهران وحشت زده شدند و به بی‌اعتنایی دولت به امر سلامت عمومی و رعایت نکردن قوانین حفظ‌الصحه اعتراض کردند (اختر، سال ۱۶، شماره ۷، صفر ۱۳۰۷، ص ۶۱). ترس و نگرانی تا آن حد فزون یافت که حتی ناصرالدین شاه نیز که آن زمان دچار تغییر مزاج شده بود، از این خبر بسیار مضطرب شد. به قول اعتمادالسلطنه «رنگ شاه پریده، دماغ کشیده و صدا گرفته، معلوم شد اسهال که در این چند روز بود شدت گرفته [...] چون کرمانشاهان وبا است، شاه وحشت کردند که خدای نکرده وبایی شده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ص ۶۶).

شیوع وبا در کرمانشاهان به گسترش اعتراض و افزایش نگرانی مردم در مناطق مختلف ایران و از جمله تهران منجر شد. این موضوع باعث شد که دستورالعملی از سوی دولت برای پیشگیری از وبا به ولایات و سرحادات فرستاده شود که چندان مؤثر نبود. براساس این دستورالعمل، بیمار وبایی بایستی دور از دیگران در فضای باز نگهداری می‌شد؛ در شهرهایی که وبا شیوع داشت مردم باید خانه‌های خود را ترک می‌کردند و در چادرها و دور از همدیگر سکونت می‌یافتند. در منازلی که اعضای آن به بیماری وبا مبتلا شده بودند، اهل آن بایستی به مدت ۱۵ روز خارج از منزل سکونت می‌یافتند و خانه را با آب و آهک، دود گوگرد، زاج و نمک طعام ضد عفونی می‌کردند و اثاثیه آن را در این مدت در هوای آزاد قرار می‌دادند (ناطق، ۱۳۵۶، ص ۵۶).

شیوع بیماری مسری در هر جای ایران باعث ایجاد نگرانی در بین مقامات عثمانی می‌شد؛ زیرا ایرانیان در هر جای این مملکت به زیارت عتبات عالیات علاقه‌مند بودند و در صورت امکان دوست داشتند که اجساد مردگان خود را نیز در جوار مراقد مطهر در عتبات عالیات دفن کنند و ممانعت از آن‌ها کاری بسیار دشوار بود. در سال ۱۳۰۹ ق/ ۱۸۹۲ م در پی شیوع بیماری وبا در خراسان و سرایت آن به بعضی از مناطق روسیه، دولت عثمانی بار دیگر «ورود زوار و حمل جنایز به عتبات عالیات را موقوف و قدغن کرد». در پی این اقدام دولت عثمانی، قوام‌الدوله نیز به تمام ایالات و ولایات دستور داد تا از عزیمت زوار



به سمت عراق جلوگیری کنند؛ ولی زوار از سراسر ایران بدون توجه به اخطار مأموران حکومتی از مسیر کرمانشاهان به سمت قصر شیرین حرکت کردند (ساکما، ۲۹۶/۲۱۴۹۴، برگ ۲). به هر روی، این بیماری در ایران آن روزگار به دلیل فقدان دارو و داروساز به طور کامل کنترل نشد و دولت عثمانی در اقدامی بشردوستانه و نیز برای ممانعت از گسترش آن به سرزمین خود، تیم پزشکی داوطلبی را به همراه دارو و تجهیزات درمانی به ایران اعزام کرد تا مبتلایان را درمان کنند (Sarinay, 2010, p268).

در سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م مجدد بیماری وبا در ایران شیوع یافت؛ ولی این بار دامنه شیوع آن گسترده‌تر و تلفات انسانی آن بیشتر از سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م بود. این بیماری ابتدا از بمبئی به حجاز منتقل شد و در زمستان ۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م به عراق رسید و در اوایل سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م توسط زوار وارد کرمانشاه شد و از آنجا نیز به سرعت در سراسر ایران پخش شد (بورل، ۱۳۹۲، ص ۱۱). در این ایام، دولت عثمانی علاوه بر قرنطینه خانقین، دو قرنطینه دیگر، یکی بین یعقوبیه و بغداد و دیگری بین بغداد و کربلا در محلی بانام «محمودیه» ایجاد کرد که مسافران را در اولی دو روز و در محمودیه پنج روز در قرنطینه نگه می‌داشتند (اتحادیه و غفوری، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۴۸). بورل (Burrell) سوءمدیریت دولت ایران در ایجاد کمپ‌های قرنطینه، ارتباط آزادانه مسافران تازه‌وارد با سایر افراد قرنطینه، اختصاص ندادن بودجه کافی برای اداره قرنطینه‌ها و تأمین مخارج آن‌ها از مالیات اهالی منطقه را از عوامل شکست قرنطینه‌ها در کنترل بیماری وبا در این سال (۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م) می‌داند (بورل، ۱۳۹۲، ص ۱۱). به استناد تلگراف میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه به فرمان‌فرما، حکمران کرمانشاهان، بیماری وبا در محله یهودی‌ها از شدت بیشتری برخوردار بوده‌است. در این تلگراف از فرمان‌فرما خواسته می‌شود که از ورود و خروج افراد به این محله ممانعت به عمل آید و درباب نظافت کل شهر و ضدعفونی کردن منازل بیماران اقدام فوری صورت گیرد (استادوخ، ۱۳۲۲/۱/۱۳، ۱/۶۸ق؛ اتحادیه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶). طبق گزارش طبای کرمانشاه، از ۸ تا ۲۲ محرم ۱۳۲۲ تعداد ۷ نفر از زنان و مردان مسلمان و یهودی این شهر در اثر ابتلا به بیماری وبا جان باختند (استادوخ، ۱۳۲۲/۱۱/۱۱/۱۹ق). طبق گزارش دکتر یوسف‌اف، طبیب کنسول‌گری دولت روسیه در کرمانشاهان، از هر ۵ نفر مبتلا به مرض وبا ۳ نفر از آنان جان باخته‌اند. این پزشک معتقد بود که دولت ایران بایستی «یک قرانتین<sup>۱</sup> در قصر شیرین» مستقر کند و «هرچه مال التجاره و بار و اشخاصی که از بغداد وارد» ایران می‌شوند، به اجبار تا «ده روز در قرانتین مزبور توقیف باشند» (استادوخ، ۱۳۲۴/۲/۱/۲۱ق).

۱. قرانتین: قرنطینه



در سال ۱۳۲۲ ق پس از فروکش کردن بیماری وبا در کرمانشاهان، بار دیگر این بیماری شدت یافت (استادوخ، ۱۳۲۲/۵/۲۱ ق). یکی از دلایل شیوع مجدد بیماری در آن روزگار، رعایت نکردن مقررات قرنطینه توسط زوار، به ویژه افراد بانفوذ و صاحب منصب بود. شیخ حسن ممقانی، از علمای بانفوذ نجف به همراه تعداد زیادی از طلاب و ملازمان خود در سال ۱۳۲۲ ق، ایامی که بیماری وبا در عراق و کرمانشاهان شیوع داشت، به مشهد و زیارت بارگاه امام رضا (ع) عازم شد. او و همراهانش بدون توجه به مقررات قرنطینه و با ضرب و شتم مأمورانی که سد راه او و همراهانش شده بودند، وارد کرمانشاه شدند. به گفته حاج سیاح، این گروه که ناقل بیماری بودند به هر جا که قدم می گذاشتند، بیماری را در آنجا انتشار می دادند (سیاح، ۱۳۵۹، صص ۵۳۵-۵۳۶؛ بولر، ۱۳۹۲، ص ۸).

وبای سال ۱۳۲۲ ق/۱۹۰۴ م تلفات جانی فراوانی در ایران و به ویژه کرمانشاهان بر جای نهاد. گروته (Grothe) در هنگام سفر به غرب و مرکز ایران، روستاهای زیادی را مشاهده کرده بود که ساکنانش در اثر این بیماری یا جان خود را از دست داده بودند و یا مجبور شده بودند موطن خویش را ترک کنند (گروته، ۱۳۹۲، ص ۹۹). دامنه شیوع و تلفات انسانی این بیماری آنچنان گسترده بود که دولت مرکزی ناگزیر شد مجدد شورای حفظالصحه را در سال ۱۳۲۲ ق/۱۹۰۴ م تشکیل دهد. این شورا که پیش تر تابع وزارت معارف بود، فعالیت خود را بر کاهش شیوع بیماری های عفونی، به ویژه وبا و طاعون متمرکز کرد و اقدامات پیشگیرانه سلامت عمومی و واکسیناسیون را سامان دهی کرد. از این زمان به بعد مجلس حفظالصحه زیر نظر وزارت داخله، اصلی ترین نهاد در امور سلامت عمومی ایران شد (فلور، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴).

با انتشار سریع بیماری وبا در سال مذکور در نواحی غربی ایران، مقامات باب عالی از سفارت ایران در استانبول خواستند که دولت ایران تارفع کامل بیماری از عبور و مرور زوار عتبات عالیات جلوگیری کند (استادوخ، ۱۳۲۲/۶/۲/۴۱ ق)؛ ولی اسناد و شواهدی درباره عملکرد ایران در این زمینه یافت نشد.

طاعون بیماری مهلک دیگری بود که از طریق مسافران و زائران عتبات به کرمانشاهان انتقال می یافت و گاهی اوقات تا سه سال بی وقفه تداوم داشت و بیشتر اهالی این سامان را مبتلا می کرد (آوری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۷، ۳۹۸). طبق گزارش دکتر تولوزان (Tholozan)، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، این بیماری در دوره قاجار هیچ گاه از ایران به کشور دیگری سرایت نمی کرد و نوعی اپیدمی محلی بود. برای نمونه، بروز طاعون در سال ۱۲۸۷ ق/۱۸۷۰ م به کردستان محدود ماند و به جای دیگری سرایت نکرد (فلور، ۱۳۸۶، ص ۲۱). سیریل الگود نیز معتقد بود که شهرهای ایران به دلیل قرار گرفتن



در ارتفاعات، هرگز منشاء پیدایش وبا و طاعون نبوده‌اند و همیشه این بیماری‌ها از کشورهای همجوار به ایران سرایت می‌کرده‌است (الگود، ۱۳۷۱، صص ۶۵۸-۶۵۹).

در سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م بیماری طاعون در عراق عرب و به‌ویژه در شهر بغداد شیوع یافت و جان بسیاری را ستاند. این بیماری در اواخر ذی‌القعدة ۱۲۴۶ق از طریق تجار و زوار به کرمانشاه سرایت کرد و در سال بعد نیز تداوم یافت. گسترش سریع آن در شهر کرمانشاه و فرار تعدادی از اهالی شهر به روستاها و به میان عشایر باعث شیوع بیشتر و پراکندگی آن در مناطق اطراف آن شهر شد. مرگ‌ومیر در شهر کرمانشاه چنان بود که در خانواده‌ای که جمعیت آن بالغ بر «سی‌چهل نفر» بود گویا «زیاده از یک نفر یا دو نفر و بیشتر از یک طفل یا یک زن» باقی نمانده بود. به‌قول نویسنده نسخه خطی «رساله در قضیه هائله طاعون بغداد و کرمانشاه ۱۲۴۶ق»، تعداد اجساد به‌حدی رسید که اغلب در گورهای دسته‌جمعی و بدون «غسل و کفن» دفن می‌شدند و بسیاری از جنازه‌ها در مناطق مختلف شهر «طعمه سگان» می‌شدند (رساله در قضیه هائله طاعون بغداد و کرمانشاه ۱۲۴۶ق، نسخه خطی، شماره ۰۴۸۳۲/۰۰۲، ص ۲). در نتیجه این بیماری تعداد زیادی از اقشار تهی‌دست و همچنین بزرگان زیادی از اندیشمندان، علما، تجار، اصناف و قبایل و طوایف هم جان خود را از دست دادند و شهر از جمعیت تهی شد که به‌قول نویسنده مذکور، تعداد آن‌ها را «غیر از خدا، کس به‌شمار و احصاء نیاورد». او نام تعدادی از بزرگانی که در پی این بیماری جان خود و خانواده‌هایشان را در شهر کرمانشاه از دست داده بودند، ذکر کرده‌است که نگاهی به آن چهره دهشتناکی از موضوع را نمایان می‌سازد. برای نمونه، شیخ‌علی احصایی و برادرش به‌اتفاق خانواده که بالغ بر ۵۰ نفر بودند، در اثر این بیماری جان باختند. از این دو خانواده، بیش از «یک دختر و دو زن» باقی نماند (رساله در قضیه هائله طاعون بغداد و کرمانشاه ۱۲۴۶ق، نسخه خطی، شماره ۰۴۸۳۲/۰۰۲، صص ۴-۸). از نتایج زیان‌بار این بیماری در کرمانشاه غیر از مرگ‌ومیر فراوان و کاهش جمعیت، دزدی و غارت اموال و منازل بود. تأثیر بیماری بر چهره شهر چنان بود که اگر کسی در اواخر ماه ربیع‌الاول ۱۲۴۷ق وارد شهر کرمانشاه می‌شد غیر از «بیوتات بی‌صاحب، ایتم و نسوان ویلان و مجالس برچیده و مدارس از هم‌پاشیده» چیزی مشاهده نمی‌کرد (رساله در قضیه هائله طاعون بغداد و کرمانشاه ۱۲۴۶ق، نسخه خطی، شماره ۰۴۸۳۲/۰۰۲، ص ۹). هما ناطق تلفات انسانی کرمانشاهان از این بیماری را بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده‌است (ناطق، ۱۳۵۶، ص ۲۴)؛ که به‌نظر می‌رسد در مقایسه با جمعیت کرمانشاهان در آن روزگار، رقمی مبالغه‌آمیز باشد.

انتشار خبر شیوع بیماری طاعون در خوزستان در سال ۱۲۸۴/ق/۱۸۶۷م و تأیید آن توسط میرزا بزرگ‌خان، کارپرداز ایران در بغداد، باعث شد که در مرز غربی ایران یک قرنطینه و در مرز شرقی عثمانی هم یک قرنطینه ایجاد شود و از تردد زوار ممانعت شود (ساکما، ۲۹۵/۳۵۲۳، برگ ۲).

در ذی‌حجه ۱۳۱۷/ آوریل ۱۹۰۰ بیماری طاعون در کردستان شیوع یافت و از سوی شورای حفظ‌الصحة، به‌منظور پیشگیری از سرایت بیماری به دیگر نقاط دستوراتی به حکام محلی کردستان و کرمانشاهان صادر شد (استادوخ، ۱۹/۹/۵۷/۱۳۱۷ق). در سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۱م بار دیگر بیماری طاعون در کرمانشاهان گسترش یافت و دولت برای مقابله با این بیماری، مبلغ ۴ هزار تومان اختصاص داد تا زیر نظر احتشام‌السلطنه، حکمران کرمانشاهان، برای «بعضی تدبیرات از قبیل احتراق البسه و تنظیف منازل» هزینه شود (استادوخ، ۲۰/۸/۵/۱۳۱۸ق).

کارگزاران دولت عثمانی پس از اطمینان از شیوع بیماری طاعون در عراق، در اطراف کربلای معلا و نجف اشرف «قرانتین گذاشتند» تا از گسترش بیماری ممانعت به‌عمل آورند. هم‌چنین مأموران دولت عثمانی در مرز با ایران از تردد زوار جلوگیری کردند (ساکما، ۲۹۶/۴۶۵، برگ ۲). مقررات سخت قرنطینه‌ای آن دولت و اقدامات مأموران آن باعث نارضایتی شدید زوار ایرانی شد. این موضوع باعث شد که دولت ایران با سفارت عثمانی در تهران و نیز مقامات باب‌عالی در استانبول گفت‌وگو کند. ماحصل این مذاکرات آن شد که به زوار بعد از توقف در قرنطینه، اجازه تردد داده شود (استادوخ، ۱۳۱۸/۵/۸/۶۵ق). دکتر پولاک (Polack)، ایجاد قرنطینه مرزی توسط دولت عثمانی را غیر ضروری می‌دانست و معتقد بود که طاعون هیچ‌گاه از ایران به عثمانی شیوع نیافته‌است؛ ولی عکس آن همواره اتفاق افتاده‌است (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۳۰۹).

در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م بار دیگر بیماری طاعون در کرمانشاهان شیوع یافت. با مشاهده علائم بیماری در ماهی‌دشت، با تقاضای حکمران وقت کرمانشاهان و تصویب مجلس حفظ‌الصحة دولتی مقرر شد «یک نفر طبیب عالم به‌همراه دو نفر معاون» به کرمانشاه اعزام شوند تا قرنطینه ایجاد شود. طبق دستور مجلس حفظ‌الصحة، مبلغ ۱۲۴۰ تومان بابت مقابله با این بیماری اختصاص یافت و نیز الزام شد تا «دکتر حیدر میرزا با دو نفر معاون» به کرمانشاه اعزام شوند (ساکما، ۲۴۰/۸۲۱۲۳، برگ ۲۳). غیر از مبلغ مذکور، مقرر شد ماهیانه مبلغ ۳۰۰ تومان حقوق به دکتر حیدر میرزا و دکتر کوک (Cock)، از معاونان او، مبلغ پانصد تومان برای مخارج سفر و تهیه لوازم مورد نیاز آنان و مبلغ ۱۲۰ تومان برای دو نفر طبیب دستیار توسط خزانه‌داری کل اختصاص یابد (ساکما، ۲۴۰/۸۲۱۲۳، برگ ۱۱).

طبق پژوهش سلطانی، ۲۰۰ سرباز روسی به همراه ۵ قزاق به فرماندهی نایب‌رضاخان در اختیار مأموران قرنطینه گذاشته شدند و فرج‌الله‌خان معتمدی نیز به سمت ناظر خرج و مسئول امور مالی برگزیده شد (سلطانی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۷۶۸).

در سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۸ م آنفلوانزای اسپانیایی در جهان شیوع یافت. این بیماری مهلک، حدود یک‌سوم جمعیت جهان را آلوده کرد و بیش از ۵۰ میلیون نفر را به کام مرگ کشاند. ایران یکی از کشورهایی بود که بیش‌ترین آسیب را از این همه‌گیری دید. آنفلوانزا زمانی به ایران رسید که مردم از پیش در جنگ جهانی اول، قحطی و بیماری‌های دیگر درگیر بودند و به‌همین دلیل میزان مرگ‌ومیر ناشی از این همه‌گیری افزایش یافت (همفریز و افخمی، ۱۴۰۰، ص ۷۸). کرمانشاهان به دلیل واقع‌بودن در مسیر ارتباطی بغداد-تهران و اهمیت استراتژیک آن در جنگ برای نیروهای متخاصم دول متحد و متفق، بیش‌تر از مناطق دیگر در معرض شیوع این بیماری قرار داشت. موج اول بیماری که از بمبئی شیوع یافت، در کم‌تر از یک هفته به بین‌النهرین و از آن‌جا به قصر شیرین رسید. نقل و انتقال نیروهای نظامی و ماشین‌آلات دولت‌های مذکور در مسیر بغداد-کرمانشاه باعث انتشار سریع این بیماری در ایران شد. موج دوم بیماری که گسترده‌تر از موج اول بود، مجدد از بین‌النهرین به سمت شمال ایران انتشار یافت. شیوع آنفلوانزا در کرمانشاه به دلیل ورود پناهندگان ارمنی و آشوری که پس از عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی از باکو، از آزار و اذیت ترک‌ها در قفقاز فرار کرده بودند، گسترده‌تر شد. در طول دو هفته آخر سپتامبر ۱۹۱۸/ ذی‌حجه ۱۳۳۶ حدود ۶۰ هزار پناهنده گرسنه و بیمار که با کل جمعیت شهر کرمانشاه برابری می‌کردند، به این شهر وارد شدند که ماحصل آن شیوع بیش‌تر بیماری، قحطی و فلاکت برای اهالی این دیار بود (همفریز و افخمی، ۱۴۰۰، صص ۹۲-۹۷).

غیر از بیماری‌های وبا و طاعون، امراض دیگری چون مالاریا، تیفوئید و تیفوس هم جان بسیاری از اهالی کرمانشاهان را ستانده‌است. طبق گزارش متصدیان کفن و دفن، بزرگ‌ترین دلیل تلفات در شهر کرمانشاه در دوره قاجار بیماری‌های تیفوئید و تیفوس بوده‌است (روستایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴۷). امراض چشمی مانند تراخم نیز به‌علت گردوغبار و نظافت‌نکردن و نشستن معابر در کرمانشاهان بسیار شیوع داشته‌است (ساکما، ۲۹۳/۸۶۶، برگ ۱۱). طبق آماری که در ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ ق / مارس ۱۸۸۱ م از طرف حکام ایالات و ولایات به مجلس حفظ‌الصحه ارائه شده، تعداد متولدگان این سال در کرمانشاهان ۷۶ نفر و تعداد فوت‌شدگان ۱۱۹ نفر بوده‌است. این گزارش نشان می‌دهد که آمار مرگ‌ومیر ناشی از امراض گوناگون در کرمانشاهان تا حدودی زیاد بوده‌است (روستایی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۱۴۷-۱۴۸).



غیر از عوامل خارجی انتقال بیماری به کرمانشاهان، عوامل داخلی متعددی نیز در شیوع امراض در این شهر مؤثر بوده‌اند. ناآگاهی مردم به اصول اولیه حفظ‌الصحه، رعایت نکردن بهداشت فردی و محیط، مصرف آب آشامیدنی ناسالم، رعایت نکردن بهداشت در محیط‌های کسب‌وکار، به‌ویژه اصناف قصابان، خواربارفروشان و خبازان از مهم‌ترین عوامل شیوع بیماری در این دیار بوده‌است (سلطانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۴۹).

## ۵. کاروان‌های حمل اموات و موانع قرنطینه‌ای

شیعیان بر اساس آموزه‌های دینی، بسیار تمایل دارند تا اجساد مردگان خود را در اماکن مقدس، به‌ویژه کربلا و نجف به خاک بسپارند. در سده ۱۹م تلاش فراوان شیعیان برای دفن اموات خود در عتبات، حمل جنازه را به تجارتی پرسود تبدیل کرده بود. این موضوع از یک سو موجب بروز تنش میان دولت‌های ایران و عثمانی و اتباع شیعی عثمانی با دولت عثمانی می‌شد و از سوی دیگر باعث ارتباط و پیوند عمیق میان حکومت و جامعه شیعی ایران با اتباع شیعی عثمانی می‌شد (آتش، ۲۰۱۰، ص ۴۰).

ایالت کرمانشاهان که در غرب ایران و بر مسیر اصلی شاه‌راه تجارتی و زیارتی ایران-بین‌النهرین واقع است، همواره در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با عثمانی نقشی مهم داشته‌است. زائران ممالک شیعه‌نشین قفقاز، آسیای میانه، افغانستان و مناطق مختلف ایران برای زیارت عتبات عالیات در عراق، ناگزیر از مسیر کرمانشاه-بغداد عبور می‌کردند. جایگاه بسیار بالای عتبات عالیات در نزد شیعیان باعث می‌شد که افراد و خاندان‌های متمول تلاش کنند اموات خود را از مناطق مختلف به آن دیار حمل کنند تا در جوار قبور مطهر ائمه معصومین (ع) دفن شوند (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۴۰۸). جنازه‌ها یا در تابوت‌های غیراستاندارد و یا در نمد پیچیده‌شده، قرار می‌گرفت و با قاطر و الاغ حمل می‌شد. بوی تعفن اجساد اغلب از وجوه برجسته کاروان‌های حمل اموات محسوب می‌شد. رعایت نکردن بهداشت از سوی کاروانیان، طولانی‌بودن مسیر و گرمای هوا موجب بروز بیماری‌های واگیر می‌شد (بایندر، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲).

سنت انتقال مردگان به عتبات موجب حیرت و واکنش پزشکان خارجی دربار ناصرالدین‌شاه نیز شد. دکتر کلوکه (Cloquet) و دکتر پولاک (Polak) یکی از دلایل مهم شیوع بیماری‌های همه‌گیر در ایران را نبش قبر مردگان مبتلا به امراض و حمل آن‌ها به عتبات می‌دانستند و تلاش کردند ناصرالدین‌شاه را از عواقب خطرناک آن آگاه سازند. ولی این سنت چنان با عقاید دینی و آداب و رسوم مردم آمیخته بود که هرگونه مخالفت با آن واکنش شدید مردم را در پی داشت. دکتر پولاک در این باره می‌نویسد: «دکتر کلوکه و من

در حین شیوع بیماری واگیردار وبا تلاش کردیم حکومت را واداریم بدون اجازه از طرف ما و کلاتر، نیش قبر و حمل جنازه را کاملاً ممنوع کنند. چنان طوفانی از نارضایتی و خشم مردم بر پا شد که ما به‌زودی دریافتیم به کاری محال دست‌زده‌ایم؛ کاری که امکان دارد برای خود ما نیز سخت خطرناک باشد؛ حتی بعد از چند روز فرمان شاه هم در این مورد موقوف‌الاجرا ماند» (پولاک، ۱۳۳۸، ص ۲۵۰).

حمل اجساد به عتبات هر چند درآمدی قابل توجه برای دولت‌های ایران و عثمانی داشت، ولی مشکلات بهداشتی و خطر شیوع بیماری‌های واگیردار مهم‌ترین دغدغه و چالش پیش‌روی دو کشور بود. کارگزاران ایران و عثمانی برای پیشگیری از شیوع بیماری‌ها ناگزیر بودند در مرزهای مشترک، به‌ویژه در قصر شیرین و خانقین ایستگاه قرنطینه ایجاد کنند. مأموران عثمانی کاروان‌های حمل اجساد و زائران ایرانی را برای چند روز در قرنطینه خانقین نگه می‌داشتند و پس از معاینات سطحی پزشکی و اطمینان از سلامت آن‌ها، اجازه ورود می‌دادند. کمبود مکان مناسب برای اسکان، اوضاع بهداشتی نامناسب، طولانی‌شدن مدت قرنطینه به دنبال انتشار شایعه شیوع بیماری در ایران و بدرفتاری مأموران عثمانی باعث نارضایتی زائران و اعتراض دولت ایران به سفارت عثمانی می‌شد (استادوخ، ۱۳۱۸/۵/۸/۶۵ ق).

اغلب پزشکان قرنطینه‌های دولت عثمانی، یهودی و غیرمسلمان بودند و گاهی مواقع در هنگام معاینه اجساد، در برابر چشمان زائران به اجساد شیعیان اهانت می‌کردند و یا صاحبان اجساد را مجبور می‌کردند که تابوت حمل جسد را نزد فلان صنعت‌گر یهودی بسازند. اگر یکی از زوار در اثر بیماری فوت می‌کرد، مدت زمان قرنطینه را برای تمام زوار تجدید می‌کردند و حتی برخی اوقات به دلیل منفعت شخصی قرنطینه برقرار می‌کردند (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۵۳۹-۵۴۰). مأموران قرنطینه دولت عثمانی جنازه‌هایی را که دارای علائم وبا یا طاعون بودند می‌سوزاندند. این اقدام آنان علاوه بر اعتراض دولت ایران به سفارت عثمانی و باب‌عالی، اعتراض علمای عتبات را نیز در پی داشت (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۶، ص ۲۴). سرانجام با گسترش نارضایتی و افزایش اعتراض‌ها، در شوال ۱۲۸۷ ق/ دسامبر ۱۸۷۰ م - پس از یک دوره مذاکرات - معاهده‌ای میان میرزا حسین خان مشیرالدوله، سفیر ایران در استانبول و مدحت پاشا والی بغداد منعقد شد که براساس آن مقرر شد: جنازه‌هایی که از ایران برای دفن در عتبات عالیات حمل می‌شوند؛ اولاً سه سال از تاریخ دفن آن‌ها گذشته باشد و شهادت‌نامه رسمی از حکومت محلی داشته باشند. ثانیاً جنازه‌ها باید در داخل صندوق‌های حلبی کاملاً بسته، قرار گیرند و سپس در تابوتی چوبی گذاشته شوند و تمام منافذ آن را با دقت ببندند. ثالثاً در موقع شیوع بیماری،





حمل جنازه از ایران به خاک عثمانی به کلی ممنوع باشد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳۶؛ روزنامه اختر، ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۰۴، سال ۱۳، شماره ۵).  
قرارداد مذکور و اعمال نظارت بهداشتی بیش‌تر و سخت‌گیری مأموران قرنطینه در تفتیش زائران و معاینه اجساد نه‌تنها مشکلات بین دو کشور را رفع نکرد، بلکه باعث شد تا زوار و کاروان‌های حمل اموات به‌صورت قاچاق و از مبادی غیررسمی عبور کنند و یا با ترفندهایی مأموران و پزشکان قرنطینه را فریب دهند. برای نمونه، گروهی از مردم محلی در کنار پاسگاه‌های مرزی کارشان خشک‌کردن جنازه‌های تازه بود تا بتوانند آن‌ها را از پست‌های بازرسی عبور دهند (آتش، ۲۰۱۰، ص ۶۵). افرادی هم بودند که اجساد نیمه‌پوسیده را در میان کالاهای دیگر، به‌ویژه زعفران که عطر تندش بوی تعفن را خنثی می‌کرد، جاسازی می‌کردند (گروته، ۱۳۶۹، ص ۹۹). گاهی مواقع نیز در سرحد ایران و عثمانی (خانقین)، اسکلت را جدا می‌کردند و هریک از افراد خانواده با مخفی‌کردن قطعه‌استخوانی در اثاثیه خود، بدون پرداخت عوارض، از مرز عبور می‌کردند (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۹۶، ص ۲۳).

هرچند تعداد جنازه‌های تازه که قاچاقی عبور داده می‌شد چندان زیاد نبود، ولی همین تعداد محدود هم به‌علت گسترش بیماری‌های مسری خطرناک بود. با شیوع بیماری‌های همه‌گیر در جهان، انتقال اموات به عتبات به موضوعی فرامنطقه‌ای بدل شد. روزنامه‌های پاریس علت شیوع بیماری وبا در عراق را انتقال جنازه‌ها به عتبات دانستند. از این رو در کنفرانس بهداشتی پاریس در سال ۱۲۸۲ق/۱۸۶۶م دولت‌های اروپایی به‌شدت به عملکرد دولت ایران اعتراض کردند (ناطق، ۱۳۵۸، ص ۲۷). این امر موجب شد تا دکتر تولوزان دستورالعملی را برای حمل بهداشتی اجساد صادر کند؛ بنابراین دولت طی تلگرافی از ضیاءالسلطنه، حاکم کرمانشاه، خواست تا با همکاری میرزا مصطفی طبیب جنازه‌ها را معاینه کنند و در صورت داشتن شرایط لازم، به آن‌ها اجازه دهند عبور کنند (کاووسی عراقی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶).

مالیاتی که مأموران دولت عثمانی بابت قرنطینه و اعطای شهادت‌نامه بر جنازه‌ها می‌بستند از قاعده خاصی برخوردار نبود. این هزینه‌ها که مالیات بهداشتی نام داشت در سال ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م در قوانین گمرکی بهداشت در عثمانی تصویب شد. براساس این مصوبه مقرر شد از هر زائر یا مسافر ده پیاستر (قروش) و از هر جنازه ۵۰ پیاستر دریافت شود؛ ولی مأموران این قانون را اجرا نمی‌کردند. هرچند جنازه‌ها را «طیب صحیّه عثمانی» در کرمانشاهان معاینه می‌کرد و عوارض آن‌ها نیز در همان‌جا پرداخت می‌شد، ولی در قرنطینه خانقین در کمال بی‌احترامی لاک و مهر طبیب مذکور را می‌شکستند و

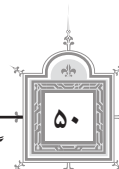


با گرفتن مبلغ دیگری، دوباره لاک و مهر می‌کردند (استادوخ، ۱۳۲۷/۲۴/۲۳/۳ق). در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م غیراز عوارضی که دولت عثمانی برای ورود هر جنازه دریافت می‌کرد، در کرمانشاهان نیز از هر جنازه سه قران عوارض دریافت می‌شد که جزو عایدات حاکم کرمانشاه بود و دو سال بعد، این مبلغ تا پنج قران افزایش یافت. عبدالحسین میرزا فرمان‌فرما، حاکم کرمانشاهان، عایدات حاصل از عوارض جنازه‌ها را صرف احداث بیمارستانی پانزده‌تخت‌خوابی برای مداوای زائران بیمار و فقرا کرد. این بیمارستان دارای داروخانه، درمانگاه مجانی و اتاق عمل بود و لوازم پزشکی و داروهای آن را از پاریس وارد می‌کردند (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱؛ روزنامه‌تیریا، ۱۰ شوال ۱۳۲۱، سال ۵، شماره ۲۹، ص ۱۲). سخت‌گیری مأموران دولت عثمانی در ظاهر برای حفظ سلامت عمومی و پیشگیری از شیوع بیماری‌ها بود؛ ولی درآمدی که از این طریق عاید آن‌ها می‌شد در این سخت‌گیری‌ها بی‌تأثیر نبود. با فروپاشی امپراتوری عثمانی و حاکمیت استعمار انگلیس در عراق، به تدریج رسم حمل اجساد به عتبات منسوخ شد. علمای تهران نیز با این استدلال که هزینه‌های حمل و دفن اجساد شیعیان در عراق نصیب دولت استعماری بریتانیا می‌شود به جای نبودن این عمل حکم کردند (ماشین‌چی ماهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰).

## ۶. نتیجه‌گیری

زیارت عتبات‌عالیات و نیز دفن اموات شیعیان در جوار مراقد مطهر امامان شیعه از آرزوهای همیشگی پیروان این مذهب در سراسر عالم بوده‌است. کرمانشاهان با واقع‌شدن در مسیر زیارتی عتبات‌عالیات، همواره از جایگاهی بسیار مهم در نقل و انتقال زوار و نیز کاروان‌های حمل جنازه به جوار مراقد مطهر برخوردار بوده‌است. از این‌روی، موضوع زوار و حمل جنازه شیعیان به عراق از مسائل بسیار پیچیده و مهم در مناسبات دوجانبه ایران و عثمانی از همان ابتدای رسمیت‌یافتن مذهب شیعه در ایران بوده‌است. در دوره قاجار و به‌ویژه از زمان ناصرالدین‌شاه، موضوع بیماری‌های مسری و شیوع و گسترش آن در دو سوی مرز ایران و عثمانی و ارتباط آن با امر زیارت و دفن جنازه‌های شیعیان در عتبات‌عالیات از مباحث بسیار پرچالش در روابط دو کشور بود. هرچند برای رفع موانع و تسهیل عبور و مرور در حوزه مسائل مذکور قراردادهایی منعقد شد، ولی رعایت‌نشدن دقیق آن از سوی مأموران مربوطه در دو سوی مرز و نیز نگاه متفاوت مردم و زوار به قضیه باعث شد که در عمل اجرای آن‌ها با مشکلات فراوانی روبه‌رو شود.

هرچند قرنطینه روشی مناسب و راهکاری عملی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر بود، ولی اجرای آن در ایران با توجه به ساختار حکومت در روزگار قاجار و نگرش مردم





- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. (ایرج افشار، کوشش‌گر). تهران: امیرکبیر.
- الگود، سیریل. (۱۳۷۱). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*. (چ ۲). (باهر فرقانی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: نقش جهان.
- بایندر، هنری. (۱۳۷۰). *سفرنامه هانری بایندر*. (کرامت‌الله افسر، مترجم). تهران: فرهنگسرا.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۳۸). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*. (کیکاووس جهاناداری، مترجم). تهران: خوارزمی.
- روستایی، محسن. (۱۳۸۲). *طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد)*. (ج ۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*. (ج ۱). (چ ۱). ناشر: مؤلف؛ چاپ شقایق.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۹۸). *تاریخ مفصل کرمانشاهان: استقرار مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول*. (ج ۱۵). (چ ۴). تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سپا.
- سیاح، محمدعلی. (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. (حمید سیاح، کوشش‌گر؛ سیف‌الله گلکار، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۶). *سلامت مردم در ایران قاجار*. (ایرج نبی‌پور، مترجم). بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی خلیج فارس.
- کاوسی عراقی، محمدحسن. (۱۳۸۱). *فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۱۵-۲۳)*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*. (مجید جلیل‌وند، مترجم). تهران: مرکز.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه. (۱۳۷۲). (ج ۳). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- ناطق، هما. (۱۳۵۸). *مصیبت و یا و بلای حکومت*. تهران: گستره.
- همفریز، مارگارت؛ افخمی، امیرارسلان. (۱۴۰۰). *آنفولانزای ۱۹۱۸ در آمریکا و ایران*. (سیده‌فاطمه یاحسینی، مترجم). تهران: هامون نو.

## مقاله

- آتش، صبری. (۲۰۱۰). «نخش‌کشی به عتبات: رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی». (نازلی کامواری، مترجم). *ایران‌نامه*، سال ۲۶، شماره ۱-۲.



- بورل. آر. ام. (۱۳۹۲). «همه گیری وبا در ایران (۱۹۰۴م): برخی از ابعاد جامعه قاجاری». (فریده فرزی و زهرا نظرزاده، مترجمان). *خردنامه*، شماره ۱۱.
- دهقان نژاد، مرتضی؛ کتیری، مسعود. (۱۳۸۹). «مروری بر تاریخچه مشکلات ایجاد قرنطینه در ایران در دوره ناصرالدین شاه». *پژوهش های تاریخی*، شماره ۸.
- رحمانیان، داریوش؛ شهسوار، ثریا. (۱۳۹۱). «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار؛ مطالعه موردی: (زوار و حمل جناز)». *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال ۴، شماره ۱۳.
- فقیه بحر العلوم، محمدمهدی. (۱۳۹۶). «تاریخچه انتقال جناز به عتبات عالیات: شهر کربلا». فصل نامه *فرهنگ زیارت*، شماره ۳۳، صص ۷-۴۴.
- کتیری، مسعود؛ دهقان نژاد، مرتضی. (۱۳۹۰). «قرنطینه های ایران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی». *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، دوره ۴، شماره ۶.
- ماشین چی ماهر، شهرزاد. (۱۳۹۲). «تأثیر کاروان های زیارتی و دفن مردگان در عتبات عالیات بر مناسبات ایران و عثمانی (۱۲۶۴-۱۳۴۳ق)». *پژوهش نامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۶، شماره ۱.
- ناطق، هما. (۱۳۵۶). «تأثیر اجتماعی و اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار». *نشریه نگین*، شماره ۱۴۸.

#### روزنامه

- اختر*: (سال ۱۳، شماره ۵، ۲۲ ذی حجه ۱۳۰۴)؛ (سال ۱۶، شماره ۷، صفر ۱۳۰۷)؛ (سال ۱۶، شماره ۱۳، ربیع الاول ۱۳۰۷).
- ثریا*: سال ۵، شماره ۲۹، ۱۰ شوال المکرم ۱۳۲۱.
- وقایع اتفاقیه*: شماره ۴۲، محرم ۱۲۶۷.

#### پایان نامه

- قنبری، مهناز. (۱۳۹۷). «وضعیت بهداشت مردم کرمانشاه در دوره قاجار». پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه پیام نور.

#### مصاحبه

- دهنوی، امیدعلی. (۱۴۰۰/۰۵/۱۷). مصاحبه شونده. (نظام علی دهنوی، مصاحبه گر).

#### منابع ترکی

#### اسناد منتشر شده

Sarinay, Yusuf. (2010). ARSIV BELGELERINDE OSMANLI-IRAN ILISKILERI. Ankara.



## English Translation of References

### Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e 'Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):  
ق 1317/19/9/57; ق 1318/5/8/65; ق 1318/20/8/5; ق 1322/1/1301/68; ق 1322/5/2/1; ق 1327/24/23/3; ق 1324/2/1/21; ق 1322/11/11/19; ق 1322/6/2/41. [Persian]

Sarinay, Yusuf. (2010). *ARSIV BELGELERINDE OSMANLI-IRAN ILISKILERI*. Ankara.

Sāzāmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):  
240/82123; 293/866; 295/2191; 295/3521; 295/3523; 295/6086; 296/465; 206/21494.  
[Persian]

### Manuscripts

*“Resāle dar qaziye-ye hāele-ye tā'un-e Baqdād va Kermānšāh 1246 AH”* (A treatise on the case of the plague of Baghdad and Kermanshah 1246 AH/1830 AD). (Unknown author). Muze-ye Melli-ye Malek (Malek National Library and Museum), document no.: 1393.04.04832/002. [Persian]

### Books

Adamiat, Fereydoun. (1362/1983). *“Amir Kabir va Irān”* (Amir Kabir and Iran). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz”* (La Perse d'aujourd'hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]. Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Naqš-e Jahān. [Persian]

Avery, Peter, et al. (1391/2012). *“Tārix-e Irān Kambrij”* (The Cambridge history of Iran) (vol. 7) (3<sup>rd</sup> ed.). Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Binder, Henry. (1370/1991). *“Safarnāme-ye Henry Bāynder”* (Au Kurdistan en Mesopotamie et en Perse) [In Kurdistan, Mesopotamia and Persia]. Translated by Karamatollah Afsar. Tehran: Farhangsarā. [Persian]



- Elgood, Cyril Loyd. (1371/1992). “” (2<sup>nd</sup> ed.). Translated by Baher Forghani. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1350/1961). “*Ruznāme-ye xāterāt-e E'temād-os-Saltaneh*” (Journal of memories of E'temad Al-Saltaneh). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Ettehadiyeh, Mansoureh et al. (1392/2013). “*Vabā-ye ‘ālamgīr*” (A global epidemic of cholera) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Ettehadiyeh, Mansoureh, & Ghafouri, Azam. (1397/2018). “*Hokumat-e Kermānšāhān; Montaxabi az asnād-e ‘Abdolhosein Mirzā Farmānfarmā (1322 – 1323 AH)*” (Government of Kermanshah: A selection of documents of Abdulhossein Mirza Farmanfarma (1322-1323 AH / 1904-1905 AD)) (vol. 2). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Floor, Willem. (1386/2007). “*Salāmat-e mardom dar Irān-e Qājār*” (Public health in Qajar Iran). Translated by Iraj Nabipour. Tehran: Dānešgāh-e ‘Olum Pezeški-ye Xalij-e Fārs (Persian Gulf University of Medical Sciences). [Persian]
- “*Gozide-ye asnād-e siyāsi-ye Irān va Osmāni: Dowre-ye Qājvriyeh*” (A selection of Iranian and Ottoman political documents: Qajar period) (vol. 3). (1372/1993). Tehran: Dafter-e Motālē'āt-e Siyāsi va Beinolmelali-ye Vābasteh be Vezārat-e Omur-e Xāreje-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Institute for Political and International Studies) (IPIS). [Persian]
- Grothe, Hugo. (1369/1990). “*Safar-nāme-ye Grothe*” (Grothe's travelogue). Translated by Majid Jalilvand. Tehran: Markaz. [Persian]
- Humphreys, Margaret; & Afkhami, Amir Arsalan. (1400/2021). “*Ānfolānzā-ye 1918 dar Āmrīkā va Irān*” (The influenza of 1918, Evolutionary perspectives in a historical context). translated by Seyyede Fatemeh Yahoseini. Tehran: Hāmun-e no. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). “*Tārix-e eqtesādi-ye Irān*” (The economic history of Iran). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]



- Kavousi Araghi, Mohammad Hasan. (1381/2002). "Fehrest-e asnād-e mokammel-e Qājāriyeh (Jeld-hā-ye 15 -23)" (The catalogue of supplementary documents (the Qajar Era)) (vols. 15-23). Tehran: Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e 'Omur-e Xāreje-ye Irān (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs). [Persian]
- Nategh, Homa. (1358/1979). "*Mosibat-e vabā va balā-ye hokumat*" (The calamity of cholera and the scourge of government). Tehran: Gostareh. [Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1368/1989). "*Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniān*" (Persien, das land und seine bewohner; Ethnographische schilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions]. Translated by Keykavous Jahangiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Roustayi, Mohsen. (1382/2003). "*Teb va tebābat dar Irān (Az 'ahd-e Qājār tā pāyān-e 'asr-e Rezā Šāh be ravāyat-e asnād)*" (History of medicine in Iran) (vol. 1). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Sayyah, Mohammad Ali. (1359/1980). "*Xāterāt-e Hāj Sayyāh yā dowre-ye xowf o vahšat*" (The travel diaries of haj sayyah 1859-1877). Edited by Hamid Sayyah & Seifollah Golkar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Soltani, Mohammad Ali. (1370/1991). "*Joqrāfiyā-ye tārixi va tārix-e mofassal-e Kermānšāhān*" (Historical geography and detailed history of Kermanshah) (vol. 1) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Self-published; Čāp-e Šaqāyeq. [Persian]
- Soltani, Mohammad Ali. (1398/2019). "*Tārix-e mofassal-e Kermānšāhān: Esteqrār-e mašruteh tā pāyān-e jang-e jahāni-ye avval*" (Detailed history of Kermanshah: From the constitutional establishment until the end of the First World War) (vol. 15) (4<sup>th</sup> ed.). Tehran: Mo'assese-ye Farhangi-ye Našr-e Sohā. [Persian]

#### Articles

- Atash, Sabri. (2010). "Naš-keši be 'atabāt: Reqābat-e Irān va Osmāni dar 'Arāq-e sade-ye 19 milādi" (Corpse traffic and Ottoman-Iranian rivalry). Translated by Nazli Kamvari. *Irānnāmeḥ*, 26(1-2). [Persian]





- Burrell. R. M. (1392/2013). "Hame-giri-ye vabā dar Irān (1904 AD): Barxi az ab'ād-e jāme'e-ye Qājāri" (The 1904 cholera epidemic in Iran: Some aspects of Qajar society). Translated by Farideh Farzi & Zahra Nazarzadeh. *Xeradnāmeḥ*, **11**. [Persian]
- Dehghannejad, Morteza; & Kasiri, Masoud. (1389/2010). "Moruri bar tārixče-ye moškelāt-e ijād-e qarantineh dar Irān dar dowre-ye Nāser-ed-Din Šāh" (The problem of quarantines in Iran during Naseroldin Shah's era (1847-1986)). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical Researches), **8**. [Persian]
- Faghih Bahrololoum, Mohammad Mahdi. (1396/2017). "Tārixče-ye enteḡāl-e janāēz be 'atabāt-e 'āliyāt: Šahr-e Karbalā" (The history of the corpse transfer to 'Atabat-e 'Aliat). *Fashnāme-ye Farhang-e Ziyārat*, **33**, pp. 7-44. [Persian]
- Kasiri, Masoud; & Dehghannejad, Morteza. (1390/2011). "Qarantine-hā-ye Irān dar avāxer-e dowre-ye Qājār va avāyel-e dowre-ye Pahlavi" (Quarantines of Iran in the end of Ghajar and the beginning of Pahlavi era). *Majalle-ye Axlāq va Tārix-e Pezeški-ye Irān* (Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine), **4**(6). [Persian]
- Mashinchi Maheri, Shahrouz. (1392/2013). "Tāsir-e kārevān-hā-ye ziyārati va dafn-e mordegān dar 'atabāt-e 'āliyāt bar monāsebāt-e Irān va Osmāni (1264-1343 AH)" (The influence of pilgrimage caravans and burial of the dead in the holy shrines on the relations between Iran and the Ottoman empire (1264-1343 AH / 1847-1924 AD)). *Pažuhešnāme-ye Tārix-e Tamaddon-e Eslāmi* (Iranian Journal for the History of Islamic Civilization), **46**(1). [Persian]
- Nategh, Homa. (1356/1977). "Tāsir-e ejtemāee va eqtesādi-ye bimāri-ye vabā dar dowre-ye Qājār" (The social and economic impact of cholera in the Qajar period). *Našriye-ye Negīn*, **148**. [Persian]
- Rahmanian, Daryoush; & Shahsavari, Sorayya. (1391/2012). "Jāyḡāh-e 'atabāt-e 'āliyāt dar monāsebāt-e Irān va Osmāni-ye 'asr-e Qājār; Motāle'e-ye moredi: (Zovvār va haml-e janāez)" (The position of 'Atabat-e 'Aliat in Iran - Ottoman relations during Qajar period case study: 'Pilgrims and the transfer of corpses'). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangī* (Journal of Cultural History Studies), **4**(13). [Persian]



### Newspapers

*Axtar*: (year 13, no. 5, 22 Dhu al-Hijja 1304 / 9 September 1887); (year 16, no. 7, Safar 1307 / October 1889); (year 16, no. 13, Rabi' al-Awwal 1307 / November 1889).

[Persian]

*Sorayyā*: year 5, no. 29, 10 Shawwal 1321 / 30 December 1903. [Persian]

*Vaqāye-e Ettefāqiyeh*: no. 42, Muharram 1267 / November 1850. [Persian]

### Dissertations

Ghanbari, Mahnaz. (1397/2018). "*Vaz'eeyat-e behdāšt-e mardom-e Kermānshāh dar dowre-ye Qājār*" (Health status of the people of Kermanshah during the Qajar period). [Master's thesis]. Kermānshāh: Dānešgāh-e Payām-e Nur (Payame Noor University). [Persian]

### Interview

Dehnavi, Omidali. (1400/05/17 SH / 8 August 2021). Interviewee. (Interviewer: Nezamali Dehnavi). [Persian]





# An Analysis of the Social-Cultural Role of Iraq (Arak) Sultan Abad Traders (1906 -1941)

Abdollah Motavali<sup>1</sup> | Mahdi Jiriyaei<sup>2</sup> | Mohammad Hasanbeigi<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** Sultanabad was constructed in 1849 by a military commander, Yusuf Khan Gorji, at the time of Fath Ali Shah Qajar. The city was organized based on a military model with the aim of establishing security in Farahan region and routes between the east and west parts of the country. Over time, Sultanabad became an important city in various economic and commercial dimensions. Agricultural products and the carpet industry elevated its status. Therefore, the merchants of Sultanabad achieved a prominent position and played an effective role in the development of the city. This article aims to investigate the impact of Sultanabad's merchants on the social and cultural developments of the city from the Persian Constitution till the end of the First Pahlavi period.

**Method and Research Design:** Archival records and library resources were studied and analyzed using historical method in a descriptive and analytical way.

**Finding and conclusion:** The results show that in addition to the immediate role of the merchants in the economic dynamism of the region, they played an effective role in various cultural areas and the established educational centers and religious places. They also interacted with some influential people, including clergies, and solved some of the social and economic problems of the residents.

**Keywords:** Sultanabad; Persian Constitution; The First Pahlavi; Schools; Merchants.

**Citation:** Motavali, A., Jiriyaei, M., & Hassanbeigi, M. (2023). An Analysis of the Social-Cultural Role of Iraq (Arak) Sultan Abad Traders (1906 -1941). *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 60-87.  
doi: 10.30484/ganj.2023.3064

1. Associate Professor, Department of History, Arak University, Arak, Iran  
a.motevaly@gmail.com
2. PhD in Iranian History, Islamic Course, Arak University, Arak, Iran  
jiryaem@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of History, Arak University, Arak, Iran, (Corresponding author)  
mohaamad.beigi@gmail.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«130»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3064

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.2, Summer 2023 | pp: 60 - 87 (28) | Received: 16, May. 2022 | Accepted: 18, Dec. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

# نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تجار سلطان آباد از مشروطه تا پایان پهلوی اول

عبدالله متولی<sup>۱</sup> | مهدی جیریائی<sup>۲</sup> | محمد حسن بیگی<sup>۳</sup>

چکیده:

شهر سلطان آباد در دوران فتح‌علی‌شاه قاجار حدود سال ۱۲۲۸ق توسط یوسف‌خان گرجی، یکی از فرماندهان نظامی، ساخته شد. این شهر با هدف ایجاد امنیت در منطقه فراهان و راه‌های ارتباطی بین مناطق شرقی و غربی کشور، براساس الگویی نظامی سازمان‌دهی شد. با گذشت زمان، سلطان آباد در ابعاد مختلف اقتصادی و تجاری به شهری مهم تبدیل شد. تولید محصولات کشاورزی و صنعت بافت فرش، جایگاه این شهر را ارتقا داد. به‌همین دلیل، تجار سلطان آباد نیز به موقعیت برجسته‌ای دست یافتند و در تحولات شهر نقشی مؤثر ایفا کردند.

**هدف:** بررسی تأثیرگذاری تجار سلطان آباد در تحولات اجتماعی و فرهنگی این شهر از دوران مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول.

**روش/ رویکرد پژوهش:** این مقاله با روش تاریخی و شیوه توصیفی تحلیلی و با کمک اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی در پی پاسخگویی به این پرسش است که تجار سلطان آباد در دوران مشروطه و پهلوی اول چه نقشی در ارتقای اجتماعی و فرهنگی سلطان آباد داشتند؟

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** تجار سلطان آباد علاوه بر نقش مستقیم در پویایی اقتصادی منطقه، در زمینه‌های فرهنگی مانند احداث مراکز آموزشی و اماکن مذهبی نیز حضوری مؤثر داشتند. آن‌ها با تعامل با بخشی از افراد صاحب‌نفوذ، از جمله روحانیون، بخشی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی ساکنان منطقه را نیز حل کردند.

**کلیدواژه‌ها:** سلطان آباد عراق؛ مشروطه؛ پهلوی اول؛ مدارس؛ تجار.

**استناد:** متولی، عبدالله، جیریائی، مهدی و، حسن بیگی، محمد. (۱۴۰۲). نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تجار سلطان آباد از مشروطه تا پایان پهلوی اول. *گنجینه اسناد*، ۳۳ (۲)، ۶۰-۸۷.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۶۴

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران

a.motevaly@gmail.com

۲. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اراک، اراک، ایران

jiryaeim@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

mohaamad.beigi@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکس): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۶۴

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۶۰ - ۸۷ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

سلطان‌آباد از سازه‌های شهری مهمی محسوب می‌شود که ظاهراً براساس ضرورت در دوره قاجار بنیاد گرفت و در گذر ایام موقعیتی مناسب‌تر یافت. قرارگرفتن در گذرگاه اصلی شرقی و غربی کشور و نزدیکی به پایتخت از علل مهمی بود که در ارتقاء موقعیت شهری سلطان‌آباد مؤثر بود. علاوه‌براین، نقش مؤثر این منطقه در تولید محصولات متنوع کشاورزی هم آن را به جایگاهی مناسب برای تأمین غلهٔ برخی مناطق هم‌جوار به‌ویژه تهران مبدل کرد. به‌همین دلیل فضای مساعدی برای رونق تجارت در این شهر فراهم شد و گروه‌ها و عناصر تجارت‌پیشهٔ این شهر به صنفی صاحب‌نام و قدرتمند مبدل شدند. ولی نکتهٔ بسیار مهم‌تری که به شکوفایی بیشتر تجارت و در نتیجه رشد قدرت تجار منتهی شد رونق گرفتن صنعت فرش منطقه بود. به‌صورت سنتی این منطقه تولیدکنندهٔ فرش‌های مرغوب محسوب می‌شد؛ ولی کم‌کم تولید و انتقال این فرش‌ها از حالت سنتی و مصرف داخلی خارج شد و در عرصهٔ تجارت جهانی موقعیتی ویژه به‌دست آورد. شکل‌گیری تجارت‌خانه‌های خارجی در این منطقه - که نقشی مؤثر در تولید و تجارت فرش داشتند - به‌خوبی به افزایش قدرت تاجران کمک کرد. در روزگاران منتهی به زمان بروز انقلاب مشروطیت و تحولات پس‌از آن تاجران سلطان‌آباد همانند طبقهٔ تجار برخی شهرهای بزرگ ایران نقش بارزتری در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. آن‌ها ضمن تلاش برای افزایش سطح دانش و بینش خود، کوشیدند که در ارتقاء موقعیت و جایگاه اجتماعی و فرهنگی منطقهٔ خود نیز مؤثر باشند؛ از این‌رو در سال‌های پس‌از مشروطیت و دورهٔ پهلوی، می‌توان تجار سلطان‌آباد را به‌شکلی جدی‌تر و پررنگ‌تر در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جست‌وجو کرد. از این‌رو در مقاله حاضر تلاش شده‌است تا به این پرسش پاسخ داده شود که تجار سلطان‌آباد در دورهٔ مشروطه و پهلوی اول چه نقش و جایگاهی در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی این شهر داشته‌اند؟

## ۲. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ پیشینهٔ پژوهش حاضر باید گفت که تحقیقات جزئی و کلی متعددی در این زمینه نگاشته شده‌است؛ ولی در اغلب آن‌ها نقش فرهنگی و اجتماعی تجار این منطقه در دورهٔ مذکور چندان مدنظر نبوده و تنها اشاراتی گذرا به این موضوع انجام شده‌است؛ از جملهٔ این نگاشته‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مقالهٔ «تحول شهرنشینی اراک در دورهٔ قاجار» نوشتهٔ (محمدحسین فرمهینی فراهانی و دیگران) (۱۳۹۵) چاپ مجلهٔ جستارهای تاریخی یکی از تحقیقات ارزش‌مندی است که در آن به تأسیس شهر سلطان‌آباد و زمینه‌های رشد این شهر از جمله توجه



حکومت مرکزی و کمپانی‌های خارجی به آن اشاره شده است. در این مقاله به دلایل تأسیس شهر سلطان‌آباد از جمله عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی و همچنین تحولات جمعیتی و ساختاری و اقتصادی شهر اراک به خوبی پرداخته شده است؛ البته برخلاف نوشتار حاضر به جایگاه تجار در تحولات فرهنگی اشاره زیادی نشده است.

۲- مقاله «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ق/۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱م)» نوشته مهدی جیریایی، حسین مفتخری، محمد سلیمانی مهرجانی (۱۳۹۷) است که بررسی نسبتاً دقیقی از وضعیت تجاری سلطان‌آباد در دوره معاصر ارائه داده است. در این مقاله اشارات کوتاهی از تأثیر جنگ جهانی اول بر وضعیت تجاری سلطان‌آباد و رکود پس‌از آن بر این شهر ارائه می‌شود.

### ۳. نگاهی به موقعیت جغرافیایی سلطان‌آباد

عراق بزرگ در قدیم به سرزمین وسیعی در کنار فلات مرکزی ایران و زاگرس شرقی اطلاق می‌شد که از شرق و غرب میان قم و همدان و از شمال و جنوب میان ری و اصفهان قرار داشت. در اصطلاح صاحب‌نظران علم جغرافیا و نویسنده «المسالک و الممالک»، «عراق عجم» به چندین ولایت بزرگ و کوچک اطلاق می‌شد که در گذشته در سرزمین وسیعی به نام «مدیا» (ماد) قرار می‌گرفتند (لسترنج، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰). این منطقه گسترده با قدری اختلاف حدود، از شمال به دیلم و آذربایجان، از غرب به کردستان و کرمانشاه، از جنوب به لرستان و خوزستان و فارس، و از شرق به خراسان و صحرای لوت منتهی می‌شده است (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲). در عصر قاجار و پهلوی اول، «عراق عجم» به چندین ولایت تقسیم می‌شد که هریک حکمران و والی ویژه‌ای داشت. این ولایت دربرگیرنده مناطق: همدان، عراق، قم، ساوه، زرند، قزوین، خمسه [زنجان]، تهران، کاشان، ولایات ثلاثه (کمره، گلپایگان، خوانسار)، اصفهان، یزد، ملایر، تویسرکان، نهاوند، دامغان، سمنان، شاه‌رود و بسطام بوده است (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵، صص ۴۷-۴۸). در دوره پهلوی اول بلوکات عراق شامل کَزَاز، سره‌بند، شراه، بُزْجَلُو، وفس، رودبار، تفرش، فراهان، آشتیان، ایک‌آباد ۲۴۰'۰۰۰ نفر جمعیت داشت و سلطان‌آباد ۴۵'۰۰۰ نفر و در مجموع ۲۸۵'۰۰۰ جمعیت داشت (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۱).

شهر سلطان‌آباد موفق‌ترین نمونه شهرسازی ایران در دوره قاجار محسوب می‌شود. عوامل مهمی چون موقعیت مناسب جغرافیایی، پس‌کرانه‌های حاصلخیز، قرار داشتن در مسیر جاده اصلی، سابقه تولیدات صنعتی و صادراتی و برخورداری از استعدادهای مذهبی، علمی و فرهنگی در کنار ایمن بودن منطقه، باعث رشد سریع حیات شهری در سلطان‌آباد شدند؛



چنان‌که این شهر اندک‌زمانی پس از تأسیس، به مهم‌ترین مرکز تولیدی، تجاری و شهری ناحیه مرکزی ایران تبدیل شد. مطابق وقایع‌نامه‌های دوره قاجار، سلطان‌آباد در سال ۱۲۷۱ق، مرکز سیاسی و اداری ولایت عراق عجم شناخته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۳۷).

#### ۴. شیوه زندگی و حوزه‌های فعالیت اجتماعی-فرهنگی تجار سلطان‌آباد

به‌موازات توسعه شهری، زمینه‌های مناسبی برای ترقی اندیشه‌های نو در شهر سلطان‌آباد فراهم آمد. این شهر مرکز اصلی تولید و تجارت فرش در ناحیه مرکزی ایران بود و این صنعت مهم‌ترین فعالیت تولیدی و صادراتی ایران در دوره قاجار محسوب می‌شد. کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی فرش، نظیر کمپانی زیگلر، شهر سلطان‌آباد را به‌عنوان مرکز اصلی فعالیت خود در ایران برگزیدند و از این‌رو بخش اعظم ساکنان سلطان‌آباد را بازرگانان و دست‌اندرکاران این صنعت تشکیل می‌دادند که اکثراً از دیگر نواحی کشور و به‌ویژه از آذربایجان به این شهر مهاجرت کرده بودند (اهلرز، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱).

در دوره مذکور یکی از قشرهای اجتماع که نقش بسیار زیادی در تحولات سلطان‌آباد عراق داشت طبقه تجار بود. تجار بزرگ موقعیتی ممتاز در بازار داشتند و پایگاه اجتماعی آنان از کسبه و پیشه‌ورانی که اصناف را تشکیل می‌دادند کاملاً متمایز بود و در رأس قدرت، منزلت، ثروت و سلسله‌مراتب این قشر قرار داشتند. به‌علاوه تجار بزرگ در کنار علماء و عمال دیوانی از اعیان شهر به‌شمار می‌آمدند و مرفه‌ترین و باثبات‌ترین عنصر جامعه را تشکیل می‌دادند (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵). این طبقه، درمقابل خطرات زندگی عمومی، آسیب‌پذیری کم‌تری داشتند؛ زیرا به‌علت داشتن مال زیاد و موقعیت اجتماعی بهتر، از خطراتی که همواره طبقات پایین جامعه را تهدید می‌کرد در امان بودند. بااین‌حال سبک زندگی آن‌ها پرزرق‌وبرق نبود و تاحدزیادی از اسراف و زیاده‌روی دوری می‌جستند. رفتار حاکم محلی نیز -باوجود ظالم‌بودن حکام- با این طبقه خوب و محترمانه بود؛ چراکه اینان می‌توانستند هزینه‌های غیرمترقبه مثل هزینه لشکرکشی‌ها یا دفع متجاوزان میهن را فراهم سازند (آوری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۹۱). برای نمونه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ق درحالی‌که مردم ایران سرگرم جشن سال‌گرد انقلاب مشروطه بودند سپاهیان عثمانی وارد خاک آذربایجان شدند و با ضرب‌الاجل خواستار تخلیه شهر ارومیه شدند. در این اثنا شاه‌زاده عبدالحمید میرزای فرمان‌فرما والی تازه‌وارد آذربایجان برای نجات میهن و مقابله با سپاهیان عثمانی از همه ایرانیان درخواست کمک کرد. در این بین حاج میرزا محمد رضا کاشانی از تجار بزرگ سلطان‌آباد عراق برای هزینه‌های دفع تجاوز دشمن مبلغ پانصد تومان برای فرمان‌فرما فرستاد (دهگان، ۱۳۴۵، صص ۲۱۱-۲۱۲). این اقدام روشن می‌کند که تجار





سلطان‌آباد در این دوره علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، با شرایط سیاسی زمانه کشور خود هم آشنایی داشتند؛ آنان هم‌چنین با افکار و شیوه‌های حکومتی جدید دنیا هم بیگانه نبودند (حائری، ۱۳۶۰، ص ۱۷). تجار سرشناس سلطان‌آباد عراق به دلیل مهاجرت تجار دیگر از شهرهای بزرگ ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا به سلطان‌آباد با دستاوردهای تمدن غرب آشنایی نسبی داشتند و از دیگر اقشار اجتماعی درکی عمیق‌تر و روشن‌تر داشتند. تجار و روشن‌فکران به دلیل نزدیکی افکارشان و ارتباط تنگاتنگ دو جنبه مهم توسعه (جنبه اقتصادی و جنبه سیاسی) با یکدیگر، ضرورت ایجاد تحول سیاسی برای تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را دریافته بودند. تجار با مقایسه وضعیت سلطان‌آباد با دیگر شهرهای روستوسعه ایران و هم‌چنین خارج از ایران، خود را به روشن‌فکران نزدیک‌تر می‌کردند. روشن‌فکران از طریق علم و دانش خویش می‌توانستند راهکارهای مناسب به‌کارگیری سرمایه را به تجار نشان دهند؛ به طوری که سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌ها موجب توسعه سلطان‌آباد و رشد مدنیت و صنعت و علم شود. در بین تجار افراد روشن‌بین بسیاری بودند که به سبب داشتن حوزه‌های ارتباطی گسترده، به نقش و اهمیت معارف و تعلیمات عمومی پی برده بودند و به کسب علم و دانش بی‌توجه نبودند و در تمام این سال‌ها معارف‌خواهی و کمک به رونق مدارس جدید از ویژگی‌های آن‌ها بود (نامه عراق، س ۴، ش ۴۱۷، ۱۵ مرداد ۱۳۱۶، ص ۱) و در این زمینه با روشن‌فکران ارتباط داشتند. منتها این روشن‌فکران بودند که در اعتلا بخشیدن به دانش تجاری و تلقی جدید تجار از مفهوم نوین تجارت مقاله‌هایی در تجزیه و تحلیل موقعیت تجاری عراق و ویژگی‌های تجار در «نامه عراق» منتشر می‌کردند. در این مقالات نویسندگان که عمدتاً از عناصر روشن‌اندیش جامعه محسوب می‌شدند از سبک تفکرات سنتی طبقه تجار انتقاد می‌کردند و آن را مانعی جدی در برابر تجاری‌سازی محصولات تولیدی نظیر فرش می‌دانستند. بر این اساس آنان برای برون‌رفت از این وضعیت، به تجار پیشنهاد می‌کردند که با مشارکت با یکدیگر سرمایه‌های خود و مردم را برای تأسیس شرکت‌های سهامی، تضامنی، و محدود، به‌کار گیرند (نامه عراق، س ۲، ش ۱۵۸، ۲۵ خرداد ۱۳۱۴، س ۱). یکی از این روشن‌فکران «سیدباقر موسوی» مدیر مسئول «نامه عراق» بود که در زمینه وضعیت معاملات بازار سلطان‌آباد به‌ویژه درباره تجارت فرش - که علاوه بر بازارهای داخلی تا بازارهای بسیار دور مانند اروپا، آمریکا هم می‌رسید (ساکما، ۳۶۰/۵۳۸۷) - مقالات تأمل‌برانگیزی درباره علل رونق و رکود فرش در بازارهای داخلی و خارجی منتشر می‌کرد.

از این حیث تجار سلطان‌آباد علاوه بر تجارت و خرید و فروش اجناس و تأمین مایحتاج مردم، در امورات دیگر اجتماعی نیز نقشی بی‌بدیل داشتند؛ از جمله در انتخابات و کلای شهری



کاندیدای نمایندگی می شدند و در بیشتر موارد به جهت حُسن سابقه از سوی مردم انتخاب می شدند؛ چراکه تجار و بازاریان اصیل این دوره معمولاً به صفات نیک اخلاقی شناخته می شدند و به اصول شرعی و عرفی پایبند بودند و هرگز اجازه نمی دادند پایشان به عدلیه و نظمیه باز شود. این فرهنگ قوی، آنان را به مهم ترین طبقه تشکیلاتی جامعه تبدیل کرده بود و بالطبع آن ها در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اثرگذاری چشمگیری داشتند. به همین دلیل بود که در انتخابات مختلفی که در ایام پس از مشروطیت در ایران مرسوم شده بود تجار بدنه اصلی انتخاب شوندهگان را تشکیل می دادند. برای نمونه براساس گزارش «نامه عراق» در انتخابات تعیین و کلاهی انجمن بلدیة سلطان آباد - که در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ ش برگزار شد - بیش از دو سوم از منتخبان از تجار سرشناس و متنفذ بودند (جدول ۱).

ردیف	نام و نام خانوادگی	تعداد رأی	طبقه اجتماعی
۱	ابراهیم نوذری	۷۲۱	تجّار، عضو اتاق تجارت اراک
۲	حسن تبارک	۶۲۲	تجّار، عضو اتاق تجارت اراک
۳	رضا شکرایی	۶۰۵	تجّار، نمایندگی چای و مظافات عراق
۴	رضا قرشی	۵۲۰	تجار
۵	حسین قلی بیات	۵۱۱	ملاکین
۶	علی آقا فراهان چی	۴۷۴	تجّار؛ ملاکین
۷	سیدصادق مهدی زاده	۴۵۸	تجّار
۸	غلامرضا مشیری	۴۵۵	تجّار
۹	حسین خاک باز	۴۵۴	ملاکین
۱۰	علی اکبر خان بلوکی	۴۵۲	تجّار؛ ملاکین
۱۱	ابراهیم مستوفی	۴۴۲	تجّار
۱۲	نصراله کریمی	۴۳۹	تجّار
۱۳	علی نقی حیدری	۴۳۳	تجّار
۱۴	حسین مشیری	۳۰۵	تجّار
۱۵	جعفر حسینی	۲۷۰	روحانیون
۱۶	ذبیح الله ذبیحی	۲۴۳	ملاکین
۱۷	محمد علیا	۲۴۰	روحانیون

### جدول ۱

اعضای اصلی انجمن شهرداری سلطان آباد  
در سال ۱۳۱۶ ش



ردیف	نام و نام خانوادگی	تعداد رأی	طبقه اجتماعی
۱۸	غلام حسین صمصامی	۲۲۸	ملاکین
۱۹	خطیب	۲۳۷	روحانیون
۲۰	سیدعلی اکبر طباطبایی	۲۲۸	تجار
۲۱	خدارحم مشیری	۲۰۰	تجّار
۲۲	محمد نوری	۱۷۸	تجّار
۲۳	علی صابری	۱۷۴	روحانیون
۲۴	شفیع ملکی	۱۶۶	تجار
۲۵	صدوق	۱۶۴	تجّار
۲۶	هاشمی	۱۵۲	تجّار
۲۷	اسدزاده	۱۴۳	تجار
۲۸	شمس کاشانی	۱۲۵	تجّار
۲۹	ابطحی	۱۲۷	روحانیون
۳۰	محمد راستین	۱۰۸	روحانیون

### ادامه جدول ۱

اعضای اصلی انجمن شهرداری سلطان آباد  
در سال ۱۳۱۶ ش

(نامه عراق، س ۴، ش ۳۹۳، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۶، ص ۲؛ استنتاج نویسنده مقاله).

### ۵. تجار و امورات فرهنگی و اجتماعی عام‌المنفعه (عصر قاجار و پهلوی)

از دیگر امورات اجتماعی که تجار پس از برقراری نظام مشروطیت در ایران به آن توجه داشتند مشارکت در کارهای عام‌المنفعه بود. این کار موجب کسب وجهه و اعتبار برای آنان می‌شد. آن‌ها علاوه بر اینکه خودشان خیر بودند محل مراجعه خیرین دیگر اقشار و مردم نیز برای سپردن سرمایه‌شان به دست آن‌ها به عنوان معتمدان، متفذان و ثروتمندان بودند. از همین رو به علت انباشت بخش اعظم سرمایه مملکت در دست تجار، حکام هم احترام زیادی به آن‌ها می‌گذاشتند تا در مواقع لزوم بتوانند از آن‌ها پول قرض کنند. البته چون این پول نزد تجار امانت بود، به سندی مطمئن برای بازپرداخت آن نیاز بود؛ بنابراین تجار امتیاز درآمدهای بعضی از ایالات یا نمایندگی انحصاری فروش کالاهای دولتی را به دست می‌آوردند (ساکما، ۲۴۰/۹۲۲۳۳).

در ادامه امورات مهم فرهنگی و اجتماعی عام‌المنفعه که تجار سلطان آباد عراق در آن مشارکت و فعالیت داشتند بررسی و معرفی می‌شود.



## ۵.۱. تأسیس مدرسه

یکی از مهم‌ترین اموری که تجار سلطان‌آباد در آن وارد شدند مدرسه‌سازی بود. اینکه نگاه تجار به این امر چگونه بوده است از اهمیت خاصی برخوردار است و ما را به فهم عمیق‌تر افکار آنان نزدیک‌تر می‌کند. تجار توسعه مدارس را برخلاف نگاه برخی از طبقات اجتماعی، رواج غرب‌گرایی نمی‌دانستند؛ چراکه پابندی آنان به آداب و رسوم فرهنگی و سنت مانع خودباختگی آنان در برابر تمدن غرب می‌شد. اساساً تجار در این دوره درک عمیقی از مبانی مدرنیته و علوم جدید نداشتند؛ تنها می‌دانستند که باسواد شدن و رشد فرهنگی باعث پیشرفت جامعه می‌شود. به عبارت دیگر فهم آنان از غرب به مبانی فکری آنان بازمی‌گشت؛ بلکه بیشتر الگوبرداری از دستاوردهای مادی تمدن غرب بود. هم‌چنین در برخی از موارد کمک‌های تجار برای تأسیس مدارس شکل دینی به خود می‌گرفت و همکاری آنان با روحانیون در این زمینه به بالا بردن آگاهی از راه اسلام تعبیر می‌شد. بنابه استناد جغرافیایانویسان اسلامی، از قرن چهارم هجری مناطق تفرش، آوه (در نزدیکی ساوه) فراهان، کمره (خمین) و کرج ابودلف (شهر آستانه‌شازند در ۳۵ کیلومتری اراک) از مراکز شیعیان در ایران به‌شمار می‌رفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۷۳۲). به همین لحاظ اندک مدتی بعد از تأسیس شهر سلطان‌آباد عراق در این ناحیه، این شهر به سرعت به مهم‌ترین مرکز دینی شیعه در ناحیه مرکزی ایران تبدیل شد. حضور علمای برجسته و طراز اول شیعه و تجار در سلطان‌آباد عراق باعث ایجاد مدارس دینی و نوین متعددی در این شهر شد. نویسنده «تاریخ عراق» از چند باب مدرسه ابتدایی و از سه مدرسه بزرگ علوم دینی در سلطان‌آباد عراق در این دوره یاد می‌کند و می‌نویسد: «مدرسه سپهداری که قدیمی‌ترین مدرسه شهر است و از ساخته‌های بانی شهر می‌باشد و از محل موقوفات اداره می‌شود. مدرسه دوم [مدرسه آقاضیاءالدین]، مدرسه نوساز بزرگی است در جنب میدان دیوان‌خانه یا ارگ که یکی از تجار شهر به نام حاج حسن ملک‌التجار تبریزی با هزینه شخصی ساخت و وقف کرد» (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵، صص ۹۳-۹۴). او ساخت این مدرسه (مدرسه آقاضیاءالدین) را در سال ۱۳۱۷ ق شروع کرد و تا سال ۱۳۲۲ ق در حدود دویست هزار ریال برای بنای آن هزینه کرد. گرچه عمر او تا اتمام کامل بنا باقی نبود، ولی قبل از فوت اقدامات لازم [را] برای تنظیم امور این مدرسه انجام داد. از محل درآمد وقف دو باب کاروان‌سرا، و ده باب دکان در شهر و روستاهای قزلیجه و طردان (تردان و طرلان نیز نامیده شده است) و قسمتی از مزارع رباط و جاروب‌سرخه در بلوک کزاز، هزینه‌های اتمام و نگهداری آن را پیش‌بینی [کرد] و تصدی آن را به یکی از نزدیکان خود (محمد اعتمادیه) سپرد. ایشان هم اتمام بنای مدرسه را به پایان رساندند و پس از او فرزندش ابراهیم اعتمادیه تصدی امور اوقاف این مدرسه را به‌عهده داشتند. در سال ۱۳۱۷ ش، اداره فرهنگ اراک با



کسب موافقت وزارت فرهنگ و جلب نظر آقای اعتمادیه متصدی موقوفه در مقام تعمیر و اصلاح آن برآمد و با حفظ صورت ساختمان، بنای آن را متناسب [با] یک باب دبستان به نام دبستان عظیمی برای تعداد ۲۵۰ نفر دانش آموز آماده کرد (نامه اراک، س ۶، ش ۶۰۳، پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۸، صص ۱-۲). حاج محمدابراهیم خوانساری از متدینین و تجار فرش سلطان آباد عراق، طی سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۲۰ ق ساخت مدرسه‌ای را برای طلاب شروع کرد که البته با فوتش ناتمام ماند. شیخ عبدالکریم حائری در سفر دوم خود به سلطان آباد ساخت این مدرسه را به‌تمام رساند و تدریس را در آن شروع کرد (نعیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۱).

روند توسعه مدارس علوم دینی در سلطان آباد با مهاجرت روحانی برجسته شیعه و مؤسس حوزه علمیه قم، یعنی حاج شیخ عبدالکریم حائری سرعت بیشتری یافت. او در سال ۱۳۱۶ ق، به دعوت و حمایت حاج آقا محسن عراقی از مجتهدان به نام سلطان آباد به این شهر آمد و تا سال ۱۳۲۴ ق، به تدریس و نشر علوم دینی در حوزه علمیه آن پرداخت (دهگان، بی تا، صص ۱-۲). در این زمان مدارس دینی و علمای سلطان آباد عراق بیشتر تابع و زیر نظر روحانیون نواندیش نجف به‌ویژه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قرار داشتند (دهگان، بی تا، صص ۲۰-۲۱). به‌همین جهت مدارس دینی سلطان آباد عراق محل تربیت روحانیون برجسته، نواندیش و مشروطه‌طلب بود. این روحانیون در میان عامه مردم شهر به‌ویژه بازاریان، تجار و وابستگان اقتصاد صنعتی و تجاری، نفوذ بسیاری داشتند.

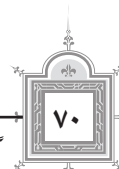
پس از مشروطیت ادامه تغییرات اجتماعی و تغییر نگاه سنتی جامعه به استفاده از دستاوردهای تمدن مدرن از جمله تأسیس مدارس با نظام جدید آموزشی رفته‌رفته سرعت بیشتری گرفت. از این حیث سلطان آباد عراق از اولین شهرهایی بود که در دوره مظفرالدین شاه به‌همت حاج ذوالفقارخان صمصام‌الملک (بیات) امیرتومان عراق به تشویق روشن‌فکران در خلال سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق، بر آن شد تا مدرسه‌ای (مدرسه صمصامیه) را با سبک جدید و موافق با پروگرام وزارت معارف در شش کلاس تأسیس کند که در آن، مقدمات حساب، جبر و مقابله، تاریخ، جغرافیا، زبان‌های عربی، فارسی و فرانسه تدریس شود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۹۵). هم‌چنین در فرایند ورود به مدرسه صمصامیه مدرسه کوچکی نیز به نام سهامیه توسط سهام‌الملک بیات تأسیس شد که سه کلاس مقدماتی داشت و در واقع این مدرسه به‌منزله دوره آمادگی برای مدرسه صمصامیه بود. حاج ذوالفقارخان برای هزینه‌های این دو مدرسه که تعداد دانش‌آموزانشان بیش از سیصد نفر بود چند دهات را وقف کرد؛ البته این مدارس دانش‌آموزان بی‌بضاعت را بدون دریافت پول ثبت‌نام می‌کردند. به‌همین دلیل در سال هزار و پانصد تومان نقد و ده خروار جنس (از املاک وقفی) هزینه تعلیم و تربیت، ناهار، شام، لباس و سایر لوازم بیست نفر



دانش آموز یتیم و اداره مدرسه صمصامیه می شد (فرید، ۱۳۱۵، ص ۶۹). شایان ذکر است که افتتاح این مدرسه با مخالفت های زیادی روبه رو شد؛ به ویژه برخی از متدینین و الواط شهر به تحریک عده ای از روحانیون متعصب، معلمان را تکفیر و شاگردان را تهدید و حتی ضرب و شتم کردند و چندین بار برای ویران کردن مدرسه تلاش کردند. با وجود این مخالفت ها مدیر مدرسه (کریم زاهدی) و بانی آن حاج ذوالفقارخان با مقاومت خود پایه یکی از مؤسسات علمی-آموزشی را در سلطان آباد عراق استوار کردند و با آغاز سال تحصیلی در رجب ۱۳۲۴ق، جشن افتتاحیه را با دعوت از مردم از هر طبقه بر پا کردند (جواد، ۱۳۳۱، صص ۱-۱۵).

در سال ۱۳۲۵ق، ارامنه ساکن سلطان آباد نیز که بیشتر تاجر فرش بودند و یا کارمند (منشی و حسابدار) تجارت خانه های خارجی فرش مقیم سلطان آباد بودند تصمیم گرفتند مدرسه ای برای کودکان خود بنا کنند. آن ها به همت و کوشش هیئتی منتخب از ارامنه (گریگور هوسپیان، آدرسیان، موسس استپانیان) با جمع آوری اعانه، دبستان ملی شرف ارامنه را در سال ۱۳۲۵ق افتتاح کردند. در سال ۱۳۵۲ق، برای توسعه مدرسه هیئت مدیره ای از ارامنه به شرح ذیل تشکیل شد: ۱- ماردروس بلهری (رئیس هیئت)؛ ۲- قارابط شاهینیانس (نایب رئیس هیئت)؛ ۳- لیوان موراکیسیان؛ ۴- آرام گریگوریان (منشی)؛ ۵- ادنیک دانا پرتان (ناظر)؛ ۶- هابارکتان نرسیسیان؛ ۷- آرمناک ماکویدیان (مدیر دبستان) (فرید، ۱۳۱۵، ص ۶۷). شایان ذکر است «قارابط شاهینیانس» از تاجر ارمنی و صاحب تجارت خانه ای به همین نام در بازار سلطان آباد عامل شرکت های آمریکایی برای خرید فرش بود. او در سال ۱۳۳۲ق با کمک آنان اولین دبستان دخترانه (شمس المخدرات) را ساخت. البته رواج و گسترش مدارس دخترانه در سلطان آباد تا زمان استقرار اداره معارف در سال ۱۳۳۸ق، بسیار کم تر از مدارس پسرانه بود و با آن مخالفت هایی می شد که از فعالیت و اقدام تاجر در این زمینه می کاست؛ چراکه تاجر به دنبال حفظ اعتبار خود در جامعه سنتی نیز بودند و هیچ گاه موضع مخالفت با آنان بر نمی داشتند.

در ادامه این روند، در سال ۱۳۳۰ق با کمک مالی چند نفر از تاجر مدرسه ابتدایی پنج کلاسه دیگری به نام «خیریّه» موافق برنامه وزارت معارف در سلطان آباد تأسیس شد. این مدرسه کار خود را در سال تحصیلی ۱۳۳۱ق، با ۲۰۰ دانش آموز که ۲۵ نفر از آنان ایتم بودند آغاز کرد. مدیر و بانی این مدرسه شاهزاده جلال الدین میرزا فرزند مرآت الدوله بود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۹۵). این مدرسه به دلیل وضعیت بد اقتصادی و نداشتن بودجه منظم و ثابت، در سال ۱۳۳۵ق منحل شد. «مایل تویسرکانی» هم مدتی مدیر این مدرسه بوده است (فرید، ۱۳۱۵، ص ۷۰).



به نظر می‌رسد یکی از دلایل وضعیت بد اقتصادی، دامن گستردن جنگ جهانی اول و بحران‌های ناشی از آن در سراسر کشور بوده‌است. در تأیید این مدعا گزارش اهالی عراق به مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر ایران، دربارهٔ اوضاع نابه‌سامان این ولایت، حاکی از آن است که در اثر تجاوز قشون عثمانی و روس در سال ۱۳۳۳ق به ولایت عراق، بسیاری از اموال مردم سرقت شد و به نوامیس مردم تعرض شد. در پی این موضوع جمعی از سران اشرار ولایتی نیز با تشکیل نیروهای سواره و پیاده به دور خود به غارت و چپاول اموال روستاییان دست می‌زدند و در این مدت حاکمی نبود که از این وقایع جلوگیری کند (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴، برگ ۱-۲).

با حضور نیروهای بیگانه در منطقه و تعدیات اشرار محلی، امنیت و آرامش مردم برای حدود یک دهه از میان رفت. یکی از تبعات نبود حکام قوی فساد اداری بود که روند توسعه و ساخت مراکز آموزشی-فرهنگی را کند می‌کرد و باعث اعتراض و ارسال عریاض مردم این ولایت به مراکز مختلف حکومتی از جمله مجلس شورای ملی می‌شد. برای نمونه مردم سلطان‌آباد در تاریخ ۲۴ جمادى الثانی ۱۳۴۱ق، عریضه‌ای با مهر ۴۴ نفر به مجلس شورای ملی ارسال می‌کنند؛ مبنی بر اینکه: قبل از ورود رفیع‌الملک، در زمان ریاست میرزا صادق‌خان انصاری (رئیس معارف)، «سلطان‌آباد عراق دارای یک باب مدرسه ابتدائی و یک باب مدرسه متوسطه مجانی دولتی بود [که] امروز از آن مدارس اثری نیست. تومانی یک عباسی از اصل مالیات و خرواری یک قران جنس را متحمل شدیم که مدرسه مجانی برای ایتم باشد نه صرف جیب رئیس معارف شود!» (ساکما، ۲۹۷/۲۴۸۰۳، برگ ۱). این سند مهم وجود فساد مالی در یکی از مراکز مهم تربیتی منطقه را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد با سپری شدن یک دهه از ناامنی در ولایت عراق اوضاع اندکی بهتر شده باشد و شرایط کشور رو به بهبود رفته باشد؛ این مهم را از نامهٔ رئیس معارف و اوقاف سلطان‌آباد به هیئت تجار و رئیس مالیهٔ عراق در سال ۱۳۴۳ق، مبنی بر تأسیس و توسعهٔ معارف و مدارس در تمام نقاط این ولایت با کمک مالی تجار و هم‌چنین اختصاص بودجه از محل عوارض بر مال‌التجاره‌ها (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴) می‌توان فهمید. همین‌طور در سال ۱۳۴۸ق، به واسطهٔ حضور کمپانی‌های فرش آمریکایی در سلطان‌آباد یک باب آموزشگاه متوسطهٔ آمریکایی به نام «آرک» افتتاح شد که تا زمان خروج مهم‌ترین کمپانی آمریکایی‌ها (تاوسندجیان نیویورک) (Tao Sindh Jian New York Co.) در سال ۱۳۵۳ق، دایر بود (ساکما، ۲۴۰/۷۵۷۴۸).

شایان ذکر است شهر سلطان‌آباد عراق به دلیل استقرار شرکت‌های خارجی و داخلی تولید فرش و در نتیجهٔ مناسبات تجاری، به‌طور معمول محل عبور و مرور اتباع خارجه بود؛



ولی اداره معارف باوجود تلاش برخی از حکام علاقه‌مند، تجار و ملاکین خیر، تا سال ۱۳۵۲ق در امر تأسیس و توسعه معارف و مدارس فعالیت مؤثری نداشت و مدارس دولتی به علت نبود بودجه کافی منحصر به دو باب بود. مدارس ملی که تعداد دانش‌آموزان پسر و دختر آن‌ها حدود یک‌هزار نفر بود با وضع نامنظمی اداره می‌شد و آموزش آنان مطابق روش مکاتب سنتی در جریان بود. تا اینکه در این سال (۱۳۵۲ق) با سفر وزیر معارف (علی اصغر حکمت) به سلطان‌آباد و مشاهده نواقص از نزدیک و اختصاص بودجه بیشتر به تدریج شرایط نسبت به گذشته تغییر کرد و بر تعداد دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، محصلان، و کارکنان مدارس افزوده شد (نامه عراق، س ۲، ش ۲۳۶، پنجشنبه ۴دی ۱۳۱۴، ص ۱).

## ۵.۲. انجمن اکابر

آشفته‌گی اوضاع سیاسی، نبود امنیت برای سرمایه، ناامنی راه‌ها، کاهش قدرت دولت مرکزی و بی‌ثباتی و نبود تمرکز سیاسی، نه تنها پس از تغییر نظام سیاسی ایران در دوره مشروطه از بین نرفت، بلکه به دلیل تغییر نکردن بافت سنتی حاکمیت دچار تشتت بیشتر هم شد و حکومت مشروطه با بحران اساسی مواجه شد و قادر نبود اهداف مدنظر مشروطه‌خواهان و تجار را محقق کند؛ این شرایط با شروع جنگ جهانی اول تشدید هم شد. این عوامل، با رونق تجاری، هم‌سازی و هم‌خوانی نداشت و موجب نگرانی تجار از آینده و فروگاهی فعالیت اقتصادی آنان شد. در این بین شهر سلطان‌آباد نیز که به دلیل تجارت خارجی با اروپا و آمریکا به یکی از قطب‌های بزرگ تولید و صادرات فرش در ابتدای قرن بیستم تبدیل شده بود به شدت متضرر شد و تجارت آن تا سطح محلی نزول کرد.

تجار در این وضعیت بیکار نشستند و در غیاب نهادهای مدرن و دولت مقتدر - که چندین سال پس از مشروطیت هم هنوز محقق نشده بودند - به تقویت ساختارهای درونی طبقه خود پرداختند و با نهادسازی و ایجاد تشکل‌های منسجم به حمایت از منافعشان برآمدند. مراودات بازرگانی با دیگر کشورها هم در تشکیل چنین نهادهایی تأثیرگذار بود؛ زیرا بازرگانان خارجی نیازمند بودند تا آگاهی‌های بیشتری درباره تجار و موقعیت اقتصادی ایران کسب کنند و وجود نهاد مشخصی برای ایجاد ارتباط و کسب اطلاعات را ضروری می‌دانستند؛ از این رو تشکل‌هایی بانام «اتحادیه تجار» در ایران به وجود آمد. اهداف تجار از ایجاد چنین تشکلی به خوبی از مفاد نظام‌نامه اساسی آن مشخص می‌شود که در آن تجار به دنبال توسعه اقتصادی در هر سه شاخه تجارت، صنعت و کشاورزی بودند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۶).

البته بدون توجه به گسترش مراکز علمی، آموزشی و فرهنگی، توسعه در این سه حوزه امکان نداشت. همین امر دولت ایران را واداشت تا تجار را به تأسیس چنین نهادهایی ترغیب





کند. برطبق تصویب‌نامه هیئت‌دولت به وزارت فواید و عامه، دستور تأسیس اتاق تجارت تهران در اردیبهشت ۱۳۰۵ش/۱۳۴۴ق، با انتخابات اعضای آن داده شد (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، صص ۴۰۵-۴۰۶). به‌دنبال آن در شهرهای دیگر از جمله در سلطان‌آباد عراق در سال ۱۳۵۰ق/۱۳۱۰ش، اتاق تجارت تأسیس شد (دهگان، ۱۳۴۵، صص ۲۳۳). با استقرار و تثبیت حکومت پهلوی اول، ضوابط بین‌الملل بر روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی و آمریکا حاکم شد و دیگر صادرات و واردات بدون داشتن علم و آگاهی میسر نبود؛ بنابراین اتاق‌های تجارت بر کسب سواد و دانش برای تجار تأکید کردند. برای نمونه در یکی از جلسه‌های اتاق تجارت سلطان‌آباد عراق تصمیم گرفته شد که آقایان، تجار را از فعالیت شرکت تجاری صادرات و واردات ایران و هامبورگ آگاه کنند و فهرستی از شرکت‌ها و تجار ایرانی را در اختیار این شرکت قرار دهند. بخشنامه دیگری هم از تجار می‌خواست که در اعیاد و مجالس رسمی که از ایشان دعوت به عمل می‌آید لزوماً با لباس رسمی وارد شوند (مجله اتاق تجارت، س ۸، شش ۱۵۴ و ۱۵۳، اسفند ۱۳۱۵، صص ۶۸-۶۹). این گزارش‌ها بیانگر اهمیت دانش تجارت و سبک نوین زندگی نزد تجار و جامعه بود که دیگر نمی‌شد بدون توجه به آن‌ها مثل گذشته به شکل سنتی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ادامه داد؛ بنابراین تجار رشد و تعالی معرفت در سطح جامعه را تنها برای خود نمی‌خواستند و به‌خوبی دریافته بودند زمانی آمال و آرزوهای آنان به‌ثمر می‌رسد که بین سطح دانش و آگاهی طبقات مختلف جامعه تعادل برقرار شود. در میان اعضای اتاق تجارت سلطان‌آباد تجار روشن بین بسیاری بودند که به‌سبب داشتن حوزه‌های ارتباطی گسترده به نقش و اهمیت معارف و تعلیمات عمومی پی برده بودند. از اقدامات مهم اتاق تجارت سلطان‌آباد در جلسه هشتم اتاق در سال ۱۳۵۵ق/۱۳۱۵ش، توجه به تشکیل کلاس‌های اکابر برای تحصیل کسبه و مردم بی‌سواد بود. هرچند این کار اقدامی سراسری در کل ایران محسوب می‌شد، ولی تجار سلطان‌آباد در برپایی آن در این شهر نقش مهمی داشتند. هم‌چنین در این جلسه دستورالعمل حکومت و نامه اداره معارف مبنی بر لزوم تشویق مردم به شرکت در این کلاس‌ها هم قرائت شد (مجله اتاق تجارت، س ۷، ش ۱۴۴، مهر ۱۳۱۵، صص ۱۶-۱۷).

### ۵.۳. مساجد

تجار علاوه بر تأسیس مدارس و فعالیت در انجمن اکابر، درزمینه ساخت مساجد نیز پیش‌قدم بودند. این کار برای آن‌ها، هم جنبه اعتقادی و هم جنبه اعتباری داشت. اقدام تجار در ساخت مساجد پاسخی بود به انتظارات جامعه از تجار. از این رو به دلیل موقعیت تجاری و حضور تجار مهاجر و بومی در سلطان‌آباد، از زمان شروع ساخت شهر، در بازار



و دو خیابان قرینه آن (محسنی و حصار) و محلات دیگر مساجد زیادی ساخته شده که به نام بانیان آن‌ها که از میان طبقات تجار و ملاکین شهر بودند یا به اسم ائمه و روحانی نمازگزار نام‌گذاری شده است. تعدادی از این مساجد عبارت‌اند از: مسجد قبله؛ مسجد شیخ ابوالحسن؛ مسجد حاج تقی خان؛ مسجد آخوند؛ مسجد آقامبین؛ مسجد لطف‌الله خان؛ مسجد حاج آقاصابر؛ مسجد حاج ملافتح علی؛ مسجد حاج محمدابراهیم خوانساری؛ مسجد حاج رئیس؛ مسجد آقاضیاءالدین؛ مسجد افتخاردفتر؛ مسجد آکبر. برخی از مساجدی که تجار سلطان آباد بنا کردند عبارت‌اند از:

#### ۵.۳.۱. مسجد حاج محمدابراهیم خوانساری:

این مسجد را یکی از تجار خیر و سرشناس فرش در سلطان آباد عراق به نام حاج محمدابراهیم خوانساری (متولد ۱۲۶۰ و متوفی ۱۳۲۲ ش)، در تاریخ (۱۳۱۵-۱۳۲۰ ش) در قسمت جنوبی شهر بنا کرد.

#### ۵.۳.۲. مسجد حاج رئیس:

این مسجد از بناهای حاج اسماعیل، رئیس‌التجار شهر است که در کوچه‌ای به همین نام و در قسمت جنوبی شهر در خیابان دارایی قرار دارد و از نظر مساحت بسیار محدود و در حد نمازخانه‌ای ۱۰۰ نفره است.

#### ۵.۳.۳. مسجد آقاضیاءالدین:

بانی این مسجد حاج حسن ملک‌التجار تبریزی فرزند حاج میرزا محمد تاجر از تجار بزرگ و معروف سلطان آباد عراق بود. او این مسجد را در جنب میدان ارک ساخت و آن را به نام آقاضیاءالدین از نوادگان میرعلی محمد (جد بزرگ خاندان محسنی) ثبت کرد (محتاط، ۱۳۷۲، ج ۴، صص ۳۱۶-۳۲۲).

#### ۵.۴. آب‌انبار و حمام

حاج حسن ملک‌التجار تبریزی آثار خیریه دیگری نیز از خود باقی گذاشته است که اغلب آن‌ها غیر معروف است. از آن جمله آب‌انباری در ضلع جنوبی میدان ارک که وقف عام کرد و دو آب‌انبار در شهر قم و تکمیل آب‌انبار ملافتح علی در سلطان آباد. او همچنین حمامی در خیابان عباس آباد اراک ساخت که به نام حمام حاج ملک معروف است (نامه اراک، س ۶، ش ۶۰۳، پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۸، صص ۱-۲). محمدابراهیم خوانساری از تجار معروف



هم در سال ۱۳۲۹ق، آب‌انبار و حمام مردانه و زنانه‌ای ساخت. این حمام، یکی از زیباترین آثار تاریخی و معماری شهر اراک محسوب می‌شود. او هم‌چنین در این سال برای اهل کتاب (یهودی‌ها) هم حمامی جداگانه ساخت (نعیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۱).

### ۵.۵. ساخت مریض‌خانه ملی سلطان‌آباد

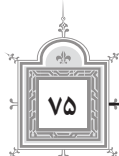
از جمله پیگیری‌های اعضای انجمن شهرداری سلطان‌آباد فراهم کردن زمینه کمک خیرین و تاجر خوش نام به تأسیس مریض‌خانه ملی بود. «نامه عراق» که مسئول آن رابطه نزدیکی با حکام شهری و متمولان و ثروتمندان شهر داشت از همان بدو انتشار در زمینه نواقص شهری، مقالات مهمی در مقایسه شهر سلطان‌آباد با دیگر شهرهای ایران و هم‌تراز خود منتشر می‌کرد و با توجه به سکونت عده زیادی از تاجران فرش و ارزاق در این شهر، مایه تأسف می‌دانست که مرکز ولایت عراق فاقد بیمارستان ملی برای مردم بیمار باشد و یا در زمینه نگهداری مساکین و فقراء دچار مشکل باشد. «نامه عراق» در زمینه ترویج فرهنگ مشارکت، و حمایت مادی مردم به‌ویژه سرمایه‌داران از توسعه و بهداشت پیشتاز بود (نامه عراق، س ۴، ش ۴۳۸، دوشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۱۶، ص ۱).

نامه عراق اسامی خیرین و تجاری را که برای کمک به ساخت بیمارستان اعانه پرداخت کرده بودند به شرح جدول زیر آورد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ اعانه	طبقه اجتماعی
۱	خانم صمصام‌الحاجیه	۵،۰۰۰ ریال	ملاکین
۲	شاهزاده عضدالسلطان	۲،۵۰۰ ریال	ملاکین
۳	محمودزاده پارسا	۲،۵۰۰ ریال	تجار
۴	حاج آقامصطفی مجتهد	۱،۵۰۰ ریال	روحانیون
۵	سیدصادق مهدی‌زاده	۱،۰۰۰ ریال	تجار
۶	افتخاردفتر	۱،۰۰۰ ریال	ملاکین
۷	آقامیرزا خدارحم مشیری	۵۰۰ ریال	تجار
۸	سیدمحمدتقی هدایتی	۵۰۰ ریال	تجار
۹	غلام‌حسین خان صمصامی	۵۰۰ ریال	ملاکین
۱۰	جمع مبلغ	۱۵،۰۰۰ ریال	

#### جدول ۲

خیرین مریض‌خانه ملی سلطان‌آباد  
منبع: نامه عراق، س ۲، ش ۱۲۷، شنبه  
۱۱ اسفند ۱۳۱۳، ص ۱.



این مجله محض تشویق اهالی برای ساخت بیمارستان سه مورد اعانه تجار و خیرین را به شرح جدول زیر منتشر کرد:

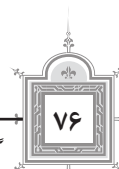
ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ اعانه	طبقه اجتماعی
۱	حسن تبارک خوانساری	۵۰۰ ریال	تجار
۲	عبدالرحیم بهرامی	۵۰۰ ریال	تجار
۳	محمد موسوی خوانساری	۳۰۰ ریال	تجار
۴	جمع مبلغ	۱۳۰۰ ریال	

### جدول ۳

خیرین مریض خانه ملی سلطان آباد  
منبع: (نامه عراق، س ۲، ش ۱۲۹، پنجشنبه  
۱۶ اسفندماه ۱۳۱۳، ص ۱).

مشارکت برای ساخت بیمارستان ملی سلطان آباد با تشکیل کمیسیونی مرکب از هیئت مدیره تأسیس بیمارستان و مبلغی که اهالی در منزل غلامرضا مشیری از تجار متنفذ به ریاست حاکم سلطان آباد پرداخت کردند آغاز شد و تصمیم گرفته شد که از ۱۰ فروردین ۱۳۱۴ ش/ ۱۳۵۳ ق، ساخت بیمارستان را شروع کنند (نامه عراق، س ۲، ش ۱۲۷، شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۱۳، ص ۱).

ولی روند ساخت بیمارستان براساس گزارش «نامه عراق» در سال ۱۳۱۶ ش/ ۱۳۵۶ ق، بعد از دو سال پیشرفتی نداشته است و نویسنده «نامه عراق» در این باره می نویسد: «شهر سلطان آباد عراق که دارای شصت هزار جمعیت است، چرا باید یک بیمارستان ملی نداشته باشد که تهی دستان بینوا که دستشان از هر چاره کوتاه است بدانجا پناهنده شده و از خطرات بیماری های گوناگون رهایی یابند؟! آیا ادامه این وضعیت برای ساکنین شهری مانند سلطان آباد که عروس شهرهای هم ردیف خود [است] و در مسیر خط آهن قرار گرفته [است] و محل ساختمان ایستگاه بزرگ می باشد در انظار خودی و بیگانه، عابر و مقیم سزاوار است؟! این مجله در ادامه در پاسخ به سؤالات خوانندگان خود از اختصاص قطعه زمینی در محله عباس آباد از جانب محمدحسن خوانساری از ملاکین و تجار شهر گزارش می دهد که در سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۳۵۴ ق، عده ای از افراد خیر نیز مبلغی را برای ساخت بیمارستان پرداخت کردند که تحت نظر چند نفر از تجار به ساخت آن اقدام شد؛ ولی بر اثر نبود پشت کار و سرمای زمستان ساخت آن متوقف شد. «نامه عراق» در ادامه گزارش می دهد که شهردار پس از بازدید و اطلاع یافتن از موضوع، تقبل کردند با «موافقت و تشریک مساعی حکمران، همین چندروزه به اوضاع گذشته بیمارستان رسیدگی نموده و از محوشدن آثار این بنا که به منظور رفاه حال بیچارگان و رهایی آنان از چنگال مرگ شروع گردیده جلوگیری نمایند» (نامه عراق، س ۴، ش ۴۳۸، دوشنبه ۱۲ مهر ۱۳۱۶، ص ۱).



## ۵.۶. تأسیس و نگهداری آسایشگاه فقرا

تجار و اعضای اتاق تجارت سلطان آباد عراق در کنار فعالیت‌های اقتصادی به مسائل اجتماعی نیز واکنش نشان می‌دادند. اولین جلسه اتاق تجارت عراق در شوال ۱۳۵۴ق، در اداره حکومتی شهر تشکیل شد و در زمینه نگهداری فقرا و افراد بی‌بضاعت در محلی خارج از شهر و تهیه منزلی برای آن‌ها مذاکراتی به عمل آمد (مجله اتاق تجارت، س ۶، ش ۲۶۸۳، ۱۳۱۴، ص ۴). در سال ۱۳۵۴ق برای بینوایان سرپناه تهیه شد. قرار بود تا با کمک شهرداری فقرا را در آن محل پناه دهند و از سرما و گرسنگی نجات دهند (مجله اتاق تجارت، س ۸، شش ۱۵۱ و ۱۵۲، بهمن ۱۳۱۵، ص ۱۱). «نامه عراق» از مذاکرات اعضای انجمن شهرداری و رؤسای دوایر دولتی و محترمین عراق درباره تأسیس آسایشگاه فقراء از محل پرداخت خیرین و اداره شهرداری (چهار هزار ریال) گزارشی ارائه می‌دهد. به همین جهت مقرر شد تأسیس و سرپرستی دارالمساکین و جمع‌آوری وجوه و تصدی مخارج به شمس کاشانی (از طبقه تجار و یکی از اعضای اتاق تجارت عراق) واگذار شود و نظارت آن به شهردار و انجمن شهرداری موکول شود (نامه عراق، س ۴، ش ۴۵۸، ۲۴ آذر ۱۳۱۶، ص ۳).

گزارش «نامه عراق» از مبلغ اعانه ملاکین، تجار، کسبه بازار و رؤسای دوایر برای جمع‌آوری بینوایان و تأسیس بنگاه خیریه برای نگهداری آنان به شرح زیر است:

ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ اعانه	طبقه اجتماعی
۱	غلام‌رضا مشیری	۴۰۰ ریال	تجار
۲	ابراهیم نوذری	۲۵۰ ریال	تجار
۳	حاج آقامصطفی محسنی	۱۵۰ ریال	روحانیون؛ ملاکین
۴	غلام‌علی کریمی	۱۵۰ ریال	تجار
۵	حسن تبارک	۱۰۰ ریال	تجار
۶	نصرت‌الله بیات	۱۰۰ ریال	ملاکین
۷	محمد راستین	۱۰۰ ریال	روحانیون
۸	علی‌نقی حیدری	۱۰۰ ریال	تجار
۹	سیدصادق مهدی‌زاده	۱۰۰ ریال	تجار
۱۰	رضا شکرایی	۱۰۰ ریال	تجار؛ ملاکین
۱۱	حسین حاجی‌باشی	۱۰۰ ریال	تجار

### جدول ۴

مبالغ کمک‌شده به بنگاه خیریه تأسیس  
محل جمع‌آوری بینوایان



ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ اعانه	طبقه اجتماعی
۱۲	فتح‌الله حاجی‌باشی	۱۰۰ ریال	تجار
۱۳	سیدمصطفی شمس کاشانی	۱۰۰ ریال	تجار
۱۴	غلام‌علی افتخاری	۱۰۰ ریال	تجار
۱۵	محمود عدلی	۱۰۰ ریال	تجار
۱۶	احمد دستوری	۱۰۰ ریال	تجار
۱۷	غلام‌حسین صمصامی	۱۰۰ ریال	ملاکین
۱۸	لیوان شاهینیانس	۱۰۰ ریال	تجار ارامنه
۱۹	مهدی مهاجرانی	۱۰۰ ریال	کاسب بازار
۲۰	احمد توسلی	۱۰۰ ریال	تجار
۲۱	نصرالله کریمی	۱۰۰ ریال	تجار
۲۲	آقاریع مهاجرانی	۲۰ ریال	کاسب بازار
۲۳	دکتر ابراهیم سعید	۱۰ ریال	روشن‌فکران
۲۴	سیدغلام‌رضا محمودپور	۱۰ ریال	کاسب بازار
۲۵	شهردار	۳۰۰۰ ریال	-----
۲۶	فرماندار	۱۵۰ ریال	-----
۲۷	فخیمی مدیر شرکت فرش	۱۰۰ ریال	-----
۲۸	جمع کل	۵،۹۴۰ ریال	

#### ادامه جدول ۴

مبالغ کمک‌شده به بنگاه خیریه تأسیس محل جمع‌آوری بینوایان منبع: (نامه عراق، س ۴، ش ۲۸۶، چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۱۶، ص ۲).

## ۶. تعاملات فرهنگی-اجتماعی تجار با روحانیون سلطان‌آباد عراق

حضور روحانیون در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و ارتباط تجار با آنان سابقه‌ای طولانی دارد و علت آن، نیاز متقابل آن‌ها به یکدیگر است. از یک سو نیاز مالی و اقتصادی علما را بازاریان تأمین می‌کردند و از سوی دیگر روحانیون در مواقع لزوم از تجار در برابر مظالم و تعدیات دیوانیان حمایت می‌کردند و در حل و فصل امور مالی و دعاوی تجار نقشی عمده داشتند. برای نمونه در سال ۱۳۳۲ق، تلگراف شکایت کسبه و تجار بازار سلطان‌آباد از پیشکار مالیه عراق به دولت علیّه ایران رسید؛ مبنی بر: «کوتاهی وی و افتادن دکان‌های آنان



به دست چند نفر از اشخاص بی‌انصاف و فروش پانصد نفر نفوس به سه چهار نفر متعددی که خون ماها را به شیشه گرفته‌اند. اگر به شکایت ما بیچارگان رسیدگی نشود، پس ما پانصد نفر ایرانی خود را در تحت کدام بیرق خارجه بیاوریم و از این ظلم و بی‌انصافی خلاص شویم؟!» (ساکما، ۲۴۰/۴۷۰۶۷، برگ ۱). پس از چندی درباب اظهارات تجار عراق راجع به دکاکین خالصه، کفیل خزانه‌داری کل شرح می‌دهد که آنان از طریق حجه الاسلام حاجی میرزا شمس‌الدین نماینده عراق در مجلس شورای ملی شکایت کرده‌اند که «حاجی سیدابراهیم چند سال است بعضی از دکاکین خالصه سلطان‌آباد را که سال‌ها محل کسب و تحصیل معاش آن‌ها بوده تدریجاً مالک شده. در این مدت به طور مدارا با مستأجرین خود رفتار کرده، ولی دو سال است که بنای ستمی را گذاشته اجاره دکاکین را دوبرابر بلکه بیشتر مطالبه می‌کند. لازم است در این باب از پیشکار مالیه بخواهید که تحقیقات جاریه و واقعیه نموده وضع دکاکین و رواجی معاملات تجارتنی را معین کرده با نظریات خودش به طور حقانیت شرح دهد تا قراری که لازم است، در رفع شکایت و حصول آسایش تجار مزبوره داده شود» (ساکما، ۲۴۰/۴۷۰۶۷). این شکایت و پیگیری هم به سرانجام نمی‌رسد. تجار و کسبه این شکوائیه را به امام زمان (ع) می‌برند و درخواست می‌کنند درصدد احقاق حق این مظلومین برآیند. هم‌چنین تصدیق می‌کنند که «در زمان آیت‌الله آقامحسن جز رأفت و مهربانی چیزی دیگر نبود. از هر باب دکان پنج هزار با یک کله‌قند شیرینی می‌گرفت و به میل و خواهش مردم و کسبه رفتار می‌کردند؛ همیشه سفارش می‌کرد که ظلم و تعدی به آنان نشود. در حال حاضر سیدابراهیم اجاره هر باب دکان [را] که چهل تومان بوده است به هشتاد تومان بلکه یک‌صد تومان رسانده. آنان در ادامه عریضه یادآور می‌شوند چنانچه با این وضعیت از ابتدای سال تا پایان آن با تمام حدت کار کنیم می‌بایست اجاره این سید را پر کنیم؛ لذا دور از انصاف و عدالت است که هم مالیات و هم عوارض دیوانی را متحمل شویم و هم دوبرابر کرایه پرداخت کنیم. همین‌طور بیان می‌کنند پیش‌ازین، موضوع را به عرض شاهزاده عضدالسلطان هم رساندیم و از علمای عراق آقایان آقانورالدین و حاجی میرزا محمدعلی‌خان و غیره تصدیق و احکامات داریم که این کرایه ظلم است و مالک باید ملاحظه مستأجر را بنماید.» وزارت مالیه در ۶ ذی‌القعدة ۱۳۳۲ ق، در جواب حاجی میرزا شمس‌الدین نماینده عراق درباب ظلم اصناف و کسبه عراق، اعلام وصول می‌کند و پاسخ می‌دهد که مشغول تحقیقات هستم و در نامه‌ای از پیشکار مالیه عراق می‌خواهد که تحقیق نماید چنانچه اجحافات از طرف مالکین به مستأجرین وارد می‌شود جلوگیری کنند (ساکما، ۲۴۰/۴۷۰۶۷، برگ ۳-۷). در واکاوی این شکوائیه روشن می‌شود که کسبه و تجار عراق با روحانیون شهر ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند؛ به‌ویژه با آقانورالدین

حسینی که مصادف با عصر مشروطه بود و ایشان به عنوان مجتهد طراز اول ولایت عراق، از طرفداران جدی جنبش مشروطه و حامی و ملجأ مردم در امور اجتماعی و سیاسی بود. به همین جهت تجار و کسبه سلطان آباد در سال ۱۳۲۹ق، در حمایت از آیت الله آقانوردین حسینی که از جانب میرزا سلیمان خان حاکم عراق به او توهین شده بود با بستن مغازه‌ها دست از کار کشیدند و به اتفاق سی هزار نفر از مردم اجتماع کردند و طی تلگرافی به مجلس شورای ملی جبران این آسیب را که در واقع بر اسلام و رئیس اسلام واقع شده بود خواستار شدند (کمام، ۲/۱۵۹/۲۸/۱/۱۱). زمانی که مشروطه خواهان سلطان آباد در فکر تأسیس انجمن ایالتی و ولایتی بودند، آقانوردین با کمک تجار، و روحانیون نوگرا و مشروطه خواهی به نام‌های حاج میرزا محمدعلی خان مجتهد، حاج ملاعلی، حاج ابوالقاسم کاشانی و آزادی خواهان اولین انجمن ولایتی را تأسیس کرد و خود ریاست آن را پذیرفت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید و نقشی مؤثر در احقاق حقوق مردم از ملاکین و ظالمین داشت (دهگان، بی تا، ص ۳۰). در بجهت جنگ جهانی اول فتوای او در حمایت از جنبش مشروطه و آزادی خواهان بسیار مؤثر بود. نویسنده «تاریخ اراک» در این باره می گوید: «از خوش بختی احرار عراق، می توان یکی را آن دانست که آقانوردین بزرگترین مجتهد محل به پیروی از استاد عالی قدر خود آیت الله آخوند خراسانی طرفدار احرار بودند» (دهگان، بی تا، صص ۲۰-۲۱)؛ بنابراین حضور آیت الله آقانوردین در سلطان آباد و حمایت او از مشروطه باعث شده بود تا مشروطه طلبان این شهر کم تر از مناطق دیگر کشور با مانع مواجه شوند. یکی دیگر از دلایل گرایش تجار و کسبه سلطان آباد به جنبش مشروطه مراودات و معاملات با تجار تجارت خانه های خارجی مستقر در شهر بود که این خود در درک و فهم آنها از مسائل سیاسی-اجتماعی بی تأثیر نبود و به آنان کمک می کرد به دنبال تحقق اهداف و خواسته های مشروطه باشند؛ چراکه با گسترش و استقرار نهادهای دولت مدرن و دموکراتیک اساس بهبود تجارت نیز فراهم می شد. در ادامه هر اندازه نشر افکار و اندیشه های ترقی خواهانه انقلاب مشروطه در میان تجار و بازاریان سلطان آباد بیشتر می شد، رقابت آنان با انحصار طلبی کمپانی های خارجی در زمینه تولید و تجارت فرش را هم جدی تر می کرد؛ تا اینکه شهر سلطان آباد به یکی از کانون های عمده مبارزه با سرمایه داری خارجی تبدیل شد و مرحله جدیدی از زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم و صاحبان مشاغل از جمله دست اندرکاران صنعت فرش و بافندگان قالی در این شهر رقم خورد. بیشترین فعالیت تجار محلی چه در نقش تجار خرد، متوسط یا بزرگ به خرید و فروش فرش یا مصالح بافت آن اختصاص داشت که برخی در نقش تاجر مستقل و در رقابت با کمپانی های بزرگ شهر و گروهی به عنوان واسطه برای شرکت های فرش



خارجی نقش ایفا می‌کردند که در این باره گاهی اجحافات نیز از سوی کمپانی‌های خارجی به آنان وارد می‌شد. علاوه بر این ناتوانی دولت قاجار در حمایت از بافندگان و تجار داخلی و محلی در مقابل کمپانی‌های خارجی نیز باعث شد تا تجار، بازاریان و دست‌اندرکاران اقتصاد صنعتی و تجاری سلطان‌آباد در مبارزه خود با کمپانی‌های خارجی فرس، به رهبری روحانی پیش‌رو این شهر آقانورالدین حسینی عراقی اتکا کنند.

نمونه‌های دیگری از فعالیت‌ها و تلاش‌های آقانورالدین در دفاع و حمایت از مردم سلطان‌آباد، در آشوب‌های سیاسی بعد از مشروطه بود. برای نمونه تا سال ۱۳۲۷ق، توسعه و تحولات اقتصادی این دیار، به خوبی روبه‌رشد بود؛ ولی دیری نپایید که به دلیل ناامنی روبه‌زوال نهاد. در این سال، منطقه عراق از شورش سالارالدوله - که خود را وارث تاج و تخت محمدعلی شاه قاجار می‌دانست - در امان نماند. منطقه به بحران و قحطی فراگیر دچار شد و صدمات سنگینی به مالکین و تجار وارد شد. الوار که حامیان اصلی سالارالدوله بودند، در سراسر ولایت عراق تاخت و تاز و غارت کردند و روستاها را تخریب کردند و افراد را به کوچ اجباری وادار کردند (کمام، ۲/۱۵۹/۲۸/۱/۱۶/۸۳، برگ ۵).

پیام اعتراض علی‌آقا فراهانچی (از تجار معروف و از آزادی‌خواهان مشروطه‌طلب) بخشی از ظلم و تعدی سالارالدوله در این منطقه را به خوبی به تصویر می‌کشد: «سالارالدوله وارد عراق شدند. به جرم مشروطه‌خواهی، انواع و اقسام اذیت بر اهالی وارد [کردند] و با پنهان نمودن عیالات و فراری خودم، دویست و بیست‌ویک خروار از قرار خرواری نه تومان با همه‌نوع افتضاح و هتک آبرو از فدوی به جبر گرفتند و یک‌هزار تومان چپاول از خانه و خسارات فوق‌الطاقه» به‌بار آوردند (کمام، ۲/۱۵۹/۲۸/۱۱/۲، برگ ۱).

گفتنی است که سپاهیان سالارالدوله زمانی که به اطراف سلطان‌آباد رسیدند در مضیقه شدید آذوقه قرار گرفتند؛ بنابراین قصد داشتند شهر را غارت کنند که آقانورالدین با ارسال نامه‌ای توأم با احترام و ملاحظت ایشان را از غارت باز داشت و از مردم درخواست کرد به سپاهیان گرسنه او کمک کنند (دهگان، بی‌تا، ص ۳۲). بدین ترتیب سلطان‌آباد به جهت حضور آقانورالدین از غارت مصون ماند. گرچه این اقدام، سازش و عقب‌نشینی آقانورالدین در برابر سالارالدوله را می‌رساند، ولی گذشت او از منیت و مقام، جان هزاران نفر از مردم شهر را از قتل‌عام و تاراج مال و اموال نجات داد.

یکی از اسناد دیگر که بر همکاری و تعامل تجار و علما صحه می‌گذارد واقعه تحصن مردم سلطان‌آباد در تلگراف‌خانه شهر از تاریخ ۱۷ تا ۲۳ مرداد ۱۳۰۵ش است که به علت اقدام رئیس بلدیّه و ارزاق در گران‌کردن قیمت نان و آرد بود. هم‌زمان با این جریان «حاج وکیل» یکی از تجار سرشناس شهر در حمایت از خواسته مردم، با دعوت از خطیب



مشهور شهر «حاج آقا صدر واعظ» در منزل خود مجلس روضه خوانی ترتیب داد و ایشان هم در سر منبر در خصوص گرانی نان اظهار کردند که قیمت گندم باید به حالت گذشته برگردد؛ یعنی گندم باید باری سه تومان و بیست و پنج قران، و نان باید یک من یک قران و پانزده شاهی باشد. این پشتیبانی و همکاری مؤثر واقع شد و به دستور مقام وزارت داخله رئیس بلدیة از تصمیم خود عقب‌نشینی کرد (ساکما، ۲۹۰/۱۲۰، برگ ۳-۴).

## ۷. نتیجه‌گیری

شهر سلطان‌آباد در دوره قاجار در منطقه خاص جغرافیایی شکل گرفت. قرارگرفتن این شهر در مسیر راه‌های غرب کشور و ارتباط آن با مناطقی مانند قم، تهران و اصفهان باعث شد تا از موقعیت تجاری و ارتباطی مناسبی برخوردار شود. از طرف دیگر تولید مناسب محصولات کشاورزی و همچنین شهرت آن به بافت فرش‌های دستبافت تجاری تأثیری به‌سزادر ارتقای موقعیت این شهر داشت. به‌لحاظ همین موقعیت جغرافیایی و تجاری بود که صنف تجار، گروهی فعال و مؤثر در تحولات شهری ظاهر شدند. مبتنی بر سؤال اصلی این پژوهش می‌توان ادعان کرد که تجار شهر به‌دلیل جایگاه خاصی که در لایه‌های مختلف شهری پیدا کرده بودند کوشیدند تا در جلوه‌های مختلف اجتماعی و آموزشی صاحب نقش باشند و در ارتقای موقعیت فرهنگی و اجتماعی فعالیت‌های قابل توجهی را از خود نشان دهند. همان‌گونه که در متن توضیح داده شد، احداث مراکز آموزشی برای طلاب علوم دینی و بعدها مشارکت در ساخت مدارس جدید در زمره مهم‌ترین کارکردهای تجار برای افزون‌سازی دانش عمومی در سلطان‌آباد بود. آن‌ها با مشارکت در احداث مدارس سنتی و جدید و همچنین کمک در تأمین بخشی از مخارج این مدارس حضوری قابل توجه در روند توسعه آموزشی و فرهنگی شهر از خود نشان دادند. از دیگر حوزه‌های تأثیرگذار تجار، مشارکت در ساخت اماکن مذهبی بود. بافت سنتی و مذهبی سلطان‌آباد باعث شد تا تعدادی از تجار به‌صورت انفرادی و یا از طریق مشارکت، به احداث مساجد در سطح شهر اقدام کنند. همان‌گونه که در متن نوشتار بررسی شد تجار در ساخت مریض‌خانه شهری نیز با پرداخت کمک‌های مالی حضوری فعال داشتند. مواردی از عملکرد تجار نیز بررسی شد که تجار در پیوند نسبتاً نزدیکی با برخی روحانیون شهر بودند. تجار در مواقعی در برابر ظلم حکام حمایت روحانیون را طلب می‌کردند و در مقابل در مواقع ضرورت از روحانیون حمایت می‌کردند. این دو گروه همچنین به‌صورت مشترک می‌کوشیدند تا در مواقع بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی از مردم حمایت کنند.



## منابع فارسی

### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۳۶۰/۵۳۸۷؛ ۲۹۷/۲۴۸۰۳؛ ۲۹۰/۱۲۰؛ ۲۴۰/۹۲۲۳۳؛ ۲۴۰/۷۵۷۴۸؛ ۲۴۰/۴۷۰۶۷؛ ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵؛ ۲۱۰/۱۰۸۴

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)

۲/۱۵۹/۲۸/۱/۱۶۸۳؛ ۲/۱۵۹/۲۸/۱/۱۱۲؛ ۲/۱۵۹/۲۸/۱/۱۱

### کتاب

آوری، پیترو و دیگران. (۱۳۸۴). *تاریخ ایران به روایت کمبریج: از نادرشاه تا زنده‌یه*. (دفتر اول از جلد هفتم). (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*. (ج ۳). (محمداسماعیل رضوانی، مصحح). تهران: دنیای کتاب.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۳۸). *المسالک والممالک*. (ایرج افشار، مترجم). تهران: علمی فرهنگی. اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*. (چ ۱). (محمدطاهر میرزا، مترجم؛ غلام‌رضا وره‌رام، مصحح). تهران: اطلاعات.

ترابی فارس‌ساز، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجارت مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.

جواد، احمد. (۱۳۳۱). *سال‌نامه دبیرستان صمصامی*. (چ ۱). اراک: فروردین.

حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*. (چ ۱). تهران: امیرکبیر.

دهگان، ابراهیم. (۱۳۴۵). *کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک*. (چ ۱). اراک: چاپ‌خانه موسوی.

دهگان، ابراهیم. (بی‌تا). *نور مبین یا تاریخچه زندگانی آیت‌الله فقید مرحوم آقانورالدین عراقی طیب‌الله و مسه*. (چ ۱). اراک: چاپ‌خانه فروردین.

فرید، حسن. (۱۳۱۵). *سال‌نامه معارف عراق*. (چ ۱). اراک: چاپ‌خانه موسوی.

لسترینج، گای. (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. (چ ۴). (محمود عرفان، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

محتاط، محمدرضا. (۱۳۷۲). *سیمای اراک*. (چ ۴). (چ ۱). اراک: کتیبه.

نعیمی، داوود. (۱۳۸۵). *افتخار آفرینان استان مرکزی*. قم: کومه.

وکیلی تبریزی، رضا. (۱۳۹۵). *تاریخ عراق*. (محمد مددی، کوشش‌گر). (چ ۱). تهران: آیندگان.

### مقاله

اهلرز، اکارت. (۱۳۷۶). «قالی بافی و تجارت فرش در اراک/فراهان». (مهرداد ترابی‌نژاد، مترجم). فصل‌نامه

راه دانش، شماره ۱۱-۱۲، پاییز و زمستان، ۱۶۱.



جیریائی، مهدی؛ مفتخری، حسین؛ سلیمانی مهرجانی، محمد. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ق ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱م)». فصل نامه پژوهش های تاریخی، سال دهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۸، صص ۸۱-۹۹.

فرمهبنی فراهانی، محمدحسین؛ مفتخری، حسین؛ راز نهران، محمدحسن؛ سلیمانی، محمد. (۱۳۹۵). «تحول شهرنشینی اراک در دوره قاجار». فصل نامه جستارهای تاریخی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۱۳ تا ۱۴۰.

### نشریات

نامه عراق. (۱۳۱۳-۱۳۱۸ش). عراق (اراک): چاپخانه موسوی:

(نامه عراق، س ۲، ش ۱۲۷، شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۱۳، ص ۱):

(نامه عراق، س ۲، ش ۱۲۹، پنجشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۳۱۳، ص ۱):

(نامه عراق، س ۲، ش ۱۵۸، ۲۵ خرداد ۱۳۱۴، ص ۱):

(نامه عراق، س ۲، ش ۲۳۶، پنجشنبه ۴ دی ۱۳۱۴، ص ۱):

(نامه عراق، س ۴، ش ۳۸۶، چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۱۶، ص ۲):

(نامه عراق، س ۴، ش ۳۹۳، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۶، ص ۲):

(نامه عراق، س ۴، ش ۴۱۷، ۱۵ مرداد ۱۳۱۶، ص ۱):

(نامه عراق، س ۴، ش ۴۳۸، دوشنبه ۱۲ مهر ۱۳۱۶، ص ۱):

(نامه عراق، س ۴، ش ۴۵۸، چهارشنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۶، ص ۳):

(نامه اراک، س ۶، ش ۶۰۳، پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۸، صص ۱-۲):

مجله اتاق تجارت. (۱۳۰۸-۱۳۱۷ خورشیدی):

(اتاق تجارت، س ۶، ش ۲۶۸۳، ۱۳۱۴، ص ۴):

(اتاق تجارت، س ۷، ش ۱۴۴، مهر ۱۳۱۵، صص ۱۶-۱۷).

(اتاق تجارت، س ۸، شش ۱۵۱ و ۱۵۲، بهمن ۱۳۱۵، ص ۱۱).

(مجله اتاق تجارت، س ۸، شش ۱۵۴ و ۱۵۳، اسفند ۱۳۱۵، صص ۶۸-۶۹).

### English Translation of References

#### Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

2/159/28/1/11; 2/159/28/11/2; 2/159/28/159/2. [Persian]



Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

210/1084; 240/100825; 240/47067; 240/75748; 240/92233; 290/120; 297/24803; 360/5387. [Persian]

### Books

Avery, Peter et al. (1384/2005). "*Tārix-e Irān be ravāyat-e Kambrij: Az Nāder Šāh tā Zandīyeh*" (The Cambridge history of Iran). Translated by Morteza Saghebar. Tehran: Jāmi. [Persian]

Dehgan, Ebrahim. (1345/1966). "*Kārnāmeḥ yā do baxš-e digar az tārix-e Arāk*" (The history of Arak city) (1<sup>st</sup> ed.). Arāk: Čāpxāne-ye Musavi. [Persian]

Dehgan, Ebrahim. (n.d.). "*Nur-e Mobin yā tārixče-ye zendegāni-ye Āyatollāh-e faqid marhum Āqā Nur-ed-din-e 'Arāqi tayyeballah-o ramaḥo*" (The life history of the late Ayatollah Agha Nuruddin Iraqī) (1<sup>st</sup> ed.). Arāk: Čāpxāne-ye Farvardin. [Persian]

Farid, Hasan. (1315/1936). "*Sālnāme-ye ma'āref-e 'Arāq*" (Iraqi Education Yearbook) (1<sup>st</sup> ed.). Arāk: Čāpxāne-ye Musavi. [Persian]

Estakhri, Abou Eshagh. (1340/1961). "*Almasālek-o val-mamālek*" (Roads and kingdoms). Edited by Iraj Afshar. Tehran: 'Elmi Farhangi. [Persian]

Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1364/1985). "*Tārix-e montazam-e Nāseri*" (Naseri history in verse) (vol. 3). Edited by Mohammad Esmael Rezvani. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]

Haeri, Abdulhadi. (1364/1985). "*Tašayyo' va mašrutiat dar Irān va naqš-e Irāniān-e moqim-e Arāq*" (Sh'ism and constitutionalism in Iran: A study of the role played by the Persian residents of Iraq in Iranian politics). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Javad, Ahmad. (1331/1952). "*Sālnāme-ye dabirestān-e Samsāmi*" (Yearbook of Samsami High School) (1<sup>st</sup> ed.). Arāk: Farvardin. [Persian]

Le Strange, Guy. (1337/1958). "*Joqrāfiā-ye tārixī-ye sarzamin-hā-ye xalāfat-e šarqi*" (The lands of the Eastern Caliphate) (4<sup>th</sup> ed.). Translated by Mahmoud Erfan. Tehran: 'Elmi va Farhangi. [Persian]



- Mohtat, Mohammadreza. (1372/1993). “*Simā-ye Arāk*” (The face of Arak) (vol. 4) (1<sup>st</sup> ed.). Arāk: Katibeh. [Persian]
- Naeemi, Davoud. (1385/2006). “*Eftexār-āfarinān-e ostān-e Markazi*” (Pioneers of center province). Qom: Kumeh. [Persian]
- Olivier, Guillaume Antoine. (1371/1992), “*Safarnāme-’ye Oliviyeh: Tārix-e ejtemā’ee-eqtesādi-ye Irān dar dorān-e āqāzin-e ‘asr-e Qājār*” (Travels in the Ottoman Empire, Egypt, and Persia) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Mohammad Taher Mirza. Edited by Gholamreza Varahram. Tehran: Ettelā’āt. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). “*Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern*” (Merchants, constitutionalism and the modern state). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Vakili Tabrizi, Reza. (1395/2016). “*Tārix-e ‘Arāq*” (History of Iraq) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Mohammad Madadi. Tehran: Āyandegān. [Persian]

#### Articles

- Ehlers, Eckart. (1376/1997). “Qāli-bāfi va tejārat-e farš” (Carpet weaving and carpet trade in Arak/Farahan). Translated by Mehrdad Torabinejad). *Faslnāme-ye Rāh-e Dāneš*, issue no. 11-12, Autumn and Winter, 161. [Persian]
- Farmahini Farahani, Mohammad Hossein; moftakhari, hossein; raznahan, Mohammad Hassan; & Soleimani, Mohammad. (1395/2016). “Tahavvol-e šahr-nešini-ye Arāk dar dowre-ye Qājār” (Urbanism transformation in Arak during Qajar era). *Faslnāme-ye Joštār-hā-ye Tārixī* (Historical Studies), 7(2), pp. 113-140. [Persian]
- Jiryaei, Mahdi; Moftakhari, Hossein; Soleimani mehnanjani, Mohammed. (1397/2018). “Barresi va tahlil-e tejārat-e dāxeli va xāreji-ye Soltanābād-e ‘Arāq 1324 tā 1360 AH / 1906 tā 1941 AD” (Analysis of domestic and foreign trade of Sultan Abad in Iraq (Arak) (1324 AH /1906 AD -1360 AH /1941 AD)). *Faslnāme-ye Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical researches), 10(2), series 38, 81-99. [Persian]

Press

- Name-ye 'Arāq*. (1313-1318 SH / 1934-1939 AD). 'Arāq (Arāk): Čāpxāne-ye Musavi:  
(*Name-ye 'Arāq*, year 2, issue no. 127, Saturday 11 Esfand 1313 SH/ 2 March 1935, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 2, issue no. 129, Thursday 16 Esfand 1313 SH/ 7 March 1935, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 2, issue no. 158, 25 Xordād 1314 SH/ 16 June 1935, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 2, issue no. 236, Thursday 4 Dey 1314 SH/ 26 December 1935, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 4, issue no. 386, Wednesday 18 Farvardin 1316 SH/ 7 April 1937, p.2);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 4, issue no. 393, 19 Ordibehešt 1316 SH/ 9 May 1937, p.2);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 4, issue no. 417, 15 Mordād 1316 SH/ 6 August 1937, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 4, issue no. 438, Monday 12 Mehr 1316 SH/ 4 October 1937, p.1);  
(*Name-ye 'Arāq*, year 4, issue no. 458, Wednesday 24 Āzar 1316 SH/ 15 December 1937, p.3);  
(*Name-ye Arāk*, year 6, issue no. 603, Thursday 31 Xordād 1318 SH/ 22 June 1939, p.1-2). [Persian]
- Majalle-ye *Otāq-e Tejārat*. (1308-1317 SH / 1929-1938 AD):  
(*Otāq-e Tejārat*, year 6, issue no. 2683, 1314 SH/ 1935, p. 4);  
(*Otāq-e Tejārat*, year 7, issue no. 144, Mehr 1315 SH/ October 1936, p. 16-17);  
(*Otāq-e Tejārat*, year 8, issue no. 151 & 152, Bahman 1315 SH/ February 1937, p. 11);  
(*Majalle-ye Otāq-e Tejārat*, year 8, issue no. 153 & 154, Esfand 1315 SH/ March 1937, p. 68-69). [Persian]



# Examining the characteristics and functions of endowments of women in sari and bar vendors in the Qajar period; Based on the documents

Jamshid Noroozi<sup>1</sup> | Farshid Noroozi<sup>2</sup> | Abbas Abedi<sup>3</sup>

## Abstract:

**Purpose:** Endowments of the Qajar period are among the most important resources that demonstrates the social, economic, cultural and religious conditions of Iran of the time. Female endowments are particularly important among the different classes and groups of Iranian society that have endowed. Investigating the content of women's endowments is important since they display both quantity and quality of endowments among women. They also demonstrate women's participation in social activities of the period. The purpose of the research is to study the contents of the endowments of the women in Sari and Barforoush during the Qajar period, to distinguish their characteristics and functions as well as the social status of the women.

**Method and Research Design:** Endowments and some historical library resources were studied and analyzed in a descriptive and analytical way.

**Results and conclusion:** The result show that there are few differences between women and men's endowments in Sari and Barforoush in the Qajar period considering their characteristics and functions. The endowments had religious and social functions and were considered for the following purposes: mourning, charitable deeds, seminary students' expenses, publishing religious books, public services, and supporting the life expenses of the children of the person who endows. Endowments were mostly piece of land, a house, a shop, a garden, a bath or a caravanserai. The women were among the rich and noblemen, merchants, and landowners. The women's social status depended on their father or husband except the ones that themselves were a midwife or tradegian (Tāziye khan). Their father or husband were mostly coppersmith, doctor, surgeon, butcher, judge, merchant, tailor, muezzin, Muslim clergyman, and grocer.

**Keywords:** Endowment; Women; Sari; Barforoush; Qajar.

**Citation:** Noroozi, J., Noroozi, F., & Abedi, A. (2023). Examining the characteristics and functions of endowments of women in sari and bar vendors in the Qajar period; Based on the documents. *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 88-129 | doi: 10.30484/ganj.2023.3065

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

J.noroozi@alzahra.ac.ir

2. PhD student, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding author)

farshidnoroozi20@gmail.com

3. PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.





# ویژگی‌ها و مصارف موقوفات زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار

جمشید نوروزی<sup>۱</sup> | فرشید نوروزی<sup>۲</sup> | عباس عابدی<sup>۳</sup>

چکیده:

اسناد موقوفات در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین منابع برای ترسیم اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی ایران در این دوره هستند. در بین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران که با انگیزه‌های متفاوت به وقف توجه داشته‌اند، زنان از اهمیت خاصی برخوردارند. بررسی مندرجات وقف‌نامه‌های زنان، هم‌انظر آگاهی از میزان رواج وقف در بین زنان در این دوره و چگونگی وقف آن‌ها، و هم از جنبه تصویر بخش‌هایی از مشارکت زنان در امور اجتماعی دوره قاجار، دارای اهمیت است.

**هدف:** این پژوهش، برآن است تا با مطالعه محتوای وقف‌نامه‌های زنان واقف در شهرهای ساری و بارفروش در دوره قاجار چگونگی مصارف و ویژگی‌های موقوفات آن‌ها و نیز موقعیت اجتماعی واقفان زن را بررسی کند.

**روش / رویکرد پژوهش:** روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و آماری است و با وجود تکیه بر مندرجات اسناد موقوفات، از برخی منابع تاریخی و تحقیقات معتبر نیز استفاده شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** وقف‌نامه‌های زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار، از لحاظ ویژگی‌های موقوفات و نوع مصارف آن‌ها، با وقف‌نامه‌های مردان این دو شهر چندان تفاوتی ندارند. طرز فکر و اعتقاد هر واقفی ذیل تعیین مصارف موقوفه خودنمایی می‌کند. موقوفات زنان این دو شهر، کارکردهای مذهبی و اجتماعی داشته‌اند و برای مصارفی چون عزاداری، خیرات و مبرات، مخارج طلاب، تهیه کتب علوم دینی، امور عام‌المنفعه، و حمایت از معیشت اولاد واقف در نظر گرفته شده‌اند. نوع موقوفات این زنان، از جنس زمین، خانه مسکونی، دکان، باغ، حمام و کاروان‌سرا است. زنان واقف این دو شهر از حیث خاستگاه اجتماعی از گروه‌های اعیان و اشراف، تجار و کسبه بازار و زمین‌داران بودند. موقعیت اجتماعی زنان واقف ساری و بارفروش، به استثناء تعداد کمی که خود دارای نقش اجتماعی چون قابله یا تعزیه‌خوان بودند به موقعیت اجتماعی پدران یا همسرانشان وابسته بود. نقش‌های اجتماعی پدران و همسران این زنان عمدتاً شامل: مسگر، پالان‌دوز، چاقوساز، پیش‌نماز، دیباغ، ارسی‌دوز، طیب، مؤذن، مستوفی، قصاب، خیاط، جراح، کلاه‌دوز، قاضی، گل‌دوز، بقال، تاجر و کفشدار بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** وقف؛ زنان واقف؛ ساری؛ بارفروش (بابل)؛ قاجار؛ تاریخ اجتماعی.

**استناد:** نوروزی، جمشید، نوروزی، فرشید و عابدی، عباس. (۱۴۰۲). ویژگی‌ها و مصارف موقوفات زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار. *گنجینه اسناد*، ۳۳ (۲)، ۸۸-۱۲۹ | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۶۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۶۵



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
J.noroozi@alzahra.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Farshidnoroozi20@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
Aab.abedi55@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکس): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۶۵

نمایه در Google Scholar, Reserachgate, SID, ISC, ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۴۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۸۸ - ۱۲۹ (۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۳

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

«ایالت» مازندران، در قدرت‌یابی قاجار جایگاهی ویژه داشت. شرق این «ایالت» از کانون‌های مهم ایل قاجار بود. بخش اعظم نیروهای نظامی که این ایل را در دست‌یابی به حکومت یاری رساندند، از این منطقه تأمین شدند. این «ایالت» در دوران سلطنت قاجار (۱۲۱۰ق-۱۳۴۴ق)، یکی از یازده «ایالت» ایران محسوب می‌شد (کرزن، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۱۵۰). شهرهای مهم مازندران در این دوره، آمل، اشرف<sup>۱</sup>، ساری و بارفروش<sup>۲</sup> بودند (ملگونف، ۱۳۷۶، ۱۴۱). از این میان، دو شهر ساری و بارفروش از اهمیت ویژه‌ای در دوره قاجار برخوردار بودند؛ ساری، مرکز سیاسی-اداری ایالت بود و بارفروش، مرکز تجاری و اقتصادی آن محسوب می‌شد.

ساری در دوره‌ای که آقامحمدخان در پی تصاحب تاج و تخت بود، پایتخت موقت او انتخاب شد (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷). با وجود تصمیم بعدی آقامحمدخان در انتخاب تهران به پایتختی قاجار (۱۲۱۰ق)، ساری به دلایلی چون نزدیکی به سکونتگاه مهم ایل قاجار (استرآباد) و نیز باقی ماندن به عنوان مرکز سیاسی و اداری ایالت مازندران، هم‌چنان مورد توجه حکومت قاجار بود و روند توسعه و آبادانی آن نیز برقرار ماند (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، ص ۹۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۱۰۱۹). به دلیل این توجه حکومت و نیز موقعیت حاکم‌نشین ساری، همواره تعداد زیادی از شاه‌زادگان، اعیان و اشراف قاجار در این شهر حضور داشتند (افضل‌الملک، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۴۹).

بارفروش در دوره قاجار، مرکز خرید و فروش کالاهای شهرهای اطراف و نیز مسیر کالاهای تجاری روسی بود. ترقی بارفروش از ده به شهر و استقرار شماری از تجار در آنجا، متأثر از آن بود که کالاهایی را که از بندر حاجی ترخان به بندر مشهد سر<sup>۳</sup> می‌آوردند، برای معامله به این منطقه حمل می‌شد (تاد، ۱۳۸۸، ص ۸۲). یکی از سیاحان روسی که در دوره قاجار از بارفروش دیدن کرده‌است درباره موقعیت تجاری این شهر نوشته‌است: «بارفروش از حیث تجارت، بعد از تهران، دومین شهر تجاری ایران محسوب می‌شود» (گزارش ایران از یک سیاح روس، ۱۳۶۳، ص ۳۴).

بخش قابل توجهی از موقوفات در ایران متعلق به بانوان نیکوکاری است که در دوره‌های مختلف تاریخی با انگیزه تقرب به درگاه احدیت بخشی از اموال خود را در امور خیر وقف کرده‌اند. با وجود تعدد موقوفات مربوط به زنان در کشور، این موقوفات کم‌تر شناسایی و بررسی شده‌اند. با توجه به جایگاه سیاسی و اقتصادی ساری و بارفروش در دوره قاجار و نیز رواج وقف در این دوره، برآنیم تا با تمرکز روی وقف‌نامه‌های زنان این دو شهر، به بازنمایی یکی از وجوه حضور و مشارکت اجتماعی زنان در این دو

۱. اشرف: نام قدیم بهشهر  
۲. نام قدیم شهر بابل  
۳. نام قدیم شهر بابلسر



شهر مهم «ایالت» مازندران در دوره قاجار بپردازیم. با وجود اهمیتی که این موضوع در تاریخ اجتماعی مازندران دارد، تحقیقی مستقل و جامع در زمینه مندرجات وقف‌نامه‌های زنان مازندران به‌ویژه زنان ساری و بارفروش، و نیز معرفی زنان واقف این دو شهر و ویژگی‌های موقوفات آن‌ها انجام نشده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقات در زمینه زنان واقف در ایران مقاله «تأملی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی» تألیف خانم نزهت احمدی (۱۳۹۷) است که به ویژگی‌های کلی موقوفات زنان در عصر صفوی پرداخته است. از جمله آثار منتشر شده درباره دوره قاجار، مقاله کریستف ورنر (۱۳۷۸)<sup>۱</sup> با عنوان «زنان واقف در تهران عهد قاجار» است که به معرفی و تحلیل عملکرد سه زن واقف در تختگاه قاجار پرداخته است. خانم‌ها الهام ملک‌زاده و مرضیه افرافر (۱۳۹۶) نیز در مقاله «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (نمونه پژوهشی: موقوفات زنان تهران)»، به گوشه‌ای از موضوع وقف زنان در دارالخلافه قاجار پرداخته‌اند. محمد دبیرسیاقی (۱۳۸۶) در مقاله «موقوفات انیس‌الدوله»، به معرفی موقوفات این زن واقف در دوره قاجار می‌پردازد. در زمینه موقوفات زنان در مازندران، تنها یک مقاله با عنوان «هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی: زنان آمل)» توسط معصومه یدالله‌پور (۱۳۹۲) نوشته شده است. مؤلف در این مقاله، به معرفی ۱۶ وقف‌نامه از شهر آمل مربوط به دوره‌های قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی می‌پردازد که ۵ وقف‌نامه این مجموعه به دوره قاجار اختصاص دارد. باتوجه به موارد مذکور، مشخص می‌شود که تحقیقی مستقل و جامع درباره موقوفات زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار، انجام نشده است.

## ۳. ساختار و سبک نگارش اسناد وقف‌نامه‌ها در دوره قاجار

ساختار وقف‌نامه‌های دوره قاجار عبارت است از: ۱- بسمله؛ ۲- دیباچه؛ ۳- مشخصات کامل واقف؛ ۴- شرط تحقق وقف (قصد قربت)؛ ۵- اظهار صیغه؛ ۶- کلی‌گویی جهت (مصرف)؛ ۷- مختصات موقوفه (رقبات) و حدود اربعه آن؛ ۸- مخارج (وظایف متولی)؛ ۹- متولی فعلی و سیستم انتخاب متولیان بعدی؛ ۱۰- متولی در صورت انقراض نسل؛ ۱۱- الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبول متولی؛ ۱۲- خاتمه؛ ۱۳- تاریخ تحریر (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹).

1. Christoph werner



سبک نگارش اسناد موقوفات دوره قاجار به این صورت است که با «تحمیدیه‌ای» آغاز می‌شود که حاوی جملاتی در ناپایداری دنیا و فناپذیر بودن انسان است. این جملات، در بردارنده ابیاتی فارسی و عربی و حاوی تلمیحاتی به آیات و احادیث است. بسته به قلم نگارنده وقف‌نامه، این قسمت مختصر یا مطول است. پس از تحمیدیه، فرد واقف و موقوفه معرفی می‌شود. هم‌چنین، محل موقوفه به دقت معین و حدود آن مشخص می‌شود. در این اسناد، موارد مصرف درآمد موقوفه و شرایط مدنظر واقف دقیقاً قید می‌شود. بعد از مشخص کردن متولی و در مواردی ناظر موقوفه، عباراتی در لعن و نفرین کسی که برخلاف شرایط تعیین شده در وقف‌نامه عمل کند، درج می‌شود. معمولاً در آخر وقف‌نامه، آیه شریفه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يَبْدِلُونَهُ»<sup>۱</sup> تحریر می‌شود تا کسی به خود اجازه ندهد در وقف‌نامه و رقبات آن و مصارف مقرر تصرف کند. هم‌چنین در اسناد وقف‌نامه، عباراتی آورده می‌شود مبنی بر این که واقف از مالکیت موقوفه دست کشیده و آن را به تصرف وقف داده است. در حاشیه سند وقف‌نامه، اثر انگشت یا مهر برخی از روحانیون و شهود دیگر زده می‌شود. مطابق مندرجات این اسناد، میزانی از درآمد حاصل از موقوفه قبل از آن که صرف مقصود تعیین شده واقف شود، برای مصارف دیگری مثل حق التولیه، حق النظاره و حفظ عین موقوفه (تأمین مخارج ضروری بنا و تعمیرات لازم آن) کسر می‌شود.

#### ۴. اهمیت و ارزش تاریخی مندرجات اسناد موقوفات

از مندرجات وقف‌نامه‌ها و توضیحات مرتبط با موقوفات و واقفان، می‌توان به اطلاعات ارزنده‌ای چون نام‌های تاریخی محلات، بازارها، روستاها، کاروان‌سراها و رباطها دست یافت. برای نمونه، در ضمن توضیح موقوفه نجیبه خاتون صبیئه مشهدی میر عبدالله بارفروشی و حاجیه نواب خانم آمده است: «تمامت سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب سراخانه خود واقعه در محله سیلاب سر ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۹/ن) و «تمامت سه دانگ مشاع از شش دانگ کاروان‌سرای وکیل واقع در ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱/ن) وقف می‌شود. از خلال این قبیل اطلاعات، درمی‌یابیم که در شهر ساری در عهد قاجار، محله‌ای به نام سیلاب سر و کاروان‌سرای به نام وکیل وجود داشته است.

در نمونه‌ای دیگر، در سندی واقفی به نام «مشهدیه عمه‌خانم زوجه حسین جان کشتلی الاصل بارفروش المسکن»، به محله‌ای به نام باغبان محله در شهر بارفروش آن روزگار اشاره شده است: «یک خانه ملکی در باغبان محله با لواحق» (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱۱۶/ع). هم‌چنین درباره نام روستاهای قدیمی ساری در عهد قاجار، در سند وقف‌نامه

۱. پس هرکس که آن را (آن وصیت را) بعد از شنیدن، تغییر دهد، گناهش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند (آیه ۱۸۱ سوره بقره).



«مرضیه بنت میرزاشفیعیع بالاکولائی زوجه آخوند ملامیرزای سمسکندی» آمده است: «تمامت سه سهم از هفده سهم از یک دانگ و نیم مشاع از کل شش دانگ قریه بالاکولا؛ سه سهم از هفده سهم از پنج جریب و نیم زمین آبی سلیم‌شیخ؛ دو سهم از هفده سهم از نصف قریه کلاگر محله از بلوک کلیجان رستاق» وقف شده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵۵/م). در توضیحات اسناد موقوفات زنان واقف نیز، می‌توان به اطلاعات مفیدی درباره برخی مشاغل، بازارها، اماکن دینی و بناهای عام‌المنفعه در این دوره تاریخی دست یافت. برای نمونه، «مشهدیه مریم‌بیگم بنت میرزاغیاث قاضی و زوجه محمدباقر» در توضیح نوع موقوفه‌اش «نیم باب دکان ملکی در راسته بازار کفش دوزان» (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱۰۰۴/م)، از شغل کفش‌دوزی و وجود راسته‌بازار برای این شغل در بازار بارفروش یاد می‌کند. یا «مشهدیه آهوخانم بنت حاج‌فتح تاجر بارفروش بن حاج‌محمداسماعیل تاجر بن ملابابا» در وقف‌نامه، از راهرویی به نام حصیرفروشان و دکاکین مرتبط با آن و نیز سقاخانه و تکیه مرتبط با آن نام می‌برد: «یک دکان از دو دکان در جنب شمالی متصل به مقر راهروی عام زیر سقاخانه تکیه حصیرفروشان» (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۲۹/الف).

## ۵. ارزش اسناد موقوفات برای اطلاع از جایگاه اجتماعی زنان در دوره قاجار

جایگاه و نقش زنان در تاریخ ایران غالباً به عرصه خصوصی خانواده و خانه‌داری محدود شده است. از این نظر، زنان در جامعه ایران، عمدتاً وظیفه شوهرداری و فرزندآوری و فرزندپروری را به‌عهده داشته‌اند؛ ولی در کنار این وجه غالب، زنان ایرانی در برهه‌هایی از تاریخ ایران در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم نقش‌آفرینی‌هایی هرچند جزئی و کوتاه داشته‌اند. دوران حکومت قاجار یکی از این برهه‌های تاریخی بود که زنان ایرانی به ایفای نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرداختند. این امر از آن جهت رخ داد که جامعه ایران در طول دوران سلطنت قاجار وارد مراحل جدیدی از تغییر و تحول اجتماعی شد و با دوران ماقبل خود تفاوت‌هایی پیدا کرد. با توجه به این تحولات بستر حضور فزون‌تر زنان در عرصه اجتماع و فرهنگ در برخی مقاطع دوره قاجار فراهم شد. از جمله نمونه‌های حضور زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی دوره قاجار نقش‌آفرینی آنان در حوادثی چون قتل گریبایدوف، جنبش تنباکو، شورش نان و نیز حمایت از مشروطه‌خواهان است (شیرودی، ۱۳۸۴، صص ۷۵-۹۴). دیگر مصداق بارز حضور و مشارکت بیشتر زنان دوره قاجار در عرصه اجتماعی و تلاش آن‌ها برای ارتقاء نقش و موقعیت اجتماعی‌شان، عرصه وقف است. در دوره قاجار و قبل‌تر از آن، در شرایطی که نام زنان در اغلب نامه‌ها و عرایض و حتی برخی عقدنامه‌ها هم ذکر نمی‌شد، زنان شهرهای ساری و بارفروش وقف‌نامه‌های متعددی را با نام خودشان



ثبت کرده‌اند. در تاریخ رسمی دوران قاجار به‌ندرت به نام زنان برمی‌خوریم و از فعالیت‌های اقتصادی آنان اطلاعات زیادی در اختیار نداریم؛ ولی اسناد باقی‌مانده وقف مبین احتمال اداره املاک زنان به‌وسیله خود آن‌هاست. همه زنان واقف، خودشان حق اداره امور اموال وقفی خود را در زمان حیات خود داشتند؛ گرچه بعد از حیاتشان احتمالاً برای جمع‌آوری اجاره، و اجرای نیت و تولیت موقوفه به افرادی امین از مردان نیاز بوده‌است.

## ۶. آمار کلی زنان واقف ساری و بارفروش قبل از دوره قاجار

از تعداد ۵۳ سند وقفی قبل از دوره قاجار که در بایگانی اسناد ادارات اوقاف و امور خیریه مازندران موجود است تعداد ۴۸ وقف‌نامه (۹۰ درصد) مربوط به مردان و تعداد ۵ وقف‌نامه (۱۰ درصد) مربوط به زنان است. از تعداد ۵ وقف‌نامه مربوط به زنان در مازندران، دو وقف‌نامه مربوط به شهر ساری و یک وقف‌نامه مربوط به شهر بارفروش است.<sup>۱</sup> قدیمی‌ترین وقف‌نامه زنان مازندران، مربوط به ساری است که در محرم سال ۹۹۴ هجری قمری تنظیم شده‌است. در این وقف‌نامه، واقف بی‌بی‌بیگم خاتون بنت هیبت‌الله تنگ‌لته‌ای، مساحت دو جریب زمین شالی‌زاری واقع در روستای تنگ‌لته رودبار از بلوک کلیجان‌رستاق را برای زائرین اعم از واردین و مسافرین امام‌زاده عبدالله (ع) قریه پایین کولا وقف کرده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۸/ب).

## ۷. آمار کلی زنان واقف ساری و بارفروش در دوره قاجار

تعداد کل اسناد موقوفات مازندران در دوره قاجار، ۱۷۷۵ سند برگ موقوفه است که از این تعداد، ۱۴۵۹ مورد (۸۲ درصد)، مربوط به مردان و تعداد ۳۱۶ مورد (۱۸ درصد)، مربوط به زنان است (نک: نمودار شماره یک). تعداد اسناد موقوفات شهرهای ساری و بارفروش (بابل) در دوره قاجار، که در بایگانی اسناد ادارات اوقاف و امور خیریه این دو شهر نگهداری می‌شود، به ترتیب ۳۴۲ و ۴۹۳ سند وقفی است. از این تعداد، به ترتیب ۲۶۳ و ۴۰۲ وقف مربوط به مردان ساری و بارفروش و تعداد ۷۹ و ۹۱ وقف مربوط به زنان این دو شهر است؛ به عبارت دیگر، ۲۳ درصد از موقوفات ساری و ۱۸٫۵ درصد از موقوفات شهر بارفروش در دوره قاجار، متعلق به زنان است (نک: نمودارهای شماره دو و سه).

## ۸. وابستگی طبقاتی زنان واقف ساری و بارفروش

از مجموع ۷۹ واقف زن ساری در دوره قاجار، تعداد ۷ نفر از طبقه علمای دینی، ۱۰ نفر از طبقه بازاری، ۴۳ نفر از طبقه زمین‌دار، و ۱۹ نفر از طبقه اعیان و اشراف بودند. به عبارت دیگر،

۱. اسناد موقوفات زنان مازندران قبل از دوره قاجار شامل: اداره اوقاف ساری: سند کلاسه ۲۸/ب، ۱۰؛ اداره اوقاف بابل: سند کلاسه ۱۴/خ؛ اداره اوقاف نوشهر: سند کلاسه ۱۲۰/الف؛ ۴۹/ج.



۹ درصد از زنان واقف ساری، از طبقه علمای دینی، ۱۳ درصد از طبقه بازاری، ۵۴ درصد از طبقه زمین‌دار، و ۲۴ درصد از طبقه اعیان و اشراف بودند (نک: نمودار شماره چهار). هم‌چنین از مجموع ۹۱ واقف زن شهر بارفروش، تعداد ۳۱ نفر از طبقه علمای دینی، ۲۵ نفر از طبقه بازاری، و ۳۵ نفر از طبقه زمین‌دار بودند. به عبارت دیگر، ۳۴ درصد از زنان واقف بارفروش، از طبقه علمای دینی، ۲۸ درصد از طبقه بازاری، و ۳۸ درصد از طبقه زمین‌دار بودند (نک: نمودار شماره پنج).

داده‌های حاصل از مقایسه وابستگی طبقاتی واقفان زن در دو شهر ساری و بارفروش، نشان می‌دهد که در ساری، بیشترین فراوانی زنان واقف از طبقات زمین‌داران و اعیان و اشراف است؛ در حالی که در بارفروش، زنان واقف از طبقات علمای دینی، زمین‌دار و بازاری، به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. این تفاوت وابستگی طبقاتی واقفان زن در این دو شهر، متأثر از مرکزیت اداری و سیاسی ساری در ایالت مازندران و نیز مرکزیت اقتصادی-تجاری و مذهبی شهر بارفروش در این ایالت است. علاوه بر این، به دلیل این که کشاورزی محور اقتصادی این ایالت محسوب می‌شده است، وابستگی طبقاتی زنان واقف این دو شهر به زمین‌داران نیز فراوانی زیادی دارد.

## ۹. موقعیت اجتماعی خانواده زنان واقف و یا خود زنان واقف

موقعیت اجتماعی<sup>۱</sup>، مقام و موضعی است که فرد در زمانی معین در جامعه اشغال می‌کند (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۷۱). موقعیت‌های اجتماعی نظیر پدر، مادر، معلم و کارمند، با واگذاری نقش خاص یعنی مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها به هریک از آنها تعریف می‌شود. مندرجات اسناد موقوفات، بیش از ارائه اطلاعات درباره موقعیت‌های اجتماعی خود زنان واقف ساری و بارفروش، به بیان اطلاعات درباره موقعیت اجتماعی همسران و پدران این واقفان اشاره دارند.

در شهر ساری، همسران و پدران زنان واقف، از موقعیت‌های اجتماعی چون مسگر، پالان‌دوز، چاقوساز، پیش‌نماز، دباغ، ارسی‌دوز، طبیب، مؤذن و مستوفی، برخوردار بودند (نک: نمودار شماره شش). برای نمونه «شهربانو خانم مشهور به ننه‌خانم زوجه میرزا لطف‌علی مستوفی»، مساحت پنج جریب زمین شلتوک‌زاری ملکی در قریه سلیم‌شیخ کلیجان‌رستاق را برای عزای سیدالشهدا (ع) در ماه محرم و غیر محرم وقف کرد (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/ش).

مندرجات اسناد موقوفات شهر بارفروش، به موقعیت اجتماعی تعدادی از خود زنان واقف اشاره دارند که قابل و تعزیه‌خوان بوده‌اند؛ مابقی اطلاعات این اسناد درباره موقعیت

1. Social Position



اجتماعی همسران و پدران واقفان زن است که شامل قصاب، خیاط، جراح، قاضی، گل دوز، بقال، تاجر، کلاه دوز و کفشدار بوده‌اند (نک: نمودار شماره هفت). برای نمونه، «ننه بیگم بنت مشهدی احمد خیاط بارفروش»، سه دانگ مشاع یک خانه ملکی در محله قراکلاء را برای عزاداری سیدالشهدا (ع) و اصحاب در هر عصر و زمان در تکیه همان محله با اطعام اختصاص داده است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱۶/ش).

## ۱۰. ماه‌های قمری ایجاد وقف زنان

بیشترین فراوانی ایجاد وقف زنان در ساری برمبنای ماه‌های قمری به ترتیب مربوط به ماه‌های محرم با ۱۱ مورد (۱۴ درصد)، جمادی‌الثانی ۹ مورد (۱۲ درصد)، ربیع‌الاول ۸ مورد (۱۰ درصد)، ربیع‌الثانی ۸ مورد (۱۰ درصد) است. بیشترین فراوانی ماه‌های قمری ایجاد وقف زنان در شهر بارفروش، به ترتیب مربوط به ماه‌های جمادی‌الثانی با ۱۲ مورد (۱۴ درصد)، ربیع‌الثانی ۱۰ مورد (۱۲ درصد)، ربیع‌الثانی ۱۰ مورد (۱۲ درصد) و محرم ۹ مورد (۱۱ درصد) است (نک: نمودارهای شماره هشت و نه).

باتوجه به جایگاه ماه محرم در فرهنگ مذهبی مردم ایران و توجه ویژه مردم به برگزاری مراسم عزاداری شهادت امام حسین (ع) در این ماه، محرم از جمله ماه‌هایی است که موقوفات زنان واقف در آن رشد داشته است. هم‌چنین قراردادن مناسبت‌های مذهبی چون ولادت پیامبر اسلام (ص) و ولادت امام جعفر صادق (ع) در ربیع‌الاول، ولادت امام حسن عسگری (ع) در ربیع‌الثانی، و شهادت حضرت زهرا (س) در جمادی‌الثانی، در افزایش فراوانی موقوفات در این ماه‌ها مؤثر بوده است.

## ۱۱. انواع موقوفات زنان واقف ساری و بارفروش

به گواه مندرجات اسناد موقوفات، انواع موقوفات زنان ساری، به ترتیب، شامل ۵۲ مورد زمین (۶۴ درصد)، ۲۴ مورد خانه (۳۰ درصد)، ۲ مورد دکان (۳ درصد)، ۲ مورد کاروانسرا (۳ درصد)، و ۱ مورد حمام (۱ درصد) است (نک: نمودار شماره ده).<sup>۱</sup> برای نمونه، «معصومه بنت محمدرضا و سیده خدیجه بیگم»، چهار دانگ مشاع از کاروانسرای ساری را بر اولاد ذکور وقف کردند و در صورت انقراض نسل، برای مصرف تعزیه‌داری<sup>۲</sup> وقف کردند؛ هم‌چنین، یک دانگ مشاع از شش دانگ کاروانسرا را برای تعزیت سیدالشهدا در هر زمان و مکان، و یک دانگ مشاع از شش دانگ کاروانسرا را برای مطلق خیر وقف کردند (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵۲/م).

۱. در برخی از اسناد وقف‌نامه‌ها هم‌زمان بیش از یک موقوفه (زمین، خانه، مغازه و ...) وقف شده است. به همین دلیل تعداد اموال وقف شده معمولاً بیشتر از تعداد اسناد موقوفات است.  
۲. در اینجا به معنای برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) است.





این موضوع دربارهٔ زنان واقف بارفروش، به ترتیب، شامل ۵۳ مورد خانه (۵۵ درصد)، ۳۵ مورد زمین (۳۷ درصد)، ۶ مورد دکان (۶ درصد)، و ۲ مورد باغ (۲ درصد) است (نک: نمودار شمارهٔ یازده). برای نمونه، «حاجیه فاطمهٔ قابله»، یک باب خانه در محلهٔ اجابن را وقف کرد تا در در همین خانهٔ وقفی تعزیت سیدالشهدا (ع) همراه با اطعام و چای برپا شود (ادارهٔ اوقاف بابل، سند کلاسهٔ ۱۰/ن). هم‌چنین «آسیه بنت مشهدی‌علی‌جان درزی‌کلابی»، نصف یک دکان و کارخانهٔ ظرف‌سازی در سبزه‌میدان را برای تعزیت حضرت امام رضا (ع) وقف کرده‌است (ادارهٔ اوقاف بابل، سند کلاسهٔ ۶۵/الف). اختصاص درصدهای زیاد موقوفات زنان این دو شهر به زمین و خانه، گویای سهم زیاد این موارد در اقتصاد و دارایی مردمان آن روزگار است.

## ۱۲. وقف اشتراکی در اسناد وقفی

در بعضی از موقوفات، به‌جای یک واقف، شاهد حضور چند واقف زن و مرد در یک وقف‌نامه هستیم. در موقوفات زنان واقف ساری، ۴۵ موقوفه (۵۷ درصد)، دارای یک واقف و ۳۴ موقوفه (۴۳ درصد)، دارای بیش از یک واقف هستند؛ ولی در بین موقوفات زنان واقف شهر بارفروش، ۷۵ موقوفه (۸۲ درصد)، دارای یک واقف و ۱۶ موقوفه (۱۸ درصد)، دارای بیش از یک واقف هستند (نک: نمودار شمارهٔ دوازده و سیزده). برای نمونه، «میررمضان، میرعماد، سیده‌بیگم، ام‌سلمه، حبیبه و زینب فرزندان کربلایی میرکریم»، مقدار و مساحت شش سیر و ده مثقال و نیم مشاع از کل شش دانگ از اراضی خشکه و آبی قریهٔ سیدمحله را برای تعزیت‌داری ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) وقف کردند (ادارهٔ اوقاف ساری، سند کلاسهٔ ۲۸/ر) یا «مشهدی‌احمدعلی و سکینه‌خاتون بنت ملاآقای آغوزینی»، دو قطعه زمین غله‌زاری را در محلهٔ کفشگرکلا به مساحت سه چل<sup>۱</sup> تمام برای تعزیت سیدالشهدا (ع) وقف کردند که منافع آن‌ها در مسجد آب‌بخشان از قبیل روضه‌خوانی و نفت و قهوه و غیره صرف شود (ادارهٔ اوقاف بابل، سند کلاسهٔ ۱۰۸/الف). در این قبیل موقوفات که موقوفه بیش از یک واقف دارد، معمولاً اعضای درجه یک خانواده، مانند خواهر و برادر، خواهر و زن و شوهر، اموال غیرمنقول با مالکیت اشتراکی را با توافق وقف می‌کرده‌اند.

## ۱۳. تعدد مصارف موقوفات زنان

در بسیاری از وقف‌نامه‌ها، علاوه بر بیان مصرف اصلی موقوفه، مصارف دیگری نیز ذکر شده‌است؛ به عبارت دیگر، واقفان مصرف درآمد موقوفهٔ خود را چندمنظوره کرده و این درآمد را به چند سهم تقسیم کرده و برای هر سهم، مصرفی در نظر گرفته‌اند. به این ترتیب،

۱. واحد اندازه‌گیری زمین. هر چل به مساحت ۱۶۰۰ مترمربع و سه چل ۴۸۰۰ مترمربع



بعضی از موقوفه‌ها برای هدفی معین و بعضی دیگر، برای اجرای چند هدف وقف شده‌اند. تعداد ۵۰ نفر از زنان واقف ساری (۶۳ درصد)، یک مصرف و تعداد ۲۹ نفر (۳۷ درصد)، بیش از یک مصرف برای موقوفه‌شان در نظر گرفته‌اند. ۶۸ نفر (۷۵ درصد) از زنان واقف شهر بارفروش نیز یک مصرف، و ۲۳ نفر (۲۵ درصد)، بیش از یک مصرف برای موقوفاتشان در نظر گرفته‌اند (نک: نمودارهای شماره چهارده و پانزده). برای نمونه، «مشهدیه خاتون صبیئه مرحوم قاسم سواسری»، مساحت سه پیمانه زمین شمالی زاری واقعه در مزرعه چهارده رودبار را برای عزاداری ۱۴ معصوم و مطلق خیرات و دستگیری فقرا و مساکین و تعمیر تکیه و مساجد و پل و رباط و غیره وقف کرده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۲/خ). هم‌چنین، «مشهدیه عمه‌خانم زوجه حسین جان کشتلی الاصل بارفروش المسکن»، نصف یک خانه ملکی در باغبان محله را با لواحق آن برای تعزیت سیدالشهدا (ع) در هر زمان و مکان به صلاح‌دید متولی وقف کرده و نصف دیگر را همشیره واقفه به نام بی‌بی، برای صوم و صلوات و ختم قرآن وقف کرده‌است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱۱۶/ع).

#### ۱۴. انواع مصارف کلی موقوفات زنان

موقوفات زنان واقف در ساری از حیث حوزه مصارف و کارکردهای وقف، ۷۴ مصرف (۶۷ درصد) برای عزاداری، ۲۲ مصرف (۲۰ درصد) برای خیرات و مبرات<sup>۱</sup>، ۵ مصرف (۴ درصد) برای طلاب، ۵ مصرف (۴ درصد) برای تهیه کتب علوم دینی، ۳ مصرف (۳ درصد) برای امور عام‌المنفعه، و ۲ مصرف (۲ درصد) برای اولاد واقف در نظر گرفته شده‌اند (نک: نمودار شماره شانزده). مصارف موقوفات زنان واقف شهر بارفروش، شامل ۹۰ مصرف (۹۴ درصد) برای عزاداری، ۴ مصرف (۴ درصد) برای خیرات و مبرات، ۱ مصرف (۱ درصد) برای امور عام‌المنفعه، و ۱ مصرف (۱ درصد) برای اولاد واقف است (نک: نمودار شماره هفده).

در دوره قاجار، مانند دوره صفوی بیشترین محل مصرف عواید موقوفات، مذهبی بود؛ ولی به جای مدارس علمیه به اجرای مراسم مذهبی مانند عزاداری بها داده می‌شد و بیش از ۷۰ درصد وقف‌نامه‌ها برای عزاداری مذهبی به‌ویژه حضرت سیدالشهداء (ع) اختصاص می‌یافت و مردم عادی برای مراسم مذهبی اهمیت بیشتری قائل بودند تا ترویج علوم دینی (ریاحی سامانی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۷). در این دوره نیات وقف آموزشی، بیشتر در قالب آموزش دینی است؛ زیرا در ایران تا تأسیس مدرسه دارالفنون و اعزام دانشجویان به اروپا، به علوم دینی بیش از علوم عقلی اهمیت می‌دادند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵، صص ۱۲۳-۱۲۴).

۱. خیرات و مبرات یعنی انجام کارهای خیر و نیک، و هدیه ثواب آن برای درگذشتگان؛ یا انجام کارهای نیک و خیر برای خود فرد زنده



## ۱۵. جایگاه بالای مراسم عزاداری در مصارف موقوفات زنان

درصد چشمگیری از مصارف موقوفات زنان ساری و بارفروش، برای اقامه عزاداری ائمه اطهار و به‌ویژه امام حسین (ع) اختصاص یافته‌است. اختصاص درصد زیادی از مصارف موقوفات به تعزیت‌داری حضرت سیدالشهدا، گویای عمق ارادت و دل‌بستگی مردم این منطقه به حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع)، جایگاه عاشورای حسینی در اندیشه مذهبی آنان، و اهتمام آن‌ها برای زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان از طریق اختصاص موقوفات برای گرامیداشت واقعه عاشورا است.

اهتمام زنان واقف به این قبیل امور، تاحدی متأثر از فضای مذهبی زمانه و نیز سیاست و عملکرد حکومت وقت و عوامل حکومتی در ایالات هم بوده‌است. با وجود گسترش ارادت ایرانیان به حضرت سیدالشهدا از زمان حکومت صفویان، این امر در زمان قاجار از شدت و حدت بیشتری برخوردار شد. حتی برخی شاهان قاجار، شخصاً بانی و مشوق برگزاری مراسم مربوط به تعزیت‌داری آن امام و یارانش بودند و مکان‌هایی نیز برای این منظور احداث کردند (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۱۸؛ دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷). برای نمونه، تکیه دولت (تکیه همایونی) به فرمان ناصرالدین شاه، ظرف پنج سال و با صرف سیصد هزار تومان هزینه، برای اجرای تعزیه و برگزاری مراسم سوگواری و روضه‌خوانی ایام عاشورا در تهران ایجاد شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۸).

زنان واقف ساری در تعیین مصرف انواع عزاداری‌ها، ۷۱ مصرف (۷۷ درصد) را برای عزاداری امام حسین (ع)، ۴ مصرف (۴ درصد) را برای عزاداری حضرت زهرا (س)، ۲ مصرف (۲ درصد) را برای اقامه عزای حضرت علی (ع)، و ۱۶ مصرف (۱۷ درصد) را برای برپایی عزای سایر ائمه و اصحاب آنان در نظر گرفته‌اند (نک: نمودار شماره هیجده). هم‌چنین زنان واقف شهر بارفروش، ۸۷ مصرف (۷۰ درصد) را برای عزاداری امام حسین (ع)، ۲ مصرف (۲ درصد) را برای عزاداری حضرت زهرا (س)، ۵ مصرف (۴ درصد) را برای اقامه عزای امیرالمؤمنین (ع)، ۲ مصرف (۲ درصد) را برای عزاداری امام رضا (ع)، و ۲۸ مصرف (۲۲ درصد) را برای برپایی عزاداری سایر ائمه و اصحاب آنان اختصاص داده‌اند (نک: نمودار شماره نوزده).

از نمونه‌های سندهای وقفی با مصرف تعزیت‌داری، وقف «کربلایی گلابی بنت آقامحمد زوجه سلطان آخوندملا» است که در سال ۱۲۷۲ قمری، خانه ارثی با ملحقات در جنب حمام حاجی میرزایوسف اشرفی را برای تعزیت‌داری وقف کرده‌است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱/گ). هم‌چنین، وقف «سیده‌زهرا بنت حاجی میرعظیم» در سال ۱۲۳۸ قمری است که یک سهم ملک قریه پائین آخورسر از خشکه و آبی، شش دانگ



یک باب خانه محله میرمشهد، یک جفت مجمه، یک عدد آبکش، یک شمعدان و دیگ سه‌من‌پز و... را برای تعزیت‌داری وقف کرده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۰/ز). واقفان زن در برخی وقف‌نامه‌ها، هزینه برگزاری عزای امام حسین (ع) را برای ایام زیادی از سال تضمین کرده‌اند. برای نمونه «زهرا، حمیده، مریم، حاجیه‌خانم، دختران حاج سیدمحمدباقر درب‌مسجدی»، ده سیر مشاع از سی‌وپنج سیر از سه دانگ مفروز قریه گلما از بلوک میان‌رود از اراضی خشکه و آبی، و سه دانگ مشاع از یک باب دکان در میدان پنجشنبه‌بازار را در ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ قمری بر تعزیت‌داری سیدالشهدا (ع) در ماه‌های رجب، شعبان، رمضان، محرم و صفر، همراه با آش و طعام در هر زمان و مکان به‌صلاح‌دید متولی، وقف کرده‌اند (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/گ). هم‌چنین، «ام‌لیلا بنت کربلائی اسدالله» شش دانگ یک باب خانه‌سرای (منزل) موروثی مادری واقع در محله بهرام‌اتر (نام یکی از خیابان‌های شهر ساری) را بر عزاداری سیدالشهدا (ع) در ماه‌های محرم و صفر و نیز دیگر عزاداری‌ها در ماه‌های رمضان و رجب و شعبان در هر مکان وقف کرده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۷/الف).

واقفان زن در تنظیم سند برخی موقوفه‌های با نیت عزاداری، نحوه و ترتیب مصرف وقف در تعزیت‌داری و اقلام کلی هزینه‌ها را هم مشخص کرده‌اند. در این نوع وقف‌ها، پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و نیز فراهم‌آوردن قهوه، آب و غذای مجانی برای جمعیت شرکت‌کننده در مراسم عزاداری تضمین شده‌است. وقف‌نامه «مشهدیه صنم زوجه میرزاحاجی آقا جراح»، نمونه‌ای از این دست است. در این وقف‌نامه که در ۲۲ رجب ۱۳۱۵ قمری تنظیم شده، آمده‌است که مخارج روضه‌خوانی شامل اطعام‌دادن و قندوچای و اجرت روضه‌خوان است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۲/ص). هم‌چنین، «کلثوم‌خانم زوجه محمدقلی میرزا ملک‌آراء» در وقف‌نامه تنظیم‌شده در سال ۱۲۶۹ قمری، ذکر کرده‌است که مخارج روضه‌خوانی و تعزیت‌داری سیدالشهدا (ع)، شامل اطعام و قهوه و قلیان و هزینه روضه‌خوان است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲/ک).

## ۱۶. انواع پذیرایی در موقوفات مرتبط با عزاداری‌ها

زنان واقف ساری در تعیین نوع پذیرایی از عزاداران از محل درآمد موقوفات، در ۷ موقوفه (۲۷ درصد) شربت، ۳ موقوفه (۱۲ درصد) آش، ۷ موقوفه (۲۷ درصد) چای، ۴ موقوفه (۱۵ درصد) قهوه، و ۵ موقوفه (۱۹ درصد) قلیان را به‌عنوان نوع و ابزار پذیرایی مهمانان مراسم عزاداری تعیین کرده‌اند (نک: نمودار شماره بیست). زنان واقف شهر بارفروش نیز، در ۵ موقوفه (۲۱ درصد) شربت، در ۱۳ موقوفه (۵۴ درصد) چای، در ۴ موقوفه

۱. سینی بزرگ مسی  
۹.۲ کیلو



۱۷ درصد) قهوه، و در ۲ موقوفه (۸ درصد) قلیان را به‌عنوان نوع و ابزار پذیرایی مراسم عزاداری در نظر گرفته‌اند (نک: نمودار شماره بیست و یک). از قدیمی‌ترین اسناد واقفان زن شهرهای ساری و بارفروش که به استفاده از قهوه و استعمال تنباکو و قلیان در مراسم‌های عزاداری اشاره کرده‌است، سند موقوفه «کلثوم خانم زوجه محمدقلی میرزا ملک‌آراء» است که به سال ۱۲۶۹ قمری تنظیم شده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاس ۲/ک و ۱۸/ن).

### ۱۷. مصرف موقوفات با نیت «خیرات و مبرات»

زنان واقف ساری در دوره قاجار، ۲۹ وقف با کارکرد «خیرات و مبرات» ایجاد کرده‌اند؛ در حالی که زنان واقف شهر بارفروش، ۴ وقف با این مصرف داشته‌اند. واقفان زن در ساری، ۱۰ موقوفه (۳۵ درصد) از موقوفات با نیت خیرات و مبرات را به «مطلق خیرات»<sup>۱</sup>، ۱۳ موقوفه (۴۵ درصد) را برای کمک به فقرا، ۳ موقوفه (۱۰ درصد) را برای کمک به ابن‌السبیل، و ۳ موقوفه (۱۰ درصد) را برای کمک به زوار در نظر گرفته‌اند (نک: نمودار شماره بیست و دو). در بارفروش نیز، چهار واقف زن، درآمد موقوفه خود را به نیت یا کارکرد «خیرات و مبرات» اختصاص داده‌اند؛ که از این میان، ۲ موقوفه (۵۰ درصد) را به مطلق «خیرات و مبرات»، ۱ موقوفه (۲۵ درصد) برای کمک به فقرا و ۱ موقوفه (۲۵ درصد) برای کمک به زوار اختصاص داده‌اند (نک: نمودار شماره بیست و سه).<sup>۲</sup>

از جمله موقوفات زنان در ساری با کارکرد «خیرات و مبرات» که ریز مصارف درآمد موقوفه مشخص شده‌است، وقف «حدیجه خانم شهیره به قمر بنت آفاشیخ معروف به پیش‌نماز ساروی» است که در صفر ۱۳۲۰ قمری تنظیم شده‌است. مطابق مندرجات سند این موقوفه، نیم دانگ مشاع از یک دانگ از سه دانگ قریه نوده از اراضی آبی و خشکه، و یک چارک مشاع از نیم دانگ از یک دانگ از سه دانگ قریه ریگ‌چشمه از اراضی خشکه و آبی، برای مطلق خیرات و مبرات شامل هزینه زوار ائمه و کمک طلاب و فقرا و ایتام و ابن‌السبیل وقف شده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاس ۳/ق). در نمونه دیگر در ساری که در محرم ۱۳۲۲ قمری وقف شده‌است: «حوآنم حسب وصیت آفاسید کاظم»، ثلث املاک موصی شامل املاک آبی در سیاه‌دشت شش قفیز<sup>۳</sup>، خانه‌سرا به مساحت چهار قفیز و یک دهو<sup>۴</sup> در علی‌آباد بدل ثلث خانه، آسیا در سنگ‌ده، و مزرعه خشکه آهنگرخیل را برای مطلق خیرات، تکفین موتی<sup>۵</sup> و انفاق طلبه و ابناء السبیل و فقرا و ایتام و مساکین و زوار ائمه تعیین کرده‌است (اداره اوقاف ساری، سند کلاس ۲۸/ح).

از نمونه موقوفات زنان با کارکرد «خیرات و مبرات» در بارفروش، می‌توان به «صغری بنت آقامیرزا ابراهیم لعل‌آبادی» اشاره کرد که سه دانگ قریه زاهدکلا از قراء لعل‌آباد را با

۱. خیرات و مبرات یعنی انجام کارهای خیر و نیک، با هدف کسب ثواب برای در گذشتگان یا خود فرد زنده.  
۲. برخی موقوفات تکنیتی و برخی دیگر چندیتی هستند. به این معنا که واقف در یک وقف‌نامه، از یک نیت تا چند نیت را برای موقوفه خود در نظر گرفته‌است.  
۳. قفیز: هزار مترمربع؛ یک‌دهم هکتار. قفیز واحد اندازه‌گیری مرسوم در شالیزارهای شمال ایران (به‌ویژه در استان مازندران) است برای اندازه‌گیری زمین‌های شالی کوچک‌تر که اندازه‌گیری آن‌ها با هکتار دشوار است.  
۴. دهو: ۱۰۰ مترمربع؛ یک‌دهم قفیز.  
۵. موتی (mo[wi]): میت؛ مرده.



متعلقات آن برای کمک به فقرا وقف کرده است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۶/ص).  
یا «ملارقیه بنت ملا اسماعیل»، که یک خانه ملکی را با کلیه اعیان و اشجار در سر حمام  
میرزاهادی برای کمک به فقرا وقف کرده است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۱/ر).

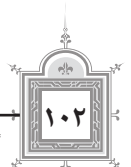
### ۱۸. مصرف موقوفات با نیت «امور طلاب»

زنان واقف شهر ساری، ۵ موقوفه (۶ درصد) با نیت وقف بر مخارج «امور طلاب»  
داشته اند که شامل «کمک و انفاق به طلاب» و «هزینه تحصیل طلاب» است. از این تعداد،  
۳ مورد (۶۰ درصد) به هزینه تحصیل طلاب، و ۲ مورد (۴۰ درصد) به کمک و انفاق به  
طلاب اختصاص دارد (نک: نمودار شماره بیست و چهار)؛ ولی زنان واقف بارفروش، هیچ  
موقوفه ای با مصرف «امور طلاب» ندارند. نکته مهم دیگر، آن که ۸۰ درصد موقوفات زنان  
ساری با نیت مخارج امور طلاب، مربوط به قبل از دوره انقلاب مشروطیت و ۲۰ درصد  
مربوط به بعد از انقلاب مشروطه است (نک: نمودار شماره بیست و پنج).

از نمونه های موقوفات زنان ساری با مصرف امور طلاب، وقف «سیده یادگار بنت  
آقاسید احمدولی» است که در ۲۷ محرم ۱۳۲۹ قمری وقف شده است. مطابق این وقف نامه،  
دو قفیز زمین آبی شالی زاری مشهور به سی رشت مشاع از چهار قفیز آقاشیخ یوسف، برای  
خرجی طلاب، وقف شده است (اداره اوقاف و امور خیریه ساری، سند کلاسه ۷/س).  
نمونه دیگر که در محرم ۱۳۲۲ وقف شده است، وقف «حوآخانم» است که حسب وصیت  
«آقاسید کاظم»، ثلث املاک موصی شامل املاک آبی در سیاه دشت به مساحت شش قفیز،  
خانه سرا به مساحت چهار قفیز و یک دهن در علی آباد بدل ثلث خانه، آسیا در سنگ ده، و  
مزرعه خشکه آهنگر خیل را برای ... و انفاق طلبه و ... وقف کرده است (اداره اوقاف ساری،  
سند کلاسه ۲۸/ح). هم چنین، «سلطان بیگم خانم بنت فتح علی شاه قاجار» در جمادی الثانی  
۱۲۵۶ قمری، مصرف ثلث از شش دانگ قریه صلاح الدین محله واقعه در توابع ساری را  
برای هزینه تحصیل طلاب کربلا وقف کرده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱/س).

### ۱۹. مصرف موقوفات با نیت «تهیه کتب علوم دینی»

زنان واقف شهر بارفروش در این مصرف، مورد وقفی ندارند؛ ولی زنان واقف ساری، ۵ مورد  
موقوفه با مصرف «تهیه کتب علوم دینی» دارند. از این تعداد، ۳ وقف (۶۰ درصد) مربوط  
به قبل از مشروطه، و ۲ موقوفه (۴۰ درصد) به دوره بعد از مشروطه تعلق دارد (نک: نمودار  
شماره بیست و شش). از قدیمی ترین اسناد موقوفه با نیت تهیه کتب علوم دینی، مربوط به  
موقوفه «مرضیه بنت میرزا شفیق بالاکولائی زوجه آخوند ملا میرزای سمسکندی» است که در



سال ۱۲۹۱ قمری تنظیم شده است. در این وقف‌نامه، سه سهم از هفده سهم از یک دانگ و نیم مشاع قریه بالاکولا، و سه سهم از هفده سهم از پنج جریب و نیم زمین آبی سلیم‌شیر، برای تهیه کتب علوم دینی وقف شده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵۵/م).

## ۲۰. مصرف موقوفات با نیت «وقف بر اولاد»

وقف بر اولاد، از دیگر مصارف موقوفات زنان شهرهای ساری و بارفروش در دوره قاجار است. تفاوت وقف بر اولاد با به‌ارث گذاشتن ملک یا بخشیدن آن برای فرزند، در آن است که به ملک و دارایی، نوعی تقدس داده می‌شود که تاحدی آن را از دستبرد دیگران و یا مصادره حکومت مصون نگه می‌دارد. در این صورت، عین ملک به صورت وقف باقی می‌ماند و فرزندان واقف در حکم موقوف‌علیهم، از منافع آن بهره‌مند می‌شوند. افزون‌بر این، عین ملک از تکه‌تکه شدن و تقسیم میان وارثان محفوظ می‌ماند.

زنان واقف ساری، مصرف سه موقوفه را برای اولاد خودشان در نظر گرفته‌اند. از این نمونه‌های وقفی، وقف‌نامه «عالیه خانم زوجه میرزاخان جان شهیر به میرزامحمد سعیدی پرکوهی» است که در جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ قمری تنظیم شده است. مطابق این سند، واقف «تمامت سه دانگ مشاع از کل شش دانگ متصرفی ملک موروثی و ابتیاعی خود را در قریه پرکوه از رطبه و یابسه از اجزاء جناگل و معموره آنچه را از اجزا و مضافات به ملکیت مشارالیه سزد و شاید، یعنی از بر<sup>۱</sup> و انتقال به مورث ایشان منتقل شده؛ چه آنکه بعضی از اجزاء ملحقات قریه مذکوره به ایشان منتقل نشده، مثل افراچال و توابع آن و غیره که به ملکیت املاک پرکوه باقی است؛ لهذا املاک خود را به هر اسم و رسم وقف نمود بر اولاد ذکور "ما تعاقبو و تناسلو"<sup>۲</sup> (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵۰/ع). هم‌چنین، واقف «خورشیدخانم»، درآمد سه دانگ از شش دانگ یک باب خانه مسکونی و ملکی و متصرفی واقفه واقع در آب‌انبار نو را در محرم ۱۳۲۱ قمری برای اولاد ذکور خود در نظر گرفته است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۴/خ).

زنان واقف شهر بارفروش، تنها یک موقوفه با مصرف وقف بر اولاد دارند. در این موقوفه، «فاطمه‌جان بنت میرزاابا کاشی»، هیجده قفیز و نیم ملک مزرعه موروثی آبی در مزرعه دزد کچال را برای ده ختم قرآن در ماه رمضان برای پسر خود اختصاص داده است (اداره اوقاف بابل، سند کلاسه ۴۴/ف). در این مورد، نحوه مصرف کمی متفاوت بوده است و پسر واقف می‌بایست درآمد را صرف قرائت قرآن می‌کرده است.

۱. بر: به معنای هدیه و بخشش.

۲. ما تعاقبو و تناسلو: آنچه عقب‌درعقب و نسل‌درنسل آید.



## ۲۱. مصرف موقوفات با نیت «امور عام‌المنفعه»

زنان واقف شهر بارفروش در این مصرف، مورد وقفی نداشته‌اند؛ ولی زنان واقف ساری، با هدف رفع برخی مشکلات اجتماعی، موقوفاتی با نیت مصارف «امور عام‌المنفعه» ایجاد کرده‌اند. در این نوع موقوفات، زنان واقف با تعیین مصارفی چون تعمیر مسجد و تکیه، تعمیر نهر، پل، رباط و خیابان، در راستای کاستن یا حل بعضی از معضلات زندگی عامه مردم قدم برداشته‌اند. از مجموع ۹ موقوفه زنان ساری با مصرف امور عام‌المنفعه، ۳ موقوفه (۴۰ درصد) برای تعمیر پل، ۲ موقوفه (۲۰ درصد) برای تعمیر مسجد و تکیه، ۱ موقوفه (۱۰ درصد) برای تعمیر رباط، ۱ موقوفه (۱۰ درصد) برای تعمیر خیابان و معبر، ۱ موقوفه (۱۰ درصد) برای تعمیر نهر، و ۱ موقوفه (۱۰ درصد) برای تعمیر بقاع متبرکه در نظر گرفته شده‌اند (نک: نمودار شماره بیست و هفت).

از نمونه متن‌های موقوفه با مصرف «امور عام‌المنفعه»، وقف «فاطمه بنت اسکندر میرزا» است که در تاریخ ۲ رجب ۱۳۱۱ قمری تنظیم شده است و مطابق آن، «پنج دانگ مشاع از شش دانگ ملک مرتع گاوچرای موسوم به لیلیم در قریه امره از بلوک کلیجان رستاق» برای تعمیر معبر نهر، پل، و خیابان وقف شده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵/ف). هم‌چنین، «آمنه خاتون بنت گل علی و استانی»، دو سهم از نه سهم از یک دانگ و نیم از شش دانگ قریه و استان را با جمیع توابع و لواحق، و دو سهم از یک سهم از سه سهم از نه سهم از یک دانگ و نیم از شش دانگ قریه و استان را برای بنای تکیه و پل وقف کرده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۵/الف). افزون بر این‌ها «مشهدیه خاتون صبیّه مرحوم قاسم سواسری»، مساحت سه پیمانانه زمین شالی‌زاری واقعه در مزرعه چهارده رودبار را در محرم ۱۲۲۸ قمری، برای تعمیر تکیه و مساجد و پل و رباط و غیره وقف کرده است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۲/خ).

## ۲۲. نتیجه‌گیری

باتوجه به نگاه عمدتاً مردانه مندرجات منابع تاریخی دوره قاجار، یکی از منابع ارزنده برای بررسی جایگاه و موقعیت زنان در این دوره اسناد موقوفات زنان است. اسناد موقوفات زنان شهرهای ساری و بارفروش در دوران قاجار، گذشته از تعداد و کارکردهای گوناگون آن‌ها، مبین جایگاه اجتماعی زنان و تأثیرگذاری هرچند اندک این گروه در امور اجتماعی و فرهنگی «ایالت» مازندران هستند. از حیث تاریخ اقتصادی نیز، این وقف‌نامه‌ها مبین جایگاه کشاورزی و تجارت در اقتصاد آن روزگار و نیز حق مالکیت زنان روستایی و شهری و اهتمام برخی از آن‌ها در اداره املاک و دارایی‌هایی است که عمدتاً از طریق ارث یا مهریه به





آن‌ها می‌رسیده‌است. باین‌حال، تعداد اسناد وقفی و پراکندگی آن‌ها از حیث زمان نگارش، به‌گونه‌ای نیست که به ترسیم تصویری جامع و دقیق از وضعیت زنان بینجامد.

براساس پراکندگی زمانی اسناد موقوفات ساری و بارفروش، به‌نظر می‌رسد که از دهه‌های نخست دوره قاجار، وقف‌نامه‌های کمی از بانوان مازندرانی وجود دارد و بیشتر وقف‌نامه‌ها، مربوط به دوره حکومت ناصرالدین‌شاه و شاهان بعدی قاجار است. باین‌حال، بررسی مندرجات اسناد باقی‌مانده و استخراج داده‌های اندک ولی ارزنده آن‌ها، کمک مؤثری به روشن‌شدن زوایایی از تاریخ اجتماعی زنان خاصه در ایالت‌ها می‌کند.

برمبنای اطلاعات اسناد موقوفات، اکثر املاکی که واقفان زن در دوره قاجار در ساری و بارفروش وقف کرده‌اند، شامل خانه‌ها، دکان‌ها، باغ‌ها، کاروان‌سراها، یا انواع زمین شالی‌زاری، شلتوک‌زاری و خشک‌زاری است. واقفان زن، عمدتاً از طبقات اجتماعی تجار و کسبه بازار، اعیان و اشراف، زمین‌داران، و علمای دینی بوده‌اند؛ و همسران یا پدران این واقفان، دارای موقعیت‌های شغلی و اجتماعی چون مسگر، پالان‌دوز، چاقوساز، پیش‌نماز، دباغ، ارسی‌دوز، طبیب و مؤذن، قصاب، خیاط، جراح، قاضی، مستوفی، کلاه‌دوز، گل‌دوز، بقال، تاجر و کفش‌دوز بوده‌اند. مصارف و کاربرد عمده موقوفات زنان این دو شهر، شامل عزاداری ائمه اطهار خاصه امام‌حسین (ع)، و مصارف خیرخواهانه و عام‌المنفعه مانند کمک به فقرا و نیازمندان، حمایت از مدارس و طلاب علوم دینی، تهیه کتب علوم دینی، و بعضاً حمایت مالی از فرزندان واقفان زن است. نوع و درصد مصارف موقوفات زنان، مبین جایگاه بالای مذهب در زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان آن دوره است. باوجود دشواری قضاوت درباره انگیزه‌های واقعی واقفان زن، می‌توان مواردی چون انگیزه کسب ثواب اخروی، کسب اعتبار دنیوی، حفظ املاک از تعرض احتمالی حکومت، جلوگیری از تجزیه و فروش املاک و نیز پیشگیری از بروز اختلاف بین اولاد را مدنظر قرار داد.

زن از حیث فیزیکی و روحی با مرد متفاوت است و قاعدتاً فعالیت اجتماعی‌اش هم باید در چارچوب روحیات خاص خودش باشد؛ ولی به‌ندرت این را در موقوفات زنان می‌بینیم. فضای حاکم بر جامعه طوری بوده‌است که زنان اندیشه‌ها و روحیات زنانه‌شان را به‌ندرت در موقوفات دخالت داده‌اند. اسناد موقوفات زنان به وقف برای عزاداری و کمک به فقرا و نیازمندان اشاره دارد؛ ولی کم‌تر خانمی تصریح می‌کند که موقوفه‌اش خاص زنان باشد.

مندرجات اسناد موقوفات زنان شهرهای ساری و بارفروش، افزون‌بر کمک ارزنده به بازنمایی تاریخ اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره قاجار، از حیث ارائه داده‌های مفید و ارزنده برای تدوین تاریخ اقتصادی و اجتماعی این دو شهر مازندرانی در دوره قاجار از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این اسناد، با ارائه اطلاعاتی درخور در زمینه جایگاه اراضی



کشاورزی و اماکن تجاری، نام و نوع بافت بازارها، فراوانی و نوع مشاغل، موقعیت مکانی و اهمیت اقتصادی کاروان‌سراها، واحدهای اندازه‌گیری زمین، ویژگی خانه‌ها و مصالح به‌کاررفته در آن‌ها، برخی لوازم زندگی مورد استفاده مردمان آن روزگار، چگونگی پذیرایی در مهمانی‌ها، موقعیت برخی گروه‌ها و اقشار اجتماعی، نام روستاها و محله‌ها و گذرهای قدیمی شهرها، اسامی و موقعیت مکانی برخی تکایا و مساجد و حسینیه‌ها، کمک شایسته‌ای به بازسازی تاریخ اجتماعی و اقتصادی این دو شهر می‌کند.

## منابع

### الف. اسناد

#### الف. ۱. اسناد اداره اوقاف شهرستان ساری

اسناد کلاسه: ۱۵/الف؛ ۱۷/الف؛ ۵۳/الف؛ ۱۱۹/الف؛ ۱۴۰/الف؛ ۲۰۱/الف؛ ۵/ب؛ ۶/ب؛ ۷/ب؛ ۱۰/ب؛ ۲۴/ب؛ ۲۸/ب؛ ۶/ح؛ ۷/ح؛ ۲۸/ح؛ ۲۹/ح؛ ۵۴/ح؛ ۵/خ؛ ۱۱/خ؛ ۱۲/خ؛ ۱۴/خ؛ ۴/د؛ ۶/د؛ ۱۰/د؛ ۱۳/د؛ ۲۸/د؛ ۳۵/د؛ ۲/ز؛ ۳/ز؛ ۴/ز؛ ۶/ز؛ ۱۰/ز؛ ۱۳/ز؛ ۱۷/ز؛ ۱/س؛ ۲/س؛ ۳/س؛ ۷/س؛ ۱۶/س؛ ۱/ش؛ ۷/ش؛ ۷/ش؛ ۸/ص؛ ۳/ط؛ ۱۷/ع؛ ۵۰/ع؛ ۱/ف؛ ۲/ف؛ ۴/ف؛ ۵/ف؛ ۷/ف؛ ۹/ف؛ ۱۳/ف؛ ۱۴/ف؛ ۱۸/ف؛ ۳/ق؛ ۲/ک؛ ۴/ک؛ ۸/ک؛ ۳/گ؛ ۴/گ؛ ۳۲/م؛ ۳۵/م؛ ۵۲/م؛ ۵۵/م؛ ۷۷/م؛ ۸۵/م؛ ۱۱۹/م؛ ۱۳۹/م؛ ۴۰۴/م؛ ۴۵۷/م؛ ۱/ن؛ ۲/ن؛ ۴/ن؛ ۸/ن؛ ۹/ن؛ ۱۸/ن.

#### الف. ۲. اسناد اداره اوقاف شهرستان بابل

اسناد کلاسه: ۲۹/الف؛ ۳۴/الف؛ ۶۲/الف؛ ۶۵/الف؛ ۷۳/الف؛ ۱۰۸/الف؛ ۱۰۹/الف؛ ۱۱۹/الف؛ ۴/ب؛ ۶/ب؛ ۱۰/ب؛ ۱۹/ب؛ ۱/پ؛ ۲/ت؛ ۶/ت؛ ۷/ت؛ ۸/ت؛ ۱۲/ت؛ ۳۷/ت؛ ۳/ح؛ ۶۵/ح؛ ۹۳/ح؛ ۷/خ؛ ۱۲/خ؛ ۱۴/خ؛ ۱۵/خ؛ ۲۸/خ؛ ۳۴/خ؛ ۴۴/خ؛ ۶۶/خ؛ ۵۰/خ؛ ۱/ر؛ ۷/ر؛ ۵/ر؛ ۱۳/ر؛ ۱۷/ر؛ ۵۲/ر؛ ۷۹/ر؛ ۲/ز؛ ۴/ز؛ ۵/ز؛ ۱۱/ز؛ ۹/س؛ ۱۷/س؛ ۶۳/س؛ ۸۰/س؛ ۹۹/س؛ ۱۳/ش؛ ۱۶/ش؛ ۳۴/ش؛ ۴۴/ش؛ ۲/ص؛ ۳/ص؛ ۶/ص؛ ۱۰/ص؛ ۲/ط؛ ۱۱۶/ع؛ ۱۷۹/ع؛ ۱۰/غ؛ ۲/ف؛ ۳/ف؛ ۴/ف؛ ۲۱/ف؛ ۳۲/ف؛ ۴۴/ف؛ ۴۴/ق؛ ۱/گ؛ ۶/گ؛ ۹/گ؛ ۱۵/م؛ ۱۶/م؛ ۲۳/م؛ ۲۹/م؛ ۴۶/م؛ ۵۱/م؛ ۷۴/م؛ ۹۳/م؛ ۹۷/م؛ ۱۲۳/م؛ ۱۷۵/م؛ ۲۲۸/م؛ ۹۵۷/م؛ ۱۰۰۴/م؛ ۱۰۱۲/م؛ ۱۰/ن؛ ۱۶/ن؛ ۵/۸؛ ۵/۱۳؛ ۵/۲۴.

#### الف. ۳. اسناد اداره اوقاف شهرستان نوشهر

سند کلاسه ۱۲۰/الف؛ سند کلاسه ۴۹/ح.



## ب. کتب

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار* (چهل سال تاریخ ایران). (ج ۱). (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸). *مرآة البلدان*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- افضل الملک، غلام حسین. (۱۳۸۳). *سفر مازندران و وقایع مشروطه*. بی جا.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.
- تاد، داریسی. (۱۳۸۸). *سفرنامه مازندران (مندرج در کتاب سفرنامه‌های خطی فارسی)*. (هارون وهومن، محقق و مصحح). تهران: اختران.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م*. (احسان اشراقی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رضایی، امید. (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروی، محمد فتح الله بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی (احسن التواریخ)*. تهران: امیرکبیر.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (چ ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). اصفهان: اشراقی.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۶۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- گزارش ایران از یک سیاح روس. (۱۳۶۳). (سیدعبدالله، مترجم؛ محمدرضا نصیری، کوشش گر). تهران: طهوری.
- ملگونف، گریگوری. (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا سفرنامه نواحی شمال ایران*. تهران: کتابسرا.
- میرزاابراهیم. (۱۳۵۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

## ج. مقالات

- احمدی، نزهت. (۱۳۹۷). «تأملی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی». فصل نامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰۱-۱۰۲.
- دبیرسیاکی، محمد. (۱۳۸۴). «موقوفات انیس الدوله». فصل نامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۰.
- ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۸۷). «تحول نهاد وقف». مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی. (ج ۳). تهران: انتشارات اسوه. صص ۳۶۹-۴۱۲.
- شاه حسینی، پروانه. (۱۳۷۵). «وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی». فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۲، صص ۱۱۷-۱۳۳.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۴). «نقش اجتماعی-سیاسی زنان در جامعه معاصر ایرانی». فصل نامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۲، تابستان.





## Books

- Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1383/2004). "*Safar-e Māzandarān va vaqāye'-e mašruteh*" (The travelogue of Mazandaran and the constitutional revolution events). [n. p.]: n. p. [Persian]
- Birou, Alain. (1366/1987). "*Farhang-e 'olum-e ejtemā'ee*" (Vocabulaire pratique des sciences sociales) [Practical vocabulary of social sciences]. Translated by Bagher Saroukhani. Tehran: Keyhān. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1363/1984). "*Irān va qazie-ye Irān*" (Persia and the Persian question) (vol. 1). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: 'Elmi Farhangī. [Persian]
- D'arcy, Todd. (1388/2009). "*Safarnāme-ye Māzandarān (Mondaraj dar ketāb-e Safarnāme-hā-ye xatti-ye Fārsi)*" (Travelogue of Mazandaran). Researched & edited by Haroun Vahouman. Tehran: Axtarān. [Persian]
- De Sercey, Conte. (1362/1983). "*Irān dar 1839-1840 AD*" (Une ambassade extraordinaire: la Perse en 1839-1840) [An extraordinary embassy: Persia in 1839-1840]. Translated by Ehsan Eshraghi. Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi (Iran University Press). [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1363/1984). "*Al-ma'āser-o val-āsār (Čehel sāl tārix-e Irān)*" (Forty Years of Iran's History) (vol. 1). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1368/1989). "*Merāt-ol-boldān*" (The mirror of cities) (vol. 2). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Flandin, Eugene. (1324/1945). "*Safarnāme-ye Ožen Flānden be Irān*" (Voyage en Perse: 1840 - 1841) [Journey to Persia: 1840 - 1841] (3<sup>rd</sup> ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [Persian]
- "*Gozāreš-e Irān az yek sayyāh-e Rus*" (Iran's report from a Russian tourist). (1363/1984). Translated by Seyyed Abdollah. Edited by Mohammadreza Nasiri. Tehran: Tahouri. [Persian]



- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1376/1997). *“Karāne-hā-ye jonubi-ye daryā-ye Xazar yā safarnāme-ye navāhi-ye šomāl-e Irān”* (Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens) [The southern shore of the Caspian Sea, or the northern provinces of Persia]. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Mirza Ebrahim. (1355/1976). *“Safarnāme-ye Astarābād va Māzandarān va Gilān”* (The travelogue of Astrabad, Mazandaran and Gilan). Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Rezaei, Omid. (1390/2011). *“Darāmadī bar asnād-e šar’ee-ye dowre-ye Qājār”* (Introduction to Shari’a documents from Qajar Iran). Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motālē’āt-e Farhangī (Institute for Humanities and Cultural Studies) (IHCS). [Persian]
- Saravi, Mohammad Fathollah Ibn Mohammad Taghi. (1371/1992). *“Tārix-e Mohammadi: Ahsan-ot-tavārix”* (Tarikh Mohammadi Ahsan Al-Tawarikh). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

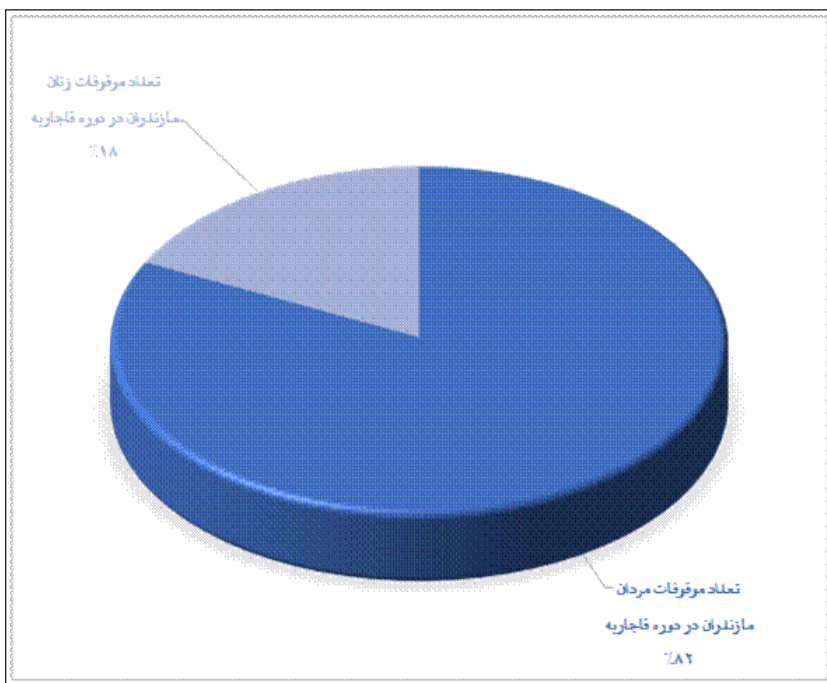
#### Articles

- Ahmedi, Nozhat. (1397/2018). “Tāmmoli bar naqš-e zanān dar gostareš-e mowqufāt-e ‘asr-e Safavi” (Pathology of Waqf in the contemporary history of Iran). *Fasl-nāme-ye Waqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), issue no. 101-102. [Persian]
- Dabir Siaghi, Mohammad. (1384/2005). “Mowqufāt-e Anis-od-dowleh” (Anis al-Douleh’s endowments). *Fasl-nāme-ye Waqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), 50. [Persian]
- Malekzadeh, Elham; & Afrafar, Marziyeh. (1396/2017). “Kārkard-hā-ye mowqufāt-e zanān az mašruteh tv pāyān-e dowre-ye Pahlavi-ye avval (Nemune-ye pažuheši: Mowqufāt-e zanān-e Tehrān)” (Women endowments of the constitutional functions until the end of the First Pahlavi, case study: Female benefactor of tehran). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical researches), 53(2), series 35. [Persian]
- Riahi Samani, Nader. (1387/2008). “Tahavvol-e nahād-e waqf” (Transformation of Waqf institution). *“Majmue’ Maqālāt-e Hamāyeš-e Beinolmelali-ye Waqf va Tamaddon-e Eslāmi”* (Collection of the articles of the international conference on Islamic endowment and civilization) (vol. 3, pp. 369-412). Tehran: Enteshārāt-e Osveh. [Persian]



- Shahhosseini, Parvaneh. (1375/1996). "Vaḡf-šenāsi-ye joqrāfiyāyi-ye šahr-e Tehrān; dowre-hā-ye Qājār va Pahlavi" (Geographic examination of endowments of Tehran city; Qajar and Pahlavi periods). *Faslnāme-ye Tahqiqāt-e Joqrāfiyāyi* (Geographical Researches), *II*(3), series no. 44, pp. 117-133. [Persian]
- Shiroudi, Morteza. (1384/2005). "Naqš-e ejtemāee-siyāsi-ye zanān dar jāme'e-ye mo'āser-e Irāni" (The socio-political role of women in contemporary Iranian society). *Faslnāme-ye Zan dar Towse'e va Siyāsat* (Woman in Development and Politics), *12*, Summer volume. [Persian]
- Werner, Christoph. (1378/1999). "Zanān-e vāqef dar Tehrān-e 'ahd-e Qājār" (Waqif women in Tehran during the Qajar period). Translated by Nasim Majidi Ghahroudy. *Vaqf Mirās-e Jāvidān*, 7(4) (series 28), pp. 115 – 122. [Persian]
- Yadollahpoor, Masoumeh. (1392/2013). "Hoviyat-e zanān-e vāqef dar Irān (Nemune-ye moredi-ye Āmol)" (Conditions for the permanence of endowments in the chaotic situation of Iran's urban society (A study on two endowed mosque-schools in the center of Amol city)). *Faslnāme-ye Vaqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), *84*. [Persian]

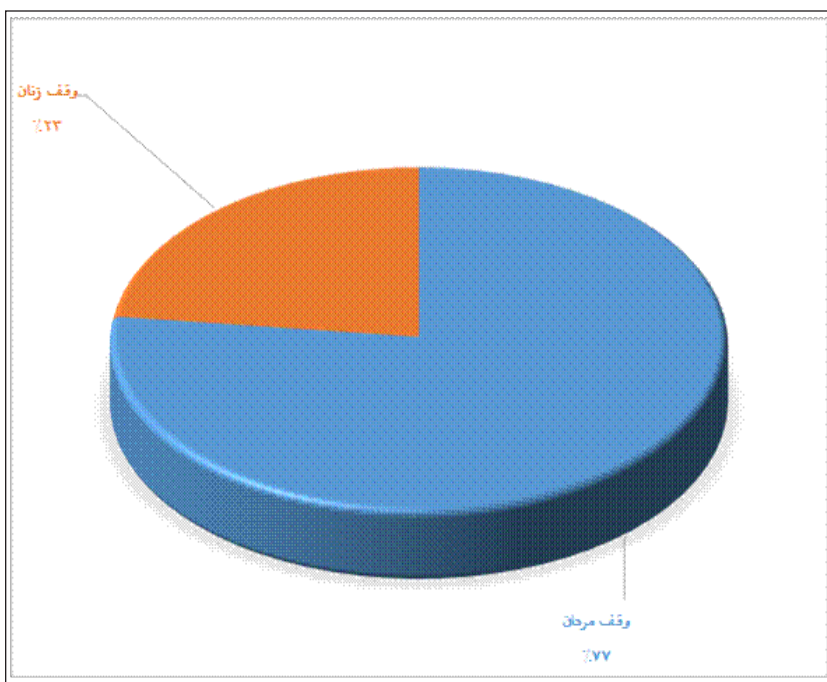




۱. توضیح: اسناد استفاده شده برای تهیه این نمودار کل اسناد موقوفات زنان ساری و بارفروش است و ذکر این تعداد مرجع در اینجا امکان پذیر نبود؛ بنابراین از ذکر منابع صرف نظر شد.

### نمودار ۱

موقوفات مردان و زنان مازندران در دوره قاجار

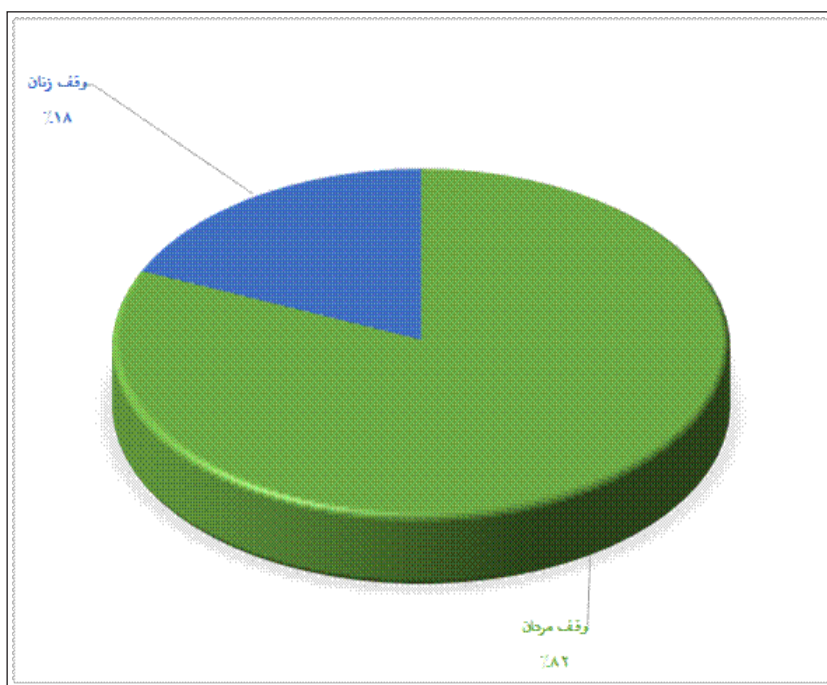


### نمودار ۲

آمار موقوفات مردان و زنان ساری در دوره قاجار

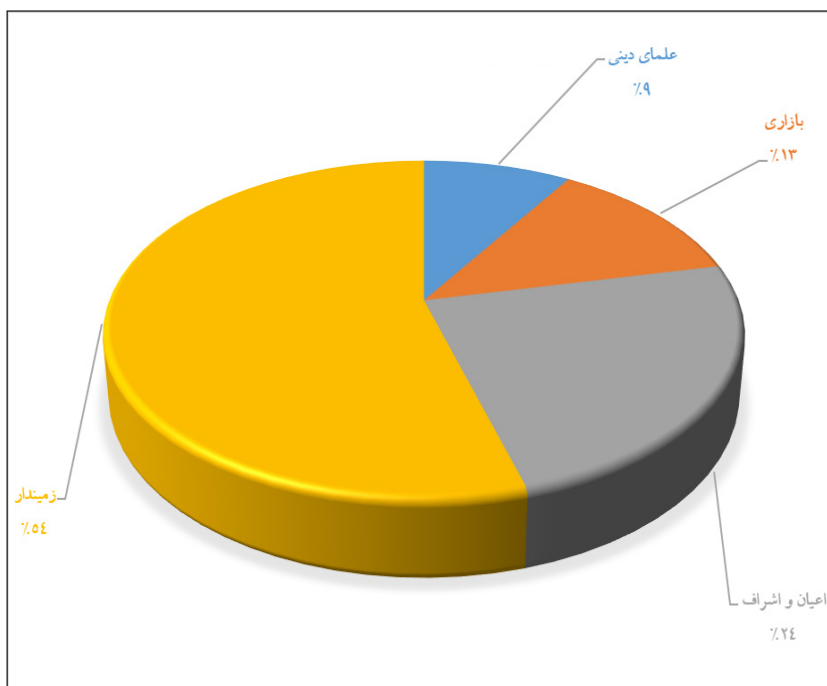






### مُودار ۳

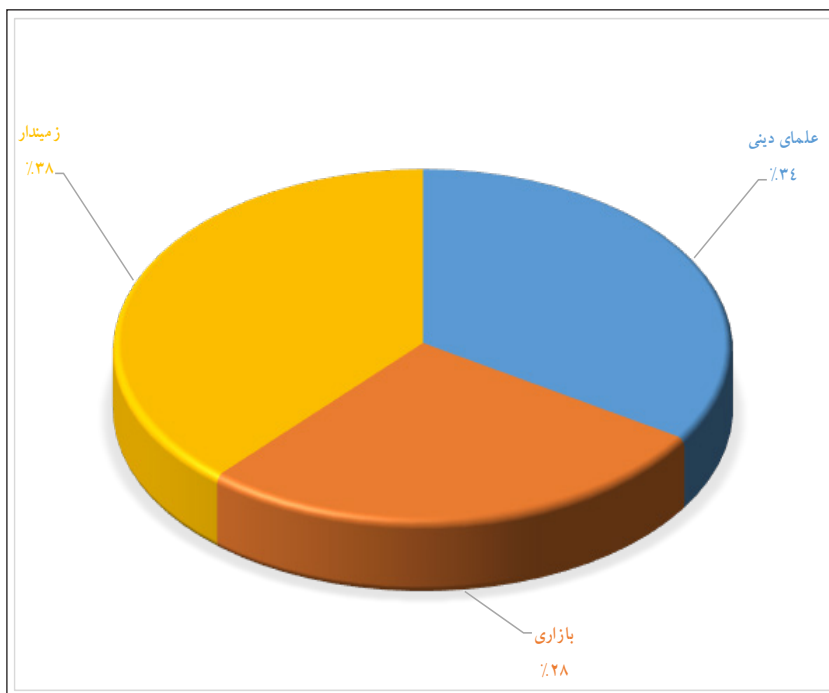
آمار موقوفات مردان و زنان بارفروش  
در دوره قاجار



### مُودار ۴

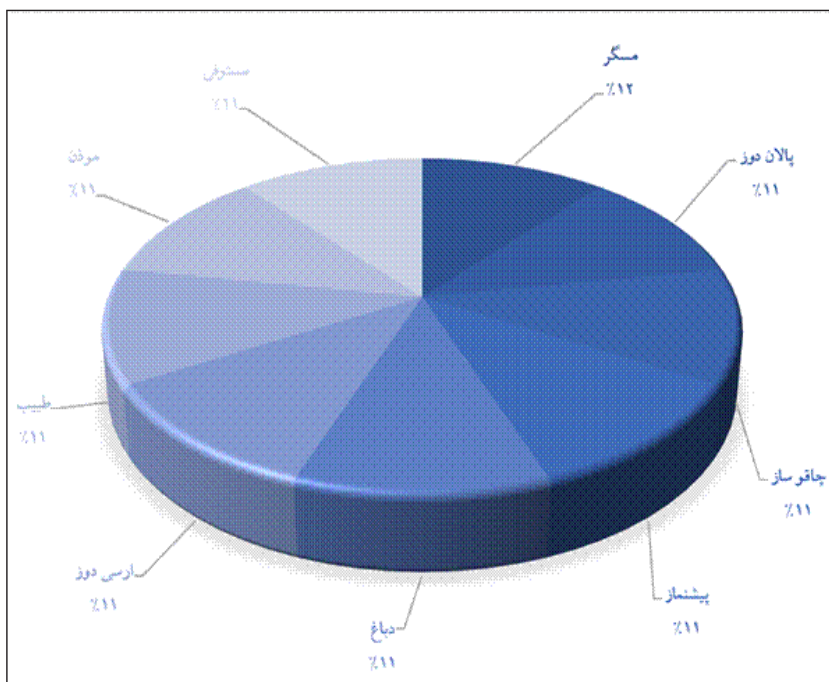
وابستگی طبقاتی واقفان زن  
در دوره قاجار





### ۵ نمودار

وابستگی طبقاتی واقفان زن بارفروش  
در دوره قاجار

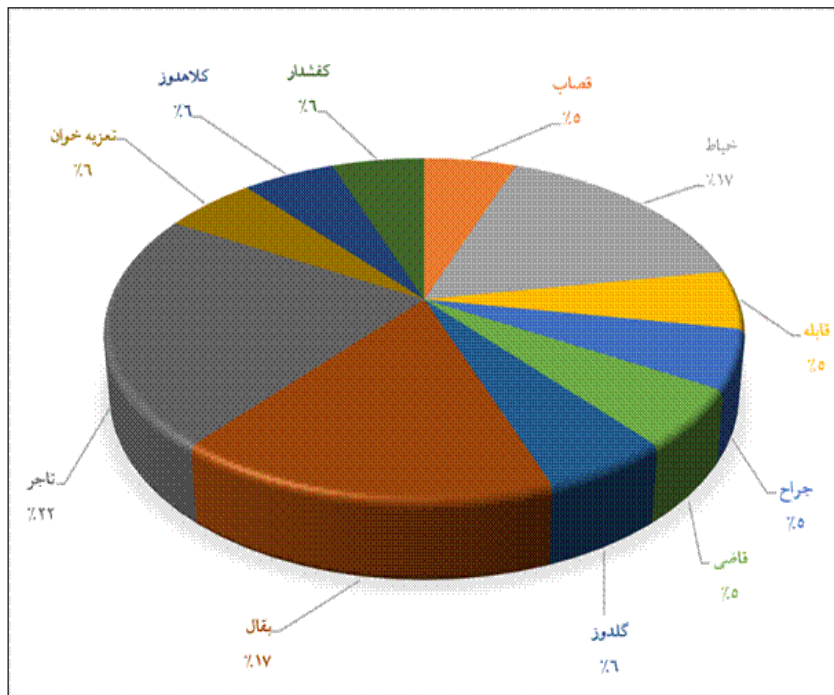


### ۶ نمودار

مشاغل پدر یا همسر زنان واقف ساری  
در دوره قاجار

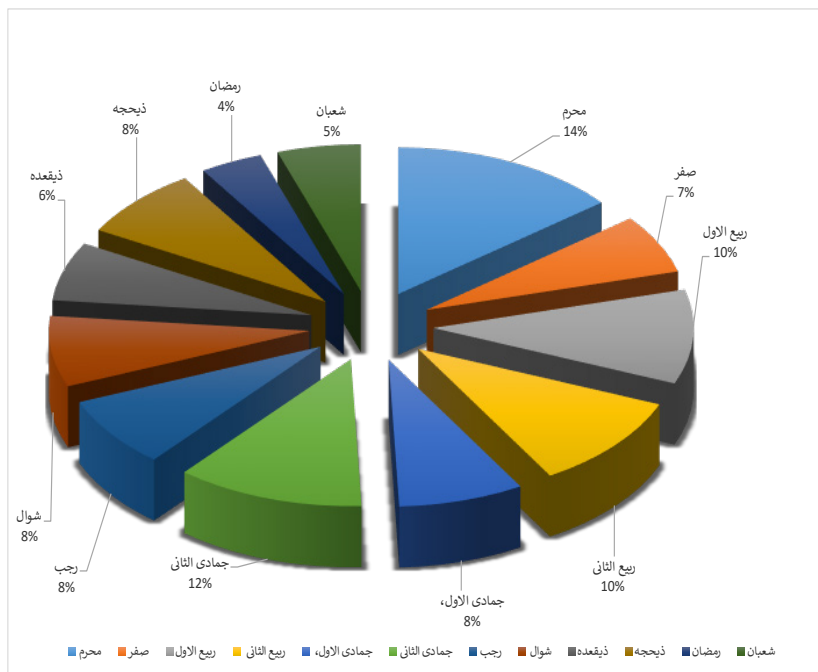
### نمودار ۷

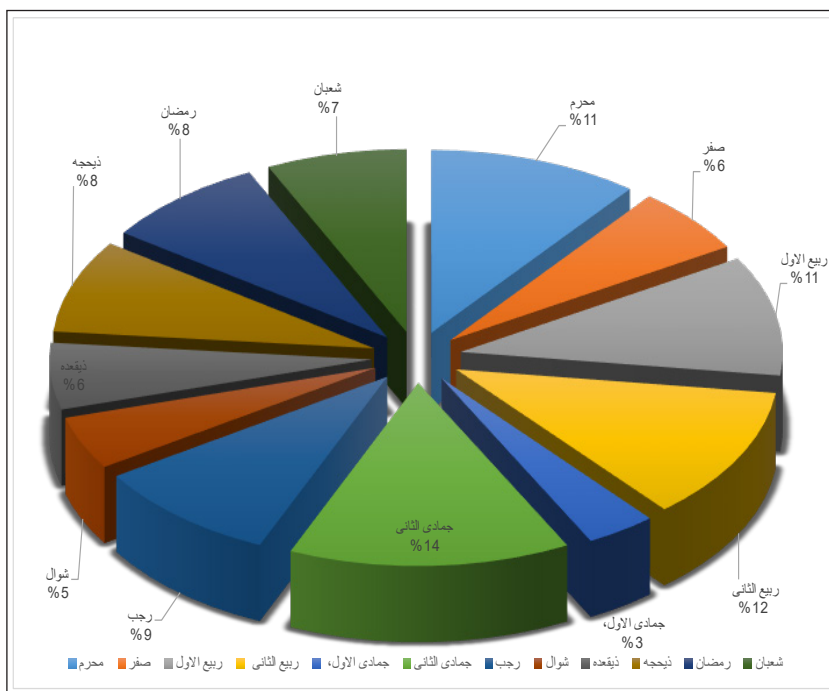
مشاغل پدر یا همسر و یا خود زنان واقف  
بارفروش در دوره قاجار



### نمودار ۸

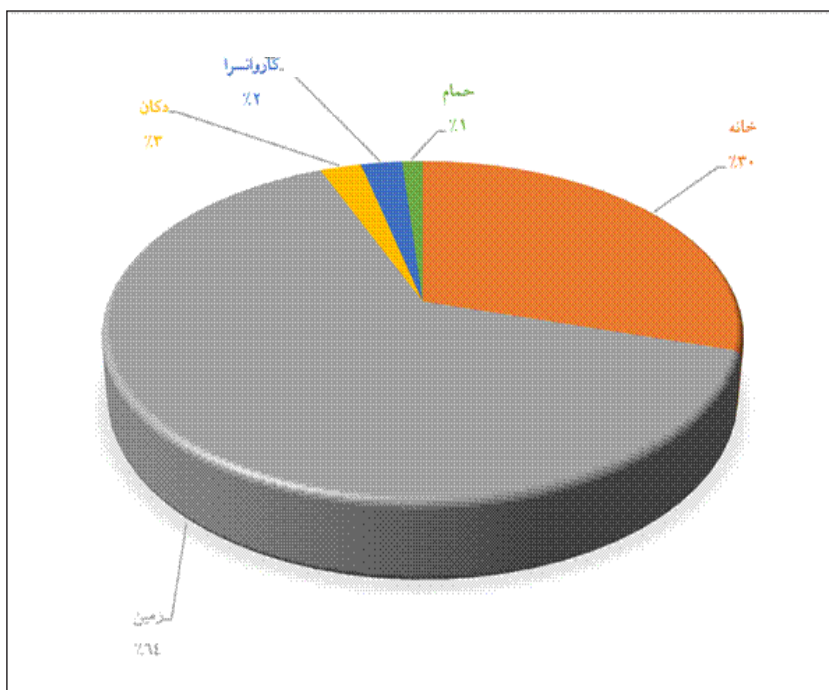
فراوانی موقوفات زنان ساری در  
ماه‌های قمری





### مردار ۹

فراوانی موقوفات زنان بارفروش  
در ماه‌های قمری

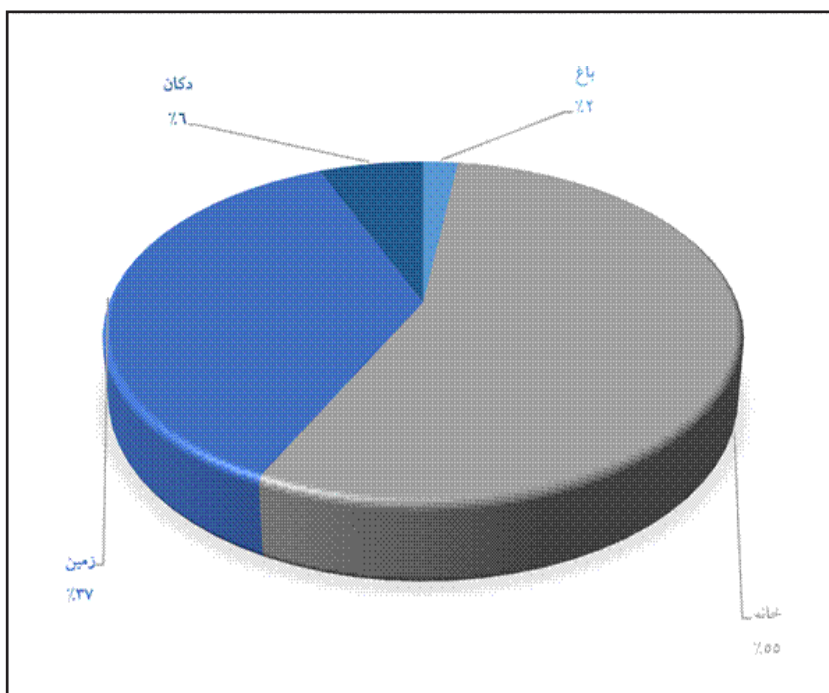


### مردار ۱۰

انواع موقوفات زنان واقف  
ساری در دوره قاجار

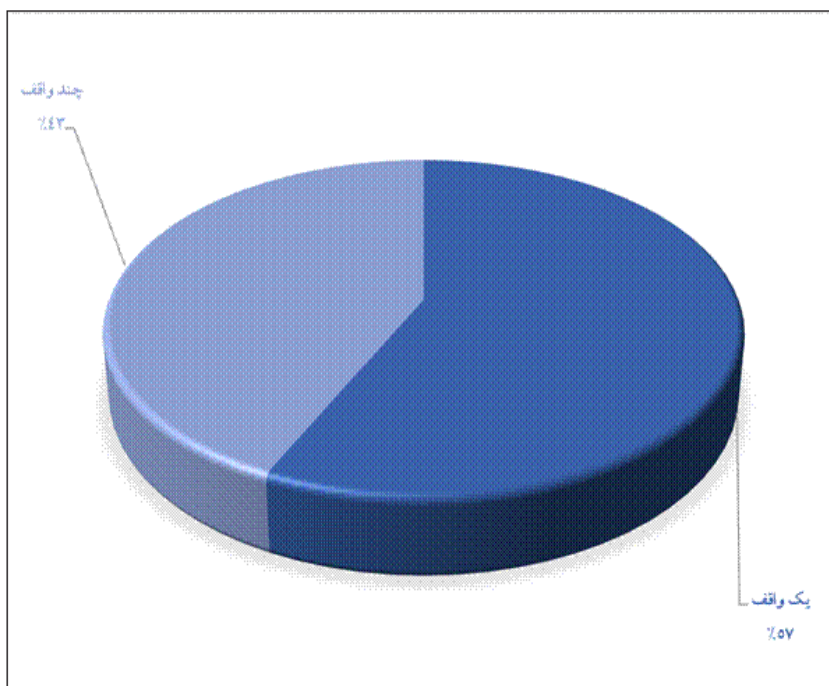
### مُودار ۱۱

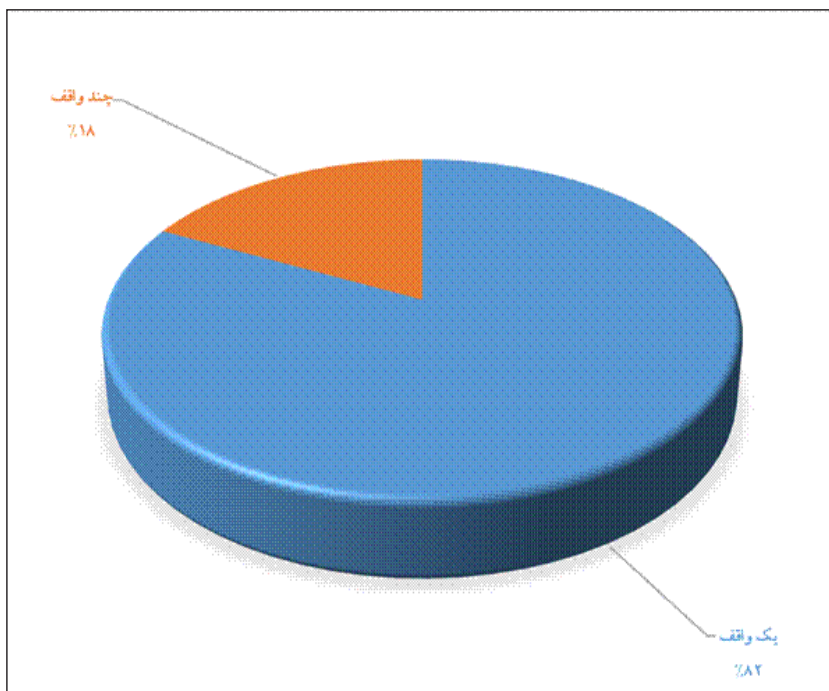
انواع موقوفات زنان بارفروش در  
دوره قاجار



### مُودار ۱۲

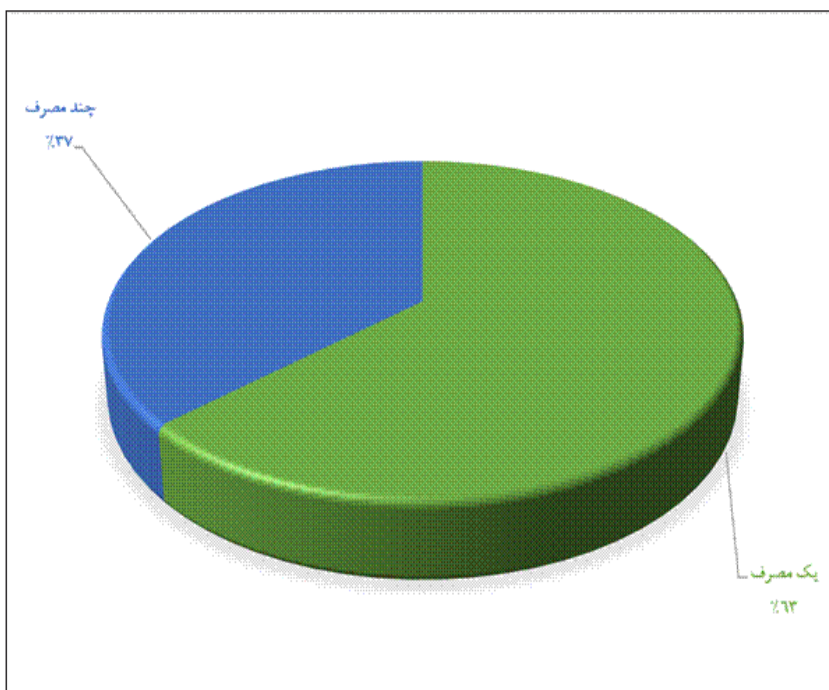
تعداد واقفان موقوفات زنان ساری در  
دوره قاجار





### مودار ۱۳

تعداد واقفان موقوفات زنان بارفروش  
در دوره قاجار

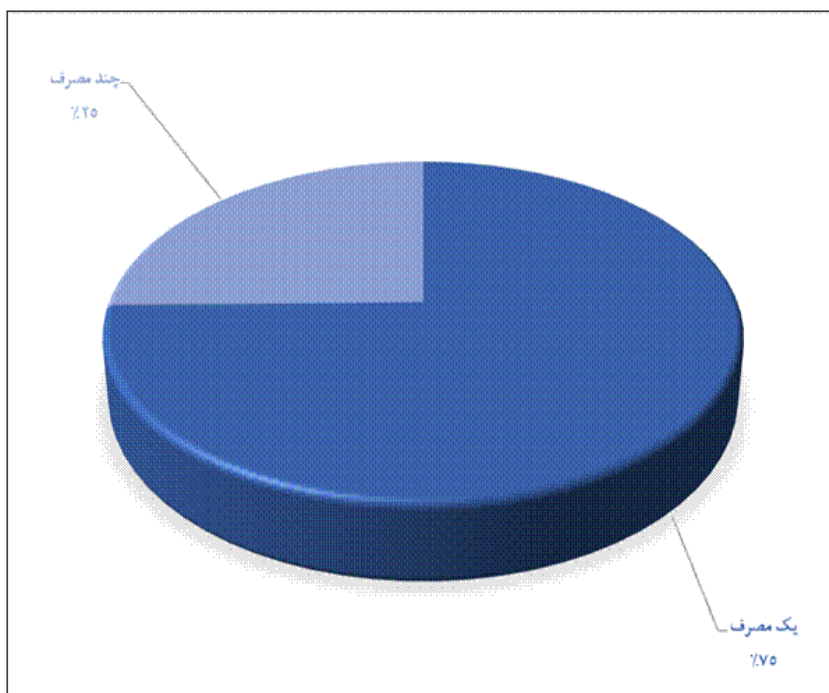


### مودار ۱۴

تعداد مصارف در موقوفات زنان ساری  
در دوره قاجار

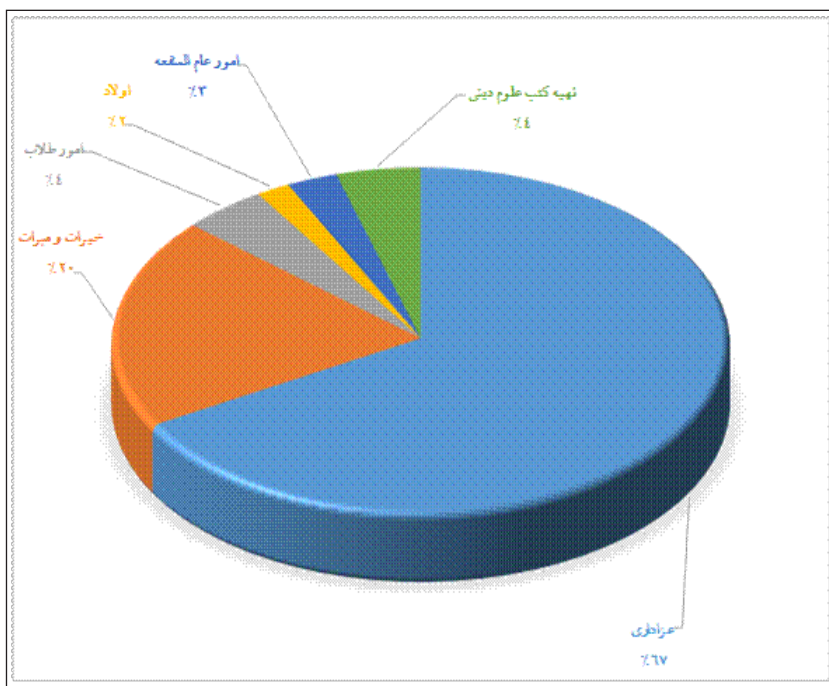
### نمودار ۱۵

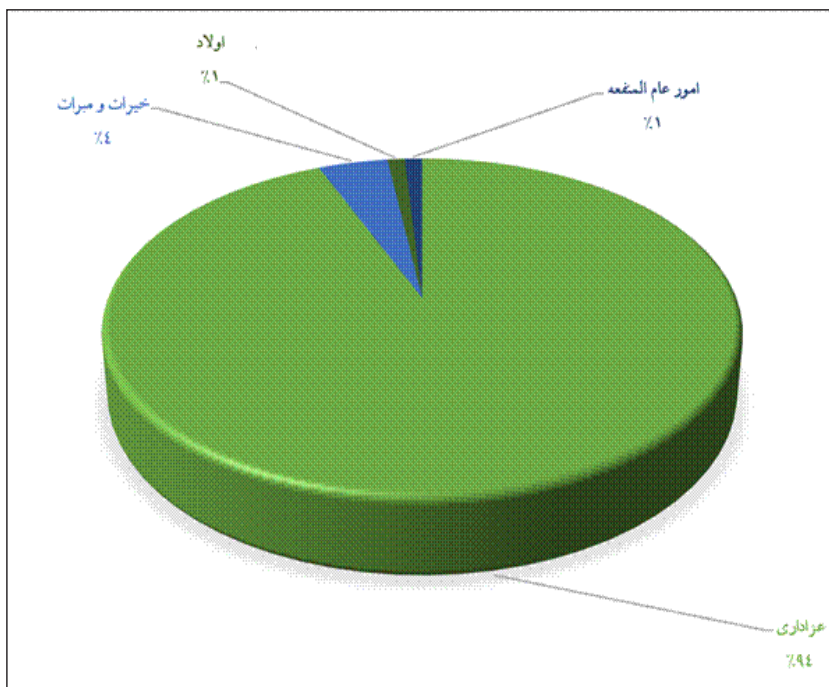
تعداد مصارف موقوفات زنان بارفروش در  
دوره قاجار



### نمودار ۱۶

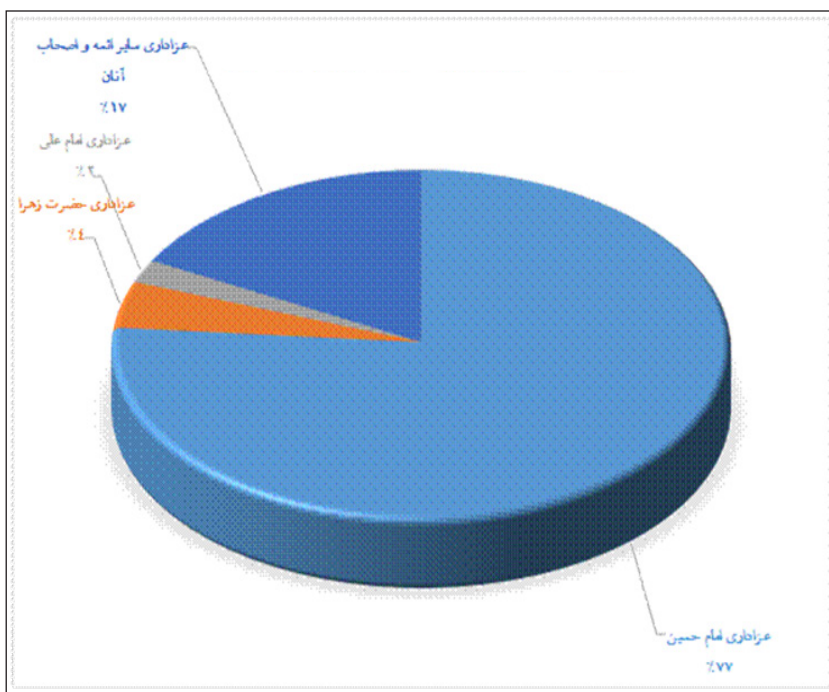
مصارف موقوفات زنان ساری در  
دوره قاجار





### مُودار ۱۷

مصارف موقوفات زنان بارفروش  
در دوره قاجار



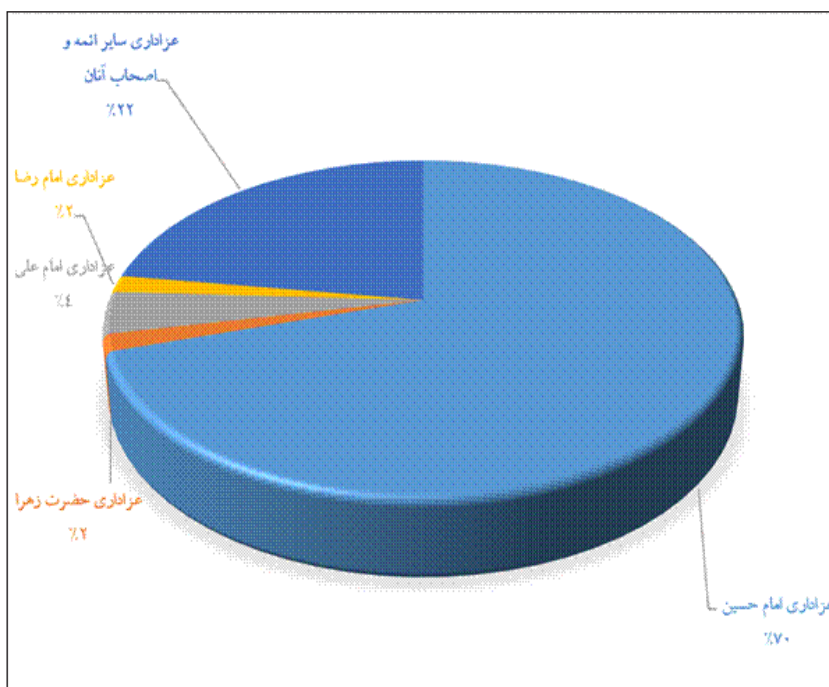
### مُودار ۱۸

ریز مصارف عزاداری موقوفات زنان ساری  
در دوره قاجار



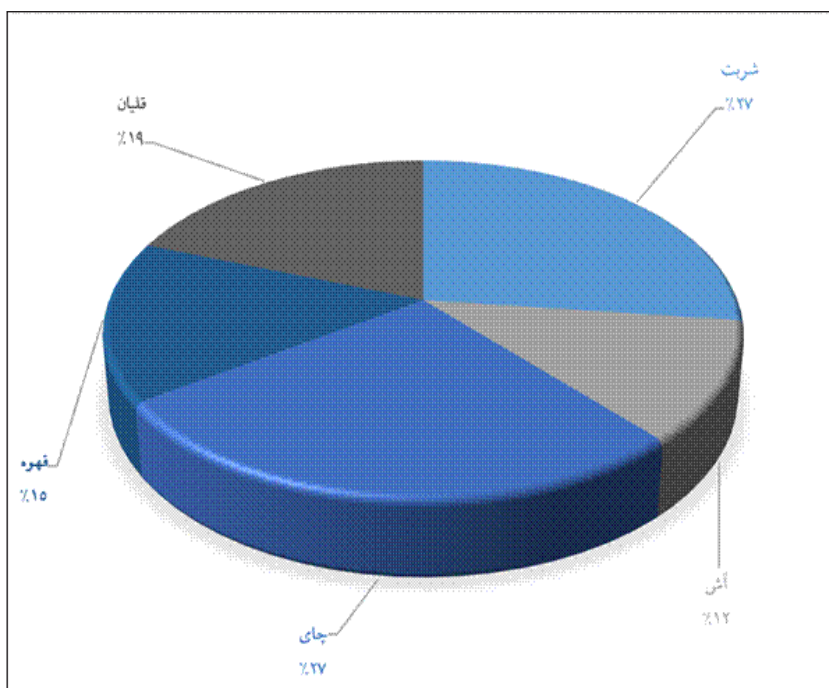
### نمودار ۱۹

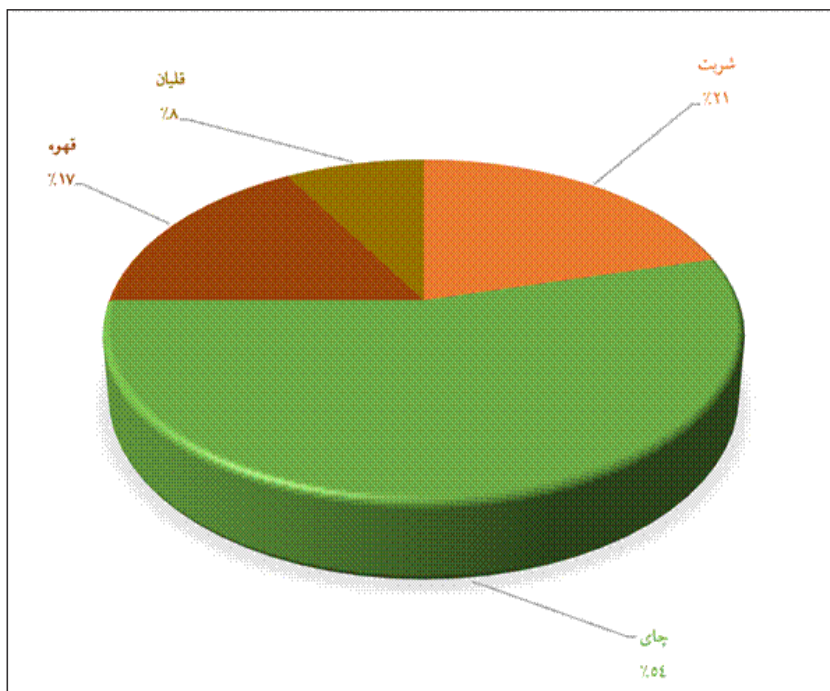
ریز مصرف عزاداری موقوفات زنان بارفروش در  
دوره قاجار



### نمودار ۲۰

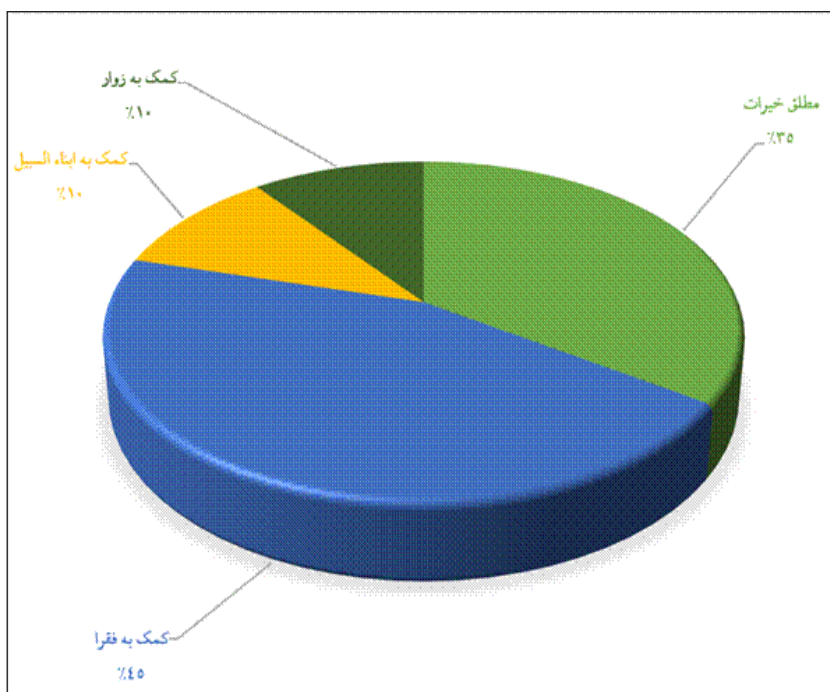
نوع پذیرایی در عزاداری موقوفات زنان واقف  
در دوره قاجار





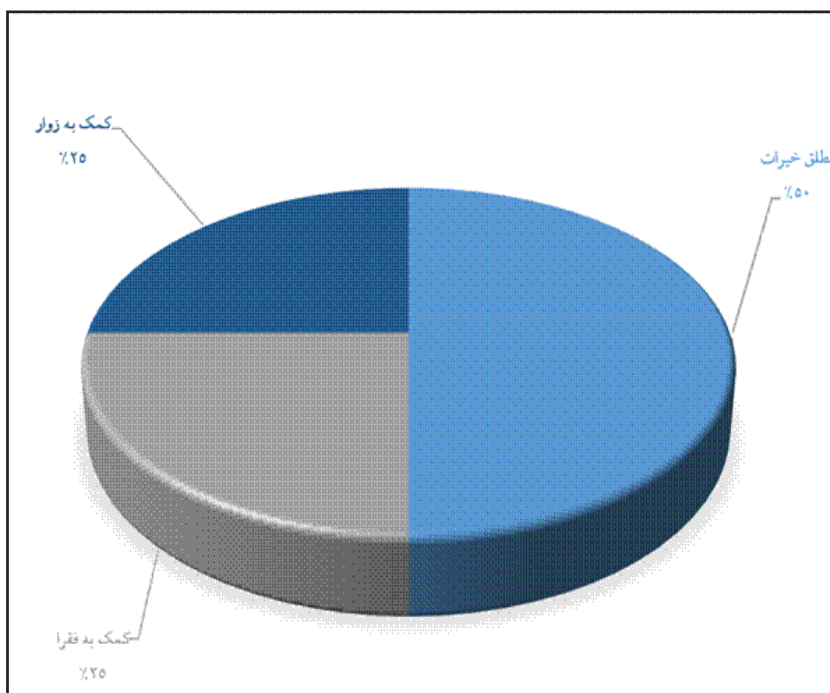
### نمودار ۲۱

نوع پذیرایی در عزاداری موقوفات  
زنان بارفروش در دوره قاجار



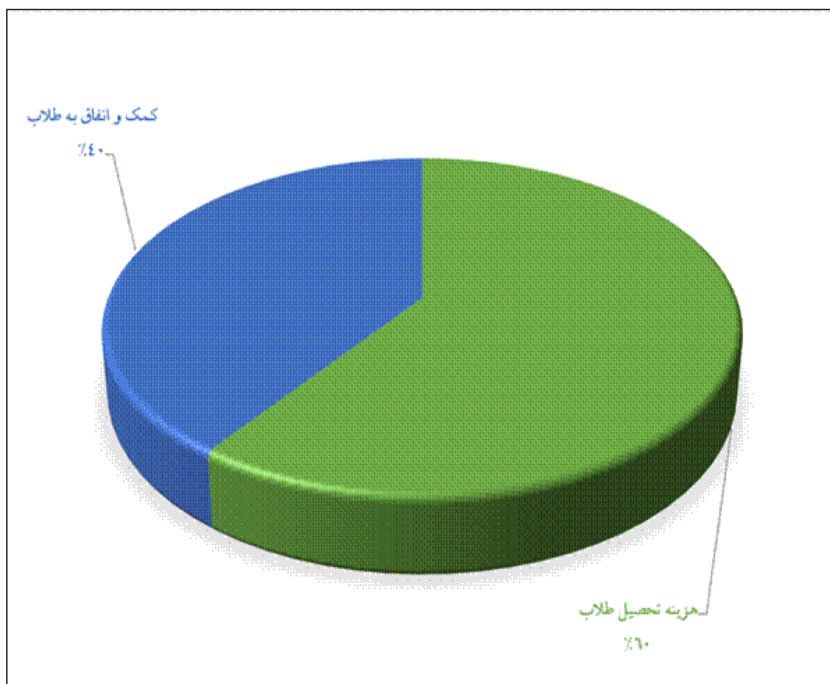
### نمودار ۲۲

ریز مصارف خیرات و مبرات موقوفات  
زنان ساری در دوره قاجار



### مُودار ۲۳

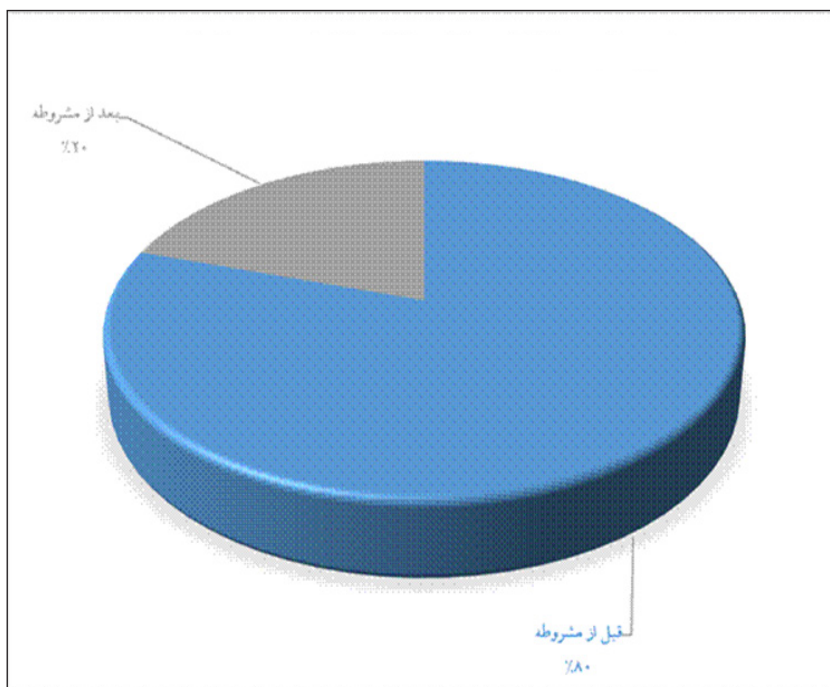
ریز مصرف خیرات موقوفات زنان بارفروش  
در دوره قاجار



### مُودار ۲۴

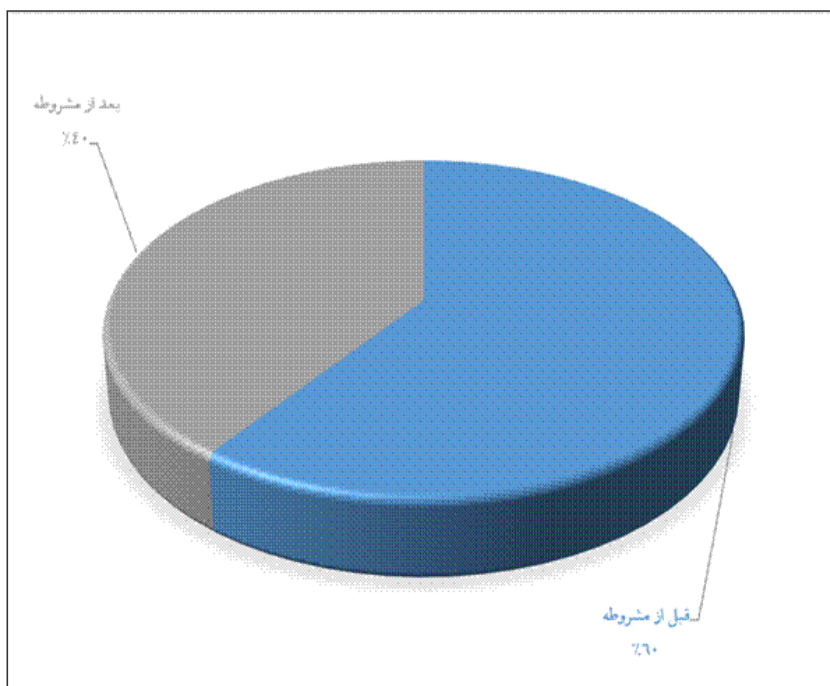
ریز مصرف کمک به طلاب موقوفات زنان ساری  
در دوره قاجار





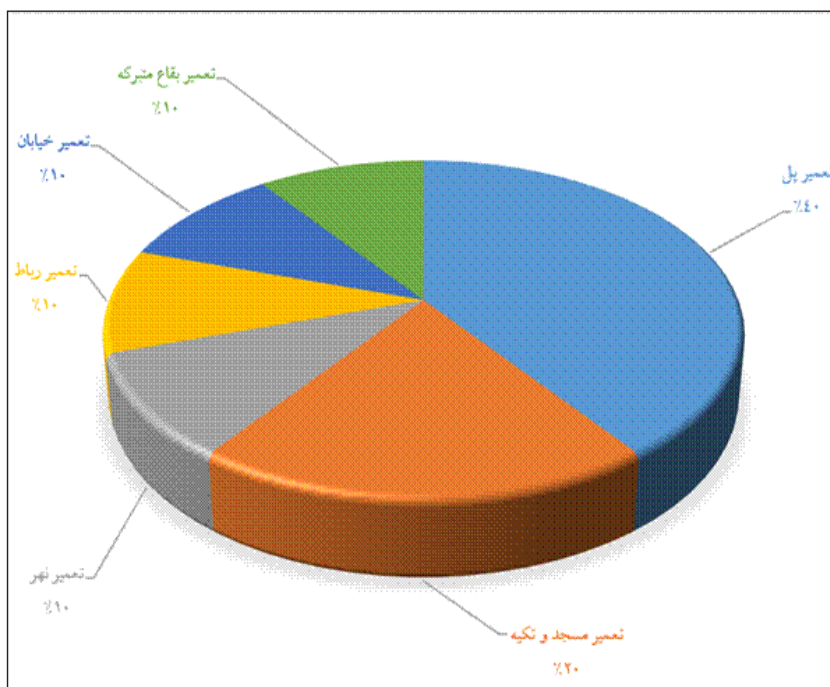
### مُودار ۲۵

توزیع زمانی مصرف کمک به طلاب  
موقوفات زنان ساری در دوره قاجار



### مُودار ۲۶

توزیع زمانی مصرف تهیه کتب دینی موقوفات  
زنان ساری در دوره قاجار

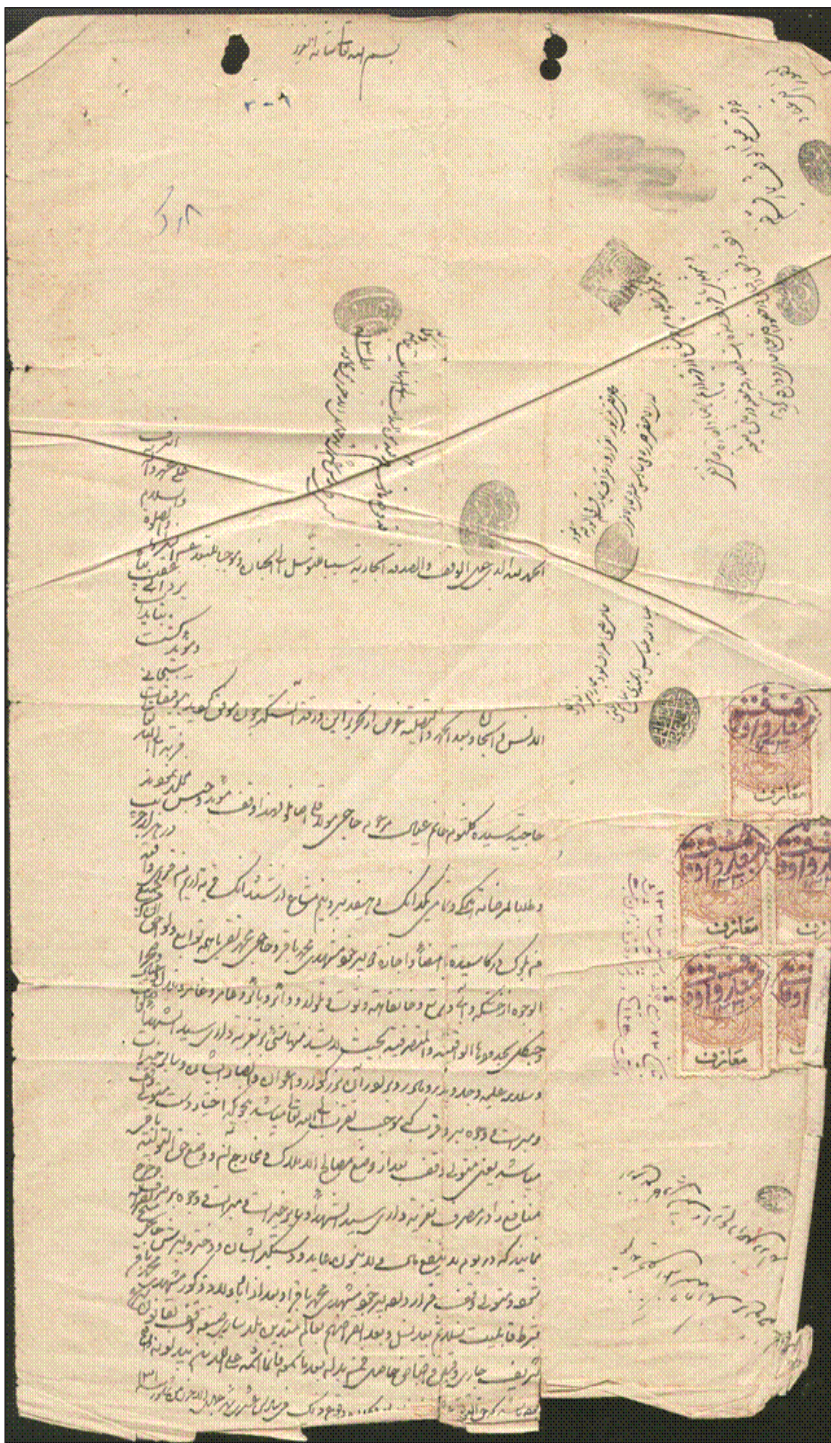


### مُودار ۳۷

ریز مصرف عام المنفعه موقوفات زنان ساری  
در دوره قاجار







سند ۳







# Investigating the importance of the EBUCore metadata set for organizing audiovisual contents and resources

Seyedeh Sara Moosavi<sup>1</sup> | Alireza Noruzi<sup>2</sup> | Sepideh Ciruskabiri<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** The study investigates the importance of EBUCore Metadata Set in organizing Audiovisual resources considering the viewpoint of archival experts of audiovisual archives of Tehran.

**Method and Research Design:** Library research and descriptive survey were used to collect data. In order to extract the metadata elements, library resources and international databases, EBU Tech3293, and EBUCore Metadata Set were studied and reviewed and a researcher-made questionnaire was designed. The archivists of the audiovisual archives of Tehran filled in the questionnaires and scored the importance of 84 metadata elements for describing audiovisual resources in four dimensions: structural elements (11), descriptive elements (50), technical elements (17) and managing elements (6). The collected data were analyzed using SPSS software.

**Finding and Conclusion:** Based on the results, the four dimensions received the archivists'/experts' approval. Organizing audiovisuals based on standards, integrated and structured models leads to accurate representation of such resources and this improves speed, accuracy, and precision of information retrieval and boost the audiovisual archives to be agile in content management. To sum up, the presented elements of the research meet all audiovisual archives needs in media organization.

**Keywords:** Metadata Standards; EBUCore Meta Data; Knowledge Organization; Audiovisual Materials; Audiovisual Contents; Audiovisual Archives.

**Citation:** Moosavi, S. S., Noruzi, A., & Ciruskabiri, S. (2023). Investigating the importance of the EBUCore metadata set for organizing audiovisual contents and resources. *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 130-157 | doi: 10.30484/ganj.2023.3066

1. MA in Archival studies, Department of Information Science, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran  
sara.moosavi@ut.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author)  
noruzi@ut.ac.ir

3. PhD Student of Information Science and Knowledge Management, Tarbiat modarres University, Tehran, Iran. s.ciruskabiri@modares.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«130»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3066

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.2, Summer 2023 | pp: 130 - 157 (28) | Received: 24, Jan. 2023 | Accepted: 3, Jun. 2023

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# بررسی میزان اهمیت عناصر فراداده‌ای استاندارد ای بی یو کور برای سازمان‌دهی منابع و محتوا در آرشیوهای دیداری شنیداری

سیده سارا موسوی<sup>۱</sup> | علیرضا نوروزی<sup>۲</sup> | سپیده سیروس کبیری<sup>۳</sup>

چکیده:

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف ارائه عناصر فراداده‌ای مناسب برای سازمان‌دهی منابع و محتوای آرشیوهای دیداری شنیداری، به بررسی استاندارد فراداده‌ای ای بی یو کور می‌پردازد.

**روش/ رویکرد پژوهش حاضر** به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. داده‌های این پژوهش با روش مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی گردآوری شده‌اند. برای استخراج عناصر و جمع‌آوری اطلاعات اولیه، متون و پایگاه‌های اطلاعاتی، پایان‌نامه‌ها، متن سند ۳۲۹۳ ای بی یو کور مطالعه شدند. سپس با طراحی پرسش‌نامه‌ای اهمیت وجود آن عناصر در توصیف منابع دیداری شنیداری از آرشیویست‌ها و مدیران آرشیوهای دیداری شنیداری منتخب شهر تهران پرسیده شد. در مرحله بعد داده‌های گردآوری شده، با نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در این پژوهش سیاهه واری متشکل از ۸۴ عنصر فراداده‌ای برای توصیف و تنظیم منابع دیداری شنیداری، در چهار بُعد ساختاری (۱۱ عنصر)، توصیفی (۵۰ عنصر)، فنی (۱۷ عنصر)، و مدیریتی (۶ عنصر) از دیدگاه صاحب‌نظران و استادان حوزه آرشیو بررسی و میزان اهمیت آن‌ها امتیازدهی شد. براساس نتایج به دست آمده، میانگین و انحراف معیار عناصر تشکیل‌دهنده نواحی چهارگانه، نظر موافق جامعه پژوهش را کسب کردند. سازمان‌دهی دانش نهفته در آثار دیداری شنیداری براساس استانداردهای مدون و الگوهای ساختاریافته موجب بازنمایی دقیق این‌گونه منابع می‌شود و نتیجه آن ارتقای سرعت، صحت و دقت در بازیابی اطلاعات، و چابکی سازمان‌ها در مدیریت محتواست. عناصر فراداده‌ای ارائه شده در پژوهش حاضر، براساس استاندارد تخصصی ای بی یو کور است و به منابع دیداری شنیداری اختصاص دارد و می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز همه آرشیوهای دیداری شنیداری باشد.

**کلیدواژه‌ها:** استانداردهای فراداده‌ای؛ استاندارد ای بی یو کور (EBUCORE)؛ سازمان‌دهی دانش؛ منابع دیداری شنیداری؛ محتوای دیداری شنیداری؛ آرشیوهای دیداری شنیداری.

**استناد:** موسوی، سیده سارا، نوروزی، علیرضا و سیروس کبیری، سپیده. (۱۴۰۲). بررسی میزان اهمیت عناصر فراداده‌ای استاندارد ای بی یو کور برای سازمان‌دهی منابع و محتوا در آرشیوهای دیداری شنیداری. *گنجینه اسناد*.

۳۳ (۲)، ۱۵۷-۱۳۰ | ۱۵۷-۱۳۰/۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۶۶ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۶۶

۱. کارشناس ارشد مطالعات آرشیوی، گروه علم اطلاعات و مدیریت دانش، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
sara.moosavi@ut.ac.ir
۲. دانشیار، گروه علم اطلاعات و مدیریت دانش، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
noruzi@ut.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
s.ciruskabiri@modares.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکس): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۶۶

نمایه در Google Scholar, Reserchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۱۳۰ - ۱۵۷ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۳

تحقیقات آرشیوی

## ۱. مقدمه

بخش وسیعی از فرهنگ ما را اسناد دیداری شنیداری تشکیل می‌دهند که به دلیل ماهیت آسیب‌پذیرشان همواره در معرض خطر تخریب قرار دارند. امروزه حفظ آثار دیداری شنیداری در بسیاری از کشورها به دلیل تولید مداوم منابع و سرعت تغییر فناوری‌های مرتبط به چالشی مهم تبدیل شده است (شولر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). به همین دلیل کشورها با دیجیتالی کردن این منابع باهدف حفاظت و نگهداری بهینه آن‌ها- دستاوردهای قابل توجهی نظیر دسترسی آسان‌تر و اطمینان از حفظ محتوا را به دست می‌آورند. حفاظت دیجیتالی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و فعالیت‌های مدیریتی است که برای اطمینان از قابلیت استفاده، اعتبار، قابلیت کشف و دسترسی به محتوا در درازمدت ضروری است (چو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). آرشیوهای دیداری شنیداری خیلی متنوع‌اند. تنوع در قالب، محیط ذخیره‌سازی و تجهیزات بازخوانی، فرایند سازمان‌دهی و روند شناسایی و دسترسی به محمل‌های دیداری شنیداری (نوارهای ویدئویی، دی‌وی‌دی‌ها، نوارهای صوتی، میکروفرم‌ها و...) این آرشیوها را با معضلاتی مواجه کرده است. هم‌چنین جوانی نسبی اسناد دیداری شنیداری، ماهیت غالباً مردمی، و آسیب‌پذیری آن‌ها از نظر سرعت در تغییر فناوری، بر اهمیت این اسناد می‌افزاید و نگهداری و دسترسی‌پذیری آن‌ها را نیازمند توجه بیشتری می‌کند؛ زیرا دسترسی‌پذیری علت وجودی آرشیوکردن است و جایگاه این حرفه تا اندازه زیادی به چگونگی تحقق آن وابسته است (ادموندسون، ۱۳۹۹). منابع دیداری شنیداری را می‌توانیم به دو نوع کلی ذیل دو اصطلاح «منابع دیداری» (تصاویر متحرک فیلم و تصاویر ثابت عکس) و «منابع شنیداری» دسته‌بندی کنیم. آرشیوهای دیداری شنیداری با آرشیوهای مکتوب تفاوت دارند. البته ممکن است خط‌مشی، فلسفه و اهداف یکسانی را دنبال کنند؛ ولی اصول مرتب‌سازی، سازمان‌دهی، دسترسی، امنیت، مراقبت و نگهداری منابع دیداری شنیداری متفاوت است. اگر ماده‌ای در آرشیوی دیداری شنیداری گنجانده شود مستلزم آن است که دانش آرشیودار هم در آن زمینه به‌روز شود (هریسون، ۱۳۸۸). پس کارکردها یا وظایف آرشیو دیداری شنیداری را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: گردآوری منابع دیداری شنیداری و مواد و اسناد همراه یا مرتبط با آن؛ سازمان‌دهی منابع؛ حفظ و نگهداری؛ دادن خدمات به کاربران (مرادی و طهرانی‌پور، ۱۳۸۹).

هم‌چنین با توجه به ارزشمند بودن اسناد و منابع دیداری شنیداری در حفظ هویت جوامع، و کاربرد آن‌ها در انواع پژوهش‌ها، لازم است تا برای مدیریت و سازمان‌دهی آرشیوهای دیداری شنیداری از شیوه‌های دقیق و علمی بهره ببریم. درحقیقت، فرایند سازمان‌دهی اطلاعات و دانش برای تسهیل و تسریع در دسترسی به منابع اطلاعاتی و منابع دانش، متناسب با نیاز پژوهش‌گران و کاربران نهایی انجام می‌شود و عدم یکپارچگی در

1. Schuller  
2. CHO



توصیف و سازمان‌دهی منابع اطلاعاتی و دانش مربوط به هر بافت، به دلیل وجود ارتباطات نهفته در میان آن منابع، موجب هدر رفتن ارزش‌های اطلاعاتی بسیاری می‌شود (ظاهری، ۱۳۸۹). ارائه عناصر فراداده‌ای مناسب در این حوزه خاص که کاربرانی با نیازهای متفاوت دارد، یکی از پیش‌نیازهای اصلی مدیریت منابع است (مینگیان و دیگران، ۲۰۰۴)؛ زیرا توصیف و سازمان‌دهی و مستندسازی محتوای اطلاعاتی آرشیوهای دیداری شنیداری بر اساس استانداردهای فراداده‌ای، به بهبود بازنمایی، و تسهیل در بازیابی و دادن خدمات آرشیوی منجر می‌شود. با توجه به رشد تصاعدی این گونه منابع، سازمان‌دهی اطلاعات و دانش با مبنای استانداردهای فراداده‌ای، می‌تواند نیازهای متفاوت کاربران را برطرف کند. در حقیقت استانداردهای فراداده‌ای باعث بهبود کیفیت خدمات سامانه‌های اطلاعاتی و تسهیل تبادل اطلاعات می‌شوند. این استانداردها شامل داده‌هایی هستند که اطلاعات کتاب‌شناختی، شکل ظاهری، خصوصیات فیزیکی، ساختار فنی و محتوای موضوعی منبع یا شیء اطلاعاتی را توصیف می‌کنند (صمیعی، ۱۳۹۴، ص ۵۱). استاندارد ای‌بی‌یو کور<sup>۱</sup> الگوی فراداده‌ای طراحی شده توسط اتحادیه خبرپراکنی اروپا است و برای پخش رادیو و تلویزیون در نظر گرفته شده است و در سطح جهانی از آن استفاده می‌شود. این الگوی فراداده‌ای برای توصیف منابع دیداری و شنیداری شامل برنامه‌های رادیو، تلویزیون و سایر آرشیوهای دیداری شنیداری، با هدف پاسخ‌گویی به کاربران با نیازهای مختلف و تبادل محتوا در بافت و محیط خدمات محور طراحی شده است. این استاندارد که گسترش یافته استاندارد فراداده‌ای دوبلین کور<sup>۲</sup> است، مجموعه‌ای از عناصر فراداده‌ای توصیفی، فنی و ساختاری است که برای توصیف محتوای دیداری شنیداری به شکل تخصصی استفاده می‌شود و به صورت جامع، تمامی عناصر و ساختارهای مورد نیاز و تمام فرایندهای پیش تولید، تولید، پخش و آرشیو دیداری شنیداری را پشتیبانی می‌کند. نسخه ۱.۱۰ ای‌بی‌یو کور، آخرین تحولات در وب معنایی و انجمن‌های داده‌های باز پیوندی را مدنظر قرار می‌دهد. ای‌بی‌یو کور مجموعه‌ای از مفاهیم، روابط و ویژگی‌هایی را تعریف می‌کند که در رسانه‌های دیداری شنیداری قابل استفاده هستند. هم‌چنین این استاندارد به عنوان الگوی فراداده‌ای برای پروژه‌های اروپایی مثل ای‌یواسکرین<sup>۳</sup> و یوروپینا<sup>۴</sup> به کار گرفته شده است و بسیاری از سازمان‌های خبرپراکنی کشورهای مختلف دنیا آن را پذیرفته‌اند. این استاندارد همه جنبه‌های آرشیو و همه ابعاد سامانه مدیریت محتوای دیداری شنیداری اعم از فراداده، هستان‌شناسی، قالب‌های دیجیتال صدا و تصویر و هم‌چنین چارچوب سامانه مدیریت محتوا را شامل می‌شود. بر این اساس این استاندارد می‌تواند در ارائه عناصر یکپارچه و یکدست‌سازی مجموعه‌ها و سهولت دسترسی به منابع آرشیوهای دیداری شنیداری و

1. Minglian et al
2. <https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3293.pdf>
3. DublinCore
4. EUScreen
5. Europeana



تسهیل ارتباطات در این حوزه کمک‌کننده باشد و برای توصیف منابع دیداری، منابع شنیداری، و منابع دیداری‌شنیداری، در طیف گسترده‌ای از برنامه‌های رادیو، تلویزیون، دارایی‌های صوتی و تصویری آرشیوها و میراث دیداری‌شنیداری، در بافت فرهنگی (کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها)، متناسب با انواع نیازهای کاربران به‌کار رود. باتوجه‌به مزایای مذکور، این استاندارد به‌عنوان مدل پایه پژوهش حاضر انتخاب و بررسی شد.

مطالعات اولیه در این پژوهش نشان داد که باوجود اهمیت و ضرورت کاربست عناصر فراداده‌ای استاندارد و جامع در آرشیوداری دیداری‌شنیداری، به‌لحاظ ماهیت ناپایدار این نوع منابع و خطر از دست رفتن اطلاعات و دانش سرنوشت‌ساز ملت تاکنون هیچ الگوی استاندارد برای سازمان‌دهی و مدیریت محتوای دارایی‌های دیداری‌شنیداری در کشور ارائه نشده است. نتایج پژوهش موسوی (۱۴۰۰) که به بررسی وضعیت جاری آرشیوهای دیداری‌شنیداری از نظر میزان به‌کارگیری استانداردهای فراداده‌ای، نوع منابع موجود در آرشیوها، سامانه‌های یکپارچه، مسائل مربوط به حفاظت فیزیکی و دیجیتالی، حضور افراد متخصص در حوزه فراداده، و کسب اطلاعات درباره شیوه‌های جاری مدیریت محتوای منابع پرداخته است، نشان می‌دهد که استاندارد مارک و یونی‌مارک با مجموع ۱۹ انتخاب به‌عنوان پُرکاربردترین استاندارد در آرشیوهای دیداری‌شنیداری جامعه پژوهش قرار دارد؛ در صورتی که این دو استاندارد کارکرد کتاب‌خانه‌ای دارند و مناسب آرشیوهای دیداری‌شنیداری نیستند. همچنین، براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش در حدود ۴۶۷ درصد از آرشیوهای جامعه پژوهش هیچ‌کدام از فیلدهای کتاب‌خانه‌ای و آرشیوی را برای تنظیم و توصیف به‌کار نمی‌گیرند. ماحصل نتایج برآمده از پژوهش فوق حاکی از نبود الگویی یکپارچه و استاندارد در این حوزه است. نبود سیستمی یکپارچه، به‌کارگیری استانداردها و سازوکارهای مدیریتی گوناگون، و نبود الگویی مدون موجب بروز دشواری‌های بی‌شماری برای آرشیوها، از دست رفتن محتوای اطلاعاتی‌شان و ایجاد اختلال در میان‌کنش‌پذیری آن‌ها شده است.

بنابراین، توصیف و تنظیم آثار مرتبط، در بافت فرهنگی، با چالشی جدی روبه‌رو است که به ضعف در دادن خدمات آرشیوی، و عدم دسترسی جامع و کامل به اطلاعات و دانش نهفته در محتوای آرشیوهای دیداری‌شنیداری منجر شده است و دشواری‌های فراوانی را برای آرشیوداران، کاربران آرشیوهای دیداری‌شنیداری و ذی‌نفعان، از جمله تولیدکنندگان محتوای دیداری‌شنیداری و پژوهش‌گران حوزه تاریخ و سینما ایجاد کرده است. همان‌طور که تشریح شد یکی از الزامات اصلی مدیریت بهینه محتوای دیداری‌شنیداری، ایجاد مجموعه فراداده‌ای مناسب و یکپارچه در این حوزه است؛ به‌همین منظور پژوهش



بر آن شد تا عناصر فراداده‌ای ضروری و مناسب برای سازمان‌دهی آثار دیداری شنیداری را از دیدگاه مدیران آرشیوهای دیداری شنیداری منتخب شهر تهران شناسایی کند تا با کاربست آن در آرشیوهای دیداری شنیداری، در ارتقای دانش مدیریت منابع اطلاعاتی و تقویت سازمان‌دهی دانش در آرشیوهای دیداری شنیداری، چابکی در دادن خدمات آرشیوی، بهینه‌سازی دسترس‌پذیری، حفظ یکپارچگی و گسترش میان‌کنش‌پذیری در این‌گونه آرشیوها، تأثیرگذار باشد.

در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا استاندارد فراداده‌ای استفاده‌شده در آرشیوهای دیداری شنیداری اروپا را بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که عناصر استاندارد فراداده‌ای ای‌بی‌یوکور تا چه اندازه در سازمان‌دهی منابع و محتوای دیداری شنیداری قابل‌تعمیم است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

با هدف مطالعه و بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، جست‌وجوهایی با کلیدواژه‌های گوناگون در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی انجام شد. راست‌گو (۱۳۹۱) در پژوهشی، استانداردهای فراداده‌ای موجود در جهان را بررسی کرده و سعی کرده‌است با سنجش نیازهای داخلی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، بهترین استانداردهای فراداده‌ای برای آرشیوهای دیداری شنیداری دیجیتال را معرفی کند. به‌باور او هیچ‌یک از استانداردها و طرح‌های فراداده‌ای مورد مطالعه به‌تنهایی برطرف‌کننده نیاز سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیست و برای سازمان‌دهی منابع اطلاعاتی باید با تلفیق استانداردهای فراداده‌ای موجود، الگویی متناسب با نیاز سازمان‌های اطلاعاتی ارائه کرد. درویشی (۱۳۹۳) در پژوهشی به مطالعه و بررسی عناصر استانداردهای فراداده‌ای موزه‌ای برای توصیف فرش به‌عنوان شیئی موزه‌ای و شناسایی و تعیین عناصر مناسب برای مستندسازی علمی و استاندارد فرش در موزه‌ها پرداخته‌است و در پایان الگویی با هدف تهیه شناسنامه برای فرش‌های موزه‌ای برای سازمان‌دهی و مستندسازی اطلاعات آن‌ها پیشنهاد کرده‌است. بهزادی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به مطالعه عناصر استانداردهای فراداده‌ای عکس‌های خبری و شناسایی عناصر فراداده‌ای مناسب برای آرشیوهای خبری ایران پرداخته‌است و در نهایت، با استفاده از نتایج سیاهه‌وارسی، براساس نظر متخصصان از مجموع ۳۶۲ عنصر فراداده‌ای ۶۲ عنصر فراداده‌ای را برای سازمان‌دهی اطلاعات عکس‌های خبری ارائه کرده‌است. محبی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با هدف ارائه الگویی یکپارچه و یکسان‌سازی شیوه تنظیم و توصیف تمبر در کشور به مطالعه و

بررسی چگونگی تنظیم و توصیف تمبر در ایران و جهان و مقایسه آن با استانداردهای توصیفی بین‌المللی پرداخته‌است. براساس یافته‌های این پژوهش الگویی متشکل از ۱۸۴ عنصر فراداده‌ای در ۲۵ ناحیه برای یکپارچگی فرایند تنظیم و توصیف منابع تمبر با هدف بهبود بازیابی این گونه منابع ارائه شده‌است. غفاری (۱۳۹۶) عناصر فراداده‌ای توصیفی در بازیابی فیلم در وب‌سایت آرشیو ملی را بررسی کرده‌است. این پژوهش با هدف یافتن استانداردی توصیفی انجام شده‌است که بیشترین تطابق را با عناصر فراداده‌ای توصیفی موجود در وبگاه آرشیوهای ملی در جهان، برای بازیابی فیلم داشته باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان دادند که عناصر وبگاه آرشیوهای جامعه آماری بیشترین تطابق را با استاندارد دوبلین‌کور و استاندارد فراداده توصیف شیء‌گرا دارند. بهارلو (۱۳۹۶) در پژوهش خود برای توصیف منابع دیداری شنیداری به مطالعه استانداردهای فراداده‌ای توصیف آرشیوی‌ای پرداخت که امکان توصیف منابع دیداری شنیداری و پاسخ‌گویی به کاربران آرشیوی را داشته باشند. او، ابتدا عناصر استانداردها را مطرح و سپس با مقایسه آن‌ها جامع‌ترین الگو را برای سازمان‌دهی منابع استخراج کرد تا دسترس‌پذیری منابع و محتوای آن‌ها هنگام بازیابی، برای کاربران تسهیل شود. گرزین (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف ارائه الگویی مناسب و علمی برای سازمان‌دهی منابع به مطالعه شیوه‌های سازمان‌دهی منابع موسیقی در مراکز آرشیوی و وبگاه‌های موسیقی ایران پرداخت تا با افزایش دقت و سرعت ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات، کاربران نهایی را به مرتبط‌ترین پاسخ‌های منطبق با نیاز اطلاعاتی‌شان هدایت کند. براساس یافته‌های این پژوهش الگویی متشکل از ۲۰۵ عنصر فراداده‌ای پیشنهاد شد که می‌تواند برای توصیف منابع موسیقی به‌کار رود و با توصیف دقیق و یکپارچه منابع موسیقی، در تقویت و بهبود فرایند بازیابی اثرگذار باشد.

استروبل و مارین<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «فراداده برای منابع دیداری شنیداری علمی» پرتال دیداری شنیداری «تیب»<sup>۲</sup> را به‌عنوان نمونه‌ای کاربردی از روش‌های تولید خودکار فراداده، جست‌وجوی معنایی و بازیابی زبانی به دو زبان آلمانی و انگلیسی، مطرح کردند. هرمون و نیکولوچی و رونزینو<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی الگوی فراداده‌ای «استارک»<sup>۴</sup> را که در مرکز تحقیقات باستان‌شناسی برای سازمان‌دهی اسناد، اشیاء، آثار باستانی طراحی شده‌است بررسی کردند. به‌باور این پژوهش‌گران نگهداری طولانی‌مدت و دسترسی به اشیاء دیجیتال سه‌بعدی چالش‌های فراوانی دارد. توسعه الگوی استاندارد فراداده‌ای و هستی‌شناسی می‌تواند تاحدی این مسئله را برطرف کند. هارتلی و گایتانو<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) در پژوهش خود با هدف ارائه راه‌حلی برای ایجاد الگوی استاندارد جهانی برای حفاظت بهتر از اطلاعات منشأ، تاریخ و ویرایش و اطلاعات توصیفی، استانداردهای فراداده‌ای موجود را

1. Strobel & Marin-Arraiza
2. Tib: Technische Informationsbibliothek  
«تیب» پلتفرمی مبتنی بر وب برای منابع دیداری شنیداری علمی در حوزه‌های معماری، شیمی، مهندسی، فناوری اطلاعات، ریاضی و فیزیک است که در آن انواع گوناگونی از فراداده توصیفی در دسترس است و هرکدام کاربرد خود را دارد. در این پرتال سازندگان فیلم برای اختصاص فراداده به منابع بنابر نیاز خود از دو شیوه دستی و خودکار استفاده می‌کنند.
3. Hermon; Nicolucci; Roznino
4. Science and Technology in Archaeology and Culture Research Center (STARC)
5. Hartley & Gaitanou





بررسی کرده‌اند. در واقع، در این پژوهش پیشنهاد شده‌است که استاندارد جهانی ایجاد شود که همه انواع فراداده را دربر بگیرد و عناصر موجود را به همراه عناصر جدید برای تکمیل یکدیگر گرد آورد.

وارگاس-آرسیلا و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی طرح‌های فراداده‌ای توصیف محتوای چندرسانه‌ای برای تلویزیون دیجیتال را مطالعه کرده‌اند و استانداردهای فراداده‌ای مورد استفاده برای توصیف منابع چندرسانه‌ای تلویزیونی را دقیق بررسی کرده‌اند. در این پژوهش الگوهای فراداده‌ای<sup>۲</sup> MPEG-TV-Anytime<sup>۳</sup>، PMETA<sup>۴</sup>، EBUCore<sup>۵</sup>، PBCore<sup>۶</sup>، SMPTE<sup>۷</sup> که برای بافت چندرسانه‌ای‌ها طراحی شده‌اند و با الزامات توصیف محتوای این منابع مطابقت دارند مقایسه شدند و در نهایت، استانداردهای تی‌وی‌انی‌تایم و ای‌بی‌یو‌کور مناسب‌ترین گزینه‌ها برای پوشش این الزامات تشخیص داده شدند. مایلز<sup>۸</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی موانع بی‌شمار موجود برای تولیدکنندگان ویدئوها، ناشران و آرشیویست‌ها در زمینه بازیابی، استفاده مجدد و به اشتراک‌گذاری کلیپ‌های ویدیویی را مطالعه کرد. در این پژوهش بر نقش و اهمیت فراداده در آرشیو برنامه تلویزیونی تأکید شد و الگوی فراداده‌ای ای‌بی‌یو‌کور برای برنامه‌های رادیو یا تلویزیون و الگوی فراداده‌ای پی‌بی‌کور برای آرشیوهای عمومی مناسب تشخیص داده شد. رابی کومار و سیبسانکار<sup>۹</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود الگوهای فراداده‌ای در حوزه میراث فرهنگی را مورد بحث قرار داده‌اند. در این پژوهش عناصر ۱۰ الگوی فراداده‌ای در این حوزه به طور خلاصه شرح داده شد و مقایسه و تجزیه و تحلیل شد و در نهایت، یک الگوی استاندارد فراداده‌ای برای اشیای فرهنگی ارائه شد. براساس نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی الگوهای فراداده‌ای ذکر شده، عناصر عنوان، عامل، پدیدآور، بازیگر، دوره، تاریخ، زمان، موقعیت، مکان و اطلاعات جغرافیایی در همه استانداردهای مورد مطالعه مشترک‌اند. عناصری مانند اثر، مجموعه، شناسه، ثبت، منبع، موضوع توصیف، حقوق، نوع، رابطه، زبان و ابعاد در نیمی از استانداردهای مورد مطالعه مشاهده شدند. از مطالعه فوق روشن شد که در الگوهای مختلف، با توجه به هدف و نیازهای بومی از عناصر فراداده‌ای متفاوتی استفاده می‌شود. برای توصیف و بازیابی اطلاعات فرهنگی، لازم است که در طراحی الگوهای فراداده‌ای به مواردی نظیر هدف از ایجاد اثر هنری، وضعیت فعلی اثر، و ویژگی‌های اثر توجه شود.

ویجسوندارا و سوگیموتو<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به ارائه مدلی فراداده‌ای برای آرشیوهای دیجیتال منابع فرهنگی در مناطق مختلف پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، توسعه مدلی فراداده‌ای برای آرشیوهای دیجیتال منابع متنوع فرهنگی در جوامع گوناگون است که در آن جمع‌آوری فراداده از منابع متفاوت مورد نیاز باشد. در این مطالعه برای سازمان‌دهی

1. Vargas-Arcila et al
2. <https://mpeg.chiariglione.org/standards/mpeg-7>
3. <http://www.tv-anytime.org>
4. [https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3295v2\\_2.pdf](https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3295v2_2.pdf)
5. <https://tech.ebu.ch/MetadataEbuCore>
6. <https://pbc.org>
7. <https://www.smp.org>
8. Myles
9. Rabi Kumar & Sibsankar
10. Wijesundara & Sugimoto



اطلاعات میراث فرهنگی به‌عنوان آرشیوی دیجیتال، مدلی به‌نام «میراث فرهنگی در محیط دیجیتال»<sup>۱</sup> معرفی شده‌است. هدلند<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود اظهار داشت ایجاد موفقیت‌آمیز زیرساخت‌های دیجیتالی مانند CLARIN<sup>۳</sup> به تولید مجموعه‌های بزرگی از منابع دیجیتال منجر شده‌است که نیازمند به‌کارگیری استراتژی‌های مختلفی برای دستیابی به تعاریف جامع و کافی برای حفظ کیفیت داده در منابع دیداری شنیداری است و فقدان استانداردهای پذیرفته‌شده در اتخاذ الگوهای فراداده‌ای و مستندسازی، بازاستفاده از داده‌ها را به‌ویژه در این نوع از منابع دشوار کرده‌است. هم‌چنین، در این پژوهش با هدف حفظ کیفیت داده‌ها بر لزوم توصیف نظام‌مند و دقیق ویژگی‌های چنین منابعی تأکید شده‌است. پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، حاکی از ارزش و اهمیت زیاد منابع و محتوای دیداری شنیداری به‌عنوان اشیای اطلاعاتی و میراث فرهنگی است. لزوم سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی دقیق و علمی این‌ها برای بازنمایی مطلوب، بازیابی دقیق و کشف دانش نهفته در بطن این منابع، حیاتی است. در همین راستا به ضرورت کاربست استانداردهای بین‌المللی و تدوین الگوی مدون و یکپارچه برای سازمان‌دهی بهینه منابع و محتوای دیداری شنیداری در اغلب پژوهش‌ها توجه شده‌است.

با بررسی اجمالی بر روی ادبیات پژوهش در داخل ایران، مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه ارائه عناصر فراداده‌ای جامع برای آرشیوهای دیداری شنیداری -به‌طوری‌که تمام اشیای محتوایی و منابع موجود را دربر بگیرد- انجام نشده‌است. مستندات حاکی از آن است که اغلب پژوهش‌ها در حوزه استانداردهای فراداده‌ای، به‌صورت انحصاری و مختص به منابع فیلم یا منابع عکس و یا منابع چندرسانه‌ای است و یا الگوی ارائه‌شده، به‌صورت کلی -و نه با جزئیات کامل- است و برطرف‌کننده نیازهای آرشیوها نیست؛ به‌عبارت‌دیگر، الگوهای ارائه‌شده تاکنون، همه ابعاد سازمان‌دهی اطلاعات و دانش منابع و محتوای دیداری شنیداری را به‌صورت جامع دربر نمی‌گیرند؛ بنابراین، مطالعه حاضر با استناد به سوابق پژوهش‌های انجام‌شده سعی دارد با هدف بهبود و ارتقای کیفیت سازمان‌دهی جامع منابع و محتوای آرشیوهای دیداری شنیداری، اعم از آنالوگ و دیجیتال، به تعیین عناصر فراداده‌ای ضروری بپردازد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از روش مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی استفاده شده‌است. ابتدا با هدف استخراج عناصر و جمع‌آوری اطلاعات اولیه برای تدوین سیاهه واریسی، با روش اسنادی متون و پایگاه‌های اطلاعاتی و پایان‌نامه‌ها

1. "Cultural Heritage in Digital Environment" (CHDE)
2. Hedeland
3. CLARIN: Common Language Resources and Technology Infrastructure



و سند<sup>۱</sup> ۳۲۹۳ ای بی یوکور نسخه ۱.۱۰ و متن استاندارد فرداده‌ای ای بی یوکور مطالعه و بررسی شد. در ادامه بر مبنای عناصر استخراج شده از مطالعه استاندارد فرداده‌ای ای بی یوکور، جدولی برای سازمان‌دهی منابع و محتوای دیداری شنیداری تنظیم شد و با کمک و راهنمایی متخصصان این حوزه، سیاهه واری اولیه تدوین شد. برای جلوگیری از ابهام معنایی و مفهومی، املائی لاتین این عناصر به همراه ترجمه فارسی آن‌ها در جدول درج شد. در نهایت، با طراحی پرسش‌نامه‌ای شامل توصیف هر عنصر فرداده‌ای، اهمیت وجود آن عنصر در توصیف منابع و محتوای دیداری شنیداری از نظر آرشویست‌ها و مدیران آرشویست‌های دیداری شنیداری منتخب شهر تهران، بر اساس طیف لیکرت پنج‌ارزشی، بررسی شد. در مرحله بعد داده‌های گردآوری شده، با نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل شد و سپس، گزارشی از نتایج ارائه شد.

مرحله	روش گردآوری	منبع داده‌ها	خروجی
تهیه سیاهه واری	اسنادی (کتابخانه‌ای و پیمایشی)	متون اطلاعاتی؛ پایگاه‌های اطلاعاتی؛ پایان‌نامه‌ها؛ سند ۳۲۹۳ ای بی یوکور	استخراج عناصر فرداده‌ای؛
ارائه عناصر پیشنهادی	پرسش‌نامه	جامعه آماری شامل آرشویست‌ها و مدیران آرشویست‌های دیداری شنیداری منتخب شهر تهران	سنجش میزان اهمیت عناصر فرداده‌ای الگوی ای بی یوکور

## جدول ۱

مراحل و روش پژوهش

در این پژوهش، سیاهه واری متشکل از ۸۴ عنصر، در ۴ ناحیه ساختاری، توصیفی، فنی، و مدیریتی تهیه شد. برای روایی صوری و محتوایی این سیاهه واری، از نظرات صاحب‌نظران و استادان حوزه آرشویست استفاده شد. تعداد عناصر فرداده‌ای موجود در نواحی عبارت‌اند از: ۱۱ عنصر در ناحیه ساختاری؛ ۵۰ عنصر در ناحیه توصیفی؛ ۱۷ عنصر در ناحیه فنی؛ ۶ عنصر در ناحیه مدیریتی.

یکی از متداول‌ترین ابزارهای پژوهش‌گران برای گردآوری داده در پژوهش‌های کاربردی، پرسش‌نامه است. در این پژوهش نیز از پرسش‌نامه استفاده شد که بر اساس طیف لیکرت با پنج گزینه (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم) تهیه شد. برای بررسی روایی محتوایی، سؤالات پرسش‌نامه در اختیار استادان و متخصصان حوزه دیداری شنیداری قرار گرفت. با استفاده از نظرات و مشاوره متخصصان، ابهامات و پیچیدگی‌های پرسش‌نامه

1. <https://tech.ebu.ch/publications/tech3293>

2. SPSS



برطرف شد و پس از کسب اطمینان از واضح بودن سؤالات، پرسش نامه تدوین شد و دوباره روایی آن مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. برای محاسبه پایایی، پرسش نامه در میان اعضای جامعه آماری پژوهش توزیع و توسط آن‌ها تکمیل شد و سپس، با وارد کردن داده‌ها در نرم افزار اس.پی.اس.ضرایب آلفای کرونباخ مرتبط با عناصر نواحی ساختاری، توصیفی، فنی، مدیریتی و همچنین کل پرسش نامه، بررسی شد. نتایج محاسبه پایایی که نشان دهنده تأیید مؤلفه‌های پژوهش به لحاظ آماری است در جدول شماره ۲ تشریح شده است.

تعداد آیتم	ضریب آلفای کرونباخ تصحیح شده	ضریب آلفای کرونباخ	ناحیه مورد آزمون
۱۱	۰/۹۰۳	۰/۹۰۵	ناحیه ساختاری
۵۰	۰/۹۷۶	۰/۹۷۶	ناحیه توصیفی
۱۷	۰/۹۵۰	۰/۹۴۹	ناحیه فنی
۶	۰/۷۷۱	۰/۷۴۲	ناحیه مدیریتی
۸۴	۰/۸۹۳	۰/۸۹۷	کل پرسش نامه

## جدول ۲

محاسبه پایایی نواحی پرسش نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

نتایج حاصل از این جدول نشان داد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای تمام عناصر در چهار ناحیه ساختاری، توصیفی، فنی، و مدیریتی بیشتر از ۰/۷ است و بیشترین میزان (۰/۹۷۶) مرتبط با عناصر ناحیه توصیفی و کمترین میزان (۰/۷۴۲) مرتبط با عناصر ناحیه مدیریتی است. در مجموع، ضریب آلفای کرونباخ کل عناصر پرسش نامه‌های جمع آوری شده ۰/۸۹۷ است که اعتبار زیاد پرسش نامه را تبیین می‌کند. در پایان، داده‌های حاصل از ارزش گذاری عناصر استاندارد ای بی یو کور توسط متخصصان - که بر اساس طیف لیکرت انجام شده بود- در نرم افزار اس.پی.اس. وارد شد و برای بررسی و تجزیه و تحلیل از ابزارهای آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) استفاده شد.



## ۴. یافته‌ها

ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
ناحیه سازمانی	نوع محمل (Material Type)	نوع محمل از نظر دیداری / و یا شنیداری: فیلم، ویدئو کاست، عکس و ...	۴/۲۰۰	۱/۰۹
	محل حفاظت فیزیکی (مخزن نگهداری) (Material Location)	مخزن نگهداری محمل فیزیکی منابع دیداری شنیداری: مخزن فیلم نگاتیو، مخزن فیلم پوزیتیو، مخزن ویدئو کاست و ...	۴/۳۰۰	۰/۸۲
	نوع رکورد (Record Type)	نوع پیشینه دیداری / و یا شنیداری ثبت شده در سامانه آرشیو: رکورد دیداری / رکورد شنیداری	۳/۹۶۶	۰/۹۹
	محل نگهداری فایل دیجیتال (تحت وب) (Record Location)	محل ذخیره‌سازی فایل دیجیتال منتشر شده در شبکه جهانی	۳/۶۳۳	۱/۳۲
	محل ذخیره‌سازی منطقی (ذخیره‌سازی برخط) (Logical Storage Location)	محل ذخیره‌سازی فایل دیجیتال	۳/۷۶۶	۱/۲۵
	محل ذخیره‌سازی فیزیکی (ذخیره‌سازهای پشتیبان) (Physical Storage Location)	مخزن نگهداری محمل‌های فیزیکی پشتیبان پیشینه‌های آرشیوی	۴/۳۳	۰/۹۲
	نوع (Type)	نوع منبع آرشیوی: آنالوگ / دیجیتال	۴/۲۰۰	۱/۱۵
	نوع شیء محتوایی (Object type)	نوع محتوا: دیداری / و یا شنیداری	۳/۸۰۰	۱/۲۱
	رابطه (Relation)	رابطه مفهومی بین اشیای دیجیتال	۳/۸۳۳	۱/۱
	نوع رابطه (Relation type)	نوع رابطه مفهومی بین اشیای دیجیتال	۳/۴۳۳	۱/۴۵
	منبع / منشأ (Source)	منبع / منشأ محتوای دیداری / و یا شنیداری	۴/۱۳۳	۱/۰۷

### جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر  
فرداده‌ای از نظر پاسخ‌دهندگان



انحراف معیار	میلگین	تعریف عنصر	عنصر	ناحیه
۰/۶۳	۴/۷۳۳	عنوانی که اثر به آن شناخته می‌شود.	عنوان اصلی (Main Title)	ناحیه توصیفی
۰/۹۵	۴/۳۰۰	عناوین دیگر اثر اعم از عنوان روی محمل فیزیکی/عنوان پخش/عنوان برآورد و ...	عنوان جایگزین (Alternative Title)	
۰/۷۱	۴/۶۶۷	عامل انسانی (شخص حقیقی یا حقوقی)/عامل هوشمند ماشینی/سازمان خالق اثر	پدیدآور (Creator)	
۰/۹۲	۴/۲۰۰	عامل انسانی خالق اثر	پدیدآور - شخص (Creator - Person)	
۰/۷۸	۴/۲۶۶	عامل سازمانی خالق اثر	پدیدآور - سازمان (Creator - Organization)	
۰/۹۸	۴/۱۶۶	نقش عامل همکار (انسان/سازمان/ماشین) در خلق اثر	پدیدآور/همکار - نقش (Creator - Role)	
۱/۰۸	۳/۹۳۳	نقش عامل انسانی همکار در خلق اثر	پدیدآور/همکار - نقش شخص (Creator - Role - Person)	
۰/۹۲	۴/۱۰۰	نقش عامل سازمانی همکار در خلق اثر	پدیدآور/همکار - نقش سازمان (Creator - Role - Organization)	
۰/۰۸	۴/۶۳۳	موضوع کلی که محتوای فکری اثر را توصیف می‌کند.	موضوع (Subject)	
۱/۲۱	۳/۹۶۶	نوع موضوع محتوا اعم از موضوعات کنترل شده/موضوعات کنترل نشده (بومی)	نوع موضوع (Subject type)	
۱/۰۵	۳/۸۳۳	موضوعات کنترل شده برای توصیف محتوا	سرعنوان موضوعی فارسی (Subject Heading)	
۱/۲۳	۳/۸۳۳	موضوعات دسته‌بندی شده بومی برای توصیف محتوا	دسته‌بندی موضوعی بومی Local thematic categorization	
۱/۱۰	۴/۵۰۰	کلمات کلیدی برای توصیف محتوا	کلیدواژه (Keyword)	

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر فراداده‌ای از نظر پاسخ‌دهندگان



ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
ناحیه توصیفی	کلیدواژه - زبان کنترل شده (Keyword)	کلمات کلیدی برگرفته از ابزارهای سازمان‌دهی اطلاعات و دانش مانند سرعنوان‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها (زبان کنترل شده)	۳/۸۶۶	۱/۱۰
	کلیدواژه - زبان طبیعی Keyword- Natural (Language)	کلمات کلیدی برگرفته از متن محتوا برای توصیف همان محتوا	۳/۷۰۰	۰/۹۸
	کلیدواژه - زبان آزاد Keyword - Free (Language)	کلمات کلیدی برگرفته از زبان بومی برای توصیف محتوا	۳/۴۶۶	۰/۹۷
	ژانر (Genre)	گونه محتوا از نظر گونه‌های تولیدات دیداری شنیداری	۴/۲۶۶	۱/۱۰
	ژانر محتوایی (Content Genre)	توصیف کننده نوع گونه محتوا	۳/۹۰۰	۱/۲۶
	قالب محتوایی (Content Format)	توصیف کننده قالب کلی تولید محتوای دیداری شنیداری: فیلم، مجموعه و ...	۴/۳۳۳	۰/۹۲
	نوع قالب تولید محتوا Content Production (Format Type)	نوع قالب خاص برای تولیدات دیداری شنیداری: فیلم کوتاه، فیلم سینمایی، مجموعه تلویزیونی، مجموعه رادیویی و ...	۳/۹۰۰	۱/۲۶
	زبان (Language)	زبان/ زبان‌های تولید اثر دیداری شنیداری	۴/۱۳۳	۱/۱۹
	یک‌زبانه (Monolingual)	آثار تولید شده به یک زبان	۳/۵۶۶	۱/۴۰
	دو‌زبانه (Bilingual)	آثار تولید شده به دو زبان	۳/۷۰۰	۰/۹۵
	چندزبانه (Multilingual)	آثار تولید شده به چند زبان	۳/۴۰۰	۱/۱۳
	نوع زبان (Language Type)	عنوان زبان/ زبان‌های اثر	۳/۹۳۳	۱/۲۲
	مخاطب (Audience)	نوع مخاطب محتوای اثر دیداری شنیداری	۳/۹۶۶	۱/۱۵

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر  
فرا داده‌ای از نظر پاسخ دهندگان



ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
توصیف	رده سنی (Age Range)	رده سنی مخاطب/ مخاطبان اثر دیداری شنیداری	۳/۹۳۳	۱/۰۸
	زمان (Time)	مدت زمان اثر دیداری/ و یا شنیداری	۴/۳۳۳	۰/۸۹
	دوره زمانی / تاریخی (Period of Time)	دوره تاریخی ای که محتوای اثر به آن تخصیص یافته است.	۴/۲۶۶	۰/۸۲
	مناسبت (Occasion)	مناسبت اختصاصی اثر دیداری/ و یا شنیداری	۳/۹۶۶	۱/۱۲
	مناسبت ملی (National Occasion)	مناسبت ملی ای که محتوای دیداری/ و یا شنیداری به آن تخصیص یافته است.	۳/۸۰۰	۱/۰۹
	مناسبت مذهبی (Religious Occasion)	مناسبت مذهبی ای که محتوای دیداری/ و یا شنیداری به آن تخصیص یافته است.	۳/۸۶۶	۱/۲۲
	مناسبت جهانی International (Occasion)	مناسبت جهانی ای که محتوای دیداری/ و یا شنیداری به آن تخصیص یافته است.	۳/۷۰۰	۱/۱۷
	مناسبت بومی (Native Occasion)	مناسبت بومی ای (محلی ای) که محتوای دیداری/ و یا شنیداری به آن تخصیص یافته است.	۳/۶۶۶	۱/۰۲
	محل تولید اثر / مکان برگزاری (Location)	محل ضبط محتوای دیداری شنیداری	۳/۸۶۶	۱/۲۲
	نوع نام مکان Location Name (Type)	مکان تولید/ برگزاری اثر دیداری/ و یا شنیداری: منطقه جهانی، کشور، شهر، محله، سازمان و ...	۳/۷۰۰	۱/۳۴
	توصیف (Description)	توصیف اثر دیداری/ و یا شنیداری	۴/۲۶۶	۱/۱۴
	نوع توصیف (Description Type)	نوع توصیف اثر دیداری/ و یا شنیداری از نظر محتوایی و فنی	۴/۱۰۰	۱/۰۹

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر  
فرا داده ای از نظر پاسخ دهندگان





ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
ناحیه توصیفی	تاریخ / ساعت (Date / Time)	تاریخ / ساعت مربوط به مراحل مختلف تولید اثر دیداری / و یا شنیداری (فرایند ثبت تاریخ هم‌زمان با ساعت انجام می‌شود. این موجودیت برای تمام نواحی تولید فراداده قابل ثبت است).	۳/۶۶۶	۱/۲۱
	رده‌بندی اثر (Rating)	رتبه‌دهی مخاطبان به اثر دیداری / و یا شنیداری	۳/۵۶۶	۱/۳۵
	ناشر (Publisher)	عامل انتشار اثر دیداری / و یا شنیداری اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی و یا عامل ماشینی که برای انجام این وظیفه مسئولیت رسمی دارد.	۴/۳۰	۱/۰۲
	انتشاردهنده / پخش‌کننده محتوا (Content publisher)	رسانه انتشار محتوای دیداری / و یا شنیداری: برودکست / برودبند / ...	۴/۰۰۰	۱/۰۵
	تاریخچه انتشار (Publication History)	سوابق انتشار محتوای اثر دیداری / و یا شنیداری	۳/۸۶۶	۱/۱۶
	توصیف اختصاصی (Exclusive) (Description)	توصیف خاص اثر محتوایی دیداری / و یا شنیداری با توجه به نوع رسانه منتشرکننده	۳/۴۳۳	۱/۲۲
	گویش (Dialect)	نوع گویش زبانی محتوا	۳/۱۳۳	۱/۳۳
	موسیقی (Music)	نوع موسیقی محتوا	۳/۷۳۳	۱/۳۱
	نغمات آیینی (Ritual Songs)	نوع نغمات آیینی محتوا اعم از مداحی، مرثیه، تواشیح و ...	۳/۶۳۳	۱/۱۸
	یادداشت (Note)	ثبت نکات اختصاصی اثر که در فیلم‌های فراداده‌ای پیش‌بینی نشده است.	۴/۱۶۶	۰/۸۷
	شماره منبع (Material Number)	شماره ثبتی که به صورت دستی به محمل فیزیکی آرشیوی اختصاص پیدا کرده است.	۴/۳۶۶	۰/۸۰
	نحوه نمایش مدرک Document Display (Method)	نمایش محتوای دیداری / و یا شنیداری در بسترهای مختلف ارتباطی	۳/۸۶۶	۱/۰۴

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر  
فرا داده‌ای از نظر پاسخ‌دهندگان



ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
ناحیه فنی	شناساگر (Identifier)	شماره اختصاصی سیستم آرشیو برای محتوای دیداری/ و یا شنیداری	۴/۴۶۷	۰/۹۳
	نوع شناساگر (Identifier Type)	نوع شناساگر اعم از ملی/ بین المللی	۴/۰۰۰	۱/۲۰
	قالب شناساگر (Identifier Format)	نوع شناساگر اعم از رقم و یا عدد و رقم	۴/۰۰۰	۱/۰۲
	فرمت (Format)	نوع فرمت صدا/ تصویر	۴/۴۳۳	۱/۰۱
	فرمت - ارتفاع (Format Height)	اطلاعات فنی مرتبط با ارتفاع تصویر	۳/۸۶۶	۱/۱۶
	فرمت - پهنا (Format Width)	اطلاعات فنی مرتبط با پهنا تصویر	۳/۴۶۶	۱/۴۰
	فرمت - نسبت ابعاد (Format Aspect Ratio)	اطلاعات فنی مرتبط با کیفیت تصویر اعم از ۲K, HD, FULLHD و ...	۳/۹۳۳	۱/۰۸
	فرمت نوع رسانه (Format Medium)	اطلاعات فنی مرتبط با نوع رسانه حامل محتوا	۴/۱۶۶	۱/۰۱
	نوع فایل (Mime)	سیستم فنی خودکار شناسایی نوع فایل (فایل متن یا فایل تصویر یا فایل صدا)	۳/۵۶۶	۱/۱۳
	نرخ بیت شبکه (Channel Bitrate)	اطلاعات فنی مرتبط با نرخ بیت فایل دیجیتال اثر	۳/۷۰۰	۱/۲۰
	فرمت ویدئو (Video Format)	اطلاعات فنی مرتبط با فرمت فایل دیجیتال ویدئویی	۴/۰۳۳	۱/۰۹
	فرمت صدا (Audio Format)	اطلاعات فنی مرتبط با فرمت فایل دیجیتال صوتی	۴/۱۰۰	۰/۷۵
	فرمت فایل (File Format)	اطلاعات فنی مرتبط با فایل دیجیتال محتوا (صدا، تصویر، متن)	۳/۹۶۶	۱/۰۶
	مدت قالب (Format Duration)	مدت زمان فایل دیجیتال محتوای دیداری/ و یا شنیداری	۳/۹۳۳	۱/۲۵
	حجم فایل (Format File Size)	حجم فایل دیجیتال محتوای دیداری/ و یا شنیداری	۳/۷۰۰	۱/۳۶
	فرمت مدت زمان (Format Time Type)	نحوه نمایش مدت زمان اثر: ساعت؛ دقیقه؛ ثانیه؛ فریم و یا غیره	۳/۸۶۶	۱/۱۰
	محل ذخیره سازی فایل (Format Location)	محل ذخیره سازی منطقی فایل دیجیتال دیداری/ و یا شنیداری اعم از برخط و یا در ذخیره ساز قابل دسترسی نزدیک و یا در محمل نسخه پشتیبان	۴/۱۳۳	۱/۰۷

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر فراداده‌ای از نظر پاسخ دهندگان



ناحیه	عنصر	تعریف عنصر	میلگین	انحراف معیار
ناحیه مدیریتی	پوشش (Coverage)	محل/ منطقه جغرافیایی که محتوا مجوز/ امکان انتشار در آن را دارد.	۴/۱۶۶	۰/۹۱
	پوشش زمانی (Coverage Temporal)	محدودیت انتشار زمانی/ عدم محدودیت انتشار زمانی	۴/۳۶۶	۱/۰۳
	پوشش مکانی (Coverage Spatial)	بین‌المللی/ ملی/ منطقه‌ای	۴/۳۰۰	۰/۹۸
	حقوق (Rights)	حقوق مرتبط به آثار دیداری/ و یا شنیداری	۴/۲۳۳	۱/۲۲
	نوع حقوق (Rights Type)	نوع حق ثبت‌شده برای آثار دیداری/ و یا شنیداری	۳/۶۳۳	۱/۶۹
	صاحب حقوق (Rights Holder)	صاحب/ صاحبان حقوق مرتبط با اثر دیداری/ و یا شنیداری	۳/۵۶۶	۱/۵۶

### ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار اهمیت عناصر  
فرا داده‌ای از نظر پاسخ‌دهندگان

طبق جدول شماره ۳ برای سازمان‌دهی منابع و محتوا در آرشیوهای دیداری شنیداری ۸۴ عنصر فراداده‌ای در دو سطح اصلی و فرعی و در چهار ناحیه ساختاری، توصیفی، فنی، و مدیریتی شناسایی شدند. در ادامه با هدف بررسی میزان اهمیت عناصر فراداده‌ای استخراج‌شده از استاندارد ای‌بی‌یو کور در سازمان‌دهی منابع و محتوای دیداری شنیداری از نظر متخصصان، هریک از عناصر انتخاب‌شده سنجش شدند. براساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری، میانگین و انحراف معیار همه عناصر تشکیل‌دهنده نواحی چهارگانه مورد آزمون در پرسش‌نامه میانگین بالای سه بود و نظر موافق جامعه پژوهش را کسب کرد که نشان‌دهنده کاربردپذیری عناصر انتخابی در مدیریت محتوای دیداری شنیداری و اهمیت این عناصر برای حضور و ثبت در کاربرگه‌های تنظیم و توصیف مراکز آرشیوی دیداری شنیداری از دیدگاه جامعه پژوهش است. براساس نتایج حاصل از مقایسه میانگین عناصر ناحیه ساختاری، عناصر «محل ذخیره‌سازی فیزیکی» (ذخیره‌سازی پشتیبان) و «محل حفاظت فیزیکی» (مخزن نگهداری) به ترتیب با میانگین (۴/۳۳۳) و (۴/۳۰۰) در سطح مشابه با یکدیگر و در بالاترین سطح آماری عناصر قرار گرفتند. هم‌چنین، یافته‌های به‌دست‌آمده از مقایسه میانگین عناصر ناحیه توصیفی (مجموع عناصر اصلی و عناصر سطح دوم) نشان دادند که عنصر «عنوان اصلی» با میانگین (۴/۷۳۳) در بالاترین سطح آماری و عنصر «پدیدآور» با میانگین (۴/۶۶۷) در سطح دوم آماری قرار دارند و عنصر «گوش» با میانگین (۳/۱۳۳) در پایین‌ترین سطح آماری قرار دارد. نتایج حاصل از مقایسه میانگین عناصر اصلی ناحیه توصیفی نشان داد که عناصر «عنوان اصلی» و «پدیدآور» به ترتیب با میانگین (۴/۷۳۳) و (۴/۶۶۷) در بالاترین سطح آماری عناصر این ناحیه قرار



دارند و عنصر «موضوع» با میانگین (۴/۶۳۳) در سطح بعدی قرار دارد. هم‌چنین نتایج نشان داد که عنصر «توصیف اختصاصی» با میانگین (۳/۴۳۳) در پایین‌ترین سطح آماری عناصر اصلی این ناحیه قرار دارد. نتایج حاصل از مقایسه میانگین عناصر ناحیه فنی (مجموع عناصر اصلی و عناصر سطح دوم) نشان داد که عناصر «شناساگر» و «فرمت» به ترتیب با میانگین (۴/۶۷) و (۴/۴۳۳) در بالاترین سطح آماری عناصر این ناحیه قرار دارند. عنصر «فرمت نوع رسانه» و «محل ذخیره‌سازی فایل» به ترتیب با میانگین (۴/۱۶۶) و (۴/۱۳۳) در سطح دوم آماری این ناحیه جای دارند. در بررسی نتایج حاصل از ناحیه فنی مشخص شد که عنصر «فرمت-پهنا» با میانگین (۳/۴۶۶) در پایین‌ترین سطح آماری عناصر این ناحیه قرار دارد. براساس مقایسه میانگین عناصر ناحیه مدیریتی (مجموع عناصر اصلی و عناصر سطح دوم) عنصر «پوشش زمانی» با میانگین (۴/۳۶۶) در بالاترین سطح آماری و عنصر «پوشش مکانی» با میانگین (۴/۳۰۰) در سطح دوم آماری عناصر این ناحیه قرار دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که عنصر «صاحب حقوق» با میانگین (۳/۵۶۶) در پایین‌ترین سطح آماری تمام عناصر قرار دارد. نکته تأمل‌برانگیز در تحلیل نتایج به دست آمده این است که با وجود اینکه عناصر «نوع حقوق» و «صاحب حقوق» از عناصر مهم توصیف هر نوع محتوا هستند، در پایین‌ترین سطح آماری در مقایسه با دیگر عناصر قرار دارند. این یافته نشان‌دهنده کم‌توجهی متخصصان حوزه دیداری شنیداری به اهمیت رعایت حق مؤلف محتوای دیداری شنیداری است که می‌توان یکی از دلایل آن را نبود قوانین حقوقی مرتبط با آثار دیداری شنیداری، به دلیل پایبند نبودن ایران به معاهده برن در زمینه حق مؤلف و حقوق مالکیت فکری، دانست. شایان ذکر است که این نکته برای بهره‌برداران خاص آثار دیداری شنیداری بسیار قابل توجه است؛ ولی در سطح عمومی کمتر به آن پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر که بر لزوم یکپارچه‌سازی سازمان‌دهی محتوای اطلاعاتی تأکید دارد، با پژوهش‌های محبی (۱۳۹۵) و گرزین (۱۳۹۶) که با هدف ارائه الگوی یکپارچه فراداده‌ای انجام شده بودند هم‌راستا است. هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش راست‌گو (۱۳۹۱) هم‌راستا است. پژوهش راست‌گو با هدف ارائه الگویی مناسب برای سازمان‌دهی منابع آرشیوهای سازمان صداوسیما، به بررسی استانداردهای مختلف فراداده‌ای پرداخته است و نتیجه گرفته است که هیچ‌یک از استانداردها و الگوهای فراداده‌ای مورد بررسی در آن پژوهش، به تنهایی برطرف‌کننده نیازهای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیستند. راست‌گو پیشنهاد کرده است که برای سازمان‌دهی منابع و محتوای دیداری شنیداری، با تلفیق استانداردهای فراداده‌ای موجود الگویی متناسب با نیازهای سازمان‌های اطلاعاتی ارائه شود. با توجه به این نکته که عناصر ارائه‌شده در

پژوهش حاضر، بر مبنای استاندارد ای بی یو کور است و این استاندارد مختص منابع و محتوای دیداری شنیداری است و برای رفع نیازهای مختلف کاربران و طیف وسیعی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون طراحی شده است، الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر می‌تواند نیازهای انواع آرشیوهای دیداری شنیداری، به ویژه آرشیوهای دیداری شنیداری سازمان صداوسیما را برطرف کند. همچنین در پژوهش وارگاس-آرسیلا و دیگران (۲۰۱۶) طرح‌های فراداده‌ای توصیف محتوای چند رسانه‌ای برای تلویزیون دیجیتال مطالعه شد و استانداردهای فراداده‌ای مورد استفاده برای توصیف منابع چند رسانه‌ای تلویزیونی به طور دقیق بررسی شد. در نهایت، استانداردهای تی وی انی تایم و ای بی یو کور مناسب‌ترین استاندارد برای پوشش الزامات منابع دیداری شنیداری تشخیص داده شدند و از این جهت نتایج پژوهش مذکور با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا است.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه‌های دیداری شنیداری ماهیتی حساس و ناپایدار دارند. این دارایی‌ها، به لحاظ اهمیت و ارزش ذاتی (به عنوان میراث فرهنگی و حافظه جمعی کشورها) برای پایداری و خوانایی بیشتر به توجه و سازمان‌دهی دقیق نیاز دارند. اهمیت در بازنمایی شفاف و مناسب، بازیابی دقیق، سریع و صحیح این گونه منابع و محتوا نیازمند سازمان‌دهی اطلاعات، سازمان‌دهی دانش، و حفاظت و نگهداری بر اساس استانداردهای منطبق با الگوهای روز دنیا است. عناصر فراداده‌ای، با ایجاد یکپارچگی در سازمان‌دهی، تضمین‌کننده مدیریت کارآمد منابع و محتوا، حفاظت و نگهداری، دسترس‌پذیری و در نهایت، چابکی در سیستم ارائه خدمات اطلاعاتی و دانشی هستند.

مطالعه حاضر با هدف پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، یعنی ارزیابی میزان اهمیت عناصر فراداده‌ای مبتنی بر استاندارد ای بی یو کور، با هدف شناسایی مهم‌ترین عناصر فراداده‌ای برای سازمان‌دهی منابع و محتوای دیداری شنیداری، از نظر متخصصان این حوزه، انجام شد و در نهایت سیاهه و آرسی متشکل از ۸۴ عنصر فراداده‌ای در چهار ناحیه ساختاری (۱۱ عنصر)، توصیفی (۵۰ عنصر)، فنی (۱۷ عنصر)، و مدیریتی (۶ عنصر) بررسی و امتیازدهی شد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش (میانگین کسب شده برای هر عنصر، و انحراف معیار به دست آمده) همه عناصر معرفی شده نظر موافق جامعه پژوهش را کسب کردند. این نکته حاکی از میزان توافق متخصصان در زمینه اهمیت کاربست این عناصر برای یکپارچه‌سازی و تسهیل در سازمان‌دهی منابع و محتوای آرشیوهای دیداری شنیداری است.



شایان ذکر است که نتایج به دست آمده قابلیت ثبت و توسعه در کاربرگه توصیف و تنظیم منابع و محتوای آرشیوهای دیداری شنیداری در مراکز اطلاعاتی را دارند و ضمن توجه به جزئیات بازنمایی دقیق منابع و محتوای دیداری شنیداری از نظر سازمان دهی، برای بازیابی دقیق انواع نیازهای محتوایی کاربران، قابلیت لازم را نیز شامل می شوند. هم چنین عناصر ارائه شده در این پژوهش، می تواند ساختار مورد نیاز برای طراحی پروفایل های تخصصی در سامانه های مدیریت محتوای آرشیوهای دیداری شنیداری، اعم از پروفایل صدا، پروفایل تصاویر متحرک و پروفایل تصاویر ثابت را تأمین کند. ویژگی پروفایل های تخصصی صدا و تصویر این است که تفاوت های موجود در ماهیت منابع دیداری/ و یا شنیداری را در نظر می گیرد و آرشیوهای دیداری شنیداری را قادر می سازد در طراحی نرم افزاری سامانه مدیریت محتوا، با پیش بینی فیلهای تخصصی، به سازمان دهی دقیق و صحیح منابع و محتوای خود پردازند. با توجه به قابلیت استاندارد ای بی یو کور در پشتیبانی از تمامی فرایندهای پیش تولید، تولید، پخش و آرشیو، به کارگیری این عناصر در طراحی پروفایل های تخصصی می تواند بر طرف کننده نیازهای مدیریت محتوا در انواع آرشیوهای دیداری شنیداری رادیویی و تلویزیونی باشد.

## ۶. پیشنهادها

۱. با توجه به ماهیت متفاوت منابع و محتوای دیداری شنیداری، طراحی پروفایل های تخصصی، برای توصیف و تنظیم انواع منابع دیداری شنیداری در سامانه مدیریت محتوای مراکز آرشیوی پیشنهاد می شود.
۲. پیشنهاد می شود که عناصر مورد سنجش و ارائه شده در این پژوهش برای توصیف یکپارچه منابع دیداری شنیداری که بخش مهمی از میراث فرهنگی کشورمان هستند در دستور کار این مراکز قرار گیرد. با توصیف یکپارچه منابع، امکان تبادل داده و اطلاعات این گونه آرشیوها در سطح ملی و بین المللی فراهم خواهد شد.
۳. از آنجاکه استاندارد ای بی یو کور چارچوبی هسته شناسی است، پیشنهاد می شود که طراحی هسته شناسی منابع دیداری شنیداری بر اساس عناصر ارائه شده در پژوهش حاضر مطالعه شود؛ زیرا عناصر فراداده ای پژوهش جاری می توانند به عنوان نقشه مفهومی اولیه برای هسته شناسی به کار روند.
۴. نظر به اینکه عناصر ارائه شده در پژوهش حاضر قابلیت به کارگیری در سامانه های یکپارچه را دارد، مطلوب است که پژوهشی در جهت امکان سنجی ایجاد سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات منابع اسنادی و آرشیوی اعم از مکتوب، دیداری، شنیداری و... انجام

شود و نیازهای کاربران مختلف منابع آرشیوهای دیداری شنیداری اعم از پژوهش‌گر، مستندساز، فیلم‌نامه‌نویس، مورخ و ... شناسایی شود.

## فهرست منابع

### کتاب

- ادموندسون، ری. (۱۳۹۹). *آرشیوهای دیداری شنیداری: فلسفه و اصول*. (سپیده سیروس کبیری، مترجم). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صمیعی، میترا. (۱۳۹۴). *استانداردهای ذخیره و حفاظت در کتابخانه‌های دیجیتال*. تهران: کتابدار.
- مرادی، نورالله؛ طهرانی‌پور، وحید. (۱۳۸۹). *آرشیوهای دیداری شنیداری*. تهران: کتابدار.
- هریسون، هلن پ. (۱۳۸۸). *آرشیوهای دیداری شنیداری (مجموعه مقاله‌های کاربردی)*. (وحید طهرانی‌پور، محبوبه مهریزی، هدا چوبک، علی قدیمی، مترجمان). کتابدار

### مقاله

- بهارلو، فرزانه. (۱۳۹۶، آذرماه). «بررسی استانداردهای فراداده‌ای توصیف آرشیوی و ارائه الگوی مناسب برای توصیف مواد دیداری و شنیداری». مقاله ارائه‌شده در همایش ملی *آرشیوهای دیداری شنیداری: چالش‌ها و فرصت‌ها* ۱۳۹۶ در دانشگاه الزهراء، تهران، (صص ۶۴-۷۳).
- طاهری، سیده‌هدی. (۱۳۸۹). «بررسی تحلیل کارکردپذیری استاندارد "توصیف و دسترسی به منبع (RDA)" برای توصیف و سازمان‌دهی مواد آرشیوی». *گنجینه اسناد*، ۲۰(۴)، صص ۸۰-۹۴.

### پایان‌نامه

- بهبادی، فائزه. (۱۳۹۳). «بررسی استانداردهای فراداده‌ای عکس و تعیین عناصر فراداده‌ای مناسب برای آرشیو عکس خبری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
- درویشی، لیلا. (۱۳۹۳). «بررسی عناصر فراداده‌ای موزه‌ای و پیشنهاد الگویی برای سازمان‌دهی و مستندسازی اطلاعات مربوط به فرش». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
- راست‌گو، آزاده. (۱۳۹۱). «ارائه الگوی بومی سازی فراداده برای سازمان‌دهی آرشیوهای دیجیتال سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران براساس استانداردهای موجود». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- غفاری، لیلا. (۱۳۹۶). «عناصر فراداده‌ای توصیفی در بازیابی فیلم‌ها در وب‌سایت‌های آرشیوهای ملی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.



گرزین، فاطمه. (۱۳۹۶). «واکاوی عناصر فراداده‌ای به‌کاررفته در استانداردهای توصیفی بین‌المللی، مراکز آرشیوی و وبسایت‌های موسیقی ایران و ارائه الگوی پیشنهادی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران

محبی، فاطمه. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی عناصر فراداده‌ای تنظیم و توصیف تمبر در مراکز آرشیوی، کتابخانه‌ای و موزه‌ای ایران و جهان با استانداردهای توصیفی بین‌المللی و ارائه الگوی پیشنهادی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.

موسوی، سیده‌سارا. (۱۴۰۰). «بررسی استاندارد فراداده‌ای EBUCore و ارائه الگوی بومی برای سازمان‌دهی منابع دیداری شنیداری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران.

## References

- CHO. (2011). "Preservation of digitized books and other digital content". A report for the NEH and IMLS resulting from a grant from the 'Advancing Knowledge'. Portico and Cornell University Library: Cultural Heritage Organizations (CHO). <https://www.portico.org/wp-content/uploads/2017/12/NEH-IMLS-D-book-model.pdf>.
- Hartley Richard J; Gaitanou, Panorea. (eds). (2015). *Metadata and Semantics Research: 9th Research Conference, MTSR 2015, Manchester, UK, September 9-11, 2015, Proceedings. Communications in Computer and Information Science*, Vol. 544. Springer, Cham.
- Hedeland, Hanna. (2021). "Towards comprehensive definitions of data quality for audio-visual annotated language resources". Selected papers from the *CLARIN Annual Conference*, 2020. Linköping Electronic Conference Proceedings 180. pp 93–103. <https://doi.org/10.3384/ecp18011>.
- Hermon, Sorin; Niccolucci, Franco; Ronzino, Paola. (2012). "A metadata schema for cultural heritage documentation". Is part of *Electronic Imaging & the Visual Arts: EVA 2012 Florence*, 9-11 May 2012, pp 36-41. <https://www.torrossa.com/en/resources/an/2497325>.
- Myles, Stuart. (2018). TV news archives and IPTC's video metadata hub. A digital preservation workshop. Vanderbilt University. <https://ir.vanderbilt.edu/handle/1803/9292>.
- Minglian, Duan; Xingxing, Yao; Jiuzhen, Zhang. (2004). "A study on audiovisual metadata". Proceedings of the 2004 *international conference on Dublin Core and meta-*





- data applications:** Metadata across languages and cultures. *Dublin Core Metadata Initiative*, Article 13, pp 1–9.
- Rabi Kumar, Dey; Sibsankar, Jana. (2018). "Metadata elements for cultural objects: A comparative study of metadata schemas". *IISRR - International Journal of Research*, 4 (I & II).
- Schuller, Dietrich. (2008). *Audiovisual research collections and their preservation*. Training for Audiovisual Preservation in Europe. Amsterdam: European Commission on Preservation and Access.
- Strobel, Sven; Marín-Arraiza, Paloma. (2015). "Metadata for Scientific Audiovisual Media: Current Practices and Perspectives of the TIB|AV-Portal". In: Garoufallou, E; Hartley, R; Gaitanou, P. (eds). *Metadata and Semantics Research (MTSR) 2015*. Part of the *Communications in Computer and Information Science* book series (CCIS, volume 544). Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-24129-6\\_14](https://doi.org/10.1007/978-3-319-24129-6_14).
- The European Broadcasting Union. (2019). *EBU Core Metadata Set* (TECH 3293), Specification V. 1.10. [https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3293v1\\_9.pdf](https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3293v1_9.pdf).
- Vargas-Arcila, Angela M; Baldassarri, Sandra; Arciniegas-Herrera, José L. (2016). "Study and comparison of metadata schemas for the description of multimedia resources". In: Abásolo, Maria; Perales, F; Bibiloni, A. (eds.). *Applications and Usability of Interactive TV (CTVDI)*. Jauti 2015. *Communications in Computer and Information Science*, vol 605. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-38907-3\\_6](https://doi.org/10.1007/978-3-319-38907-3_6).
- Wijesundara, Chiranthi; Sugimoto, Shigeo. (2018). "Metadata model for organizing digital archives of tangible and intangible cultural heritage, and linking cultural heritage information in digital space". *LIBRES*, 28(2), pp 58-80.

#### English Translation of References

##### Books

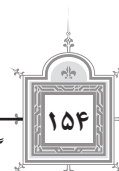
- CHO. (2011). *"Preservation of digitized books and other digital content"*. A report for the NEH and IMLS resulting from a grant from the 'Advancing Knowledge'. Portico and Cornell University Library: Cultural Heritage Organizations (CHO). <https://www.portico.org/wp-content/uploads/2017/12/NEH-IMLS-D-book-model.pdf>.



- Edmondson, Ray. (1399/2020). “*Āršiv-dāri-ye didāri-šenidāri: Falsafe va osul*” (Audiovisual archiving: Philosophy and principles). Translated by Sepideh Sirous Kabiri. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Harrison, Helen P. (1388/2009). “*Āršiv-hā-ye didāri-šenidāri: Majmu’e-ye maqāle-hā-ye kārbordi*” (Audiovisual archives: A practical reader). Translated by Vahid Tehranipour, Mahboubeh Mehrizi, Hoda Choubak & Ali Ghadimi. Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Hartley Richard J; Gaitanou, Panorea. (eds). (2015). *Metadata and semantics research: 9th research conference, MTSR 2015, Manchester, UK, September 9-11, 2015, Proceedings. Communications in Computer and Information Science*, Vol. 544. Springer, Cham.
- Moradi, Nourollah; & Tehranipour, Vahid. (1389/2010). “*Āršiv-hā-ye didāri-šenidāri*” (Audiovisual archives). Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Myles, Stuart. (2018). *TV news archives and IPTC’s video metadata hub. A digital preservation workshop*. Vanderbilt University. <https://ir.vanderbilt.edu/handle/1803/9292>.
- Samiei, Mitra. (1394/2015). “*Eštāndārd-hā-ye zaxireh va hefāzat dar ketāb-xāne-hā-ye dijital*” (Storage and protection standards in digital libraries). Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Schuller, Dietrich. (2008). *Audiovisual research collections and their preservation*. Training for Audiovisual Preservation in Europe. Amsterdam: European Commission on Preservation and Access.
- The European Broadcasting Union. (2019). *EBU Core Metadata Set* (TECH 3293), Specification V. 1.10. [https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3293v1\\_9.pdf](https://tech.ebu.ch/docs/tech/tech3293v1_9.pdf).

#### Articles

- Baharlou, Farzaneh. (1396/2017). “Barresi-ye estāndārd-hā-ye farā-dāde-ee-ye towsif-e āršivi va erāe-ye olgu-ye monāseb barāye towsif-e mavād-e didāri va šenidāri”



- (Examination of metadata standards for archival description and presentation of a suitable model for describing audiovisual materials). Presented article at “*Hamāyeš-e Melli-ye Āršiv-hā-ye Didāri-šenidāri: Čāleš-hā va forsāt-hā*” (National Conference of Audiovisual Archives: Challenges and Opportunities) (pp. 64-73). Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]
- Hedeland, Hanna. (2021). “Towards comprehensive definitions of data quality for audiovisual annotated language resources”. Selected papers from the *CLARIN Annual Conference*, 2020. Linköping Electronic Conference Proceedings 180. pp 93–103. <https://doi.org/10.3384/ecp18011>.
- Hermon, Sorin; Niccolucci, Franco; Ronzino, Paola. (2012). “A metadata schema for cultural heritage documentation”. *Is part of Electronic Imaging & the Visual Arts: EVA 2012 Florence*, 9-11 May 2012, pp 36-41. <https://www.torrossa.com/en/resources/an/2497325>.
- Minglian, Duan; Xingxing, Yao; Jiuzhen, Zhang. (2004). “A study on audiovisual metadata”. Proceedings of the 2004 *international conference on Dublin Core and metadata applications: Metadata across languages and cultures. Dublin Core Metadata Initiative*, Article 13, pp 1–9.
- Rabi Kumar, Dey; Sibsankar, Jana. (2018). “Metadata elements for cultural objects: A comparative study of metadata schemas”. *IISRR - International Journal of Research*, 4 (I & II).
- Strobel, Sven; & Marín-Arraiza, Paloma. (2015). “Metadata for scientific audiovisual media: Current practices and perspectives of the TIB|AV-Portal”. In: Garoufallou, E; Hartley, R; Gaitanou, P. (eds). *Metadata and Semantics Research (MTSR)* 2015. Part of the *Communications in Computer and Information Science* book series (CCIS, volume 544). Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-24129-6\\_14](https://doi.org/10.1007/978-3-319-24129-6_14).
- Taheri, Seyyed Mehdi. (1389/2010). “Barresi-ye tahlil-e kār kard-paziri-ye estāndārd-e ‘towsif va dastresi be manba’ (Ār-Di-Ey) barāye towsif va sāzmān-dehi-ye mavād-e āršivi” (An analytical study on the functionality of the Resource Description and Access (RDA) standard for describing and organizing archival materials). *Ganjine-ye Asnād*, 20(4), 80-94. [Persian]

- Vargas-Arcila, Angela M; Baldassarri, Sandra; & Arciniegas-Herrera, José L. (2016). "Study and comparison of metadata schemas for the description of multimedia resources". In: Abásolo, Maria; Perales, F; Bibiloni, A. (eds.). *Applications and Usability of Interactive TV (CTVDI)*. Jauti 2015. *Communications in Computer and Information Science*, vol 605. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-38907-3\\_6](https://doi.org/10.1007/978-3-319-38907-3_6).
- Wijesundara, Chiranthi; & Sugimoto, Shigeo. (2018). "Metadata model for organizing digital archives of tangible and intangible cultural heritage, and linking cultural heritage information in digital space". *LIBRES*, 28(2), pp 58-80.

#### Dissertations

- Behzadi, Faezeh. (1393/2014). "*Barresi-ye estāndārd-hā-ye farā-dāde-ee-ye ax va ta'yin-e 'anāser-e farā-dāde-ee-ye monāseb barāye āršiv-e ax-e xabari*" (Examination of photo metadata standards and determination of suitable metadata elements for news photo archive). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]
- Darvishi, Leila. (1393/2014). "*Barresi-ye 'anāser-e farā-dāde-ee-ye muze-ee va pišnahād-e olguyi barāye sāzmāndehi va mostānad-sāzi-ye ettelā'āt-e marbut be fars*" (Investigating museum metadata elements and proposing a model for organizing and documenting carpet information). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]
- Ghaffari, Leila. (1396/2017). "*Anāser-e farā-dāde-ee-ye towsifi dar bāzyābi-ye film-hā dar vebšāyt-hā-ye āršiv-hā-ye melli*" (Descriptive metadata elements in film retrieval on national archives websites). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]
- Gorzin, Fatemeh. (1396/2017). "*Vākāvi-ye 'anāser-e farā-dāde-ee-ye be-kār-rafteh dar estāndārd-hā-ye towsifi-ye beinolmelali, marākez-e ršivi va vebšāyt-hā-ye musiqi-ye Irān va erā'e-ye olgu-ye pišnahādi*" (Analysis of metadata elements

used in international descriptive standards, archival centers and Iranian music websites and presentation of the proposed model). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]

- Mohebbi, Fatemeh. (1395/2016). *“Motāle'e-ye tatbiqi-ye 'anāser-e farā-dāde-ee-ye tanzim va towsif-e tambr dar marākez-e āršivi, ketābxāne-ee va muze-ee-ye Irān va jahān bā estāndārd-hā-ye towsifi-ye beinolmelali, va erā'e-ye olgu-ye pišnahādi”* (Comparative study of metadata elements of stamp regulation and description in archival, library and museum centers of Iran and the world with international descriptive standards and presentation of the proposed model). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Tarbiati va Ravānšenāsi (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Azzahrā (Alzahra University). [Persian]
- Mousavi, Sara. (1400/2021). *“Barresi-ye estāndārd-e farā-dāde-ee-ye Ee-Bi-Yu Kor va erā'e-ye olgu-ye bumi barāye sāzmāndehi-ye manābe'-e didāri- šenidāri”* (Evaluation of the EBUCore metadata standard and presentation of a native model for the organization of audiovisual resources). [Master's thesis]. Tehran: Dāneškade-ye Modiriyat (Faculty of Management), Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Rastgou, Azadeh. (1391/2012). *“Erā'e-ye olguye bumi-sāzi-ye farā-dādeh barāye sāzmāndehi-ye āršiv-hā-ye dijital-e Sāzmān-e Sedā va Simā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān bar asās-e estāndārd-hā-ye mowjud”* (Providing a metadata localization model for organizing the digital archives of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization based on the existing standards). [Master's thesis]. Dāneškade-ye 'Olum-e Ensāni (Faculty of Humanities), Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University), Vāhed-e Tehrān-Šomāl (North Tehran Branch). [Persian]



# Semiotic analysis of Iranian World Children's Day stamps 1979 to 2023 (with Peirce's semiotic approach)

Shayesteh Karimi-Naseri Mofrad<sup>1</sup> | SeyyedAbotorab Ahmadpanah<sup>2</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** A postage stamp is a national symbol and cultural icon that serves as a small ambassador, transmitting the culture of countries to the far corners of the world and the currency of the letter world. World Children's Day is one of the important global events that focuses on raising awareness about children's rights. Since the World Children's Day stamp also serves as a measure of the cultural level of countries, the semiotics of its visual qualities are significant. This research aims to identify the themes and semiotics of visual and graphic of Iranian stamps for World Children's Day.

**Method and Research Design:** Four samples of Iranian Stamps of World Children's Day (issued in 1979, 1990, 1999, and 2016) were studied, described and analyzed on the basis of Pierce's sign theory/ semiotics.

**Findings and Conclusions:** The results show that the designed themes and visual qualities are highly compatible with the concepts of World Children's Day, and the images, symbols, and colors are suitable for children. Over time, the visual quality and importance of the stamps have diminished, and Iran's postal service has not issued stamps for World Children's Day since 2016."

**Keywords:** Peirce's Semiotic; Iranian Stamp, World Children's Day; Graphic.

**Citation:** Karimi NaseriMofrad, S., & Ahmadpanah, S. A. (2023). Semiotic analysis of Iranian World Children's Day stamps 1979 to 2023 (with Peirce's semiotic approach). *Ganjine-ye Asnad*, 33(2), 158-187 | doi: 10.30484/ganj.2023.3067

1. MA Student of Visual Communication, School of Art, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

shayesteh.karimi@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author)

ahmadp\_a@modares.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«130»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3067

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.2, Summer 2023 | pp: 158 - 187 (30) | Received: 30, Nov. 2022 | Accepted: 16, Jun. 2023

Archival research



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# نشانه‌شناسی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲

## (بارویکرد نشانه‌شناسی پیرس)

شایسته کریمی ناصری مفرد<sup>۱</sup> | سید ابوتراب احمدپناه<sup>۲</sup>

### چکیده:

تمبر سندی ملی و نمادی فرهنگی است که به‌عنوان سفیری کوچک و وظیفه انتقال فرهنگ کشورها را به اقصی نقاط جهان برعهده دارد و عهده‌دار پرداخت هزینه‌های پستی است. روز جهانی کودک یکی از مناسبت‌های مهم جهان است که به آگاهی‌بخشی حقوق کودکان می‌پردازد. تمبر روز جهانی کودک معیاری برای سنجش سطح فرهنگی کشورها به‌شمار می‌آید؛ بنابراین نشانه‌شناسی کیفیات بصری آن اهمیت دارد.

**هدف:** شناخت مضامین و نشانه‌شناسی کیفیات بصری و گرافیکی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک.

**روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتاب‌خانه‌ای نوشته شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در این پژوهش، چهار نمونه تمبر ایرانی روز جهانی کودک (۱۳۵۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۸، ۱۳۹۴) طبق نظریه نشانه‌شناسی پیرس تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که مضمون‌ها و کیفیات بصری طراحی شده، با مفاهیم روز جهانی کودک بسیار سازگار است و تصاویر، نشانه‌ها و رنگ‌ها، متناسب با کودکان، طراحی شده‌اند. با گذر زمان، از کیفیات بصری و اهمیت تمبرها کاسته شده است و بعد از سال ۹۵ دیگر پست ایران تمبر روز جهانی کودک را چاپ نکرده است.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی؛ تمبر ایرانی؛ روز جهانی کودک؛ گرافیک.

**استناد:** کریمی ناصری مفرد، شایسته و احمدپناه، سید ابوتراب. (۱۴۰۲). نشانه‌شناسی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ (با رویکرد نشانه‌شناسی پیرس). *گنجینه اسناد*، ۳۳ (۲)، ۱۵۸-۱۸۷.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۶۷

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
shayesteh.karimi@modares.ac.ir
۲. استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
ahmadp\_a@modares.ac.ir



### گنجینه اسناد

۱۳۰

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکس): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۶۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۲ | صص: ۱۵۸ - ۱۸۷ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۶

تحقیقات آرشیوی

## ۱. مقدمه

گرافیک یکی از هنرهایی است که در آن، نشانه‌های تصویری با استفاده از دیگر نشانه‌ها، ارتباط میان مخاطب و اثر هنری را شکل می‌دهند؛ به همین دلیل، طراحی تمبر با گرافیک رابطه تنگاتنگی دارد. تمبر پستی یکی از اجزای مهم تشکیلات پستی در سراسر جهان است. با ورود تمبر به دنیای ارسال و دریافت پست، پست برای اجرای وظایف خود شیوه‌ای قانونی و قاعده‌مند را پیش گرفت. با توجه به یکسان نبودن واحد پول کشورهای مختلف، تمبر به نظام پستی بین‌المللی اعتبار قانونی داد و جایگزین مناسبی برای پرداخت هزینه‌های پستی شد.

تمبر، زبان نشانه‌ها و پدیده‌ای فرهنگی است که طی فرایندی براساس رابطه بین سطوح زبانی (صورت و محتوا) تعریف می‌شود. این فرایند، برای حفظ و بازتولید زنجیره‌های دانش و شناخت، به‌ویژه در حوزه‌های گفتمانی و هنری اهمیت دارد. تمبرها، علاوه بر ارزش‌های پستی، دارای ارزش‌های معنوی و اطلاعات گوناگونی درباره موضوعات مختلف هستند که به نحوی منسجم و هماهنگ ارائه شده‌اند. از این رو، تمبرها می‌توانند فضایی گفتمانی را شکل دهند که می‌توان از آن برای بهبود آگاهی و درک از موضوعات مختلف بهره برد. تمبر، تجربه تولید زبانی منحصر به فرد را با خود به همراه دارد و جزئی از ارتباط تصویری است و با رویکرد نشانه‌شناسی و معناشناسی سروکار دارد. تحلیل نشانه‌شناسی تمبر، با استفاده از مجموعه‌ای از نشانه‌های تصویری و کمی نوشتاری، می‌تواند به درک و خوانش پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی کمک کند. تمبرها به روش‌های مختلفی طراحی می‌شوند؛ از جمله تمبرهای یادگاری مناسبتی روز جهانی کودکان که برای تجلیل از کودکان و بیانیه حقوق کودک طراحی و منتشر می‌شوند. به همین دلیل از گذشته تا به امروز برای این مناسبت کشورهای جهان تمبرهایی را با این موضوع طراحی و منتشر می‌کنند.

هدف اصلی این پژوهش شناخت مضمون و نشانه‌شناسی کیفیات بصری و گرافیکی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک است. پژوهش به پرسش اصلی که در پرتو نشانه‌شناسی مطرح شده پرداخته است. همچنین ویژگی‌های بصری و گرافیکی موجود در تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک بررسی شده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا به سؤالاتی مانند نوع نشانه‌شناسی تصویر، رنگ و نوشته تمبرها، تعداد دسته‌های نشانه، و هویت و رسوم ایرانی موجود در این تمبرها پاسخ داده شود.

روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات از طریق روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

در ابتدا، پیشینه و تعاریف مرتبط با حوزه تمبر به صورت کامل بیان شده است و سپس موضوع دوازده تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال‌های مختلف، بررسی شده است.





در ادامه، باتوجه به نوع طراحی و رویدادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، چهار نمونه از تمبرهای مناسبتی روز جهانی کودک (سال‌های ۱۳۵۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۸ و ۱۳۹۴) برای بررسی نشانه‌شناسی طبق نظریه پیرس، انتخاب و تحلیل شده‌است. در پایان به پرسش‌ها کامل پاسخ داده شده و نتیجه‌گیری شده‌است.

## ۲. پیشینه پژوهش

تمبرها یکی از مهم‌ترین تصاویر نمادین کشورها شناخته می‌شوند. هر کشوری تمبرهای خاص خود را دارد که نشان‌دهنده ارزش‌های مختلف، شخصیت‌ها، محل‌ها و رویدادهای تاریخی آن کشور است. به همین جهت، علاقه‌مندان تمبر، تمبرها را جمع‌آوری می‌کنند و پژوهشگران نیز مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه می‌نویسند. در ایران نیز کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی در زمینه تمبر و تاریخچه آن در ادوار مختلف از جمله قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی نوشته شده‌است. در کتاب «راهنمای تمبرهای ایران: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی» تهیه و تنظیم فریدون نوین فرح‌بخش (۱۴۰۲) تصاویر تمبرهای پستی به همراه مشخصات آن‌ها (اندازه، مناسبت، قیمت) در سه دوره قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی جمع‌آوری شده‌است. کتاب «تمبر: جام جهان‌نما»، نوشته ضیاءالدین هاجری (۱۳۷۵) هم به توضیح تاریخ تمبر ایران و جهان پرداخته‌است.

مقاله «نظام گفتمانی تمبرهای دهه ۵۰ از دیدگاه نشانه‌شناسی کاربردی بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون لیون» نوشته امید اسکویی؛ ترابی ندوشن؛ و دوانگری (۱۳۹۹) لایه‌های پنهانی معانی تمبرهای پیش و پس از انقلاب را با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده‌است. مقاله «بررسی کارکردهای تمبر پستی در دوران قاجار و پهلوی اول» تألیف عبدالله متولی (۱۳۹۷)، کارکردهای تمبر را در نظام پستی دوره‌های قاجار و پهلوی، بررسی کرده‌است. در مقاله «بررسی موضوع، مضمون و ترکیب‌بندی تمبرهای دوره جمهوری اسلامی از مجموعه اهدایی محمود کاظمی محفوظ در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک» نوشته یوزباشی و رجبی (۱۳۹۷) هدف از انجام پژوهش تدوین چارچوبی برای شناخت بهتر تمبرهای دوره معاصر (با تکیه بر مجموعه اهدایی محمود کاظمی) از نظر مفاهیم زیبایی‌شناسی و طبقه‌بندی است. نتایج حاصل از این پژوهش آن است که بیشتر تمبرهای دوره جمهوری اسلامی بر اساس مناسبت‌های انقلابی و رویدادهای سیاسی چاپ شده‌اند و موضوع سیاسی با ترکیب‌بندی مثلی در تمبرهای جمهوری اسلامی بیشتر استفاده شده‌است. مقاله «تمبر و تمبرشناسی» نوشته علی‌اکبر علایی (۱۳۴۴) تاریخچه پیدایش و اقسام تمبر و علل اختراع و جمع‌آوری تمبر را بررسی کرده‌است.



معصومه سلیمانی حاجی‌کندی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌اش تمبرهای ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ را از نظر نشانه‌شناختی بررسی کرده‌است و در انتها به این نتیجه رسیده شده‌است که حکومت‌ها با استفاده از عناصر به‌کاربرده‌شده روی تمبرها سعی دارند تا براساس فضای گفتمانی ناشی از تفکرات سیاسی و اجتماعی خود هویت فرهنگی و ملی را بازتولید کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۱) در پایان‌نامه خود جدول تمبرهای ایرانی و خارجی را به‌همراه اندازه آن‌ها ارائه کرده‌است و انواع تمبر، و شیوه بیانی پیام تصویری را بررسی کرده‌است. همان‌طور که مشاهده شد پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌است به‌صورت کلی بر تاریخچه و سیر ادوار قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی انجام شده‌است و پژوهشی در زمینه نشانه‌شناسی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک انجام نشده‌است. در پژوهش حاضر تمبرها و دسته‌بندی‌شان براساس سایت سازمان پست و موزه ارتباطات و کتاب‌خانه ملی و کتاب راهنمای تمبرهای ایران انجام شده‌است تا بتوان نشانه‌شناسی کیفیات بصری و گرافیکی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک را بررسی کرد.

### ۳. تمبر و تاریخچه آن

واژه «تمبر» از واژه یونانی «تومپانون» و واژه لاتین «تیمپانوم» به‌دست آمده‌است. این واژه ابتدا به زبان فرانسوی وارد شده و پس از تغییر شکل، به‌صورت «تمبر» به‌کار رفته‌است. در زبان فرانسوی، این واژه به‌مفهوم زنگ کوچک فلزی، اوج صدا، آواز، طنین، تمغا و منگوله یا نشانی در بالای کلاه یا کلاه‌خود استفاده می‌شده‌است و از سال ۱۸۴۸م به‌معنای تمبر پستی هم رواج یافته‌است. به‌موجب قانون مورخ ۲۴ اوت همین سال، به اداره پست فرانسه اجازه داده شد که تمبر یا مهری را که «نشانه پرداخت کرایه پستی» بود به‌کار ببرد و تمبر پستی از اول ژانویه سال ۱۸۴۹ در فرانسه به فروش رسید (هاجری، ۱۳۷۵، ص ۱۸). تمبر قطعه کوچکی است که به‌مناسبت‌های ویژه برای مثال جاری، یادگاری و مالیاتی به‌تعداد معین توسط ادارات پست چاپ و منتشر می‌شود. این قطعات دارای شکل، اندازه و رنگ‌های گوناگون، با فیلگران<sup>۱</sup>، کادر، حاشیه، چسب و دندانان یا بدون دندانان هستند. تمبر پستی به نشانه پرداخت کرایه پست روی پاکت یا مدارک دیگر چسبانده می‌شود. هم‌چنین به نشانه پرداخت حق دولت، در ادارات دولتی روی کاغذ چسبانده می‌شود (دهخدا، ج ۴، ص ۶۱۰۳). تمبرها با تصاویر افراد مهم مانند پادشاه یا ملکه (در کشورهای پادشاهی)، رؤسای جمهور (در کشورهای جمهوری)، دانشمندان، هنرمندان و... رویدادهای تاریخی، مناسبت‌ها، مکان‌های تاریخی و دولتی، حیوانات، مناظر طبیعی، پیشرفت‌های علمی و موارد دیگر، چاپ و منتشر می‌شوند. تمبرها به دو صورت چاپ

۱. تهنش یا واترمارک علامتی است که در زمینه کاغذها، تمبرها یا اسکناس‌ها قرار داده می‌شود و در حالت عادی قابل‌مشاهده نیست؛ ولی اگر کاغذ یا تمبر در برابر آفتاب یا چراغ گرفته شود پدیدار می‌شود. هدف از استفاده آن جلوگیری از تقلب است.



می‌شوند: ۱- جاری (رسمی) که برای الصاق روی پاکت‌ها به تعداد بیش از یک میلیون منتشر می‌شوند؛ ۲- یادبود (یادگاری) که به مناسبت حادثه‌ای خاص یا موضوعی معین منتشر می‌شوند (یوزباشی و رجبی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). تمبرها به سه صورت به بازار عرضه می‌شوند: ۱- سری (تمبرهای صادرشده در یک تاریخ، به صورت ردیف متصل به هم)؛ ۲- بلوک؛ ۳- دفترچه تمبر (دفترچه کوچکی که سری و بلوک یادگاری مجموعه‌ای از تمبرها را به همراه توضیحاتی درباره طراح و موضوع و عکس و تصاویر داراست).

در سال ۱۶۳۵ میلادی، یکی از کارمندان پست فرانسه به نام مسیو ولایه پاکتی را با علامت ویژه ابداع کرد و به جریان انداخت. سپس، در ماه مه ۱۸۴۰، دولت بریتانیا نخستین تمبر دنیا را با تصویر ملکه ویکتوریا، با ارزش یک و نیم پنی که بعدها به پنی سیاه معروف شد چاپ و منتشر کرد. خالق تمبر مذکور رونالد هیل بود و در واقع او پدر و ابداع‌کننده تمبر پستی در جهان است. در ایران، اولین تمبر در طبرستان رونمایی شد و قدیمی‌ترین تمبر رسمی ایران، معروف به تمبر باقری، در زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۴۷ هجری شمسی منتشر شد. نقش این تمبر، نشان رسمی دولت وقت ایران، با شیروخورشید در دایره‌ای بود که در چهارگوشه آن بهای تمبر به فارسی نوشته شده بود. استاد محمد مهروان، نگارگر و چهره ماندگار هنر ایران از دهه چهل به ساخت تمبرهای ایران پرداخت و ناصر گرجی نیز از طراحان برجسته تمبر در ایران بود. اولین تمبر منتشرشده در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ با عنوان بهار آزادی به مناسبت پیروزی انقلاب خلق شد و در قطعه‌ای دوریالی در تیراژ ۱۰۰۵ میلیون عدد با تصویر گل رز همراه با تمبرهای یادگاری نوروز ۱۳۵۸ منتشر شد (طاهری، ۱۴۰۱، isna.ir/xdNfRh).

محمدجواد آذری جهرمی - وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در سال ۱۴۰۰ به اهمیت استفاده از تمبر به عنوان هویت و تاریخ کشور اشاره کرده و گفته بود: «تمبر موضوعی تزیینی نیست و صنعت بسیار بزرگی در دنیا دارد و در بسیاری از کشورها الصاق تمبر به مرسولات حذف نشده است؛ چراکه تمبر تاریخ کشورها است.» او بر همین اساس تأکید کرد که تا پیش از پایان دولت تمبر به عنوان میراث پست و نماد فرهنگی پست به بسته‌های پستی برگردد (طاهری، ۱۴۰۰، isna.ir/xdJkXH).

#### ۴. روز جهانی کودک و تمبرهای مربوط به آن

روز جهانی کودک برای تجلیل از کودکان جشن گرفته می‌شود. سازمان ملل متحد ۲۰ نوامبر را به عنوان روز جهانی کودک نام‌گذاری کرده است؛ ولی در بسیاری از کشورها



این روز در تاریخ‌های دیگری جشن گرفته می‌شود. در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹، سازمان ملل متحد بیانیه حقوق کودک را تصویب کرد (سازمان ملل، ۲۰۲۳، B2n.ir/f26784).

روز کودک اولین بار توسط پادشاهی انگلستان در سال ۱۹۵۴، برای تشویق همه کشورها برای ایجاد یک روز، برای ارتقای تبادل و تفاهم متقابل در بین کودکان و اقدام عملی به نفع و برای رفاه کودکان جهان اعلام شد. روز جهانی کودکان فقط یک روز برای جشن گرفتن کودکان برای کسی که هستند نیست؛ بلکه آگاهی‌بخشی به کسانی است که خشونت را در قالب سوءاستفاده، استثمار و تبعیض تجربه کرده‌اند یا به‌وجود آورده‌اند. این کودکان در بعضی از کشورها به‌عنوان کارگر استفاده می‌شوند یا در درگیری‌های مسلحانه، زندگی در خیابان‌ها، و اختلافات از جمله مذهب، مسائل اقلیت یا معلولیت غوطه‌ور هستند. هدف از نام‌گذاری چنین روزی این است که به یاد داشته باشیم که بخش بزرگی از جمعیت انبوه جهان را کودکان تشکیل داده‌اند و زندگی امروزی آنان، با سرنوشت سال‌های آینده بشر گره خورده است. نادیده گرفتن حقوق کودکان امروز، ستمی آشکار به حقوق انبوه بزرگسالانی خواهد بود که سرنوشت فردای جهان را در دست خود دارند (صالحی قمشی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴). در ایران، پیش از انقلاب، نهم آبان هر سال (از سال ۱۳۴۱) به دلیل سالروز تولد ولیعهد رضا پهلوی جشن گرفته می‌شد؛ ولی بعد از انقلاب تا مدتی اول ژوئن (۱۱ خرداد) به‌عنوان روز کودک نامیده می‌شد. اکنون ۱۶ مهر به‌عنوان روز کودک و ۲۰ نوامبر به‌عنوان روز جهانی کودک برگزار می‌شود. به‌گفته محمد سرشار مدیر شبکه پویا و نهال دلیل نام‌گذاری ۱۶ مهر به‌عنوان روز کودک در ایران این است که: «در هیچ کشوری در این روز جشن گرفته نمی‌شود؛ خطای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خصوص تعیین هشتم اکتبر به‌عنوان روز جهانی کودک بوده است» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷، <http://www.yjc.ir/00S5K4>).

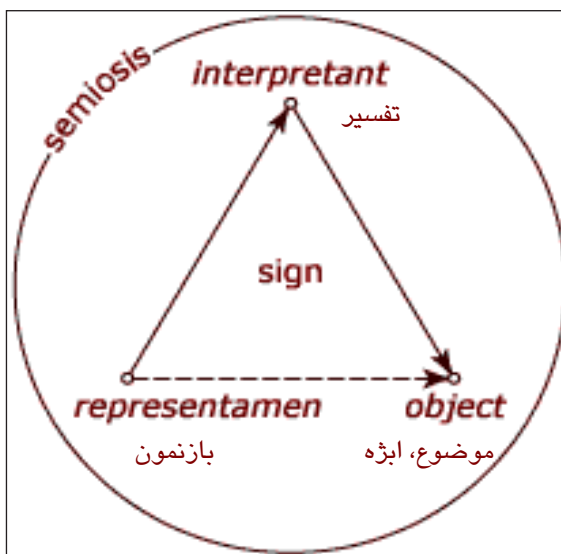
تمبرهای روز کودک در ایران حاوی چهره ولیعهد پهلوی بود و در ادامه تا سال ۱۳۵۶ تمبرها بیشتر با رویکرد نقاشی کودکان بود و بانام «روز کودک» یا «هفته کودک» نامیده می‌شد. از سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ تمبرها با عنوان «روز جهانی کودک» وجود دارد که به‌عنوان موضوع<sup>۱</sup> مهم فرهنگی در نظر گرفته شده است و با مضمون‌هایی از قبیل انقلاب، جنگ، دفاع مقدس، حمایت از کودکان فلسطینی، ارتباط بین‌الملل، و داستان‌های ایرانی طراحی شده است. با بررسی و مطالعه کتاب راهنمای تمبر ۱۴۰۲ و تحقیق از سایت و موزه ارتباطات تهران و مجموعه داران تمبر متوجه شدیم که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ تمبری با موضوع روز کودک یا روز جهانی کودک چاپ و منتشر نشده است؛ درحالی که این موضوع در کشورهای دیگر چون چین و هند وجود دارد و به آن پرداخته می‌شود.

۱. موضوع، امر مورد بحث است که ممکن است عینی و واقعی (مثل منظره طبیعی) یا ذهنی و تصویری (مثل واقعه تاریخی) باشد؛ اثر هنری هم می‌تواند گاهی موضوع محسوب شود (پاکباز، ۱۳۹۳، ص ۵۵۰). انواع تمبر براساس موضوع عبارت‌اند از: ۱- سیاسی؛ ۲- فرهنگی؛ ۳- مذهبی؛ ۴- اجتماعی؛ ۵- اقتصادی؛ ۶- اقلیمی؛ ۷- خدماتی. هر موضوع خود می‌تواند دارای چند مضمون باشد.



## ۵. مبانی نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی کلاسیک را می‌توان چارچوب نظری نشانه‌شناسی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک در نظر گرفت. نشانه‌شناسی علمی است که طبق الگوها و مکانیسم ارتباطات به مطالعه نشانه‌ها و کاربرد آن‌ها می‌پردازد. از نظر نشانه‌شناسی، نشانه‌ها می‌توانند به شکل کلمات، تصاویر، اصوات و اشیا ظاهر شوند. به اعتقاد پیرس: «کل جهان اگر نگوییم فقط از نشانه‌ها تشکیل شده‌است، بی‌تردید سرشار از نشانه‌هاست» (سجودی ۱۳۹۰، ص ۲۷۳). بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی به مفهوم امروزی آن چارلز ساندرز پیرس فیلسوف آمریکایی و فردینان دوسوسور، زبان‌شناس سوئیسی بودند که تقریباً در یک دوره می‌زیستند و به صورت بنیادی مفهوم نشانه‌شناسی را مطالعه کردند. پیرس بنیان‌گذار نهضت فلسفی پراگماتیسم است. در ادامه به توضیح نظریه پیرس می‌پردازیم تا از آن برای نشانه‌شناسی تمبرهای روز جهانی کودک استفاده کنیم. چارلز ساندرز پیرس معنای هر اندیشه را با ارتباط سه‌الگویی سه‌وجهی بیان کرد که متشکل شده‌است از: ۱- بازنمون (صورتی که نشانه به خود می‌گیرد که الزاماً مادی نیست)؛ ۲- تفسیر (معنایی که از نشانه حاصل می‌شود)؛ ۳- موضوع (نشانه به آن ارجاع می‌دهد) (تصویر ۱). لازم به ذکر است که معنی مستقیماً به نشانه متصل نیست؛ در عوض، از طریق تعامل بین بازنمون و تفسیر و موضوع واسطه می‌شود. پیرس از این به عنوان فرایند نشانگی یاد کرد. تصویر ۱، این روابط را نشان می‌دهد. (خط چین نشان‌دهنده مسیر غیرمستقیم بین بازنمون و موضوع است).



### تصویر ۱

الگوی نشانه‌شناسی پیرس (Bzn.ir)  
p. ۵۳۶۶



پیرس نشانه را شامل موضوع و مصداق می‌داند (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). پیرس تعامل میان بازنمون، موضوع و تفسیر را نشانگی می‌داند. او در ادامه نظریاتش، سه نوع نشانه را از یکدیگر متمایز می‌کند: ۱- شمایل<sup>۱</sup> (مبنای مشابهت که به سه دسته تصویری، ساختاری، استعاری تقسیم می‌شود؛ مثل عکس، ماکت)؛ ۲- نمایه‌ای<sup>۲</sup> (مبنای علیت و مجاورت؛ مثل دود، درد)؛ ۳- نمادین<sup>۳</sup> (نشانه‌های عام که از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند یافته‌اند و براساس رابطه قراردادی و اجتماعی به موضوع دلالت می‌کند؛ مثل حروف الفبا) (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

فنون بلاغی، در قلمرو نشانه‌شناسی نیز وجود دارد که شامل آرایه‌های ادبی لفظی و معنوی می‌شود که از این بین در طراحی تمبرها شکل‌گیری گفتمان بیشتر به دو صورت ممکن انجام می‌شود: ۱- استعاری که برپایه تشابه و ۲- مجاز که برپایه مجاورت به دنبال موضوعی دیگر می‌آید. هر واژه، از لایه‌های مختلفی تشکیل شده است: ۱- معنای صریح؛ ۲- معنای ضمنی؛ ۳- مفاهیمی که هر دو نوع مدلول صریح و ضمنی را دارد. ۱- صریح (معنای تحت‌اللفظی و رایج، نشانگر اجماع همگانی)؛ ۲- ضمنی (معنایی به تداعی‌های اجتماعی، فرهنگی و شخصی و...) که با عواملی چون طبقه، سن، جنسیت، و قومیت و... ارتباط دارد. ۳- بارت دلالت دیگری را به نام اسطوره مطرح می‌کند (ایدئولوژی‌های غالب دوران‌ها که با دلالت ضمنی بسیار ارتباط دارد) که دلالت صریح و دلالت ضمنی در تلفیق با یکدیگر ایدئولوژی را تولید می‌کنند که دیگر نظریه‌پردازان آن را مرتبه سوم دلالت دانسته‌اند (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۷۹-۷۳).

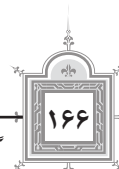
## ۶. فرهنگ و هویت

فرهنگ مجموعه‌ای از گرایش‌ها، ارزش‌ها، اهداف و اعمال مشترکی است که جامعه پیرو آن است. تولید و انتقال فرهنگ به عهده جامعه است. تایلور در کتابش، فرهنگ را حافظه غیرموروثی جامعه می‌داند؛ تجربه‌هایی که جامعه در طول تاریخ از سر گذرانده است. فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد (مشخصات اساسی، اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی و...) گفته می‌شود که او را از دیگران متمایز می‌کند (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

## ۷. یافته‌های تحقیق

همان‌طور که گفته شد تمبر روز کودک در ایران از سال ۱۳۴۶ حاوی چهره و لیعهد پهلوی بود و در ادامه تا سال ۱۳۵۶ تمبرها با مضمون ادبیات داستانی بیشتر با تکنیک نقاشی کودکان بود که از این تمبرها با عنوان «روز کودک» یا «هفته کودک» یاد می‌شد. پس از بررسی و جمع‌آوری تمبرهای روز جهانی کودک از ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ متوجه شدیم که در

1. Icon
2. Index
3. Symbol



این ۴۴ سال فقط در ۱۲ سال، تمبر روز جهانی کودک در ایران انتشار یافته‌است. سیر تمبرهای روز جهانی کودک از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ در جدول ۱ به همراه تصویر و مضمون آن بررسی شده‌است (جدول ۱). تاریخچه تمبرهای روز جهانی کودک از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ شامل مضامین مختلف مانند دفاع، شهادت، مبارزه و انقلاب، جنگ، تحصیل، حمایت از کودکان فلسطینی، ملیت، جهانی‌شدن، پست و داستان‌های ایرانی است. در این تمبرها کودکان نیز حضور دارند که نشانگر حضور مهم و فعال آنان در جامعه است. زمانی که وضعیت کشور متعادل‌تر می‌شود، تمبرها به مضامین زندگی، تحصیل و تهذیب نیز می‌پردازند. پس از سال ۹۵ هم تمبرهای مرتبط با این روز دیگر چاپ نشده‌اند.

تاریخ	۱۳۵۷/۰۷/۰۱	۱۳۶۵/۰۳/۱۱	۱۳۶۷/۰۳/۱۱	۱۳۶۹/۰۳/۱۱
تصویر				
طراح	-	-	محمد مهروان	-
مضمون	انقلاب و شهادت	تصویر حسین فهمیده و جملات امام خمینی	کودکان	درس و تحصیلات
ابعاد	cm ۲,۹۴۴	cm ۳,۳۴۴,۶	cm ۳,۳۴۴,۶	-
قیمت	ریال ۵,۳۰۲	ریال ۱۵	ریال ۲۰	-
تاریخ	۱۳۷۰/۰۸/۰۶	۱۳۷۱/۳/۱۱	۱۳۷۷/۰۸/۲۳	
تصویر				

### جدول ۱

تمبرهای روز جهانی کودک (منبع:  
نگارندگان)



تاریخ	۱۳۵۸/۰۷/۰۱	۱۳۶۵/۰۳/۱۱	۱۳۶۷/۰۳/۱۱	۱۳۶۹/۰۳/۱۱
طراح	محمد مهروان	-	محمد مهروان	خانم تراچی
مضمون	مبارزه با اسرائیل	مسجد الاقصی	کودک در حال تاب بازی	دختران در نقاط مختلف جهان
ابعاد	-	cm ۳,۱۴,۱	cm ۳,۱۴,۱	cm ۳,۳۴,۶
قیمت	۵۰ ریال	۵۰ ریال	۵۰ ریال	۱۵۰ ریال
تاریخ	۱۳۸۷/۰۷/۱۷	۱۳۹۲/۰۷/۱۶	۱۳۹۴/۰۷/۱۶	۱۳۹۵/۰۷/۱۶
تصویر				
طراح	صراف زادگان و طاهری	صراف زادگان و طاهری	فریباروفر	پرویز کلانتری
مضمون	تصویر کره زمین و بچه‌ها و پاکت نامه	مجموعه داری تمبر	نمادهای ایرانی	داستان رویاه و زاغ
ابعاد	cm ۳,۳۴,۶	cm ۶,۵۴,۵	cm ۴,۴۳,۲	cm ۴,۴۳,۲
قیمت	۱۲۰۰ ریال	۴۵۰۰ ریال	۹۰۰۰ ریال	۹۰۰۰ ریال

### ادامه جدول ۱

تمبرهای روز جهانی کودک (منبع: نگارندگان)

## ۸. نشانه‌شناسی چهار تمبر روز جهانی کودک در ایران

برای درک بهتر مفهوم تمبر روز جهانی کودک، به چارچوبی نظری نیازمندیم که بافت گفتمانی انتقال پیام را به صورت روشن و مشخصی نشان دهد. مناسبات فرهنگی و تاریخی بر طراحی تمبرها تأثیر گذارند و می‌توانند فرهنگ و هویت کشور را معرفی کنند. در این پژوهش از بین ۱۲ تمبر روز جهانی کودک در ایران چهار تمبر از چهار دهه گذشته انتخاب شده‌اند که در بردارنده ویژگی‌های گرافیکی و مفهومی هستند. این تمبرها بر اساس چارچوب





نشانه‌شناسی پیرس بررسی می‌شوند. در ابتدا به توصیف هر تمبر پرداخته می‌شود؛ سپس کیفیات بصری تمبر، کادر، ساختار، ترکیب‌بندی و معنای آن بررسی می‌شود و در پایان هر تحلیل، جدولی مربوط به انواع نشانه‌های موجود در تمبر ارائه می‌شود.

### ۱.۸. نمونه یک

اولین تمبرهایی که به بررسی آن می‌پردازیم، تمبرهای یادگاری سال ۱۳۵۸ با عنوان سال بین‌المللی کودک است که در سه قطعه به ارزش‌های ۲، ۳، ۵ ریال چاپ شده‌اند. این تمبرها در اندازه‌های رایج بر روی کاغذ سفید با گوشه‌های دندانه‌ای چاپ شده‌اند. تعداد قطعه تمبر در این سری سه عدد است. تیراژ این سری هفتصد هزار است و قیمت اسمی این سری ده ریال (جمع سه قطعه) است (تصویر ۲).



#### تصویر ۲

تمبر ایرانی روز جهانی کودک چاپ شده در  
سال ۱۳۵۸ (B2n.ir/m۴۵۸۱۰).

### ۱.۱.۸. تحلیل نمونه یک: تمبر ایرانی روز جهانی کودک چاپ شده در سال ۱۳۵۸

همان‌طور که گفته شد در این سال دو تمبر با کادر افقی و یک تمبر با کادر عمودی با عنوان سال بین‌المللی کودک با مضمون انقلاب و شهادت و پیروزی طراحی شد. در مرکز این سه تمبر، تصویر نقاشی کودکان در کادر مستطیل شکلی به رنگ آبی قرار گرفته است که در بالای آن عبارت پست جمهوری اسلامی ایران و در پایین آن عنوان سال بین‌المللی کودک به رنگ مشکی نوشته شده است و ارزش پولی هر تمبر به فارسی و انگلیسی با رنگ قرمز نوشته شده است. در سمت راست، عبارت «جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup> و در سمت چپ، عبارت «سال بین‌المللی کودک ۱۹۷۹»<sup>۲</sup> به فرانسوی نوشته شده‌اند. کادر در دو تمبر راست و وسط افقی است و در تمبر چپ عمودی است. در هر سه تمبر شمایی از انسان وجود دارد که در تمبر اول و سوم خانم‌ها عنصر اصلی هستند.

1. REPUBLIQUE ISLAMIQUE DE L'IRAN
2. ANNEE INTERNATIONALE DE L'ENFANT 1979



در تصویر سمت راست ۵ خانم با چادر و لباس با رنگ غالب مشکی در نزدیکی هم به صورت افقی جمع شده و تظاهرات کرده‌اند که در دست‌های آن‌ها دو تابلو با شعار و نوشته‌هایی قرار دارد که یکی از نوشته‌ها، شعار «می‌کشم، می‌کشم آنکه برادرم کشت» است و در دست دومین خانم از سمت راست گل لاله قرمز رنگ دیده می‌شود و یکی از دست‌های چهارمین خانم به صورت مشت است و دو شاخه گل از دست چپ آن افتاده است و بر روی زمین هم هشت گل لاله روییده است. خورشید در راست بالای تصویر با دایره‌ای قرمز رنگ نمایش داده شده است و پس‌زمینه به رنگ زرد است.

در تصویر وسط، مردی با لباس مشکی تقریباً در وسط کادر به صورت افقی قرار گرفته است که از قسمت قلب آن خونی ریخته و جریان پیدا کرده و به ده عدد گل لاله سرخ کوچک و یک گل لاله بزرگ به رنگ قرمز تبدیل شده است که در درون آن تعداد زیادی از مردم در پس‌زمینه‌ای قرار دارند که نیمه بالای آن قرمز و نیمه پایین آن زرد است. در تصویر سمت چپ دو دختر بچه با تفنگ در دست در یک سوم پایینی کادر قرار گرفته‌اند. در پایین کادر گل لاله و چمن و در بالای کادر خورشید و آسمان آبی و کوه وجود دارد و در بالای سر دختران پرندهای نارنجی رنگ دیده می‌شود.

در تمامی این سه تمبر لوگوی حمایت از کودکان با رنگ مشکی در سمت راست بالا در فضای خالی قرار گرفته است. با گذر از لایه صریح این تمبرها که درباره روز جهانی کودک است که به صورت نقاشی کودکان کشیده شده است به لایه‌های ضمنی می‌رسیم که مضمون شهادت، ایستادگی و مبارزه برای رسیدن به انقلاب در آن گنجانیده شده است که این با لایه اسطوره ارتباط بسیار نزدیکی دارد و باور و اندیشه مردم ایران یعنی شهادت در راه خداوند و رسیدن به پروردگار و ایدئولوژی انقلاب ایران را نشان داده است. در این تمبرها هر تصویر انسان نماینده‌ای از مردم ایران است که به ایستادگی و حتی شهادت رسیده‌اند. در این مجموعه هر سه نوع نشانه شمایی، نمایه‌ای، و نمادین دیده می‌شود. در هر سه این تمبرها گل لاله دیده می‌شود که در ادبیات حماسی ایران نمادی از خون شهیدان و عشق به رسیدن به خداوند است. در هر سه تصویر دست‌ها به سمت بالا هستند؛ به نشانه ایستادگی تا پای جان. در تمبر سمت چپ به کودکان بیشتر توجه شده است و با انتخاب رنگ و ترکیب عناصر بصری و گل لاله که نماد خون شهیدان است این معنا را آشکار می‌سازد که سرزمینی آزاد و آباد داشته باشیم و پرند در تصویر می‌تواند نمادی از پرند صلح و آزادی باشد. تصویر وسط در لایه‌های بالاتر به مفهوم شهادت در راه خدا و حفاظت از جان و مال مردم پرداخته است. تعداد زیاد گل‌های لاله می‌تواند تعداد زیادی از شهیدان این مملکت را نشان دهد که جان خود را در راه مردم از دست داده‌اند و در



تصویر سمت راست خانم‌هایی غیور نشان داده شده‌است که مسئول رشد و شکوفایی جامعه هستند. رنگ‌ها به‌گونه‌ای گرم انتخاب شده‌اند تا حرارت و شور مردمی را نشان دهند. نوشتار دور تمبر به‌خط نستعلیق است. نوشته درون تصویر دست‌نویس است؛ زیرا می‌خواهد صمیمی‌تر و به مردم نزدیک‌تر باشد. ترکیب‌بندی این سه تمبر از راست به چپ عبارت است از: افقی، مثلث، عمودی. تکنیک آن نقاشی‌گونه است که با مخاطب خود بهتر ارتباط برقرار کند و قابل فهم باشد. تفسیر این تمبرها برای کودکان ارزش‌ها و تاریخ ایران را یادآور خواهد شد. در آخر به این نکته باید توجه کرد که عناصر رنگ و ترکیب‌بندی این تمبر به‌صورت مناسب در کنار هم قرار گرفته‌اند و مفهوم را به‌درستی انتقال داده‌اند و در ضمن ایده ایدئولوژی زمان خود یعنی انقلاب را به‌خوبی نشان داده‌اند. در جدول ۲ تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تمبر روز جهانی کودک در سال ۱۳۵۸ براساس نوع نشانه (شمایلی، نمایه‌ای، نمادین) طبق نظریه نشانه‌شناسی پیرس جمع‌بندی شده‌است و توضیحی درباره نمادها داده شده‌است.

نام تمبر		تمبر ایرانی روز جهانی کودک (۱۳۵۸)
توضیح	نوع نشانه	تصویر تمبر
شمایلی: چند زن با دو تابلو و پلاکارد در دست. نمایه‌ای: دست‌های مشت‌شده به‌منظور اعتراض. نمادین: گل‌های لاله نماد شهیدان است. این تمبر به نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران اشاره دارد و به‌صورت ضمنی قیام و انقلاب را برای کودک نشان داده‌است.	شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین	
شمایلی: شمایل از انسان و تعداد زیادی از مردم به‌تصویر کشیده شده‌است. نمایه‌ای: افقی بودن مرد، نمایه‌ای از مرگ و شهادت در راه مردم است. نمادین: گل لاله و رنگ قرمز نمادی از شهدا است. این تمبر به موضوع شهادت در راه خدا، ناموس و وطن اشاره دارد و تبدیل خون شهید به گل لاله‌ای که در آن تصویر مردم است به این ایدئولوژی اشاره دارد.	شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین	

## جدول ۲

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تمبر  
ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۵۸  
براساس نوع نشانه (منبع: نگارنده)



نام تمبر		تمبر ایرانی روز جهانی کودک (۱۳۵۸)
تصویر تمبر	نوع نشانه	توضیح
	شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین	شمایلی؛ دو کودک در طبیعت به همراه تصویر گل و چمن کشیده شده است. نمایه‌ای: بالابردن دست نمایه‌ای از پیروزی و شادی است. نمادین: پرنده و طلوع خورشید نمادی از صلح و خوشبختی است. پیام این طرح در لایه‌های زیرین، وضعیت و نقش کودکان در پیروزی انقلاب است.

### ادامهٔ جدول ۲

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۵۸ (براساس نوع نشانه (منبع: نگارنده)

### ۲.۸. نمونهٔ دو

این تمبر در سال ۱۳۶۹ با عنوان روز جهانی کودک به ارزش ۲۰ ریال چاپ شد. در تصویر ۳، «پاکت مهرروز» تمبر روز جهانی کودک ۱۳۶۹ را به همراه مهری (به شکل تمبر آن سال با جوهر مشکی چاپ شده است) که از آن ساخته شده است مشاهده می‌کنید. در این سال تمبر روز جهانی کودک با مضمون درس و تحصیلات طراحی شد. این تمبر به صورت عمودی با کادر مستطیل آبی رنگ با ضخامت کم بر کاغذ سفیدرنگ قرار گرفته است. زبان نوشتاری استفاده شده در این تمبر فارسی و انگلیسی است (تصویر ۴).



۱. پاکت مهرروز: ته‌نقش تمبرهای یادگاری را در روز انتشار بر روی پاکت مصور مخصوص یا آرم‌دار شرکت پست که توسط شرکت پست یا اشخاص تهیه شده است چسبانده می‌شود و با مهر مخصوص و یا مهر تاریخ‌دار پستی روز ابطال می‌شود که این پاکت‌ها همانند تمبر دارای ارزش هستند.

### تصویر ۳

پاکت مهرروز<sup>۱</sup> تمبر روز جهانی کودک (B2n.ir/۶۸۶۸۴۵) سال ۱۳۶۹



## تصویر ۴

تمبر ایرانی روز جهانی کودک سال ۱۳۶۹  
(BYn.ir/۴۱۰۱۱)



### ۱.۲.۸. تحلیل نمونه دو (تمبر ایرانی روز جهانی کودک ۱۳۶۹)

در مرکز تصویر، سه مداد به رنگ آبی، صورتی و سبز به ترتیب بلند به کوتاه دیده می‌شود که از هر کدام پنجره‌ای باز شده است و از این سه پنجره چهار کودک بیرون آمده‌اند. در این تمبر، تصویر کودکان دختر و پسر حضور دارد. روی مدادها تصاویری از گل، طبیعت، آسمان و ستاره‌ها دیده می‌شود. پیام صریح این تمبر، تصویر شمایی از سه مدادرنگی و چهار کودک است؛ ولی در لایه‌های بعدی این پیام را به صورت ضمنی می‌رساند که باید به موضوع کودکان و حال و هوا و تحصیل آن‌ها توجه کنیم و سپس به این مفهوم مهم و ارزشمند برسیم که تحصیل و علم دریچه‌ای به سوی آینده است و جزء حقوق کودکان محسوب می‌شود. در اینجا مداد نمایه‌ای از تحصیل و علم و دانش است؛ زیرا با درس و مدرسه ارتباط دارد و پنجره نمادی از روشن‌بینی و گشودگی و پیشرفت است. جهت روبه‌بالای مدادها پیشرفت در عمل و تحصیل را نشان می‌دهد و طبیعت و ستاره‌ها و رنگ‌ها به نحوی دیدگاه و زندگی رنگارنگ همراه با شادی و رفاه را بیان می‌کند. تفسیر دیگری که می‌توان از این تصویر داشت این است که نوک تراشیده و سالم مدادها نشانه‌ای از ابتدای مسئولیت کودکان است و شرایط مهیا است و موانعی مثل شکستگی وجود ندارد و کودکان حق پیشرفت دارند. همچنین ارتفاع این مدادها نشان‌دهنده مدادهای تازه و کمتر استفاده شده است که می‌توان این دیدگاه را بیان کرد که کودکان اول راه هستند و تازه تحصیل و دانش را شروع کرده‌اند و به مرور می‌توانند تجربه کسب کنند. انتخاب رنگ و نوع تصویرسازی و تکنیک و ترکیب‌بندی این اثر با کودکان بسیار سازگار است و باعث خوانش بهتر شده است. در جدول ۳ جمع‌بندی تحلیل نشانه‌های تصویری تمبر ایرانی روز جهانی کودک سال ۱۳۶۹ همراه با توضیحی مختصر آمده است.



نام تمبر		تمبر ایرانی روز جهانی کودک سال ۱۳۶۹
توضیح	نوع نشانه	تصویر تمبر
شمایلی: سه مداد و چهار کودک به صورت شمایلی نشان داده شده است. نمایه‌ای: مدادهای رنگی نشانه‌های نمایه‌ای است که یادآور درس و تحصیل است نمادین: نوع ترکیب‌بندی و انتخاب رنگ و تصویر سبب القای پیامی نمادین در جهت رشد و تحصیل کودکان است.	شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین	

### جدول ۳

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تمبر ایرانی روز جهانی کودک ۱۳۶۹ براساس (نوع نشانه (منبع: نگارندگان)

### ۳.۸. نمونه سه

در سال ۱۳۷۸، ۱۰ تمبر با موضوع روز جهانی کودک چاپ شد. هر تمبر ۱۵۰ ریال ارزش داشت و شامل تصویر دختر کودکی با لباس محلی و پس‌زمینه‌ای از محیط زندگی‌اش بود. با توجه به نمادهای موجود در هر تمبر، می‌توان به کشور و منطقه مربوطه پی برد. در هر تمبر، دست کودک در حال نگاه‌داشتن شاخصی مرتبط با محیط است. در تصویر ۵، در ردیف اول از راست به چپ: دختر آذربایجانی، دختر آفریقایی، دختر اسکیمو، دختر مکزیکی، دختر ایرانی و در ردیف پایین از راست به چپ، دختر عرب، دختر سرخ‌پوست، دختر هندی، دختر چینی، دختر اروپایی وجود دارد.



### تصویر ۵

تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال (۱۳۷۸) (منبع: موزه ملک)



### ادامه تصویر ۵

تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال  
۱۳۷۸ (منبع: موزه ملک)

### ۱.۳.۸. تحلیل فونته سه (تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸)

این ده تمبر با طراحی جذاب و متنوع، شامل تصویر دختری با لباس مشخص و وسایل خاص در مرکز و تصاویر معماری یا حیوانات خاص هر منطقه است. عبارت جمهوری اسلامی ایران و قیمت به صورت انگلیسی و سال انتشار و ارزش تمبر به فارسی نوشته شده است (تصویر ۵). در تحلیل این بلوک باید گفت که لباس و نحوه ایستادن کودکان نشان‌دهنده هویت و تاریخ هر کشور است و لباس هر دختر مربوط به بخش مشخصی از جهان است. برای مثال دختر ایرانی لباس ایرانی، دختر هندی لباس هندی و... بر تن دارند. در هر تمبر نشانه‌ای نمادین از عناصر معماری برای نمایش دادن ملیت در نظر گرفته شده است. برای مثال برج آزادی برای ایران، تاج‌محل برای هند و... در تمبر ترکیب شده است. در انتخاب رنگ این سری تمبر به روان‌شناسی رنگ توجه شده است و رنگ‌ها بیان نمادین دارند و با میزان سرد و گرم کردن رنگ‌ها، اقلیم هر منطقه را نشان داده‌اند. در تمبر ترکیب‌بندی منتشر دیده می‌شود که باعث می‌شود بیننده ابتدا به شکل انتزاعی کل پیام را از طریق شخصیت دختر و معماری دریافت می‌کند و در مرحله بعد محتوا، ترکیب، اصول، مبانی و شیوه اجرا را در ذهن جمع‌بندی می‌کند و پیام نهایی را درک می‌کند. دختران و عناصر معماری از نمای روبه‌رو و کامل به نمایش کشیده شده‌اند. این زاویه با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و اطلاعاتی کلی به او می‌دهد. نوع نمایش و قرارگیری کودکان در مرکز هر تصویر همراه با نشانه‌هایی از هر منطقه می‌تواند نشان‌دهنده نمایندگی هر دختر از کشور و نژاد خود باشد. از سلسله‌مراتب نمایش عناصر بصری در این سری تمبر به خوبی و با استفاده از

نمایش اندازه‌های متفاوت در تصاویر برای ایجاد پرسپکتیو استفاده شده است. در نگاه اول، کودک با اندازه بزرگ‌تر در مرکز تصویر با لباس محلی دیده می‌شود و سپس بقیه نشانه‌ها و عناصر بصری، کوچک‌تر و دورتر از شخصیت کودک به تصویر کشیده شده‌اند. در این سری تمبر، کودک با فنون بلاغی مجاز مُرسلی است به‌عنوان جزئی (نشانه‌ای) از کلیت اقوام مختلف و ضمن بازتولید، آن را به نوعی گفتمان تبدیل می‌کند و با قراردادن تصاویر کودک در جلو کادر به‌سمت نشانه‌ای و گفتمان وارد می‌شود و دائماً ملیت‌های مختلف در کنار هم را به مخاطب یادآوری می‌کند. همان‌طور که بیان شد در این تمبرها از رنگ استفاده نمادین شده است و هر رنگ نمادی از شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی آن منطقه است. برای مثال در تمبر شماری سه ردیف اول برای سردی، رنگ آبی و برای گرمی مناطق گرم، رنگ قرمز و یا زرد انتخاب شده است. نکته بااهمیت در لایه‌های عمیق‌تر تمبر این است که برای نشان‌دادن روابط و دوستی بین کشورها نیم‌دایره‌هایی در سمت چپ تمبرها قرار دارد که رنگ آن با رنگ پس‌زمینه تمبر قبلی (تمبر سمت چپی) مشابه است (این نظم در مرتب‌سازی افقی تمبرها وجود دارد)؛ و هم‌چنین نیم‌دایره‌ای در پایین تمبرها قرار دارد که رنگ آن با رنگ پس‌زمینه تمبر قبلی (تمبر سمت پایینی) مشابه است (این نظم در مرتب‌سازی عمودی تمبرها وجود دارد). در هر لایه از این تمبرها پیامی متفاوت وجود دارد. برای مثال در تمبر مربوط به دختر آفریقایی، مخاطب در لایه صریح، اول کودک سیاه‌پوست را می‌بیند و در لایه‌های بعدی متوجه ملیت او می‌شود و سپس پیام نهایی تمبر را دریافت می‌کند. تصویر کودک و ترکیب‌بندی عناصر و رنگ و زاویه دید کودک در این تمبرها کودک را به‌نماینده‌گی از آن ملت نمایش می‌دهد و رابطه‌ای که کودکان هر کشور باهم دارند و این با موضوع تبریک روز کودک سازگار است و نوشتار انگلیسی هم به‌سبب رواج بین‌المللی آن نشانه ارتباط بین ملت‌ها است. نکته قابل تأمل در طراحی این سری تمبر این است که لباس بعضی از اقوام به‌خوبی نمایش داده نشده است و مطابق با پوشش زنانه هر منطقه نیست. برای مثال با توجه به نام ثبت‌شده در موزه ملک برای تمبر دختر آذربایجانی و عرب بهتر بود تا برای انتقال دقیق پیام از لباس مربوط به بانوان آذربایجانی و عربی استفاده شود. در جدول ۴، هر تمبر به تفکیک نوع نشانه‌های تصویری آن همراه با توضیحات مختصر بررسی شده است.





تم‌های ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸		نام تم
توضیح	نوع نشانه	تصویر تم
<p>شمایلی: دختر آذربایجانی، درخت و برف. نمایه‌ای: نوع حرکات بدن دختر نمایه‌ای برای دریافت رقص آذری است. نمادین: استفاده از رنگ آبی نمادی از سرما و برف است. لباس دختر نمادی از قوم آذری است.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: دختری چینی با لباس مخصوص چین و مدل مو و صورت چینی. نمایه‌ای: حالت ایستادن و نوع قرارگیری دست‌ها نشان‌دهنده آداب چینی‌ها است. نمادین: در نزدیکی پای دختر گیاه خیزران وجود دارد که نماد تفکرات بعضی از چینی‌ها است و در پشت او معماری چینی وجود دارد.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: دختر سرخ‌پوست با لباس مخصوص و کیفی پر از تیرکمان که بر دوش دارد و خرگوشی در کنار پای او ایستاده است. نمایه‌ای: در پشت سر دختر چادرهای آن‌ها طراحی شده است که به سبک زندگی آن‌ها اشاره دارد. نمادین: استفاده نمادین از رنگ زرد برای گرما و نوع پوشش و سر بند مربوط به سرخ‌پوستان.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: کودک دختر ایرانی که روسری سبز رنگ بر سر دارد و لباس ایرانی پوشیده شده است. نمایه‌ای: نوع پوشش و لباس و مدل صورت و ابرو نشانه‌هایی از چهره‌های ایرانی دارد. نمادین: برج آزادی نمادی از ایران و مقبره حافظ نمادی از فرهنگ و ادبیات ایران است.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	

#### جدول ۴

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تم‌های ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸ براساس نوع نشانه (منبع: نگارندگان)



نام نمبر		نمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸
توضیح	نوع نشانه	تصویر نمبر
<p>شمایلی: کودکی با لباس اسکیمویی که نيزه‌ای در دست دارد و در پشت آن دو خانه پخی دیده می‌شود.</p> <p>نماینده: نوع پوشش و وسیله در دست او نمایه‌ای و یادآور انسان اسکیمو است.</p> <p>نمادین: رنگ آبی نمادی از سرما است و رنگ قرمز پیراهن کودک نمادی از گرما می‌تواند باشد.</p>	<p>شمایلی؛ نماینده؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: دختری عرب با لباس عربی که خرما در دست دارد.</p> <p>نماینده: نوع پوشش و ظرف خرما در دست دختر نمایه‌ای و یادآور انسان عرب است.</p> <p>نمادین: شتر و درخت نخل نشانه‌هایی نمادین از عربستان است.</p>	<p>شمایلی؛ نماینده؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: کودکی با لباس مکزیک‌ای چوبی در دست دارد. در کنار پای این کودک دختر پنج خوشه گندم طراحی شده است.</p> <p>نماینده: نوع پوشش و نحوه ایستادن به مکزیک اشاره دارد.</p> <p>نمادین: در پس‌زمینه نمبر سه کاکتوس قرار دارد؛ کاکتوس در نشان ملی مکزیک هم وجود دارد. برای القای اقلیم گرمسیری هم از رنگ گرم استفاده شده است.</p>	<p>شمایلی؛ نماینده؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: دختری با رنگ پوست تیره و با لباس خنک. نماینده: نوع فر و بافت موی دختر و لباس تابستانی او نشانه‌های دختری از مناطق گرم و استوایی است.</p> <p>نمادین: کرگدن و زرافه در نمای دور پشت سر دختر نمادهایی از آفریقا است.</p>	<p>شمایلی؛ نماینده؛ نمادین</p>	

#### ادامه جدول ۴

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری نمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸ براساس نوع نشانه (منبع: نگارندگان)

تم ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸		نام تم
توضیح	نوع نشانه	تصویر تم
<p>شمایلی: دختری با موی بلوند و چشم آبی و پیراهن دخترانه در مرکز تصویر وجود دارد.</p> <p>نمایه‌ای: رنگ موی سر و نوع لباس مربوط به اروپا است.</p> <p>نمادین: پشت سر دختر برج ایفل فرانسه و قطار دیده می‌شود.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	
<p>شمایلی: دختر هندی با لباس هندی به تصویر کشیده شده است.</p> <p>نمایه‌ای: حالت دست دختر نشانه‌ای از سلام کردن در هند است و نوع پوشش و شال و چهره به مردم هند اشاره دارد.</p> <p>نمادین: در پس‌زمینه تم تاج محل و فیل که نماد هند است دیده می‌شود.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	

#### ادامه جدول ۴

تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری تم ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۷۸ براساس نوع نشانه (منبع: نگارندگان)

#### ۴.۸. نمونه چهار

به مناسبت شانزدهم مهر، روز جهانی کودک، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران یک سری تمبر یادبود با موضوع «شاهنامه و کودک» در یک قطعه به ابعاد ۳۲\*۴۴ میلی‌متر و ارزش هر سری ۹'۰۰۰ ریال و تیراژ ۲۰۰'۰۰۰ سری چاپ و منتشر کرد. شایان‌ذکر است که خانم بروفر، طراح تمبر مذکور، مضامینی از شاهنامه، کلاه‌خود رستم، و سیمرغ را در طراحی این تمبر به کار برده است (تمبرستان، ۱۳۹۴، B2n.ir/r49319). در این تمبر به صورت عمودی پس‌ریچه‌ای با لباس آبی با کلاه قدیمی با دست‌های لاغر بر روی سر و پرنده‌ای سبزرنگ بر روی شانه‌اش در مرکز تصویر قرار دارد. پس‌زمینه تمبر زردرنگ است و نوشته روز جهانی کودک به صورت فارسی و زیرش انگلیسی با رنگ سفید و خط آبی در وسط پایین کادر قرار دارد و نوشته جمهوری اسلامی ایران و ارزش تمبر در بالای کادر قرار دارد (تصویر ۶).





## تصویر ۶

تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال  
۱۳۹۴ (۷۲۰۸۲/۷۲۰۸۲) (Bzn.ir)

### ۱.۴.۸. تحلیل نمونه چهار (تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۹۴)

این تمبر لایه‌های مختلفی دارد. در ابتدا در لایه صریح آن کودکی در حال بازی با کلاه و پرنده است و در لایه‌های بعدی، کودک، کلاهی بر سر دارد و پرنده‌ای سبزرنگ بر شانه او نشسته است و لحظات کودکی را بیان می‌کند. در لایه‌های بعدی استفاده از سیمرغ نمایه‌ای از شاهنامه است که نمادی از دانایی و خردمندی است، کلاه خود نمایه‌ای از رستم است که رستم در نگاره‌های شاهنامه به وسیله دو نماد تصویری از پهلوانان دیگر شاهنامه تمایز و تشخیص پیدا می‌کند. این دو نماد عبارت است از کلاه خود دوشاخ از سر دیو و ببر بیان؛ دوشاخ بودن آن نماد قدرت و اقتدار است و دیوسر بودن آن با کلاه‌های توتیمیک در ارتباط است (ماه وان، ۱۳۹۶، ص ۱). در لایه‌های بعدی پیام اسطوره‌ای وارد می‌شود که کودک با دست‌های ظریف نشان از بچگی و نیروی بدنی کم مثل رستم قوی و پهلوان بشود. از سیمرغ هم که در اساطیر و فرهنگ باستان نماد خرد و دانایی است می‌توان این را برداشت کرد که این کودک می‌خواهد انسانی خردمند شود. سیمرغ، و نقوش اسلیمی و منحنی با رنگ زرد در پس زمینه نارنجی مایل به زرد طراحی شده است که به ایرانی بودن این تمبر تأکید بیشتری کرده‌اند. نوع چیدمان نوشته‌ها بهتر از سال‌های گذشته شده است و رنگ‌های تمبر متناسب با کودکان است و کتراست خوبی دارد و نگاه مستقیم کودک و حرکت دست‌های او به سمت بالا چشم را در گردش درمی‌آورد و ارتباط صمیمانه‌ای با مخاطب نشان می‌دهد. در جدول ۵ نشانه‌های تصویری تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۹۴ همراه با توضیح مختصر تحلیل شده است.



تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال ۱۳۹۴		نام تمبر
توضیح	نوع نشانه	تصویر تمبر
<p>شمایلی: کودکی به همراه پرنده و کلاه است.</p> <p>نمایه‌ای: سیمرغ نمایه‌ای از شاهنامه و کلاه خود نمایه‌ای از رستم است.</p> <p>نمادین: رستم و سیمرغ نمادی از فرهنگ و ادبیات ایران است و سیمرغ نماد خرد و دانایی و رستم نماد قدرت و اقتدار است.</p>	<p>شمایلی؛ نمایه‌ای؛ نمادین</p>	

### جدول ۵

تمبر ایرانی روز جهانی کودک در سال  
۱۳۹۴ (Bzn.ir/۷۲۰۸۳)

برای جمع‌بندی و مقایسه چهار نمونه تمبر ایرانی روز جهانی کودک در ۴ دهه گذشته، جدول ۶ ارائه شده است که در آن کیفیات بصری چون اولویت عنصر، نشانه، نقش مایه، آرایه ابلاغی، کادر، اصلی‌ترین خط، معنا و نوع قلم موجود بررسی شده است.

تمبر چهار	تمبر سه	تمبر دو	تمبر یک		
				تصویر	اولویت‌میزان استفاده (وسعت و سطح)
*	*	*	*	نوشتار	
*	*	*	*	شمایلی	نشئه
*	*	*	*	نمایه‌ای	
*	*	*	*	نمادین	

### جدول ۶

مقایسه ۴ تمبر ایرانی روز جهانی کودک از  
۴ دهه گذشته و بررسی کیفیات بصری و  
نقوش و نشانه (منبع: نگارندگان)



*	*	*	*	انسانی	نوع نقش‌مایه
*	*		*	حیوانی	
	*	*	*	طبیعت	
	*			معماری	
		*	*	استعاره	آرایه ابلاغی
*	*		*	مجاز	
			*	افقی	نوع کادر
*	*	*	*	عمودی	
			*	افقی	اصلی‌ترین خط در ساختار
*	*	*		عمودی	
			*	مورب	
*	*	*	*	صریح	لایه دلالت‌معنایی
*	*	*	*	ضمنی	
*			*	اسطوره	
				دست‌نویس	نوع قلم
*	*	*	*	تلیپی	

### ادامه جدول ۶

مقایسه ۴ ممبر ایرانی روز جهانی کودک از ۴ دهه گذشته و بررسی کیفیات بصری و نقوش و نشانه (منبع: نگارندگان)

## ۹. نتیجه‌گیری

تمبرهای روز جهانی کودک در ایران با مضمون‌هایی متفاوت درباره حقوق کودکان طراحی شده‌اند. در طراحی این تمبرها بیشتر از تصاویر کودکان استفاده شده است تا رابطه بهتری با مخاطب ایجاد کند. مضمون‌های به‌کاررفته در این تمبرها عبارت‌اند از: انقلاب و شهادت؛ دانش‌آموز مبارز؛ کودکان؛ تحصیلات؛ مبارزه با اسرائیل؛ حمایت از کودکان فلسطینی؛ شادی و تفریح؛ ارتباط بین ملت‌ها؛ پست؛ مجموعه‌داری تمبر؛ کودک؛ شاهنامه. نشانه‌شناسی کیفیات بصری و گرافیکی تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک که در چهار نمونه از شاخص‌ترین تمبرها بررسی شد به‌دلیل معنای ضمنی و اسطوره‌ای از حد اطلاع‌رسانی فراتر رفته است و مفاهیم ارزشمندی را در درون خود دارا است. بهره‌گیری از تصویر کودکان دختر و پسر، طبیعت، اشیا، و بناها، نشانه‌های مناسبی هستند. درواقع می‌توان گفت تبدیل نظام نوشتاری به نشانه‌های شمایی و نمایه‌ای و گاه نمادین سبب دیرکرد انتقال معنا در تمبر و رمزگشایی از آن شده است. تصاویر و نشانه‌ها و رنگ‌های



تمبرها متناسب با کودکان طراحی شده‌است و در بیشتر آن‌ها فرهنگ و هویت و تاریخ ایران نشان داده شده‌است. نشانه‌نمادین در این تمبرها فقط در متن کار شده و در تمبرها سعی شده‌است تا نشانه‌های شمایی دیده شود تا درک آن راحت‌تر باشد.

در پایان نتایج پژوهش نشان داد که موضوعات و کیفیات بصری طراحی شده در تمبرهای ایرانی روز جهانی کودک، با مفاهیم روز جهانی کودک بسیار سازگار است و تصاویر، نشانه‌ها و رنگ‌ها، متناسب با کودکان، طراحی شده‌اند. در بیشتر تمبرهای یادگاری روز جهانی کودک هویت و رسوم ایرانی موجود است. بعد از سال ۹۵، دیگر پست ایران تمبر روز جهانی کودک را چاپ نکرده‌است.

## منابع

### کتاب

- پاکباز، رویین. (۱۳۹۳). *دایرةالمعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. (ج ۴). تهران: دانش سرای تهران.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: قصه.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۲). *هویت‌شناسی*. اصفهان: آرما.
- نوبین فرحبخش، فریدون. (۱۴۰۲). *راهنمای تمبرهای ایران: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی*. تهران: محمودی.
- هاجری، ضیاءالدین. (۱۳۷۵). *تمبر: جام جهان‌نما*. تهران: آوای نور.

### مقاله

- امیدی اسکوئی، صدیقه؛ ترابی ندوشن، محمدعلی؛ دواتگری، هانیه. (۱۳۹۹). «نظام گفتمانی تمبرهای دهه ۵۰ از دیدگاه نشانه‌شناسی کاربردی بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون لیون». *زبان پژوهی*، ش ۳۵، صص ۲۶۷-۲۹۵.
- صالحی قمشی، پیمان. (۱۳۸۳). «*روز جهانی کودک*». *گنجینه اسناد*، ۱۴ (۳).
- علایی، علی‌اکبر. (۱۳۴۴). «*تمبر و تمبرشناسی*». *مجله هنر و مردم*، ش ۳۷.
- متولی، عبدالله. (۱۳۹۷). «*بررسی کارکردهای تمبر پستی در دوران قاجار و پهلوی اول*». *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۳۷.
- یوزباشی، عطیه؛ رجیبی، وحید. (۱۳۹۷). «*بررسی موضوع، مضمون و ترکیب‌بندی تمبرهای دوره جمهوری اسلامی از مجموعه‌های هدایی محمود کاظمی محفوظ در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک*». *گنجینه اسناد*، ش ۲، صص ۱۰۶-۱۳۱.



## پایان نامه

سلیمانی حاجی کندی، معصومه. (۱۳۹۳). «بررسی نشانه‌شناختی تمبرهای ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰». دانشکده هنر، دانشگاه هنر تهران.  
طباطبائی، کیاءالدین. (۱۳۷۱). «نقش گرافیک در طراحی و چاپ تمبر». دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.

## منابع اینترنتی

باشگاه خبرنگاران جوان. «علت معرفی ۱۶ مهر به عنوان روز جهانی کودک در تقویم ایران، خطای کانون پرورش فکری است». (۱۳۹۷). از:  
<http://www.yjc.ir>  
تمبرستان. «تمبر یادبود روز جهانی کودک». (۱۳۹۴). از:  
<http://www.tambrestan.com/content>  
سازمان ملل. «Theme: For every child, every right». (۲۰۲۳). از:  
<https://www.un.org/en/observances/world-childrens-day>  
طاهری، فائزه. «اولین تمبر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه بود؟». (۱۴۰۱). از:  
<https://www.isna.ir/news>  
طاهری، فائزه. «تمبر به مرسولات پستی بازگشت». (۱۴۰۰). از:  
<https://www.isna.ir/news>  
ماه‌وان، فاطمه. «نمادشناسی در هنر ایران، با محوریت نمادهای بومی». (۱۳۹۶). از:  
<https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract>

## تصاویر

آبتین تمبر. «۱۹۶۹ - سال جهانی کودک ۱۳۵۸». از:  
[B2n.ir/m45810](http://B2n.ir/m45810)  
ایران تمبر. «تمبر ایرانی روز جهانی کودک سال ۱۳۶۹». از:  
[B2n.ir/s41011](http://B2n.ir/s41011)  
ایسام. «پاکت "مهرروز" تمبر روز جهانی کودک سال ۱۳۶۹». از:  
[B2n.ir/f86845](http://B2n.ir/f86845)  
موزه ملک. «بلوک ۱۰ عددی تمبر ۱۵۰ ریالی روز جهانی کودک جمهوری اسلامی ۱۳۷۸». از:





<http://malekmuseum.org/artifact/1378.10.02483>

موسسه باقری. «۳۴۱۵ – روز جهانی کودک ۱۳۹۴». از:

B2n.ir/j72083

Dahlstrom, Dana; Somayaji, Vinu. (2003). "Peircian Semiotics". of:

<https://cseweb.ucsd.edu/~ddahlstr/cse271/peirce.php>

### English Translation of References

#### Books

Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). "*Loqat-nāme-ye Deh-xodā*" (Dehkhoda Dictionary) (Vol. 4). Tehran: Dānešsarā-ye Tehrān. [Persian]

Hajari, Zia Al-Din. (1375/1996). "*Tambr: Jām-e jahān-namā*" (History of stamps). Tehran: Āvā-ye Nur. [Persian]

Najafi, Mousa. (1392/2013). "*Hoviyat-šenāsi*" (Personal identity). Esfahān: Ārmā. [Persian]

Novin Farahbakhsh, Fereydoun. (1402/2023). "*Rāhnamā-ye tambr-hā-ye Irān: Qājār, Pahlavi, Jomhuri-ye Eslāmi*" (A guide to Iranian postage stamps: Qajar, Pahlavi, Islamic Republic). Tehran: Mahmoudi. [Persian]

Pakbaz, Rouyin. (1393/2014). "*Dāyera-tol-ma'āref-e honar*" (Encyclopedia of art). Tehran: Farhang-e Mo'āser. [Persian]

Sojoudi, Farzan. (1390/2011). "*Nešāne-šenāsi-ye kārbordi*" (Applied semiotics). Tehran: Qesseh. [Persian]

#### Articles

Alayi, Ali Akbar. (1344/1965). "Tambr va tambr-šenāsi" (Stamps and philology). *Majalle-ye Honar va Mardom*, 37. [Persian]

Motevalli, Abdollah. (1397/2018). "Barresi-ye kārkard-hā-ye tambr-e posti dar dōw-rān-e Qājār va Pahlavi-ye avval" (The study of stamp functions in Qajar and the 1<sup>st</sup> Pahlavi). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical Researches), 37. [Persian]

Omidi Oskouyi, Sedigheh; Torabi Nadoushan, Mohammad Ali; & Davatgari, Haniyeh. (1399/2020). "Nezām-e goftemāni-ye tambr-hā-ye dahe-ye 50 az didgāh-e



- nešāne-šenāsi-ye kārbordi bar mabnā-ye ruykard-e tahlil-e goftemān-e enteḡādi-ye Van-Liyuven” (Fifties stamps discourse from the applied semantics perspective based on Van Leeuwen critical discourse analysis approach). *Zabān-pažuhi* (Zabanzuhhi (Journal of Language Research)), **35**, pp. 267-295. [Persian]
- Salehi Fashami, Peymaneh. (1383/2004). “Ruz-e jahāni-ye kudak” (Int’l Children’s Day (1959-1980)). *Ganjine-ye Asnād*, **14**(3). [Persian]
- Youzbashi, Atiyeh; & Rajabi, Vahid. (1397/2018). “Barresi-ye mowzu, mazmun va tarkib-bandi-ye tambr-hā-ye dowre-ye Jomhuri-ye Eslāmi az majmu’e-ye ehdāyi-ye Mahmud Kāzemi mahfuz dar Ketābxāneh va Muze-ye Melli-ye Malek” (Mahmoud Kazemi’s collection of stamps at Malek Museum: subjects, themes, and design). *Ganjine-ye Asnād*, **2**, pp. 106-131. [Persian]

#### Dissertations

- Soleimani Hajikandi, Masoumeh. (1393/2014). “*Barresi-ye nešāne-šenāsi-ye tambr-hā-ye Irān az sāl-e 1350 tā 1360*” (Semiological examination of Iranian stamps from 1350 to 1360 SH / 1971 – 1981 AD). Dāneškade-ye Honar (Faculty of Art), Dānešgāh-e Honar-e Tehrān (Tehran University of Art). [Persian]
- Tabatabaei, Kia Al-Din. (1371/1992). “*Naqš-e gerāfik dar tarrāhi va čāp-e tambr*” (The role of graphics in stamp design and printing). Dānešgāh-e Tarbiyat-e Modarres (Tarbiat Modares University), Dāneškade-ye Honar (Faculty of Art). [Persian]

#### Online sources

- Bāšgāh-e Xabarnegārān-e Javān (Young Journalists Club). (1397/2018). “Ellat-e mo’arrefi-ye 16 Mehr be ’onvān-e ruz-e jahāni-ye kudak dar taqvim-e Irān, xatā-ye Kānun-e Parvareš-e fekri ast” (The reason for introducing 16<sup>th</sup> of Mehr (October 8<sup>th</sup>) as International Children’s Day in Iran’s calendar is the error committed by the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults). Retrieved from <http://www.yjc.ir/00S5K4>. [Persian]
- Mahvan, Fatemeh. (1396/2017). “*Namād-šenāsi dar honar-e Irān, bā mehvariyat-e namād-hā-ye bumi*” (Symbolology in Iranian art, focusing on native symbols).



- Retrieved from <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1070681.html>. [Persian]
- Sāzmān-e Melal (The United Nations). (2023). "Theme: For every child, every right". Retrieved from <https://www.un.org/en/observances/world-childrens-day>.
- Taheri, Faezeh. (1401/2022). "*Avvalin tambr-e Irān pas az piruzi-ye Enqelāb-e Eslāmi čeh bud?*" (What was the Iranian first stamp after the victory of the Islamic Revolution?). Retrieved from <https://www.isna.ir/news/1401111209982>. [Persian]
- Taheri, Faezeh. (1400/2021). "*Tambr be marsulāt-e pošti bāzgašt*" (Postage stamps returned). Retrieved from <https://www.isna.ir/news/1400031007654>.
- Tambrestān. "*Tambr-e yādbud-e ruz-e jahāni-ye kudak*" (International Children's Day commemorative stamp). (1394/2015). Retrieved from <http://www.tambrestan.com/content/101--13940915>. [Persian]

### Images

- Ābtin Tambr. "*1969 – Sāl-e jahāni-ye kudak-e 1358*" (International Children's Year 1358 SH / 1979 AD). Retrieved from B2n.ir/m45810. [Persian]
- Dahlstrom, Dana; Somayaji, Vinu. (2003). "Peircian Semiotics". Retrieved from <https://cseweb.ucsd.edu/~ddahlstr/cse271/peirce.php>.
- Irān Tambr. "*Tambr-e Irāni-ye ruz-e jahāni-ye kudak sāl-e 1369*" (Iranian stamp of International Children's Day 1369 SH / 1990 AD). Retrieved from B2n.ir/s41011. [Persian]
- Isām. "*Pākat-e mohr-e ruz-e tambr-e ruz-e jahāni-ye kudak sāl-e 1369*" (Sealed envelope of International Children's Day stamp 1369 SH / 1990 AD). Retrieved from B2n.ir/f86845. [Persian]
- Mo'assese-ye Bāqeri. "*3415 - Ruz-e jahāni-ye kudak 1394*" (3415 - International Children's Day 1394 SH / 2015 AD). Retrieved from B2n.ir/j72083. [Persian]
- Muze-ye Malek (Malek National Library & Museum). "*Boluk-e 10 'adadi-ye tambr-e ruz-e jahāni-ye kudak Jomhuri-ye Eslāmi 1378*" (Block of 10 stamps of 150 Rials, International Children's Day of the Islamic Republic of 1378 SH / 1999 AD). Retrieved from <http://malekmuseum.org/artifact/1378.10.02483>. [Persian]





## Table of contents

*Ganjineh-Ye Asnad*

(Peer-reviewed Journal)

Vol.33, No.2, (Summer 2023)

Ser.No: 130

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

### Historical Research

---

- The performance of Tehran municipality in the field of urban construction in the context of authoritarianism and orderbased on enlightened despotism\ **Jafar Aghazadeh, Mohsen Parvish** 6-33(28)
- Quarantine and infectious diseases in Kermanshahan from Naserelddin to the end of Qajar\ **Fariborz Mansori, Nezamali Dehnavi** 34-58(25)
- An Analysis of the Social-Cultural Role of Iraq (Arak) Sultan Abad Traders (1906 -1941)\ **Abdollah Motavali, Mahdi Jiriyaei, Mohammad Hasanbeigi** 60-87(28)
- Examining the characteristics and functions of endowments of women in sari and bar vendors in the Qajar period; Based on the documents\ **Jamshid Noroozi, Farshid Norozi, Abbas Abedi** 88-129(42)

### Archival Studies

---

- Investigating the importance of the EBUCore metadata set for organizing audiovisual contents and resources\ **Seyedeh Sara Moosavi, Alireza Noruzi, Sepideh Ciruskabiri** 130-157(28)
- Semiotic analysis of Iranian World Children's Day stamps 1979 to 2023 (with Peirce's semiotic approach)\ **Shayesteh Karimi-Naseri Mofrad, SeyyedAbotorab Ahmadpanah** 158-187(30)
- English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**

# Ganjine-ye Asnad

## Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.33, No2, (Summer 2023)  
(130)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the  
Islamic Republic of Iran

### Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD [srezaei@alzahra.ac.ir](mailto:srezaei@alzahra.ac.ir)

### Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD [greazizi@gmail.com](mailto:greazizi@gmail.com)

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

### Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University  
of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip  
Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor,  
University of Tehran, Iran.

A.Hosseini Farajpahlou, Professor,  
Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor,  
Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University  
of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of  
Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor,  
University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

Narges Neshat, Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate  
Professor, University of Isfahan, Iran.

[ganjineh.nlai.ir](http://ganjineh.nlai.ir) | Email: [ganjinehasnad@gmail.com](mailto:ganjinehasnad@gmail.com) | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

